



1
2
3
4
5
6
7
8
9
10
11
12
13
14
15
16
17
18
19
20
21
22
23
24
25
26
27
28
29
30
31
32
33
34
35
36
37
38
39
40
41
42
43
44
45
46
47
48
49
50
51
52
53
54
55
56
57
58
59
60
61
62
63
64
65
66
67
68
69
70
71
72
73
74
75
76
77
78
79
80
81
82
83
84
85
86
87
88
89
90
91
92
93
94
95
96
97
98
99
100



VKI





ماله
٢١٤ ربيع الثاني
١٣٣١





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَدَّثَنَا السَّيِّدُ الْأَجَلُ نَحْمُ الدِّينِ
ابو نضر کرده است سید بزرگوار استواره در آن

بِهَاءِ الشَّرَفِ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ
بحال در سیاه

الْحَسَنِ ابْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ

عَمْرَانَ بْنِ أَبِي الْعَلَوِيِّ الْحَسَنِيِّ حَمْدُ اللَّهِ
ملک محمد بن صدوق الطبرستانى

قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ السَّعِيدُ أَبُو
کتابخانه سید بزرگوار در آمد در آن

عَبْدَ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ

۲۶ ذی القعدة ۱۳۳۳

شَهْرَ يَارَ الْخَازِنِ خزانة مَوْلَانَا

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
فرات داری خزانة مولانا

عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَهْرِ رَجَبِ الْأَوَّلِ
برو بزرگوار در ماه رجب اول

مِنْ سِتِّ عَشْرَةَ وَخَمْسِمَائَةَ

دوایست و پنجاه و پنج

قراءة عليه وأنا أسمع قال سمعتها

بعضهم رواه في كتابه

رواه في كتابه ذرو في سنة م كذا في كتابه

على الشيخ الصدوق في مضمون

محمد بن محمد بن أحمد بن عبد

العزيز العكبري المعدل حجه

الله عن أبي الفضل محمد بن

عبدالله بن المطيب السبائي

قال حدثنا الشريف أبو عبد الله

في المصدر كذا في كتابه

ملك محمد بن الحسين
٢٧٠ جلد الثانية
١٣٣١

جعفر بن محمد بن جعفر بن الحسن بن

جعفر بن الحسن بن الحسن بن

أمير المؤمنين علي بن أبي طالب

عليه السلام قال حدثنا عبد

برهان بن دروه كذا في كتابه

الله بن محمد بن خطاب الزيات

رواه في كتابه

سنة خمسين ومائة قال

رواه في كتابه

قال حدثني خالي علي بن النعمان

كذا في كتابه

بعضهم رواه في كتابه

بعضهم رواه في كتابه

الاعلم قال حدثني عمير بن متوكل

بن ابي عمير كوفي كوفي كوفي

الثقفي البلخي عن ابيه متوكل

ابن هرون قال لقيت يحيى بن

كوفي كوفي كوفي كوفي

زيد بن علي عليه السلام وهو متوجه

وكان له اولاد

الى الخراسان فسلمت عليه فقالا

بنو خراسان بنو كوفي بنو كوفي

لي من اين اقبلت قلت من الحج

ما از كجا مي آيد كوفي كوفي

فيا لبي عن اهله وبني عمه بالمدية

بر سوال كردم از اهله و بني عمه و فرمود كوفي كوفي

يقف قدمه

*ابن هرون كوفي كوفي كوفي كوفي
ابن هرون كوفي كوفي كوفي كوفي
ابن هرون كوفي كوفي كوفي كوفي
ابن هرون كوفي كوفي كوفي كوفي
ابن هرون كوفي كوفي كوفي كوفي*

واخفى السؤال عن جعفر بن محمد

و ما لو كذا و سوال از حال حضرت امام جعفر صادق ع

عليه السلام فاخبرته بخبره

پس پرسیدم او را بجز حضرت

وخبرهم وخبرهم على ابي زيد بن

و خبرت بن و از اوه بشان بر پيشتر زيد

علي عليه السلام فقال له قد كان عمي

پس گفت محمد را كه مي بينم عم من

محمد بن علي شار على ابي ترك

امام محمد باقر ع امر كرد پدر مرا ترك

المخرج وعرف ان هو مخرج وفاد

فروج و شناخته او را كه او خروج كند و خبرد

المدينة ما يكون اليه مصير امره

از مدینه بجا خواهد رسيد حال كه او

ابن هرون كوفي كوفي كوفي كوفي

فَهَلْ لَقِيتَ ابْنَ عَمِّي جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ

سیراء مدققتا در سیر عم مرا

عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ

گفتم ای سراف

سَمِعْتَهُ يَذْكُرُ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي

شیراز که گوید از چیزی از حال من

قُلْتُ نَعَمْ قَالَ بَرَزَكَرْنِي خَبْرِي

گفتم ای سراف

قُلْتُ جِئْتُ فِذَاكَ مَا لِحَبِّ

گفتم برآمدم فیرتو چه است پیوسته

أَنْ أَسْتَقْبِلَكَ بِمَا سَمِعْتُهُ مِنْهُ

که بگویم بر رویتو آنچه شنیدم از گفتارت

فَقَالَ يَا الْمَوْتَ تَخَوُّ فِي هَاتِي سَمِعْتُهُ

سرگشاید ای مرگ می ترسانم ما را ما را بگو شنیده ای

فَقُلْتُ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّكَ تَقْتُلُ

بر گفتم شنیدم حضرت را که میفرمود که بگریز که او را کتلت

وَصَلَبَ كَمَا قَتَلَ ابْنَكَ وَصَلَبَ

و برادر کشید و بر سر چوب کشتند و برت و برادر کشیدند

فَتَغَيَّرَ وَجْهُهُ وَقَالَ لِحَيِّ اللَّهِ مَا

برتر شد در او و گفت محو می کند مرا

لِشَاءٍ وَيَتَيْتُ وَعِنْدَهُ أَمُّ الْكِتَابِ

بیمواری و تابتی سازد بجزر بگویم و زرد او است صحران

يَا مَتَوَكَّلْ إِنَّ اللَّهَ آيِدُهُذَا

ای متوکل بر بستر که خدا بر تو تکیه کند این

الْأَمْرَ يَا وَجَعَلْنَا الْعَامَ وَالسَّنَةَ

امروا و کردیم بستر بر او علم و بیشتر را

فَجُجِعْنَا وَخَصَّنَا بِنُوعِ الْعِلْمِ

بسیار شد بستر بر او و نمودند بر او علم

بسیار شد بستر بر او و نمودند بر او علم

عز وجل

بسیار شد بستر بر او و نمودند بر او علم

فقلت

وَجَدَهُ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ اَبِي

بسم الله الرحمن الرحيم

رَأَيْتُ النَّاسَ اِلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرَ

بسم الله الرحمن الرحيم

عَلَيْهِ السَّلَامُ امِيلْ مِنْهُمْ اِلَيْكَ وَ اِلَى

ما يتر از ایشان بگوشه و بگوشه

اَبِيكَ فَقَالَ اَنْ عَمِّي مُحَمَّدٌ بِنِ عَلِيٍّ وَ اَبْنُهُ

بسم الله الرحمن الرحيم

جَعْفَرٌ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ دَعَا النَّاسَ

بسم الله الرحمن الرحيم

اِلَى الْحَيَوَاتِ وَ نَحْنُ دَعَوْنَاهُمْ اِلَى الْمَوْتِ

بسم الله الرحمن الرحيم

فَقُلْتُ يَا بَنِي سُرُوْلِ اللهِ اَنْتُمْ اَعْلَمُ

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
ما يتر از ایشان بگوشه و بگوشه
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

اَنْتُمْ وَاَطْرَقَ اِلَى الْاَرْضِ مِلْيَةً رَفَعِ

بسم الله الرحمن الرحيم

رَاسَهُ وَقَالَ كُنَّا لَهُ عَلَمٌ غَيْرِ

بسم الله الرحمن الرحيم

اَنْتُمْ يَعْلَمُونَ كُلُّ مَا نَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ

ایشان میدانند همه آنچه ما میدانیم و میدانیم ما

كُلُّ مَا يَعْلَمُونَ ثُمَّ قَالَ لِي اَكْتَبْتِ مِنْ اَبْنِ

بسم الله الرحمن الرحيم

عَمِّي شَيْئًا قُلْتُ نَعَمْ قَالَ اِنْ نَبِيَّهُ فَ اَخْرَجَ

بسم الله الرحمن الرحيم

اِلَيْهِ وَجُوهًا مِنْ الْعِلْمِ وَ اَخْرَجَتْ

بسم الله الرحمن الرحيم

لَهُ دُعَاءَ اُمَّ لَدَاهُ عَلِيٌّ اَبُو عَبْدِ اللهِ

بسم الله الرحمن الرحيم

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَحَدَّثَنِي أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ

و گفته بود که بر سر

عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَمْلَأَهُ عَلَيْهِ

الکتاب من رو

وَلَخِبْنُ أَنَّهُ مِنْ دُعَاءِ أَبِي عَلِيٍّ

و فرمود او را که این از ده / بر سر / گوید او حضرت

أَبْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مِنْ دُعَاءِ

بهرین است از جمله

الصَّحِيفَةِ الْكَامِلَةِ فَظَنَنْتُ فِيهِ

کامل پس نگاه کرد در

يَحْيَى حَتَّى آتَى عَلِيَّ الْاِخْرَجَ وَقَالَ لِي

بگری تا بچشم رسید با فرزان و گفت مرا

أَتَاذَنُ فِي نَسْخَةِ فَقُلْتُ يَا بَنَ سُرُورِ

که آیا حضرت میفرمود در پیشین آن پس گفتم ای سرور

*بعضی گفته اند که این دعاست
از امام حسین علیه السلام*

*این دعا را در نسخه
بنا کرده اند*

اللَّهُ أَتَسْتَأْذِنُ فِي مَا هُوَ عِنْدَكُمْ

خداوند اما حضرت میفرمودند که این دعاست از شماست

فَقَالَ أَمَا لِأَخْرَجَنِي إِلَيْكَ صَحِيفَةً

پس گفت که اگر که پیشتر که در این بر او می آورم بود تو می خواهی

مِنَ الدُّعَاءِ الْكَامِلِ فَمَا حَفِظَهُ

از دعا / کامل از آن می حفظ کرده آن

أَبِي عَزَائِبٍ وَإِنِّي أَوْصَا بِصَوِّ

از پدرش و بر سر که مردم وقت که در این نسخه است

وَمَنْعَهَا غَيْرَ أَهْلِهَا قَالَ عَمِيْرٌ

و فرمود چنین آن در غیر این کتبت

قَالَ لِي فَقُمْتُ إِلَيْهِ فَقَبِلْتُ

گفت مردم که پس تا تمام بود او پس رسیدم

رَأْسَهُ وَقُلْتُ لِمَ وَاللَّهِ يَا بَنَ سُرُورِ

راوردا و گفتم راوردا بخویشم ای سرور

*بعضی گفته اند که این دعاست
از امام حسین علیه السلام*

اللّٰهُ اِنِّي لَادِيْنُ اللّٰهُ بِحُبِّكُمْ وَطَلَعْتُمْ

طالع است که در آن روز از آن روز که در آن روز

وَاتِي لَارْجُو اَنْ يُعَدِّلَنِي فِيْ حَيَاتِيْ

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

وَمَا تَتِي بُوْلَانِيْكُمْ فَرِحِي

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

صَحِيْفَتِي الَّتِي رَفَعْتَهَا اِلَيْهِ اِلَى الْغُلَامِ

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

كَانَ مَعَهُ وَقَالَ اَكْتُبْ هَذَا الدُّعَاءَ

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

بِحَطَبِ بَيْتِ حَسَنِ وَاغْرَضَهُ عَلَيَّ

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

لَعَلِّي اُحْفِظُهُ فَاِنِّي كُنْتُ اَطْلُبُ مِنْ

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

جَعَفَ حَفْظُهُ اللّٰهُ فِيمَنْ عَنِئْتَهُ قَالَ

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

اَلَمْ تَوَكَّلْ فَنَدِمْتُ عَلٰی مَا

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

فَعَلْتُ فَلَمَّا اَدْرَمَا اَضْبَعُ وَاَمْ

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

يَكُنْ اَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيَّ لَمْ تَقْدَمْ اِلَيَّ

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

اِلَّا اَذْفَعُهُ اِلَى اِحْدَى ثَمَّ دَعَا

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

بِعَيْبَةٍ فَاسْتَخْرَجَ مِنْهَا صِحْفَةً

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

مُقَفَّلَةٌ مَخْتُومَةٌ فَظَرَأَ اِلَى الْخَاتَمِ قَبْلَهُ

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

و اگر در آن روز از آن روز که در آن روز

وَبِكَيْ تَرْفُضَهُ وَفَتَحَ الْقُفْلَ تَنْشِيرًا

بسیار است در او را و کشود نظر را پس
 الصَّحِيفَةَ وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ
میخواند و گذشت آن را بر چشم خود
 وَأَمْرَهَا عَلَى وَجْهِهِ وَقَالَ اللَّهُ
و ما در آن بر او خود و گفت بخدا اسم

يَا مُتَوَكِّلْ إِنَّكَ مَا زَكَّرْتَ فِرْقُولَ

ای متوکل که آن بود در این کار کرد
 ابْنَ عَجِيٍّ ابْنِي أَقْتُلْ وَأَصْلِبْ لَنَا
پسر عم من که برتر از من گشته بودم و در دستم بود
 دَفَعْتُهَا إِلَيْكَ وَلَكُنْتُ بِهَا
در بنفیدم این تو و هر آینه قوم با آن

ضَبِينًا وَلَكِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ قَوْلَهُ جَوَّادٌ

بگفت و بگویم هر چه که گفته او حق است و آنرا

عَنْ أَبِيهِ وَأَنَّهُ سَيُصْحَفُ فَخَفَّتْ

از نظر خود و پس که برود میخواند پس از مردم
 أَنْ يُقَيِّعَ مِثْلَ هَذَا الْعِلْمِ إِلَى بَنِي
که بقصد دارند این علم بخت بنی
 أُمَيَّةَ فَيَكْتُمُوهُ وَيَذْخَرُونَ
و می پندارند پس بنی که گفتند او را و ذخیره سازند

فِي خَيْرَاتِهِمْ لَأَنْفُسِهِمْ فَاقْبِضْهَا

در خیرات خود برای خود پس بگیر اینها
 وَأَكْفِيْهَا وَتَرَجَّبْ بِهَا فَإِذَا
و کفایت کن او را و شرف بخش آن را پس هرگاه
 قَضَى اللَّهُ مِنْ أَمْرِي أَمْرًا هَوْلًا
علم کند خدا را از کار من و کار این قوم

الْقَوْمِ مَا هُوَ قَاضٍ فَهِيَ أَمَانَةٌ لِي

آنچه او حکم کند است پس این صیغه امانت است

و در این خبر و در این خبر و در این خبر

عِنْدَكَ حَتَّى تُوصلَهَا إِلَى ابْنِي

عمی محمد و ابراهیم ابنی عبد الله
ابن الحسن ابن الحسن بن علی
بسم الله الرحمن الرحیم

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَمَا مِمَّا الْقَائِمَيْنَا

في هذا الامر بعدى قال
المتوكل فقبضت الصحيفة
فما قبلت بحی بن زید صرت الى

بسم الله الرحمن الرحیم

مراد از بنی که بعد از بنی هاشم
گفته شود این صحیفه است
که بنی هاشم از آن عزم کرده
بودند

الْمَدِينَةِ فَلَقَيْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ

عليه السلام فحدثته الحديث
عن يحيى بن يحيى واشتد مجده

بِهِ وَقَالَ حَمْرُ اللَّهِ ابْنُ عَمِّي وَالْحَقُّ

يَا أَبَانَهُ وَكَلْدَرَهُ وَاللَّهِ يَا مَتَوَكَّلُ
مَا مَنَعَنِي مِنْ دَفْعِ الدُّعَاءِ إِلَيْهِ

إِلَّا الَّذِي خَافَ عَلَيَّ صَحِيفَةَ أَبِي

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

وَإِنَّ الصَّحِيفَةَ فَقُلْتُ هَاهِيَ فَفَتَحَهَا

وکی است ان صحیفه پس گفتن ان بیت که در اول است
وَقَالَ هَذَا وَاللَّهِ خَطُّ أَبِي زَيْدٍ
وگفت که این بختم که خط عمر زید است
وَدُعِيَ جَدِّي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
و در آن جمعه حضرت امام زین العابدین است

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ لَيْتَ قَوْمٌ

پس فرمود بر سرش که
يَا سَمْعِيْلُ فَإِنِّي بِالْدُّعَاءِ الَّذِي
یا سمعیل پس ما را آن دعا را که
أَمَرْنَاكَ بِحِفْظِهِ وَصُونِهِ فَقَامَ
او که تو را بخفظن و صون آن است پس

اسْمِعِيْلُ فَأَخْرَجَ صَحِيفَةً كَأَنَّهَا

سمعیل پس بر او آورد صحیفه که گویا همان

الصَّحِيفَةَ الَّتِي رَفَعَهَا إِلَيَّ مُحَمَّدُ بْنُ

صحیفه است
زَيْدٍ فَقَبَّلَهَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَوُ
زید پس بوسید ان صحیفه حضرت
وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَقَالَ هَذَا
و گذاشت ان صحیفه بر چشم خود وگفت که این

خَطُّ أَبِي وَإِنَّمَا جَدِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ

خط زید و اما جد من است بر او السلام بود در روز
بِشَهَادَتِي فَقُلْتُ يَا بَنِي رَسُولِ
بگوشید پس گفتم ای پسر رسول
اللَّهِ إِنْ رَأَيْتَ أَنْ أَعْرِضَ مَا بَعَثَ
خدا را که حضرت شما باشد متجاوزکم از این

صَحِيفَةَ زَيْدٍ وَمُحَمَّدِ بْنِ فَاذَنْ لِي فِي

با صحیفه زید و محمد پس بگفت دادم ا

الصحيفة

ذَلِكَ وَقَالَ قَدْ رَأَيْتِكَ لِذَلِكَ

در بعضی و موجوده تحقیق که در بزم نورانی برادران امر
أَهْلًا فَظَرَّتْ وَإِذَا مِمَّا أَمْرًا
این سخن که در بزم که در بعضی از
وَكَمْ كَجِدْحٍ قَامَتْهَا يُخَالِفُ
و بیایم حرف از اینها که مخالف است

مَا فِي الصَّحِيفَةِ الْآخِرَى ثُمَّ اسْتَأْذَنَ

با این در صحیفه دیگر است پس وصحت طلبیدم
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي
از حضرت
رَفَعَ الصَّحِيفَةَ إِلَى ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ
دادن صحیفه پس بر سران عبید

أَبْنِ الْحَسَنِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ

بجس بر گفت بگفته که خداوند شما را امر می کند تا را

*بین این صحیفه را که در بعضی از
داشته بود و در دست که بعد از او
بنا بر آن است*

أَنْ تُوَدُّوا الْإِمَانَةَ إِلَى أَهْلِهَا

که برین امانت با هر اینها
فَعَمَّ فَادْفَعَهَا إِلَيْهِمَا قَلْبًا
از هر بره اینها باین پس چون
نَهَضَتْ لِلِقَائِهِمَا قَالَ لِي
برویم تا اینها را باین و خود را

مَكَانَكَ ثُمَّ رَجَعَهُ إِلَى الْمُجَدِّدِ

بجای خود پس پس باین است و ستاد
أَبِيهِمْ فَجَاءَ أَقْبَالَ هَذَا مِيرَا
پس آمد پس فرمود این میراث
ابن عمیر کما یحیی من أسبه قد
بسرعت میراث از بر سر تحقیق که

خَصَّكُمْ بِهِ رُونَ أَخَوْتَهُ وَخُنُ

مخصوص ساخته است شما را با این برادران خود را

مُشْتَرِطُونَ عَلَيْكَ مَا فِي شَرْطَا

نیزه *بکنیم بنما* *دین بوبشرط از خدا*
 فَقَالَ لَأَرْجِيكَ اللَّهُ قُلْ فَقَوْلِكَ
پس گفتند با مرد تو را خدا که کسیر قول تو
 الْمَقْبُولُ فَقَالَ لَأَخْرِجُ بِهَذَا
پسندیده است پس فرود که بر دل بر این

الصَّحِيفَةِ الْمَدِينَةِ قَالَ أَوَلَمْ تَرَ

مستند *از مین* *گفتند برای صحت این*
 قَالَ إِنَّ ابْنَ عَمْرٍو خَافَ عَلَيْهَا
نمود بهتر که بر هم نمی رسد برین
 أَمْرًا خَافُ أَنَا عَلَيْكُمْ قَالَا إِنَّمَا
امر را که می ترسیم از شما گفتند که

خَافَ عَلَيْهَا حِينَ عَلِمْتَ تَقِينَهُ

می ترسید او بران هنگام که بدینست که او گفته میزد

این حدیث در صحیح بخاری و سنن ابوداؤد و مستدرک حاکم و معجم صغیر آمده است

فقال

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ أَفَلَا

سید محمد و حضرت *که تا نیز*
 تَأْمَنُوا فَوَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّكُمْ
این شبیه بر یکدیگر قسم برست که هر چه هم کرد
 سَخَّرَ جَانِ كَمَا خَرَجَ وَسَفَّيْنَا
او فرود می کشیدند بخدا فرود کرد و فرود کرد

كَمَا قُتِلَ فَمَا وَهَمُ يَقُولَانِ لِجَوْل

چنانچه گفته شد پس بر او است و حال آنکه می گفتند میت *فرود*
 وَلَا تَقِ الْأَيَّالَةَ الْعَلِيَّ الْعَظِيمِ
و فرود که بر ما را در بند تو نه بزرگ
 فَلَمَّا خَرَجَا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
پس هر دو بر دل نشاند فرود بر حضرت

عَلَيْهِ سَلِمْنَا مَتَوَكَّلْ كَيْفَ قَالَ لَكَ

از تو مگر چگونه گفت را

يَحْيَىٰ ابْنَ عَمِّي مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَابْنَتُهُ

بمهر عم ۲
جَعَفَرُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْحَيَاةِ
جعفر خوانند مردم را به حیات
وَدَعَا نَاهُمْ إِلَى الْمَوْتِ قُلْتُ نَعَمْ
و خوانند ما را به موت گفتم آری

أَصْلِحَكَ اللَّهُ قَدْ قَالَ ابْنُ عَمِّكَ

صاحب دهر
يَحْيَىٰ فَلَكَ فَقَالَ بَرَخْمُ اللَّهُ يَحْيَىٰ
بخر این حرفه پس بود که با مردم در خیر بود
إِنَّ لِي جَدِّ نَبِيٍّ عَنْ أَبِي عَن
بمهر که مردم دوست کردم از پیش از

جَدِّهِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي سُرَيْبٍ أَنَّ رَسُولَ

بمهر از حضرت امیر المومنین

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَتْهُ

خدا را رحمت کند خدا را برو وال او گفت
فَعَسَتْهُ وَهُوَ عَلَىٰ مَنْبَرٍ فَرَأَىٰ
بنگش و حال آنکه بر بالار من بود نه این مردم
فِي مَنَامِهِ رِجَالًا لَا يَنْزُونَ عَلَىٰ مَنْبَرِهِ
در خواب خود بروی او آمدی که می تهنند بر بالار من

نَزُوا الْقَرَّةَ يَبْرُونَ النَّاسَ عَلَىٰ

مانند حش بوزینها و بر میگردند مردم را
أَعْقَابِهِمُ الْقَهْقَرَىٰ فَاسْتَوَىٰ
پشتنار خود واروند پس حضرت رسول
رَسُولُ اللَّهِ جَالِسًا وَأَخْرَجْنِ
شسته و حال آنکه از مردم

يَعْرِفُ فِي وَجْهِهِ فَنَاهُ جَبْرِيْلُ عَلَيْهِ

یافتی شد در روی مبارک او پس آورد جبرئیل علیه السلام

و در
نفسی است از

السلام بهذه الآية وواجبنا

این آیه تا ... و فرد همید ما
 الرؤيا التي آرتيناك الآفة
 این خواب را که نمودیم بتو ... مکر از ما است
 للناس الشجرة الملعونة في القرآ
 در قرآن و آن درخت لعنت شده است در قرآن

و تخوفهم فما يزيدهم الا طغيانا

و می ترسانید و هر چه از ایشان را ... مکر است
 كبير اعني بنى امية قال
 عظيم ... بنو امیه بنی امیه و فوره
 ماجبريل اعلى عهدى يكونون
 ابجریل اعلى عهد من خود اند بود

وفي زمي قال لا ولكن تدوسهم

و در زمین من و ایکن میزدند و ایکن میزدند بسیار

صلى الله عليه وسلم
 و قد ورد في الحديث
 ان من دعا الى هدى
 مضى له ما مضى
 لداود و سليمان
 و من دعا الى ضلال
 مضى له ما مضى
 لداود و سليمان

السلام مني ما حرك قلبك بك

از جنت که تو ... و همانند ما
 عشر اتم تدور في الاسلام
 ده بار پس بگردش از این بسیار است
 على اسر خست و ثلثين من مملو
 بر اسیر و بیست و سه از جنت تو

قلبت بذلك خمسا ثم لا بد من

پس من ... پس از آن تا ... از
 رحى ضالكة هي قائمة على حنا
 بسیار که هر که استوار بر حق خود و کرد
 ثم ملك الفرعنة قال وانزل
 پس از آن که فرعونان گفت خدایت را چه میفرماید

اللهم تعال في ذلك انا انزلناه في

و تو تعال در آنجا و این را من فرود آوردم در آنجا

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 الذي هدانا لهذا
 الذي كنا لنهتدي لولا
 ان هدانا الله لكان
 لنا لعذابنا عذابا
 كبيرا

بسم الله الرحمن الرحيم
 الحمد لله رب العالمين
 الذي هدانا لهذا
 الذي كنا لنهتدي لولا
 ان هدانا الله لكان
 لنا لعذابنا عذابا
 كبيرا

لَيْسَ الْقَدْرَ مَا أَدْرَكَ مَا لَيْسَ

بشيء من

الْقَدْرِ لَيْسَ الْقَدْرُ خَيْرٌ مِنْ

قوله

الْقَدْرُ هُوَ مِيلُكُمْ هَذَا بِنَا أُمَّيَّةَ

بدره من كبره في مشورته بنو امية

لَيْسَ فِي الْيَسْرِ الْقَدْرُ قَالَ فَاطَمَةُ

وغيره من ان لا يطوعه شيئا

اللَّهُ نَبِيَّتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ

ضاهي بسفره في عدم كبره

بَنِي أُمَّيَّةَ تَمَلِّكُ سُلْطَانَ هَذَا

بنو امية

الْأُمَّةَ وَمَلِكُهَا طَوْلُ هَذِهِ

بشيء من

الْمُدَّةُ فَلَوْ طَاوَلْتُمْ الْجِبَالَ الطَّالُوا

بين الكبر والبرهان

عَلَيْهَا حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ تَعَالَى

بإذنه

بِزَوَالِ مُلْكِهِمْ وَهُمْ فِي

بزوال

ذَلِكَ كَيْسْتَشْعُرُونَ عِدَاؤَنَا

بشيء من

أَهْلَ الْبَيْتِ وَبَعْضُ الْخَبَرِ

بشيء من

اللَّهُ نَبِيَّتُهُ بِمَا لَقِيَ أَهْلَ بَيْتِ

بشيء من

مُحَمَّدٍ وَهَذَا مَوْتُهُمْ وَشَيْعَتُهُمْ

بشيء من

مِنْهُمْ فِي أَيَّامِهِمْ وَمَلَائِكِهِمْ

در ایام محمد بن علی و در مملکت ایشان

قَالَ وَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيهِمُ الْكُفْرَ

فرمود که کفر است در میان آنها و بار باره ایشان را

تَرَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

فرمود که می بینید که آن کس که نعمت خدا را

كُفْرًا وَأَجَلُوا قَوْمَهُمْ فِي أَسْرَابِ الْبَوَارِ

بغض و دشمنی نمودند و در گلهای بوار

بِحَمَمٍ يَصُلُونَهَا وَيُبْسِرُ الْقَرَارُ

که حمله می کنند بر بندگی و در آید از آن که بیست

وَنِعْمَةُ اللَّهِ مُجَدِّدٌ وَأَهْلُ بَيْتِهِ

و نعمت خدا را تجدید می بخشد و اهل بیت او

جِبَمٌ لِيَمَانٍ يُدْخِلُ الْجَنَّةَ وَيُغْضِبُهُمْ

و در میان ایشان است که در می آید بهشت و دشمنی ایشان

بغض و دشمنی نمودند و در گلهای بوار

كُفْرًا نِفَاقًا وَيُدْخِلُ النَّاسَ فَاَسْرِعُوا

کفر و نفاق که در میان ایشان است پس بر شما را

اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَوَالِهِ ذَا

خدا را صلوات کند بر او و بر اهل بیت او

الْيَوْمِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ قَالَ كُفْرًا

بغض و دشمنی نمودند بر اهل بیت او گفتند کفر است

السُّكْرِ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَا خَرَجَ

از آن روز و صحبت نام خوب است و نام کفر و خروج

وَلَا يَخْرُجُ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ إِلَى

و خروج نمی کند از ما اهل بیت

قِيَامٍ فَاِمْنَا أَحَدٌ لِيُدْخِعَ ظِلْمًا

برویند تا قیام کسی را که در می آید که ظلمت

أَوْ يَغْرِحَ حَقًّا إِلَّا أَصْطَلَمَتْهُ الْبَلِيَّةُ

یا بنده از حق سر را که بنده از حق بر کند او را بدست

بغض و دشمنی نمودند

کفر

وَكَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكَرُمَاتِنَا

والمعنى قيامه بعبادة ربه في مكارمنا
 وَشَيْعَتُنَا قَالَ التَّوَكُّلُ
وهو ان ما كفت تركه به
 هُرُونَ تَمَّ امْنًا عَلَى ابْنِ عَبْدِ
هرون بن عثمان بن حضرت ابو عبد

اللَّهِ عَلَيْهِ سَلَامٌ لَا دُعِيَّتْ وَهِيَ خَمِيَّةٌ

استه عليه سلام دعا له في قتل وان مقاد
 وَسَبْعُونَ بَابًا سَقَطَ عَنِّي مِنْهَا
سبع باب كفت من انزلها
 أَحَدٌ عَشَرَ بَابًا وَخَفِضْتُ مِنْهَا
ياضرب باب وناقدهم انزلنا

نِيفًا وَسِتِّينَ بَابًا وَحَدَّثَنَا أَبُو الْفَضْلِ

كفت وعبارة به ورويت كردار ابو الفضل

بعضی از اینها در بعضی از کتب دیگر آمده است

بعضی از اینها در بعضی از کتب دیگر آمده است

قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ

كفت كرهه بن كرهه محمد بن حسن
 رُوِيَ أَبُو بَكْرٍ الْمَدَائِنِيُّ الْكَاتِبُ
 نَزِيلُ الرَّحْبَةِ فِي إِذْنٍ قَالَ حَدَّثَنِي
كراهه بن كرهه بن محمد بن حسن

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ سُلَيْمِ بْنِ الْمُطَهَّرِيِّ

محمد بن احمد بن سليمان بن مطهر بن مطهر
 قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عَمْرِو بْنِ
كفت رویت كردار عمرو بن
 مُتَوَكِّلِ بْنِ بَلْحَجِّ بْنِ أَبِيهِ
متوكل بن بلحج بن ابی

الْمُتَوَكِّلُ بْنُ هُرَيْرٍ قَالَ لَقِيتُ

متوكل بن هریر كفت صدقات كردم

بعضی از اینها در بعضی از کتب دیگر آمده است

بِحَسْبِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

بِحَسْبِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
 فَذَكَرَ كَلِمَاتٍ بَيَّنَّا إِلَى
 رُؤْيَا النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
بِحَسْبِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

الَّتِي تَرَكَهَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ

كَلِمَاتٍ بَيَّنَّا إِلَى
 آبَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ
 فِي رِوَايَةِ الْمُطَهَّرِيِّ ذَكَرَ
كَلِمَاتٍ بَيَّنَّا إِلَى

الْأَبْوَابِ وَهِيَ الْأَوَّلُ التَّحْمِيدُ لِلَّهِ عَزَّ

أَبْوَابِ عَزَّ وَالْأَبْوَابِ
 بِهَا كَلِمَاتٌ بَيَّنَّا إِلَى

کتاب در فضیلت
 حضرت زین العابدین
 علیه السلام

وَجَلَّ الشَّاءُ دُعَاؤُهُ الصَّلَاةُ عَلَ مُحَمَّدٍ

وَجَلَّ الشَّاءُ دُعَاؤُهُ الصَّلَاةُ عَلَ مُحَمَّدٍ
 وَاللَّهِ الثَّلَاثُ دُعَاؤُهُ الصَّلَاةُ
 عَلَى حَمَلَةِ الْعَرْشِ الرَّابِعُ دُعَاؤُهُ
وَجَلَّ الشَّاءُ دُعَاؤُهُ الصَّلَاةُ عَلَ مُحَمَّدٍ

الصَّلَاةُ عَلَ مُصَدِّقِ الرُّسُلِ الْخَامِسُ

صَلَاةُ
 دُعَاؤُهُ لِنَفْسِهِ وَخَاصَّتِهِ
 السَّادِسُ دُعَاؤُهُ عِنْدَ الصَّبَاحِ
صَلَاةُ

السَّابِعُ دُعَاؤُهُ فِي الْمِيمَاتِ الثَّلَاثُ

صَلَاةُ

دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِغَاةِ التَّاسِعِ دُعَاؤُهُ

دعای کفرت در باه بدون از فداق بر
 دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِغَاةِ التَّاسِعِ دُعَاؤُهُ
در ایز و مزل با مرزش برود کور
 فِي الْجَمْعِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الْحَادِي
در باه بدون بجز این بیاید و غیر او

عِشْرَةَ دُعَاؤُهُ بِجَوَابِ تَمِيمِ الْخَيْرِ الشَّامِ

دعای کفرت در طلب وقت بخیر
 عِشْرَةَ دُعَاؤُهُ فِي الْإِعْتِرَافِ
دعای کفرت در اعتراف بگناه
 طَلَبِ التَّوْبَةِ الثَّلَاثَةَ عَشَرَ دُعَاؤُهُ
طلب بر کفرت

فِي طَلَبِ الْجَوَابِ الرَّابِعِ عَشَرَ دُعَاؤُهُ

در طلب حاجتها
 دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْجَوَابِ الرَّابِعِ عَشَرَ دُعَاؤُهُ
دعای کفرت

فِي الظَّلَامَاتِ الْخَامِسَ عَشَرَ دُعَاؤُهُ

دعای کفرت
 عِنْدَ الْمَرَضِ السَّادِسَ عَشَرَ دُعَاؤُهُ
تو بهار
 فِي الْإِسْتِغَاةِ السَّابِعَ عَشَرَ دُعَاؤُهُ
در طلب از تنگدلی باز

عَلَى الشَّيْطَانِ الثَّامِنَ عَشَرَ دُعَاؤُهُ

دعای کفرت
 فِي الْجَذْوَاتِ التَّاسِعَ عَشَرَ
در دفع عذاب
 دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِغَاةِ الْغَرِيبِ
دعای کفرت در طلب باران

دُعَاؤُهُ فِي مَكَامِرِ الْأَخْلَاقِ

دعای کفرت در طلب اخلاق
 دُعَاؤُهُ فِي مَكَامِرِ الْأَخْلَاقِ
ستوده

بند

الحاد والاربعين دعاؤه اذا احزننا امر

دعاؤه في حال الحزن

الثاني والعشرون دعاؤه عند الشدة

دعاؤه في حال الشدة

الثالث والعشرون دعاؤه بالفتنة

دعاؤه في حال الفتنة

الرابع والعشرون دعاؤه لابويته

دعاؤه في حال الحزن

الخامس والعشرون دعاؤه لولده

دعاؤه في حال الحزن

السادس والعشرون دعاؤه في الجحيم

دعاؤه في حال الحزن

واوليات الله السابع والعشرون دعاؤه

دعاؤه في حال الحزن



لاهل الثغور الثامن والعشرون دعاؤه

دعاؤه في حال الحزن

في التضرع الى الله تعالى التاسع

دعاؤه في حال الحزن

والعشرون دعاؤه اذا قتر عليه

دعاؤه في حال الحزن

الترشق الثلاثون دعاؤه في المعونة

دعاؤه في حال الحزن

على قضاء الدين الحاد والثلاثون

دعاؤه في حال الحزن

دعاؤه بالتوبة الثامن والثلاثون

دعاؤه في حال الحزن

دعاؤه في صلوة الليل الثامن والثلاثون

دعاؤه في حال الحزن



الربيع والثلاثون دُعَاؤُهُ فِي الْإِسْتِجَارَةِ

دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ
 الْخَامِسُ وَالثَّلَاثُونَ دُعَاؤُهُ إِذَا
 دُعَاؤُ الْبُخْتِ مِنْهَا
 ابْتَلَى وَرَأَى مُبْتَلَى بِفَضِيحَةٍ بَدَأَ
 بِمِرْعَانٍ مِنْ يَدِهِ وَمِيرْمِدَةٍ مِنْ يَدِهَا لَمْ يَرَوْهَا كَمَا

دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ السُّكْرِ
دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ

السادس والثلاثون دُعَاؤُهُ فِي الرِّضَا

دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ
 بِالْقَضَاءِ السَّابِعُ وَالثَّلَاثُونَ
 بِقَضَاءِ رُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ
 دُعَاؤُهُ عِنْدَ سَمَاعِ الرَّعْدِ
 دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ

الثامن والثلاثون دُعَاؤُهُ فِي الشُّكْرِ

دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ

لِللَّهِ تَعَالَى التَّاسِعُ وَالثَّلَاثُونَ دُعَاؤُهُ

دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ
 فِي الْإِعْتِذَارِ الْارْبَعُونَ
 دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ
 دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ
 دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ

الحادي عشر دُعَاؤُهُ عِنْدَ ذِكْرِ الْمَوْتِ

دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ
 الثَّانِي وَالْارْبَعُونَ دُعَاؤُهُ فِي طَلَبِ
 دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ
 السُّتْرِ وَالْوَقَايَةِ الثَّلَاثِ
 دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ

والاربعون دُعَاؤُهُ عِنْدَ خْتِمِ الْقُرْآنِ

دُعَاؤُ الْبُخْتِ وَرُطْبِ خَيْرِ أَزْوَاجِ تَوْبَةٍ

الرابع والاربعون دَعَاؤُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَى

دَعَاؤُهُ فِي رُؤْيَا الْمَوْتِ
أَهْلَادِ الْخَامِسِ وَالْارْبَعُونَ
بَدَأَ
دَعَاؤُهُ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ
دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ ٥٥ مَبَارَكٌ مِمَّنْ

السادس والاربعون دَعَاؤُهُ لِيُذَاعَ

دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ
شَهْرِ رَمَضَانَ السَّابِعِ
٥٥ مَبَارَكٌ مِمَّنْ
وَالْارْبَعُونَ تَعَاوُدٌ لِلْعَبِيدِينَ
دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ

والجمعة الشاه والاربعون دَعَاؤُهُ

دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ
وَرُؤْيَا الْمَوْتِ

في يوم عرفته التاسع والاربعون دَعَاؤُهُ

دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ
لِلْاِسْتِجَابَةِ وَالْجَمْعَةِ الْخَمْسِينَ
دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ
دَعَاؤُهُ فِي الرَّقْبَةِ الْحَادِي وَالْخَمْسِينَ
دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ

دَعَاؤُهُ فِي التَّضَرُّعِ وَالْاِسْتِكَانَةِ

دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ
السَّابِعِ وَالْخَمْسِينَ دَعَاؤُهُ
دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ
فِي الْاِلْحَاحِ الْثَالِثِ وَالْخَمْسِينَ
دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ

دَعَاؤُهُ فِي التَّدَلُّكِ الرَّابِعِ وَالْخَمْسِينَ

دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ
دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ

دَعَاؤُهُ فِي رَمَضَانَ

دَعَاؤُهُ فِي اسْتِكْشَافِ الْهُومِ

دعا در کتب در طب دفع هبها و منها
 وَبَاقِي الْأَبْوَابِ بِلَفْظِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
و بقی بابها بلفظ ابی عبد الله
 جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا
جعفر بن محمد حسینی گفت روزی

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَمْرٍو خَطَابُ الشَّرِيَاءِ

عبد الله بن عمرو *سر عمر سر خطاب*
 قَالَ حَدَّثَنِي خَالِي عَلِيُّ بْنُ الْبَعْرَانِ
گفت روایت کرد مرا خالی از سر علی بن البقران
 الْأَعْلَمُ قَالَ حَدَّثَنِي عُمَيْرُ بْنُ
ابو العلاء گفت روایت کرد مرا

مُتَوَكِّلُ الثَّقَفِيِّ الْبَلْخِيِّ عَنْ أَبِيهِ

متوکل ثقفی بلخی از پدرش

دعا در کتب طب
 در طب دفع هبها و منها
 و بقی ابواب بلفظ ابی عبد الله
 جعفر بن محمد حسینی
 گفت روزی
 عبد الله بن عمرو
 سر عمر سر خطاب
 گفت روایت کرد مرا
 خالی از سر علی بن البقران
 ابو العلاء
 گفت روایت کرد مرا
 متوکل ثقفی بلخی
 از پدرش

مُتَوَكِّلُ بْنُ هُرَيْرٍ قَالَ أَمَلِي عَلَى

متوکل بن هرون *گفت خوابم بر من*
 سَيِّدِ الصَّادِقِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
بزرگ من که است سکونت بین حضرت ابی عبد الله
 جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ أَمَلِي حَذَى
جعفر بن محمد گفت خوابم بر من

عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

علی بن حسین *سر عمر سر خطاب*
 عَلَيْهِمُ اجْعَلِينَ السَّلَامُ بِمَشْهَدِ
بر این باد بکن درود در حضور
 وَكَانَ مِنْ مَتَى دُعَائِهِ عَلَيْكَ
و بود از من دعا را گفتند

السَّلَامُ إِذَا ابْتَدَأَ بِالْدُعَاءِ بَدَأَ بِالتَّحْمِيدِ

عبارت سلام را که ابتدا میگوید در دعا ابتدا میگوید بتعالی

الاول

دعا در کتب طب
 در طب دفع هبها و منها
 و بقی ابواب بلفظ ابی عبد الله
 جعفر بن محمد حسینی
 گفت روزی
 عبد الله بن عمرو
 سر عمر سر خطاب
 گفت روایت کرد مرا
 خالی از سر علی بن البقران
 ابو العلاء
 گفت روایت کرد مرا
 متوکل ثقفی بلخی
 از پدرش

متوکل

وَللهُ عَزَّ وَجَلَّ وَالسَّاءِ عَلَيْهِ فَقَالَ

مضربا *عزوجل* *وَمَا كُنْتُ بِرَبِّهِمْ بِشَيْءٍ مُّشْكِرًا*
 أَخَذَ اللهُ الْأَوَّلَ بِأَوَّلِ قَبْلِهِ
پس برضو اول اول برت به بند اول اول برت او
 وَالْآخِرَ بِآخِرِهِ يَكُونُ بَعْدَ الَّذِي
او فرست با بند اول اول برت او

قَصْرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِقِينَ

الوقار *از دین او* *چشمها بر نگاه کردند*
 وَعَجَزَتْ عَنْ نَفْعِهِ أَوْهَامُ الْوَأَصْفِيَّ
و عاجزانه از نفع او و او را از نفع او
 ابْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ابْتِدَاعًا
پیدا اولش بقدرت خود او را از ابتدا

وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى مَشِيئَتِهِ اخْتِراعًا

و اختراع کرد ایشان را بر حسب من خود اختراع کرد پس

و اختراع کرد ایشان را بر حسب من خود اختراع کرد پس

سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ الرِّادَةِ وَبَعَثَهُمْ

بیت *بر راه اسف خود* *و بر ایشان*
 فِي سَبِيلِ حِجَّتِهِ لِيُتْلِكَونَ
در راه حجت خود بنشد
 تَأْخِيرًا عَمَّا قَدِمَهُمْ إِلَيْهِ وَلَا
تاخیر از آنچه تقدیم نمودند ایشان را

يَسْتَطِيعُونَ تَقَدُّمًا إِلَى مَا أَحْرَمَهُمْ

بیت *بیشتر رفتن بپس از آنچه حرام است ایشان را*
 عِنْدَهُ وَجَعَلَ كُلَّ رُوحٍ مِنْهُمْ
از آن هر که نهد بر او صاحب جنة آید آن
 قَوْحٌ مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ
روزنه معلوم قسم کرده از

رِزْقِهِ لَا يَنْقُصُ رِزْقُ رَدَّةٍ نَاقِصٌ وَلَا

روز خود کم نمیکند هر که از رزق رده کرده است کم نمیکند و

بیت *بیشتر رفتن بپس از آنچه حرام است ایشان را*

بیت *بیشتر رفتن بپس از آنچه حرام است ایشان را*

کتابخانه آستان قدس
کتاب شماره ۱۰۰۰
تاریخ ثبت ۱۳۰۰
محل ثبت تهران

بِيَدِهِ نَقَصَ مِنْهُمُ زَائِدَةً ضَرْبٌ

باید که هر که که کسب از ایشان کرده باشد پس بگوید

لَهُ فِي الْحَيَاةِ اجْلًا مَوْقُوتًا وَضَبُّ

کتابت او را در روزگار است معینی و هر با چه است

لَهُ أَمْدًا مَخْدُودًا يَنْظُرُ إِلَيْهِ

هر که نیت معینش کامی زنده بود اولاد

بِأَيَّامِ عُمُرِهِ وَيُرْهَقُهُ بِأَعْوَامِ رُكُومِهِ

روزگار از پیش روزی که شود بان به هر روزگار است

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَقْصَىٰ أَثَرِهِ وَاسْتَوْعَبَ

تا چنان رسید نهایت پریش و تمام بند

حِسَابِ عَمَلِهِ قَبَضَهُ إِلَىٰ مَانَدِهِ

شمار از کیشش حساب او را بوی که بود از او را

الْيَوْمِ مُنْقُورٌ ثَوَابًا وَمَجْدُودٌ

بهر آن از ثواب بسیار بود بدعت که کرده خود

باید که هر که که کسب از ایشان کرده باشد پس بگوید
کتابت او را در روزگار است معینی و هر با چه است
هر که نیت معینش کامی زنده بود اولاد
روزگار از پیش روزی که شود بان به هر روزگار است
تا چنان رسید نهایت پریش و تمام بند
شمار از کیشش حساب او را بوی که بود از او را
بهر آن از ثواب بسیار بود بدعت که کرده خود

عِقَابٌ لِلْجَرِي الَّذِينَ اسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا

تا جزا دهد و عتاب کند که بد کرده اند از بس که کرده اند

وَيَجْرِي الَّذِينَ اخْسَرُوا بِمَا كَانُوا

و جزا دهد از کسبی که تیرگی کرده اند از آنکه کرده اند

عَدْلًا لِمَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ

از عدل خود پاکست نام او را

وَتَظَاهَرَتْ الْأَنْفُ لَا يُسْأَلُ عَمَّا

و پدید آید و پدید آید سوال که شود از او را

يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ وَلِكُلِّ لَدَيْهِ

و کند و ایشان سوال که شود از او را پس هر چه او را

الَّذِي لِيُحِبَّسَ عَنِ عِبَادِهِ مَعْرِفَةٌ

که اگر با زمین است از کسب کسب شناسان

يَجِدُهُ عَلَىٰ مَا ابْلَاكُمْ مِنْهُ الْمَتَانَةُ

پس خواهد یافت بر آنچه عطا کرده است از او را از او را

باید که هر که که کسب از ایشان کرده باشد پس بگوید
کتابت او را در روزگار است معینی و هر با چه است
هر که نیت معینش کامی زنده بود اولاد
روزگار از پیش روزی که شود بان به هر روزگار است
تا چنان رسید نهایت پریش و تمام بند
شمار از کیشش حساب او را بوی که بود از او را
بهر آن از ثواب بسیار بود بدعت که کرده خود

وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ مِنْ نِعْمِ الْمُنْظَاهِرَةِ

در تمام روزها در پیشانی او و در تمام روزها در پیشانی او
 لَقَرَفُوا فِي مَنِّهِ فَلَمْ يَحْذَرُوا
در آن روزها در پیشانی او و در آن روزها در پیشانی او
 وَتَوَسَّعُوا فِي بَرْقِهِ فَلَمْ يَشْكُرُوهُ

وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ

و اگر آن روزها در پیشانی او و اگر آن روزها در پیشانی او
 حُدُودِ الْإِنْسَانِيَةِ إِلَى حُدُودِ
در آن روزها در پیشانی او و در آن روزها در پیشانی او
 الْبَهِيمِيَّةِ وَكَانُوا كَمَا وَصَفَ

فِي حُكْمِ كِتَابِهِ إِنَّهُمْ لَكَاالْأَفْعَالُ

در کتاب حکم خود

بیشتر از آنکه در وقتها

بَدَّ لَهُمْ أَرْضُ سَيْبِلَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا

بدر آن روزها در پیشانی او و بدر آن روزها در پیشانی او
 عَرَفْنَا مِنْ نَفْسِهِ وَالْهَمْنَا مِنْ
بدر آن روزها در پیشانی او و بدر آن روزها در پیشانی او
 شُكْرِهِ وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ

الْعِلْمِ رَبُّ بَيْتِنَا وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنْ

بدر آن روزها در پیشانی او و بدر آن روزها در پیشانی او
 الْإِخْلَاصِ كَمَا فِي تَجْوِيدِهِ وَجَعَلْنَا
بدر آن روزها در پیشانی او و بدر آن روزها در پیشانی او
 مِنْ الْإِحَادِ وَالشُّكْرِ فِي أَمْرِهِ

حَمْدًا نَعْمَةً يَوْمَئِذٍ فَمِنْ حَمْدِهِ فَرَّخَلِقَهُ

بدر آن روزها در پیشانی او و بدر آن روزها در پیشانی او

بدر آن روزها در پیشانی او و بدر آن روزها در پیشانی او

بدر آن روزها در پیشانی او و بدر آن روزها در پیشانی او

بدر آن روزها در پیشانی او و بدر آن روزها در پیشانی او

بدر آن روزها در پیشانی او و بدر آن روزها در پیشانی او

وَلَسَبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاهُ وَعَفْوِهِ

و من سبقت با او که بهتر از او است بر سرش زده را او عفو او

حَدَّايُضُونَكَ نَابِ ظِلْمَاتِ الْبَرْزَخِ

بهر کرد و من که در میان برزخین تا بیاورد برسد

وَيَهْتَلُ عَلَيْنَا بِسَبِيلِ الْمَبِغْثِ

و همان کرد نیز بر ما با آن که محشر است

وَشَرِيفٌ بِمَنَازِلِنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ

و شریف از ما در جایگاهها نزد کسبها درگاه

الْأَشْهَادِ يَوْمَ تَجْرَى كُلُّ نَفْسٍ

اشهاد روزی که هر چه از او بود بر نفس

بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ يَوْمَ

ب آنچه کرده است و حق از ایشان کم نخواهد بود روزی

لَا يَغْنَى مَوْلَاهُمْ عَنْ مَوْلَى شَيْءٍ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

که در روزی که هر چه از او بود بر مولا و نه بر مولا و نه بر مولا

و من سبقت با او که بهتر از او است بر سرش زده را او عفو او

بهر کرد و من که در میان برزخین تا بیاورد برسد

و من سبقت با او که بهتر از او است بر سرش زده را او عفو او

حَدَّايُتَفَعُّ مَنَّا إِلَىٰ أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ فِي كِتَابِ

و من سبقت با او که بهتر از او است بر سرش زده را او عفو او

مَرْقُومٍ يَشْهَدُ الْمُقَرَّبُونَ حَمْدًا

نوشته که حاضر شوند از آن مقربان سپاس

تَقَرَّبَ بِهِ عِيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ

که نزدیک چشمها را به آن که هر چه از او بود بر مولا

وَتَبَيَّرُ بِهِ وَجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْاَبْشَارُ

و تبخیر از ما در روزی که هر چه از او بود بر مولا

حَدَّانُفَعُّنَا مِنْ لَيْمٍ نَارِ اللَّهِ إِلَىٰ

بهر کرد از ما را از لیم نارا که در آنجا بود

كَرِيمٍ جَاوَارِ اللَّهِ حَمْدًا تَزَاهِمُ

بهر کرد از ما را از لیم نارا که در آنجا بود

بِمَلَكِكَ كُنْتُ الْمُقَرَّبِينَ وَنَضَامًا

ب آن که در روزی که هر چه از او بود بر مولا

و من سبقت با او که بهتر از او است بر سرش زده را او عفو او

و من سبقت با او که بهتر از او است بر سرش زده را او عفو او

و من سبقت با او که بهتر از او است بر سرش زده را او عفو او

و من سبقت با او که بهتر از او است بر سرش زده را او عفو او

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي خلقنا
من نوره وهدانا لهذا
الذي كنا نكفر به

بِأَنْبِيَاءِهِ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ

سنة	بسم الله الرحمن الرحيم	دعواته
التي لا تزول	وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجْزًا مِّنْهُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا	وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجْزًا مِّنْهُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا
التي لا تحول	وَلِلَّهِ الْمُلْكُ كُلُّهُ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ	وَلِلَّهِ الْمُلْكُ كُلُّهُ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ

اخْتَارْنَا مَحَاسِنَ الْخَلْقِ وَأَجْرَى عَلَيْنَا

طيبات الرزق	وَجَعَلْنَا الْفَيْضَ
بِأَمْلِكُهُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْخَلْقِ فَكُلْ مِنْهُ	بِأَمْلِكُهُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْخَلْقِ فَكُلْ مِنْهُ

مُنْقَادَةً لَّنَا بِقُدْرَتِهِ وَصَائِرَةً إِلَيْهِ

وَمَا تَكُونُ فِيهِ حَتَّىٰ تَدْعُوهُ بِأَسْمَائِهِ يَجْتَبِيكَ مِنْ تَحْتِهَا

از او این طاقه است و در آن
بسیار از نعمت است که
آن را با خود می‌برد
و آن را به هر کس که
بخواهد می‌دهد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي خلقنا
من نوره وهدانا لهذا
الذي كنا نكفر به

طَاعَتِنَا بِغَيْرِ تَمَرٍّ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ

عنا باب الحاجة	إِلَّا إِلَيْهِ فَكَيْفَ
نُطِيقُ حُجْرَهُ	أَمْ مَتَىٰ تُؤَدِّيٰ شُكْرَهُ

لَا مَتَىٰ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِينَا

الآتِ الْبَسِطَ	وَجَعَلْنَا أَدْوَانَ
الْقَبْضِ	وَمَثَعْنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَوَاتِ

وَأَثَبَتْ فِينَا حَوَارِجَ الْأَعْمَالِ وَغَدَا

وَمَا تَكُونُ فِيهِ حَتَّىٰ تَدْعُوهُ بِأَسْمَائِهِ يَجْتَبِيكَ مِنْ تَحْتِهَا

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي خلقنا
من نوره وهدانا لهذا
الذي كنا نكفر به

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي خلقنا
من نوره وهدانا لهذا
الذي كنا نكفر به

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي خلقنا
من نوره وهدانا لهذا
الذي كنا نكفر به

در روزهای روزگار و در روز قیامت
و در روزهای روزگار و در روز قیامت
و در روزهای روزگار و در روز قیامت

بَطِيَّاتِ الرِّزْقِ وَأَغْنَانَا بِفَضْلِهِ وَ

أَقْنَانَا بِمَتِّهِ ثُمَّ أَمْرًا لِيُخْتَبَرَ
طَاعَتَنَا وَنَهَانَا لِيُتَبَلَّ شُكْرَنَا

فَمَا لَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرٍ وَرَكِبْنَا مَتْنًا

زَجْرَهُ فَلَمْ يَدْتِدْنَا بِعُقُوبَتِهِ
وَلَمْ يُعَلِّجْنَا بِسِقْمَتِهِ بَلْ تَأَنَّنَا

بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا وَانْظُرْ رُحْمَتَنَا بِرَأْفَتِهِ

بِهْتِخُودِ اَلذُّوْرِ كَرَمٍ وَتَهْنِ كَرَمِيَّةً بِرَأْفَتِهِ

در روزهای روزگار و در روز قیامت
و در روزهای روزگار و در روز قیامت
و در روزهای روزگار و در روز قیامت

بِنِقْمَتِهِ

در روزهای روزگار و در روز قیامت
و در روزهای روزگار و در روز قیامت
و در روزهای روزگار و در روز قیامت

حَمَلًا وَأَجْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ

الَّتِي لَمْ نَفْعِدْهَا إِلَّا بِفَضْلِهِ
فَلَوْلَمْ نَهْتَدِ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا

بِهَذَا الْقُدْحِ حَسَنِ بِلَاؤِهِ عِنْدَنَا وَجَلَدِ

إِحْسَانِهِ الْيَسَّ وَجَمِّ فَضْلِهِ
عَلَيْنَا فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سِتْنَتَهُ

فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا الْقُدُوسِ

دَرْتُوبِهِ نَسْتَبَلِّغُهُ بِجَهْدِ سِتْنَتِهِ لِمَنْ كَانَ قَبْلَنَا الْقُدُوسِ

حَمَلًا

نَهْتَدَهَا

عِظْمَتِهِ

طَرِيقِهِ

نَسْتَبَلِّغُهُ

عَنَّا مَا لَاطَاقَتَنَا بِهِ وَكَمْ نَكِيفُنَا

از ما آنچه است طاقت ما را به و چقدر کیف ما را

الْأَوْسَعَاوَلَمْ يُحِمْنَا الْإَيْسَرَ

گرمتر از طاقت و طبع ما را از کمتر آسودگی

وَلَمْ يَدْعُ لِأَحَدٍ مِنَّا حِجَّةً وَلَا

و نماند بر ما هیچ حجتی و نماند

عُدْرَةً فَهَالِكٌ مِمَّا مَنَ هَلَكٌ

عذر پس هلاکتی است که هلاکتی است

عَلَيْهِ وَالسَّجْدُ مِمَّا مَنَ بَعْدَهُ

بر او و سجدگی است از او که است

إِلَيْهِ وَلِخَلْقِ اللَّهِ بِرُكُومًا حَادَةً

بر او و بسیار است از او که است

بِمَادِنِ مَلَأَ كِتَابَ الْبَيْتِ وَالْكَفَرِ

بان نزدترین است مغان او و کفر

بیت طاقت ما را به و چقدر کیف ما را
از ما آنچه است طاقت ما را به و چقدر کیف ما را
گرمتر از طاقت و طبع ما را از کمتر آسودگی
و نماند بر ما هیچ حجتی و نماند
عذر پس هلاکتی است که هلاکتی است
بر او و سجدگی است از او که است
بر او و بسیار است از او که است
بان نزدترین است مغان او و کفر

خَلِيقَتَهُ عَلَيْهِمْ وَأَرْضِي خَامِدِينَ كَذِي

خلقش بر او و زمین را خوار کند

حَدَّايْضُلُ سَائِرَ الْخَلْقِ كَفَضْلِ

سایر از بندگان او و از سایر بندگان

رَبِّنَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ ثُمَّ لَمْ يَخُذْ

از او در کار او بر همه بندگان او پس مرا او را

مَكَانَ كُلِّ نَعْمَةٍ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ

بجای هر نعمتی است بر ما و بر همه

عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ

بندگان او از پیشین و از بعد

عَدَدَ مَا أَخَاطَ بِهِ عَلَيْهِ مِنْ

بشمار آنچه آخاط کرد به او از

جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ

همه چیزها و بجای هر یک

خَلِيقَتَهُ

لِخَلْقِهِ

خَلِيقَتَهُ

مِنْهَا عَدْلًا هَا ضَعْفًا فَامُضَاعِفَةٌ

تعالیها در حدیث کجین بود
 اَبَدًا سُرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْيَوْمِ حَمْدًا
بیشتر تا روز قیامت
 لَا مَشْهُوَةَ لِحَدِّهِ وَلَا حِسَابَ لِعَدْلِهِ

وَلَا مَبْلَغَ لِعَاقِبَتِهِ وَلَا نِقْطَ عِلْمِهِ

بیشتر از حد و نقطه علم
 حَمْدًا يَكُونُ وَصْلَةً إِلَى عِلْمِهِ
بیشتر از حد باعث رسیدن به علم است
 وَعَفْوُهُ وَسَبِيحًا إِلَى رِضْوَانِهِ
و عفو او و سبوح است به رضوان او

ذَرِعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ وَطَرِيقًا إِلَى

وسيلة به بزرگوارش او و راه به بزرگوار

العَدْلُ
 کلمه عدل در حدیث است که در حدیث آمده است
 و در حدیث دیگر آمده است که عدل است
 و در حدیث دیگر آمده است که عدل است
 و در حدیث دیگر آمده است که عدل است

حَسْبُهُ وَخَفِيرًا فَرَقْتَهُ وَأَمْنَا مِنْ

بست او و خفیر از بهنگام او و امن از
 غَضَبِهِ وَظَهِيرًا عَلَى ظَلَمَتِهِ وَ
عضو او و یاور بر فضا بزدور او
 حَاجِرًا عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَعَوْنًا عَلَى
مانع از انما فوی او و مددگار او

تَأْتِي حَقَّهُ وَوِطْآنُهُ حَمْدًا يَسْعُدُ

که از او حق او و و طآن او آمدن به بزرگوارش
 بِهِ فِي الْعُدَّةِ مِنْ أَوْلِيَاءِهِ وَنَصِيرٍ
به در هیئت شریک از اولیای او و یاور
 بِهِ فِي نِظْمِ الشُّهَدَاءِ يُسَوِّفُ عَدْلَهُ
به در نظم شهادت او به تاخیر از عدل او

وَكَانَ مِنْ أَمْثَلِ حَمِيدٍ رُغَابَةٍ

بیشتر از او یار در شرف و بهر شرف او

کلمه حجب در حدیث است که در حدیث آمده است
 و در حدیث دیگر آمده است که حجب است
 و در حدیث دیگر آمده است که حجب است
 و در حدیث دیگر آمده است که حجب است

و در حدیث دیگر آمده است که حجب است
 و در حدیث دیگر آمده است که حجب است
 و در حدیث دیگر آمده است که حجب است

الشَّامِ

عَلَيْكَ بِعَدَدِ الْحَمْدِ الصَّلَاةُ عَلَيَّ

بجز این حمد از صلوات بر پیغمبر

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

وَلِلْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا

و چه بسا از صلوات که خداوند کرد بر ما

بِحَمْدِ نَبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بجز حمد پیغمبر و آل او

دُونَ الْأُمَمِ الْمَأْصِيَةِ وَالْقُرُونِ

ز این امت که گشته و قرون

الْكَافَةِ بِقُدْرَتِهِ الَّتِي لَا تَعْجُزُ

همه را قوت بقدرت خود که عاجز نموده

عَنْ شَيْءٍ وَإِنْ عَظُمَ وَلَا يَفُوتُهَا

از چیزی و هر چه بزرگ باشد و قوت نمیشود از آن

آنست که از او را بجز حمد و ثناست
و قدرت نامشود

آنست که از او را بجز حمد و ثناست

یعنی آنست که بر او بجز حمد و ثناست

شَيْءٍ وَإِنْ كُتِبَ فَحَمْدُنَا عَلَى جَمِيعِ

هر چه نوشته شود و هر چه بنویسند پس حمد ما بر همه

مَنْ ذَرَأَ وَجَعَلْنَا شُهَدَاءَ عَلَيَّ

آنکه زاید کرد و ما را شهادت داد

مَنْ حَجَّكَ وَكَثُرْنَا بِمَنَّةٍ عَلَيَّ

هر که از او حج کرد و ما را با مروت و بزرگواری

مَنْ قَدَّ اللَّهُ فَصَدَّقَ عَمَّا حَمَلْنَا مِنْكَ

هر که خداوند برگزید و ما را راست گفتند

عَلَى وَحْيِكَ وَبِحُجَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

بر وحی تو و بر حج تو از خلق تو

وَصَفِيكَ مِنْ عِبَادِكَ أُمَّامٍ

و بندگان برگزیده از بندگان تو

الرَّحْمَةِ وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَمِفْتَاحِ الْبِرِّ

و کلید خیر و کلید برکت است

بجز این حمد از صلوات بر پیغمبر
و آل او است

آنست که از او را بجز حمد و ثناست
و قدرت نامشود

و بحجت

یعنی آنست که بر او بجز حمد و ثناست

الاعراب في القرآن
الاعراب في القرآن
الاعراب في القرآن

كَانِضِبَ لَأَمْرِكَ نَفْسِي وَعَرْضَ فَيْكِ

بما كلف فمودة بر ابرو نفس خود را و فرايش دست در طلب تو

لِلْكَرِّ وَوَيْدَانِهِ وَكَاشَفَ فِي

بر ابرو از رجز خود را و پنهان کرد کینه خود را

الدُّعَاءِ إِلَيْكَ حَامَتُهُ وَمُحَارِبِ

دعوات من بسوی تو با خونش ایام و کارزار کرد

فِي ضَاكِ أَسْرَتِهِ وَقَطَعَ فِي أَحْيَاءِ

در زندان درویش با قیل و کمان و بریدند زنده کشته

دِينِكَ رَحْمَةً وَأَقْصَى الْأَدْتَيْنِ

دین تو از تو با قیل و کمان و دور کرد پند زنده

عَلَى الْحُودِ مِنْ قُرْبِ الْأَقْتَيْنِ

بنا بر نجابت این ترا و نزدیک است دور بر

عَاكَ سِتْجَابَتِ مَلِكٍ وَوَالِي فَيْكِ

بنا بر قبول کهنه پند ن تو را و حاکم است که در ملک تو

الْأَيْعَادِينَ وَعَارِي فَيْكِ الْأَقْرَبِينَ

باغچه را و دوستم نمود از جمله تو به نزدیکترین

وَأَذَابَ نَفْسِي فِي تَبْلِيغِ رَسَائِلِكَ

و عیب نمود نفس خود را در رسانیدن پیام تو

وَأَتَّبَعَهَا بِالذُّعَاءِ إِلَى مَلِكِكَ

و پیوسته آنرا با دعای آنان بسوی پادشاه تو

وَسَغَلَهَا بِالْبُضْعِ لَاهَارِ عَمُونِكَ

در گهول با شکر او را بر بندد او را در هر اهل دعوت تو را

وَهَاجَرَ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَاءِ وَمَجَلِ

و دور کرد بسوی بلاد غریب و محله

النَّاسِ عَنِ مَوَاطِنِ رَحْلِهِ وَمَوْضِعِ

او را از جا بیگانه او را خود و موضع

رِجْلِهِ وَمَسَقَطِ رَأْسِهِ وَمَا نَسِ نَفْسِي

قدم خود و محل فرود آمدن سر خود و از همه که نفس مرا کشد

الرَّادَّةُ مِنْ رَدِّكَ لِيُغْفَرَ لِي ذُنُوبِي وَأَسْتَجِيرُكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَلَى أَهْلِ الْكُفْرِ كَمَا حَتَّى اسْتَجِبَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَهُ مَا حَاوَلَ فِي أَعْدَائِكَ وَأَسْتَمُّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لِقَادِرِي فِي أَوْلِيَائِكَ فَهَذَا إِلَهُهُمْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مُسْتَفْتِحًا بِعَوْنِكَ وَمُتَّقِيًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَلَى ضَعْفِهِ يَنْصُرُكَ فَغِزَاهُمْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فِي عِقْدِي يَا مَهْمُوهٍ عَلِيمُ فِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِحُجَّتِي قَابِلِي مِمَّ حَتَّى ظَهَرَ أَمْرُكَ وَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَلَيْكَ كَلِمَتِكَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ فَارْفَعْهُ بِمَا كَدَحَ فِيكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَى الدَّرَجَةِ الْعُلْيَا فَرَجِّحْ جَنَّتِكَ حَتَّى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا يَأْوِي فِي مَنْزِلَةٍ وَلَا يَكْفَأُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فِي مَرْتَبَةٍ وَلَا يُوَازِنُهُ لَدَيْكَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَوَلِيَّتِي مُرْسِلٌ وَبِعَرَفِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحر

فِي أَهْلِ الطَّاهِرِينَ وَأُمَّتِ الْمُؤْمِنِينَ

<i>دوستان</i>	<i>اهل ائمه و</i>	<i>و مؤمنان است</i>
<i>از ایشان</i>	مِنْ حَسَنِ الشَّفَاعَةِ أَجْلًا وَعَدَلًا	<i>از ایشان است</i>
<i>از ایشان</i>	يَأْتَانَا فِذَالْعَدَّةِ يَا وَافِي الْقَوْلِ يَا مَتَدِّ	<i>از ایشان است</i>
<i>از ایشان</i>		<i>از ایشان است</i>

الَّتِي تَبِيعَتْ بِأَصْحَابِهَا مِنَ الْجَنَاتِ إِنَّكَ

<i>دوستان</i>	ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ	<i>دوستان</i>
<i>از ایشان</i>	وَكَانَ مِنْ عَائِلَتِ عَلِيٍّ	<i>از ایشان</i>
<i>از ایشان</i>		<i>از ایشان</i>

فِي الصَّلَاةِ عَلَى عِلَّةِ الْعَرْشِ كَمَا مَلَكَ

در صلوة بر عرش که بر او از عرش است و او ملک مقرب است

الثالث

اللَّهُمَّ وَحَمَلْتُمْ مَقْرَبٍ عَمْرِيكَ الَّذِينَ

<i>بار خدایا</i>	لَا يَفْتَرُونَ مِنْ تَسْبِيحِكَ وَلَا تَبْحِيحِكَ	<i>بار خدایا</i>
<i>از ایشان</i>	مِنْ تَقْدِيرِكَ وَلَا يَسْتَحْرِفُونَ	<i>از ایشان</i>
<i>از ایشان</i>		<i>از ایشان</i>

فَرَعِبَادَتِكَ وَلَا يُؤَثِّرُونَ التَّقْصِيرَ عَلَى

<i>از ایشان</i>	كَيْدِي فِي أَمْرِكَ وَلَا يَغْفُلُونَ عَنِ	<i>از ایشان</i>
<i>از ایشان</i>	أَوْلَادِهِ النَّيِّكِ وَأَسْرَافِيلَ صَاحِبِ	<i>از ایشان</i>
<i>از ایشان</i>		<i>از ایشان</i>

الصُّورِ الشَّاهِدِ الَّذِي يَنْظُرُ مِنْكَ

صورتی که چشمش بر تو است و او شاهدی بود از جانب تو

الاذن وجُلُودِ الْاَهْرِ فَيُنَبِّئُ بِالنَّفْحِ

*ووفود اهل فرات برگاه كرده بر ميخ
صريحى در هائى القبور و ميكايل
اقتدا كه زنا كه او بفرستند و ميكايل
ذو الجاه عندك و المكان الرقيع
فجابه و منزلت زود و در بعضى جاها*

فِرْطَا عَيْنِكَ وَجَمِيلُ الْاَمِيرِ عَلِيَّكَ

*از عاقبت
و جبريل امين بروى تو
المطاع في اهل سمواتك المبكين
و مطاع در میان اهل اسماء تو صاحب قدر
لذنيك المقرب عندك والروح
مشتو مقرب زود و روح*

الذِي هُوَ عَلَى مَلَايِكَتِكَ تَأْتِيكَ

*كه او مى كلىست بر ملايكه
جماها*

وَالرُّوحِ الَّذِي هُوَ مِنْ أَمْرِكَ فَصَلِّ

*و روحى كه او بره مشهوره
عليهم وعلى الملائكة الذين من
برشان در روز قضايتان كه
دويزم من سب كان سمواتك
از نشتن مؤمن كان اسماء سر تو*

وَأَهْلِ الْاِمَانَةِ عَلِيَّكَ سَيِّدِ الْاَتَمِّ وَالَّذِينَ

*اهل امانت
لا تدخلهم سامية من دعوتك
در نيت تو امانت
ولا اعيان من لغوب ولا فتور
و زود ما ملكه از لغوب و لغوب است از كاه*

وَلَا تَعْلَمُ مَعْنَى تَسْبِيحِكَ الشَّمَوَاتُ

*و منزلت زود است زنا
از تسبيح كودن تو خواستها*

الشمس

الشمس

وَلَا يَقْطَعُ عَنْكَ سَهْوُ

سَهْوُ عَنِ الْمَشَاغِبِ از غفلیم کردن تو *سَهْوُ كَرِهِي* سهر که از تو شود

الْغَفْلَاتِ لَطَمِ الْأَبْصَارِ فَلَا

أَتَقَدَّرُ اما از آنکه تو غافلانه از تو غفله از تو

يُرْوَمُونَ النَّظْرَ إِلَيْكَ التَّوَكُّرُ

تَقَدَّرُ كَيْفَ تَنْظُرُ كَيْفَ تَنْظُرُ نظر کردن بر تو چنانچه با بین تو غفله

الْأَرْقَانِ الَّذِينَ قَدَّاتِ عَيْتَهُمْ

زَجَلُوا از غفله *الْأَرْقَانِ* از غفله *يَنْتَفِيزُ* از غفله *دَوَارِجُ* دور از تو *عَيْتَهُمْ* عیت از تو

فِيهَا كَذَبُكَ الْمُسْتَهْزِئُونَ بِذِكْرِ

دَرْجَةُ درجه *تَرْجَمَةُ* ترجمه *فَرِيضَةُ* فریضه *بَدَا* بداد از تو

الْأَهْمَاءِ وَالْمُتَوَاضِعُونَ دُونَ

نُقْتَةُ نقطه *تَرْجَمَةُ* ترجمه *كَلَامُهُ* کلام از تو

عَظَمَتِكَ فَجَلالِكَ كِبَرِيَّاتِكَ

عَظَمَتُ عظمت تو *وَجَلالُ* و جلال *كِبَرِيَّاتُ* بزرگواری تو

اعناق

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ إِذَا نَظَرُوا إِلَىٰ جِهَتِهِمْ

وَرَمَانُ ورمان *كَمْ يَكُونُ* کم می‌کند *بِهِمْ* به آن *تَنْظُرُ* نگاه *بِجِهَتِهِمْ* به جهت از تو

تَرْفَعُونَ عَلَىٰ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ بِنَجَاتِكَ

كِرَامًا کرامت *أَهْلًا* اهل *مَعْصِيَتِكَ* معصیت تو *بِنَجَاتِكَ* بنجات تو

مَا عَبَدْنَاكَ حَتَّىٰ عِبَادَتِكَ فَصَلِّ

بِرِسْمِكَ بر رسم تو *أَهْلًا* اهل *تَوَكُّرًا* توکیر *بِهِمْ* به آن *بِرِسْمِكَ* بر رسم تو

عَلَيْهِمْ وَعَالِيَ الْوَحَائِبِينَ مِمَّا مَلَكَتْكَ

بِرِسْمِكَ بر رسم تو *وَبِرِسْمِكَ* و بر رسم تو *أَهْلًا* اهل *تَوَكُّرًا* توکیر

وَأَهْلِ الزَّلْفَةِ عِنْدَكَ وَحَالِ

وَبِرِسْمِكَ و بر رسم تو *أَهْلًا* اهل *كِبَرِيَّاتِكَ* بزرگواری تو

الْغَيْبِ الرُّسُلِكَ وَالْمُؤْتَمِنِينَ

بِهِنَانٍ بهینان *بِهِمْ* به آن *بِرِسْمِكَ* بر رسم تو *وَأَهْلًا* اهل *تَوَكُّرًا* توکیر

عَلَىٰ وَجْهِكَ وَقَبَائِلِ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ

رُوحِي روحی تو *وَبِرِسْمِكَ* و بر رسم تو *فَرِيضَةُ* فریضه *أَهْلًا* اهل *تَوَكُّرًا* توکیر

أَخْصَصْتُمْ لِنَفْسِكُمْ وَأَغْنَيْتُمْ

که بعضی که بپندیدند برای خود و بپندیدند برای خود

عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ تَتَّقِيكَ

از خوردن و پندیدن

وَأَنْ كُنْتُمْ بَطُونَ أَطْبَاقٍ

و چون بپندیدید بر این درازان و صفا

سَمَوَاتِكُمْ وَالَّذِينَ عَلَى أَرْضَائِهِمْ إِذَا

اسمان خود و آنانی که بر سر زمین خود

نَزَلَ الْأَمْرُ بِتَمَامٍ وَعِدِكَ وَخُرُوجِ

که فرود آید تمام و وعده تو و خروج

الْمَطَرِ وَزَوَاجِرِ السَّحَابِ الَّتِي

باران و زوایر ابر و ابرو

بِصَوْتِ زَخِيرٍ يُسْمَعُ زَجْرُ السَّرْعُورِ

که از آواز زخیر او شنیده شود آواز رعد

م

لصوت

وَإِذَا سَجَّتْ بِحَقِيقَةِ السَّحَابِ التَّعَتُّ

و هرگاه در ابرو و پندیدن ابر که در سر است

صَوَاعِقُ الْبُرُوقِ وَمَشِيْعِي النَّجْمِ

برق و پندیدن ستاره

وَالْبُرْدِ وَالْهَابِطِينَ مَعَ قَطْرِ

و سردی و پندیدن همراه قطره

الْمَطَرِ إِذَا نَزَلَ وَالْقَوَامِرِ عَلَى خُرَائِنِ

بهر آنکه هرگاه که فرود آید و بر زمین و کان بر خورند

الرِّيَاحِ وَالْمَوَكِّلِينَ بِالْجِبَالِ

باد و پندیدن در کوه

فَلَا تَزُولُ وَالَّذِينَ عَرَفْتَهُمْ مَثَاقِيلِ

که از آنجا که فرود آید و از آنجا که شناسا کردی

الْمِيَاهِ وَكَيْفَ يَأْتِيهِمْ لَوَاحِجُ السَّحَابِ

آبها و قدری که فرود آید از ابر

سجَّتْ بِحَقِيقَةِ

وَعُولِ الْجِبَالِ وَسُرُكِ الْمَلَائِكَةِ

در هفتاد و نه و بر بولان تو از میان ما که

أَهْلِ الْأَرْضِ مَكْرُوهٍ مَا

اهل زمین با خوردن گوشت که نازل

يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَحْبُوبِ الرِّجَاءِ

میژود که آن بلاست و محبوبی که از آسمان

وَالسَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرِّ الْكَافِرِ

و از سفیران کرامی

الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَمَلِكِ

و کرامی و نویسندگان و پادشاه

الْمَوْتِ وَأَعْوَابِهِ وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ

و مرگ و دروازه او و منکر و نکیس

وَرُوفَانَ فَتَانَ الْقُبُورِ وَالطَّائِفِينَ

و روفان که از میان کشته شد از قبرها و پادشاهان

و مَبَشِّرٍ وَكَبِيرٍ

بِالْبَيْتِ الْعَمُورِ وَمَالِكِ وَالْجَنَّةِ

بیت

وَرِضْوَانِ وَسَدَنَةِ الْجَنَانِ وَ

و رضوان و خادمان بهشت

الَّذِينَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ

از آنکه از امر خدا نمانند و آنچه را که امر کرده

وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ

و میگویند

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ

سلام باد بر شما بابت صبر کردن

فَنِعْمَ عَقَبَى الذَّارِبِ وَالزَّانِبِ الذَّنْبِ

پس چه عیبی است از ضربه و از آنکه گناه

إِذَا قِيلَ لَهُمْ خُذُوا فَعُولٌ ثُمَّ الْحَكِيمِ

اگر گفته شود در پیش آن که کفر کرده است پس خنود و پادشاه

بِالْبَيْتِ

صَلَوُهُ ابْتَدَرُوهُ سِرَاعًا وَكُنْظَرُوهُ

اندر آید او را می ستانند با او بزور او صبر و صبر او را
 وَمَنْ أَوْهَمْنَا ذِكْرَهُ وَكَلَّمْنَا
و بر او فرستادیم که از او فراموش کند او را و گفتیم
 مَكَانَهُ مِنْكَ وَبِأَيِّ أَمْرٍ وَكَلَّمْتَهُ
مکان او را از تو و با هر چه که می گوئی او را

وَسَيِّدَانِ الْهَوَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْمَاءِ وَمِنْ

و بر او گفتیم که از او است و زمین و آسمان و آب و خاک
 مِنْهُمْ عَلَى الْخَلْقِ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ
از ایشان بر خلق بر خلق پس بجزایرت بر ایشان
 يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا كَسَبَتْ
روز که هر کسی آید از نفس و بد او است و آنچه

وَشَهِيدًا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ مِنْ صَلَواتِكَ تَزِيدُ

و گوهر او جز بجزایرت بر ایشان و هر چه که بجزایرت آید

قائم

كَلِمَةً عَلَى كَرَامَتِهِمْ وَطَهَارَةِ

کرامت و بزرگواری ایشان و پاکیزگی
 عَلَى طَهَارَتِهِمْ اللَّهُمَّ وَإِذَا صَلَّيْتَ
بر پاکیزگی ایشان یا بر خدای او هر که بجزایرت
 عَلَى مَا لَرَكْنِكَ وَرُسُلِكَ
بر رکنان خود و رسلان تو

وَبَلَّغْتَهُمْ صَلَواتِنَا عَلَيْهِمْ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

و رسانیدیم بایشان صلوات که فرستادیم بر ایشان پس بجزایرت بر ایشان
 بِمَا فَتَحْتَ لَنَا مِنْ حُسْنِ الْقَوْلِ
بسبب آنچه گشود برای ما از کسب نیکو
 فِيهِمْ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ
در حق ایشان بسیار که تو بخشنده ای کرم

وَكَانَ مِنْ عَابِدِيكَ لَمْ يَكُنْ فِي الصَّلَوةِ

و بود از عباد تو که در صلوة فرستاد

علیائنا

الرابع

کلام

عَلَّ اطِّبَاعَ الشُّرَكَ مُصَدِّقِهِمْ

ابن ابی عمیر روایت کرده است که در روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا این بندگان را از تو میگردانند؟ فرمود: آنرا از آنست که من از ایشان چیزی را نپوشانم و آنرا که از ایشان پنهان است را آشکارا کنم.

اللَّهُمَّ وَأَتَّبِعْ الرُّسُلَ وَمَنْ يَتَّبِعِ الرُّسُلَ يَجْعَلْ اللَّهُ لَهُ مَخْرَجًا
مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ بِالْغَيْبِ عِنْدَ
ابن ابی عمیر روایت کرده است که در روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا این بندگان را از تو میگردانند؟ فرمود: آنرا از آنست که من از ایشان چیزی را نپوشانم و آنرا که از ایشان پنهان است را آشکارا کنم.

مُعَاذَتِ الْمُعَانِدِينَ لَهُمُ بِالْكَذِبِ

ابن ابی عمیر روایت کرده است که در روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا این بندگان را از تو میگردانند؟ فرمود: آنرا از آنست که من از ایشان چیزی را نپوشانم و آنرا که از ایشان پنهان است را آشکارا کنم.

وَالِاسْتِثْنَاءِ إِلَى الْمُرْسَلِينَ بِحَتَائِقِ
الْإِيمَانِ فِي كُلِّ دَهْرٍ وَزَمَانٍ
ابن ابی عمیر روایت کرده است که در روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا این بندگان را از تو میگردانند؟ فرمود: آنرا از آنست که من از ایشان چیزی را نپوشانم و آنرا که از ایشان پنهان است را آشکارا کنم.

أَسَلْتُ فِيمَنْ سِوَاكَ وَأَمَّتْ لَهُ هِلَةٌ

ابن ابی عمیر روایت کرده است که در روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا این بندگان را از تو میگردانند؟ فرمود: آنرا از آنست که من از ایشان چیزی را نپوشانم و آنرا که از ایشان پنهان است را آشکارا کنم.

وكان من عائلتي عليك السلام
فذكر اني كنت عليا التلي
اللهم يا من خلق السماوات
والارض والكرامات وخاضع
بالرسل اليه وخضعتم بالانبياء
وجاهتم ورتبه الانبياء والائمة
حتم بهم الاوصياء والائمة
وعلمهم على ما كان من
ما بقى جعل افئدة من
التائبين نوى اليهم
مجدد اليه الظاهرين
واقفلت يا ما انت افضل
في الدين والدين والافضل
اتمك على كل شيء قديرا

دَلِيلًا لِمَنْ لَدُنَّ أَدْرَأَ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

ابن ابی عمیر روایت کرده است که در روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا این بندگان را از تو میگردانند؟ فرمود: آنرا از آنست که من از ایشان چیزی را نپوشانم و آنرا که از ایشان پنهان است را آشکارا کنم.

عَلَيْهِ وَاللَّهِ مِنْ أُمَّةٍ الْهَادِي
قَادَةَ أَهْلِ التَّقَى عَلَى جَمِيعِهِمُ النَّامِ
ابن ابی عمیر روایت کرده است که در روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا این بندگان را از تو میگردانند؟ فرمود: آنرا از آنست که من از ایشان چیزی را نپوشانم و آنرا که از ایشان پنهان است را آشکارا کنم.

فَأَزَكُّكُمْ مِنْكَ بِمَغْفِرَةٍ وَرِضْوَانٍ

ابن ابی عمیر روایت کرده است که در روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا این بندگان را از تو میگردانند؟ فرمود: آنرا از آنست که من از ایشان چیزی را نپوشانم و آنرا که از ایشان پنهان است را آشکارا کنم.

اللَّهُمَّ وَأَصْحَابِ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً
الَّذِينَ أَحْسَنَ الصَّحَابَةَ وَالَّذِينَ
ابن ابی عمیر روایت کرده است که در روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا این بندگان را از تو میگردانند؟ فرمود: آنرا از آنست که من از ایشان چیزی را نپوشانم و آنرا که از ایشان پنهان است را آشکارا کنم.

أَبْلَى الْبَلَاءِ الْحَسَنِ فِي نَصْرِهِ وَكَانَفُوهُ

ابن ابی عمیر روایت کرده است که در روزی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند که ای رسول خدا صلی الله علیه و آله چرا این بندگان را از تو میگردانند؟ فرمود: آنرا از آنست که من از ایشان چیزی را نپوشانم و آنرا که از ایشان پنهان است را آشکارا کنم.

أَبْلَى

وَأَسِئِرُوا إِلَى الْوَفَادَةِ وَسَابِقُوا إِلَى الرَّغْوَةِ

وآسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* و پیشتر رفتن بپور *وأسیئروا*
وَأَسْتَجِبُوا أَلْحَيْتِ لَسَمْعِهِمْ حُجَّةً
وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور
رِسَالَتِهِ وَفَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَ
وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور

أَلَاؤُهُ فِي أَظْهَارِ كَلِمَتِهِ وَقَانَلُوا الْأَبَاءَ

وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور
وَالْأَبْنََاءَ فِي تَقْدِيرِ نُبُوَّتِهِ وَ
وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور
أَنْصَرُوا بِهِ وَمَنْكَرُوا مَنْطِقَهُ
وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور

عَلَى حَجَّتِهِ يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ فِي

وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور

مَوَدَّتِهِ وَالَّذِينَ هَجَرْتُمْ الْعِشَاءَ إِذْ

وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور
تَعَلَّقُوا بِعُرْوَتِهِ وَأَنْتَقَتْ مِنْهُمْ
وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور
الْقَرَابَاتِ إِذْ سَكَنُوا فِي ظِلِّ قَرَابَتِهِ
وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور

فَلَا تَنْسَهُمُ اللَّهُ مَا تَرَكُوا لَكَ وَفِيكَ

وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور
وَأَرْضِهِمْ مِنْ رِضْوَانِكَ وَمِمَّا
وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور
خَاشُوا الْخَلْقَ عَلَيْكَ وَكَانُوا مَعًا
وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور

رَسُولِكَ رِعَاةَ لَكَ إِلَيْكَ فَاشْكُرْهُمْ

وأسیئروا در حقن بپور و *وأسیئروا* در حقن بپور

عَلِّمْهُمْ فَيْكُ دِيَارِ قَوْمِهِمْ وَخَرَقُوا

در بیان آنکه ایشان در وقت نزول بر قوم خود در آن دیار آمدند و خرقه

مِنْ سَعَةِ الْمَعَارِفِ الصَّيْقَةِ

از بزرگی معرفت است که در آن است

وَمَنْ كَثُرَتْ فِي غَرَزِ دِينِكَ

و چون در غرض دین خود زیاد شود

مِنْ مَظْلُومِيهِمُ اللَّهُمَّ وَأُصَلِّ عَلَى السَّائِغِينَ

استغفار کننده ایشان را یا خدا و برسان بر ایشان که در میان

كُلِّمُ بِالْخِيَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ

همه را با خیانت که آن را میگویند

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ

ای سرور و خداوند ما را و برادران ما را که

سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ خَيْرَ جَزَائِكَ الَّذِينَ

سابقتر از ما با ایمان و بهترین جزای خود را آنکه

قَصِدُوا سِمَتَهُمْ وَتَحَرَّوْا وَجْهَتَهُمْ

که قصد کردند سیمت خود و بگریزیدند از چهره او

مَضَوْا عَلَى شَاكِلَتِهِمْ كَمَا شِئْتُمْ

رفتند بر شاکل ایشان به همان که بخواهید

رَبِّيبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ وَلَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَيْءٌ

شبی در بینایی ایشان و چیزی نتوانست میان ایشان

فِي قَفْوَاتِهِمْ هَذَا الْإِيْتِمَارُ بِهَذَا آيَةٍ

در پنهان کردن ایشان از او این است که در این آیه

مَنَارِهِمْ مَكَانَتَيْنِ وَمَوَانٍ

دو جایگاه و دو مکان است

كُلُّمُ يَدَيُوكَ بَيْنَهُمْ وَيَهْتَدُونَ

همه را در میان ایشان و راه را میجویند

بِأَيْدِيهِمْ يَتَفَقَّحُونَ عَلَيْهِمْ وَلَا يَتَمَوَّنَهُمْ

از روی دست ایشان و با هم میفهمند و از دست ایشان

يَقِفُونَ

فِيمَا آذَنَّا لَهُمُ اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى

در کتب اربعه در بیان بار خدا و رحمت کن

التَّابِعِينَ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى

بروالتابعين ازین روز تا روز

يَوْمِ الدِّينِ وَعَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ وَعَلَىٰ

تو جمع و فرزندان ایشان و بر

ذُرِّيَّاتِهِمْ وَعَلَىٰ فِرَاطِكَ مِنْهُمْ صَلَوةٌ

اولی ایشان و بر هر که هفت گویا از ایشان رحمت

تَعْصُمُهُمْ بِهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

که نگاه دارند بر این از معصیت خود

وَتَنْفِخُ كُمْ فِي رِيَاضِ جَنَّاتِكَ وَ

و تو هم را بر ایشان در بهشتان است و

تَمْنَعُهُمْ بِهَا مِنْ كَيْدِ الشَّيْطَانِ تَعْمِيهِمْ

نگاه دارند بر ایشان جهت از کید شیطان و در دوزخ ایشان

ذُرِّيَّاتِهِمْ

تَعْمِيهِمْ

بِهَا عَلَى مَا اسْتَعَانُوكَ عَلَيْكَ فَرِحْنَا وَ

بن حجت بر هر که استعانت از تو و این چیز ازین آید و

تَقِيَهُمْ طَوَارِقَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا

نگاه دارند بر این از طوارق شب و روز

طَارِقًا يُطْرَقُ بِخَيْرٍ وَتَبْعَهُمْ بِمَا

خبر که در وقت تو بخیر و بر بزرگان از بزرگان

عَدَاكَ عَقْدًا حَسَنَ الرَّجَاءِ لَكَ وَالطَّيِّبِ

با عداقت که بزرگ است بعد از این تو و طیب کردن

فِيمَا عِنْدَكَ وَتَرَكِ التَّمَنِّيَةَ فِيهَا

در آنچه نزد تو و ترک کن تمنی در آنجا

تَجْوِيهِ أَيْدِي الْعِبَادِ لِتَرْدَهُمْ إِلَىٰ

و از گردن دستها بر ایشان تا بگردانند بر ایشان

الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةَ مِنْكَ وَ

بهر رغبت باین جهت و باهر ترس از تو و

بها

تُرْهِدُهُمْ فِي سَعَةِ الْعَاجِلِ وَتُحِبِّبُ

وهرت نماز ایشان در وقت نماز در وقت نماز

إِلَيْهِمُ الْعَمَلُ لِلْإِجْلِ وَالْإِسْتِعْدَادُ

برایشان کار کردن برای اجرت و استعدادهای

لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَتَهْوُونَ عَلَيْهِمْ كُلَّ

بهره از مردگان و بدان که برایشان در این دنیا

كَيْبِ حَيْلِهِمْ يَوْمَ خُرُوجِ الْأَنْفُسِ مِنْ

بهره از حیل ایشان روز خروج جانها از

أَبْدَانِهَا وَتُعَافِيهِمْ مِمَّا تَتَّبِعُ بِهِ

بدانها و عافیت و درمان زاری که در پی آن

الْفِتْنَةَ مِنْ مَخْذُورَاتِهَا وَكَيْفَ

از مایشان از مآذینها را که در پی آن

التَّائِبُ طَوْلُ الْخَلْقِ فِيهَا وَتُصَيِّرُ

ایشان و از دراز شدن در پیش و بازگشت ایشان

الاجل

إِلَى الْأَمْنِ مِنْ مَقِيلِ الْمُتَّقِينَ

بهر ایمنی که در این دنیا است و در این دنیا

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

بود از عایدت علی بن ابی طالب

لِنَفْسِهِ وَأَهْلِ وَوَلَايَتِهِ

برای خود و برای ولایت خود

يَا فَرَاغَ لَتَقْضَى عَجَائِبَ عَظَمَتِكَ عَلَا

ای فراغ که در پی آن عجز از تو است و در پی آن

مُجِدِّ إِلَهٍ وَاجْتِمَاعِ الْإِحَادِ

مجدد الهی و اجتماع الاحاد

فِي عَظَمَتِكَ وَيَا مَنْ لَا تَقْتَدِي

در عظمة بزرگوار تو و ای آنکه در پی آن

مُدَّةً مَلَكَتْ صِدْقُكَ وَالِدٌ وَعَتَقُ

زمانه پادشاه تو و در پی آن عجز از تو است و در پی آن

الخامس

قَابَانَا فَنَقْتِك وَيَا فَرَاغِي خِرَانِ

کردند ما را از غارت خود و ای فراغی خیران

صَحْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

صحت و رحمت بفرست بر محمد و آل او و

اجْعَلْ لَنَا نَصِيبًا فِي رَحْمَتِكَ

بگردان برای ما سهمی از رحمت خود

وَيَا فَرَاغِي خِرَانِ

و ای فراغی خیران

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَدِنْنَا إِلَى

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و نزدیک گردان ما را

قُرْبِكَ وَيَا مَنْ تَضَعُ عِنْدَ خَطَمِ

زبانه و ای آن که می نهی زبانه را در

الْإِخْطَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكُنَّا

قربان رحمت بفرست بر محمد و آل او و ما را در

عَلَيْكَ وَيَا مَرْتَضَاهُ عِنْدَهُ بَوَاطِنُ

در آن که در آن است پنهان او و باطنها

الْأَخْبَارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

خبرها رحمت بفرست بر محمد و آل او و

لَا تَنْقُضْنَا الَّذِيكَ اللَّهُمَّ اغْنِنَا

برو آنکه منقض کن زود خود ما را از نیاز

عَنْ هَبْتِ الْوَهَابِينَ بِهَيْبَتِكَ وَ

از همتش بترساندگان رحمتش خود

اَكْفِنَا وَحُشَّةَ الْقَاطِعِينَ

کافی کن ما را از ستم آنانی که می برند

بِصَلَّتِكَ حَتَّى لَا نَرْغَبَ إِلَى أَحَدٍ

بپرستش خود تا ما رغبت نینماید به کسی

مَعَ بَدَلِكَ وَلَا نَسْتَوْحِشُ مِنْ أَحَدٍ مَعَ

با وجود همتش تو و ما وحشت نینماید از کسی با وجود

الواهبين

فَضْلِكَ اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَاللَّهِ

بصيرتك يا محمد
 وَكَذَلْنَا وَلَا تَكْذِبْنَا وَإِنْ كُنَّا
وكننا بغيرك يا محمد
 لَنَا وَلَا تَكْذِبْنَا وَأَدِلْنَا
بإدراكك يا محمد

وَلَا تُدِلُّنَا اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَاللَّهِ

بصيرتك يا محمد
 وَقِنَا مِنْكَ وَالْحَفْظْنَا بِكَ وَأَهْدِنَا
وهدنا يا محمد
 إِلَيْكَ وَلَا تَبَاعِذْنَا عَنْكَ أَنْ مَنَّا
بصيرتك يا محمد

تَقِهِ يَسِيرًا وَتَهْدِهِ يَسِيرًا وَتَقَرُّ بِهِ

بصيرتك يا محمد

بصيرتك يا محمد
 تَقِهِ يَسِيرًا وَتَهْدِهِ يَسِيرًا
 وَتَقَرُّ بِهِ

إِلَيْكَ يَا اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَاللَّهِ

بصيرتك يا محمد
 وَأَكْفِتْنَا ذُنُوبَ الزَّمَانِ وَشَرِّ
وكننا بغيرك يا محمد
 مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ وَبِرَأْسِ صَوْلَتِهِ
بصيرتك يا محمد

الشَّيْطَانِ اللَّهُمَّ إِنَّمَا يَكْفِي الْمَكْتَفُونَ

بصيرتك يا محمد
 بِفَضْلِ قَوْلِكَ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا
بصيرتك يا محمد
 إِلَيْهِ وَأَكْفِنَا وَإِنَّمَا يُعْطَى الْعَطْوَنَ
بصيرتك يا محمد

مِنْ فَضْلِ جَدِّكَ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَاللَّهِ

بصيرتك يا محمد

وَاعْطِنَا وَانْمَا يَهْتَدَى الْمُهْتَدُونَ بِتَوْ

وعد که کند او و او را بر بند و او را مقصود کند و هر که

وَجْهَكَ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

ذرت تو پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و

اهْدِنَا اللَّهُمَّ أَنْتَ مَنْ وَالَيْتَ لَهُ

وکن ما مارا خدا را برتر کن تو هر که را با برتر کن

يُضِرُّهُ خِذْلَانِ الْخَازِلِينَ وَفَاعْطَيْتِ

مردی خرد او را بخود که خرد خوار کند کان و هر که

لَمْ يَنْقِضْهُ مَنَعَ الْمُنَافِعِينَ وَمَنْ

تقصیر نبرد از او را بر دشمنان برده از او که و هر که

هَدَيْتَ لَهُ نَفْعَهُ إِضْلَالِ الْضَالِّينَ

راه بود که گمراه میبرد او را که گمراه کننده را

فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَانْمَعْنَا بِعَرْكَ مِنْ

پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و با خود از ما را بفرست خود از

عِبَادِكَ وَانْمَعْنَا بِعَرْكَ غَيْرِكَ بِإِزْفَارِكَ

عبادگان تو و بدینا از کرد ما را از غیر خود و بجزای خود

وَإِنَّكَ بِنَاسِيكِ الْحَزْبِ بِإِزْفَارِكَ

و بر برادران بر راه حق و بر اهل حق خود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و بگردان

سِلَامَةً قُلُوبِنَا فِي ذِكْرِ عَظَمَتِكَ وَفِرَاحَ

سلامت دلها ما را در یاد کردن بزرگواری خود و فرود

أَبْدَانِنَا فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ وَ

بدن ما را در شکر کردن از رحمت تو و

انْطِلَاقَ السِّنْدِنَا فِي وَصْفِ مَشْنِكَ

تیز رفتن ما را در وصف کبریا تو

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْنَا

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و بگردان ما را

عبد

عبد

مُرِّعَانِكَ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ وَهُدَايَكَ

از آن کسان که تو را دعوت میکنند به سوی خود و هدایت تو را

الدَّالِّينَ عَلَيْكَ وَمِنْ خَاصَّتِكَ

و از آن کسان که تو را هدایت میکنند و از آن خاصان تو

الْمَخَاصِيئِ لَدَيْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

از آن صفات نزد تو ای مهربانترین مهربانان

وَكَانَ دُعَاؤُكَ عَلَيَّ لَمَّا عِنْدَ الصُّبْحِ وَاللَّيْلِ

و در وقت دعا تو بر من بود در وقت صبح و شب

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ بِقُوَّتِهِ

الحمد لله که با قدرت خود آفرید شب و روز را

وَمَيَّرَ بَيْنَهُمَا بِقُدْرَتِهِ

و در میان آن دو تمیز داد با قدرت خود

وَجَعَلَ كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا جَدًّا

و کرد هر یک از آن دو را جدی

الکتاب



وَأَمَّا دُعَاؤُكَ إِلَيَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا

و اما دعا تو بر من بود هر یک از آن دو

فِي صَلَاحِهِ وَيُوجِّعُ صَلَاحَهُ فِيهِ

در صلاح او و در صلاح او در حق او

بِتَقْدِيرِ مَنْهُ لِلْعِبَادِ فِيهَا يَغْذُوهُمْ

بیتقدیر آن که از آن دو است برای بندگان در حق خود

بِهِ وَيُنِشِئُ مِنْهُمُ عَلَيَّ فَخَلَقَ لَهُمُ اللَّيْلَ

و از آن دو آفرید برای من و از آن دو آفرید برای من

لِيُنِشِئُ مِنْهُمُ عَلَيَّ مِنْ حَرَكَاتِ

تا آفرید از آن دو برای من از حرکات

التَّعَبِ نَهَضَاتِ النَّوْبِ وَجَعَلَهُ

بیتعب بود و از آن دو آفرید از آن دو آفرید

لِبَنِي آدَمَ وَآدَمَ وَآدَمَ وَآدَمَ

بر فرزندان آدم و آدم و آدم و آدم

مُوقَّتًا

بَهْطَاتِ

کتابخانه
مجلس شورای ملی
تبریز ۱۳۰۲

۹۹

فَيَكُونُ ذَلِكَ كَهَجْمِ مَا وَقَعَ وَلَيْسَ الْوَالِدُ

بهره ایست ازین سخن در آنکه آن که در دنیا با او کینه است
بِهِ لَذَّةٌ وَشَهْوَةٌ وَخَلَقَ لَهُمُ النَّهَارَ
از آن لذت و شهوات و او را روزی که در دنیا
مُبْصِرًا لِيَدْنِعُوْا فِيهِ مِنْ فَضْلِهِ
و بصری تا بدین نماند در آن از فضل او

وَلَيْتَسَبَّبُوا إِلَى الرُّقْبَةِ وَلَيْسَ جِرَافِي أَضْرَبُهُ

و تا سبب شوند به رقبه و نه جرافه را که او را
طَلِبًا لِيَأْتِيَهُ نَيْلُ الْعَاجِلِ مِنْ
طلبی تا آید به نایل عاجل از
دُنْيَاهُمْ وَذُرِّكَ الْأَجَلِ فِي آخِرَتِهِمْ
دنیاها و ذریت او در آن آخرت از

بِكَ ذَلِكَ يُصْلِحُ شَأْنَهُمْ وَيَسْلُوا

بهر اینست که آنکه اصلاح کند حال آنها را و از شر آنها

۱۰۰

کتابخانه
مجلس شورای ملی
تبریز ۱۳۰۲

أَجَابَهُمْ وَيُنْظِرُ كَيْفَ هُمْ فِي أَوْقَاتِ

بهر اینست که او جواب دهد به آنها و بنگرداند که در اوقات
طَاعَتِهِ وَمَسَاوِلِ فُرُوضِهِ وَ
طاعت او و در برابر فریضات او و
مَوَاقِعِ لِحْكَامِهِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آتَانَا
مواقعی که حکام او را آید و جزا دهد از آن که ما را

بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحَسَنَاتِ

بهر اینست که او جزا دهد از آن که بد کرده اند و جزا دهد از آن که بد کرده اند
اللَّهُمَّ فَكُلَّمَا عَلَى مَا قُلْتُمْ لَنَا
خدایا هر گاه از آن که بد کرده اند
مِنَ الْإِسْبَاحِ وَتَعْتَنَانَا مِنْ ضَوْءِ
از سبحان و نگاهدار ما از نور

النَّهَارِ وَيَصْرُقْنَا وَمَطَالِبِ الْأَقْوَاتِ

روز و سحر ما را از تاریکی و نور و مطالب اوقات

اجساد

وَقَدِّمْنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْأَفَاتِ صَاحِبِنَا

وَقَدِّمْنَا فِيهِ مِنْ طَوَارِقِ الْأَفَاتِ صَاحِبِنَا

وَاصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِحِكْمَتِنَا

وَاصْبَحَتِ الْأَشْيَاءُ كُلُّهَا بِحِكْمَتِنَا

لَكَ سَمَاوَاهَا وَأَرْضُهَا وَمَا بَيْنَتْ

لَكَ سَمَاوَاهَا وَأَرْضُهَا وَمَا بَيْنَتْ

فِي كُلِّ جِدْمَةٍ مِمَّا سَاكَتُ وَمُتَّحِكَةٍ

فِي كُلِّ جِدْمَةٍ مِمَّا سَاكَتُ وَمُتَّحِكَةٍ

وَمَقِيمَةٍ وَمُتَّخِضَةٍ وَمَا عَلَيْنَا

وَمَقِيمَةٍ وَمُتَّخِضَةٍ وَمَا عَلَيْنَا

الْحَوَاءِ وَمَا كَسَبَتْ التُّرَى أَصْحَابِنَا

الْحَوَاءِ وَمَا كَسَبَتْ التُّرَى أَصْحَابِنَا

فِي قَبْضَتِكَ بِحُجُومِ مَمْلُوكِكَ وَسُلْطَانِكَ

فِي قَبْضَتِكَ بِحُجُومِ مَمْلُوكِكَ وَسُلْطَانِكَ

در شب بخواند
اَمِينًا وَاَسْمِيَتِ
الْاَشْيَاءُ

فِي كُلِّ مَمْلُوكَةٍ

وَتَضَمَّنَا مَشِيَّتِكَ وَتَتَّخِذُ عِرْصَتَكَ

وَتَضَمَّنَا مَشِيَّتِكَ وَتَتَّخِذُ عِرْصَتَكَ

وَتَنْتَقِلُ فِي تَدْبِيرِكَ لَيْسَ لَنَا مِنْ

وَتَنْتَقِلُ فِي تَدْبِيرِكَ لَيْسَ لَنَا مِنْ

الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ وَلَا مَرَجَ لِلْخَيْرِ

الْأَمْرِ إِلَّا مَا قَضَيْتَ وَلَا مَرَجَ لِلْخَيْرِ

إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَهَذَا يَوْمُ حَادِثِكَ

إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَهَذَا يَوْمُ حَادِثِكَ

جَدِيدِكَ وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ

جَدِيدِكَ وَهُوَ عَلَيْنَا شَاهِدٌ عَتِيدٌ

إِنْ لَحْنَا وَدَعْنَا بِجَدْوَانِ كِسَانِنَا

إِنْ لَحْنَا وَدَعْنَا بِجَدْوَانِ كِسَانِنَا

فَارْقُبْنَا بِذِمَّةِ اللَّهِ مَصْلَعًا مَجْلُوعًا

فَارْقُبْنَا بِذِمَّةِ اللَّهِ مَصْلَعًا مَجْلُوعًا

اللَّهُمَّ

وَهُوَ

وَأَنْزُقْنَا حَسَنَ مُصَاحِبَةٍ وَأَعْضُنَا

و بهرگز که ما خوب صحبت در این روز و نگاه دارا

مِنْ سُوءِ مُفَارَقَتِهِ بِأَرْكَابِ

از بد صحبتی که از بسبب آفتاب

جَرِيحَةٍ أَوْ اقْتِرَافِ صَغِيرَةٍ أَوْ كِبِيرَةٍ

سختی یا گناهت بگناه خورد یا گناه بزرگ

وَأَجْرُلْنَا فِيهِمُ الْحَسَنَاتِ وَأَجْلُنَا

و سپرد کردن بر او در این روز بگویمها و تهر کردن را

فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ وَأَمْلَأْنَا

روز از بدیها و پرکن بر او را

مَابَيْنَ طَرْفَيْهِ خَدَّوْشَكَ وَأَوْ

انجمن در طرف او را از سپاس و شکر و

أَجْرًا وَذَخِيرًا وَفَضْلًا وَأَجِئْنَا اللَّهُمَّ

ا بر و ذخیره اوست و فضل و همان خداوند

يَسِّرْ عَلَ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ مَوْنَتَنَا

را سانی کن بر نوشتگان و علما را می نویسد زحمت ما را

وَأَمْلَأْنَا مِنْ حَسَنَاتِنَا صَحَابَةً

و پرکن بر او از حسنات ما چهار عمل ما را

وَلَا تَخْرُجْنَا عَنْهُمْ بِسُوءِ أَعْمَالِنَا

و بر ما کردن ما نزد ایشان بسبب اعمال ما را

اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا فِي كُلِّ سَاعَةٍ سَاعَةً

خداوند ما را بر او در هر ساعت از ساعتها را

حَظًّا مِنْ عِبَادَتِكَ وَتَضَيُّبًا مِنْ

بهره از و نصیب از

تُكْرِمِكَ وَشَامِدَ صَدَقَتِكَ

شکرگزار خود و گواهی بر او از

مَلَائِكَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و نوشتگان خود خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و

عِبَادَتِكَ
بشکرش خود

أَحْفَظْنَا مَن بَيْنَ أَيْدِيْنَا وَخَلْفَانَا

وَنَقَا جِهَاتِنَا *وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا*
وَعَنْ أَيْمَانِنَا وَعَنْ شَمَائِلِنَا
وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا
وَمِنْ جَمِيعِ نَوَاحِينَا حَفَظْنَا عَمَّا
وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا نَقَا جِهَاتِنَا

وَمَعْصِيَتِكَ هَادِيًا إِلَى طَاعَتِكَ

وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا
مُسْتَعْلًا لِحَبَّتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا
بِحُدُودِهِ وَوَقْفَتِي فِي يَوْمِنَا هَذَا
وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا

وَلَيْسَتْ هَذِهِ فِي جَمِيعِ أَيَّامِنَا لِاسْتِعْمَالِ

وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا

وَيَا أَيُّهَا

الْخَيْرِ وَهَجْرَانِ الْكُفْرِ وَشُكْرِ النِّعَمِ وَتَتَابَعِ

وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا
السَّنَنِ وَمُجَانِبَةِ الْبِدْعِ وَالْأَلْبَسِ
وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا
بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا

وَحِيَاطَةِ الْإِسْلَامِ وَأَنْتِقَاصِ الْبَلَاءِ

وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا
وَأَذْلَالِهِ وَمَضْرُوعَةِ الْحَقِّ وَأَعْرَازِهِ
وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا
وَأَرْشَادِ الضَّالِّينَ وَمَعَاوِزِهِمْ
وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا

اللَّهُمَّ صِدْقًا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْهُ

وَأَزْبَلْنَا سُرَابًا

وَأَذْرَابِ الْكَلْبِ
وَأَذْرَابِ الْكَلْبِ

أَيْمَنَ يَوْمَ عَهْدِنَاهُ وَأَخْضَا صَاحِبِ

بیا بگویند روزی که در باغ ایدم ایضا و کلامی در میان صاحب

صِحْبَانَهُ وَخَيْرَ وَقْتٍ ظَلَّلْنَا فِيهِ

صفتی است از ایداد و بهترین وقت که در باغ ایدم روزی

وَأَجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِ مَنْ مَرَّ عَلَيْهِ

وگردانم را از ختنه و ترس کسی که از ترس خود

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَجُمَلْتِ خَلْقَكَ مَا تَكْفُرُ

ترسیدم روزی از عهد او بر باره و نکرده ای

لِمَا أَوْلَيْتَ مِنْ نِعْمِكَ وَأَقْرَبْتَهُمْ

بر آنچه اولی کرده از نعمت خود و بارش کرده ای

بِمَا شَرَعْتَ مِنْ شَرِّ لِقَعِكَ وَأَوْقَعْتَهُمْ

از آنچه مشروع است از شرّ لقا خود و بارش کرده ای

عَمَّا جَدْتِ فَزَيَّغْتِ أَلْهَمِي

از آنچه ترسیده ای از آن از منم خود خداوند را بترس منم

أَشْهَدُكَ وَكَفَيْتُكَ شَهِيدًا وَأَشْهَدُ

کدام بخیرم تو را و بس تو بر او را امر و کلامی در

سَمَاءِكَ وَأَرْضِكَ وَمَنْ

آسمان ترا و زمین ترا و هر که در

أَسْكَنْتَهُمَا مِنْ مَلَائِكَتِكَ

ساز کرده در آنها از فرشتگان خود

وَسَائِرِ خَلْقِكَ فِي يَوْمٍ هَذَا وَسَاعَتِهِ

وهمه روزی از هر کس که بود در این روز و ساعت

هَذِهِ وَكَيْلَقِي هَذِهِ وَسَتَقْرِي

در این شبم و در این جایگاهم

هَذَا أَيْ شَهِدَاتِكَ أَنْتَ اللَّهُ

بر آنچه میگویم که امر میدهم که تو خدا ای

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ عَدْلُكَ

را حقان خود را گویند خدا را مگر تو با داد و انصاف و عادی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الشاب

وكان فرج الله عليك لما اذ اجرت

دعوات	دعوات	دعوات
لدميمة او نزلت به ميمنة	مراواتهم يا نازل منده و	عند الكرب
وزود	وزود	وزود

يا فتخل شيا عقدا المكاره ويا فت

يفشا	يفشا	يفشا
يلق منته الخرج الى روج الفرج	يلق منته الخرج الى روج الفرج	يلق منته الخرج الى روج الفرج

ذلت لقد ترك الصغا وتسببت

بأن شده آ مقرر خودا ذنواها و سب كويون هت

بلطفك الاسباب وجرى بقدرتك

القضاء	القضاء	القضاء
الاشياء ففهم بشتيتك دون	الاشياء ففهم بشتيتك دون	الاشياء ففهم بشتيتك دون

قولك مؤتمرة وبارادتك دون

نهيك	نهيك	نهيك
للهمات وانت المنزع في الملمات	للهمات وانت المنزع في الملمات	للهمات وانت المنزع في الملمات

لا يندفع منها الا ما دفعته ولا

دفعه خود از جا مگر آنچه دفعه کن تو و

صحك

بلطفك

هَيِّئْ لِي مَجْرَجًا وَجِبْرًا
فَاعْبُدِي ذِيكَ وَإِنْ كُنْتِ سَاجِدَةً

بیت	وگردان بر این از جبر و گردان بر سجد بود این
جِبْرًا وَلَا تَشْغَلْنَ بِالْأَهْتَامِ عَيْنَ	بد و مشغول گردان بر این است و بد
تَعَامُدِ فِرْعَوْنَ وَتَنْجَالِ	عایت نمودن و جبات تو و گردان

سُنَّتِكَ فَقَدْ ضَيَّقْتَ لِيَ آسَانَ

مشق تو	بسی تنگ که طاقت ندارم این جان را که از آسوده گم
ذُرْعًا وَأَمْثَلَاتُ حُجُلٍ مَا حَدَّثَ	و پر شده ام بس بر این ایمن ایمن و تنگ
عَلَيْهِمَا وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَيْفِ	از آن دو و حال آنکه قادر بر هر وضعی

مَا مِيدُ بِي وَدَفِيعُ مَا وَقَعْتُ فِيهِ

مید شده ام بان و دفع آنچه افتد ام در آن

فَاعْبُدِي ذِيكَ وَإِنْ كُنْتِ سَاجِدَةً

بسی خیزم	این کار را و اگر چه بنم منو چو این
مِنْكَ يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ	از جانب تو ای صاحب تخت بزرگ
وَكَانَ فِرْعَوْنُ عَلَيْهِ سُلْطَانٌ	و بود از او کار گرفت علیه سدم در

الْأَسْتِغْفَارِ الْمَكْرَاهِ وَسَيِّئِ الْإِحْلَاقِ

باید بخش	از گروها و غیرها بر
وَمَذَاهِرِ الْأَفْعَالِ	و کردارها را تا بسند بره
اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَيْجَانِ	خداوند ایستادم که با ما هر چه بود از بر او خوارم

الْجَبْرِ وَسُورَةِ الْغَضَبِ غَلْبَةِ الْحَسَدِ

و من و از شر خشم و از غلبه کردن بر شک

الشاه

وَضَعِيفَ الصَّبْرِ وَقِلَّةَ الْقَنَاعَةِ وَشُكْرَ

<i>وَأَرْبَعَةٌ</i>	<i>سَلْبٌ وَكَرْفَاعَةٌ وَأَرْبَعَةٌ</i>
لِلْخُلُقِ وَالْحَاجِ الشَّهْوَةِ وَمَلَكَهَ	<i>خَوَارِجٌ وَأَزْبَانٌ كَلِمَةٌ خَوَارِجٌ قَسٌّ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ</i>
لِلْهَيْبَةِ وَمَتَابِعَةَ الْهَوَىٰ وَ	<i>عَجَبٌ وَأَزْبَانٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ</i>

مُخَالَفَةَ الْهَدَىٰ وَسِتْرَ الْغَفْلَةِ وَتَعَا

<i>أَزْبَانٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ</i>
الْكُلْفَةَ وَيَشَارَ الْبَاطِلِ عَلَى
<i>دَرْجَتٌ وَأَزْبَانٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ</i>
لِلْعَوِّ وَالْإِضْرَارِ عَلَى الْمَائِثَةِ وَ
<i>خَوَارِجٌ وَأَزْبَانٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ</i>

أَسْتِصْغَارِ الْمَعْصِيَةِ وَأَسْتِكْبَارِ

خَوَارِجٌ وَأَزْبَانٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ

الطَّاعَةِ وَمُبَاهَاةِ الْمُكْتَرِبِينَ

<i>سَلْبٌ وَأَزْبَانٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ</i>
وَالْإِضْرَارَ بِالْمُقْلِبِينَ وَسُوءَ
<i>دَرْجَتٌ وَأَزْبَانٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ</i>
الْوَلَايَةِ لِمَنْ تَحْتَ أَيْدِينَا وَتَرْكَ
<i>بِكْرٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ</i>

التُّكْرَمِينَ اصْطِنَاعِ الْعَارِفَةِ

<i>كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ</i>
عِنْدَنَا أَوْ أَنْ تَعُضِدَ ظِلْمًا أَوْ
<i>بَا يَا نَبِيَّةُ يَا رُكْبَتِي سَمَّ كَسَدَةً يَا</i>
تَحْذِيرًا لِمَنْ أَوْ تَرْوَمَ مَا كَثُرَ
<i>خَوَارِجٌ وَأَزْبَانٌ كَلِمَةٌ وَأَرْبَعَةٌ كَلِمَةٌ</i>

لِنَبِيِّهِ أَوْ نَقُولَ فِي الْعَالَمِ بغيرِ عِلْمِ

بَا يَا نَبِيَّةُ يَا رُكْبَتِي سَمَّ كَسَدَةً يَا

وَنَعُوذُ بِكَ أَنْ تَنْطَوِيَ عَلَيَّ غَشْرٌ

وینا میگوریم تو از اینکه در خاطر دهنده باشیم جاش با کس

أَحَدٌ وَأَنْ نَعَجِبَ بِأَعْمَالِنَا أَوْ

وینا میگویم در آنچه کردیم که در کار خود و

مَدَدِي مَالِنَا وَنَعُوذُ بِكَ

در آنچه داریم امیر ما خود را وینا میگویم تو

مِنْ سَوْءِ السَّرِقَةِ وَالْحَقَارِ الصَّغِيرَةِ

از سرقت و از حقیر شدن گناهان خود

وَأَنْ كَيْتَجِدَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانَ

وینا میگویم تو که بر ما شیطان

أَوْ تَيْكِبَنَّ الزَّمَانُ أَوْ يَتَهَضَّمْنَا

یا بگردد از روزگار یا روزگار یا بگردد بر ما

السُّلْطَانُ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَسَاوُلِ

پادشاه وینا میگویم تو از تامل

سَلَامٌ

الْإِسْرَافِ وَفِرْقَانِ الْكُفَاةِ وَنَعُوذُ

از اسراف و از فراق کفایت وینا میگویم تو

بِكَ مِنْ شِمَاتِ الْأَعْدَاءِ وَمِنْ

از شمشاد دشمنان و از

الْفَقْرِ إِلَى الْإِكْفَاءِ وَمِنْ

از نیاز جز به حال خود و از

مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ وَمَيْتَةٍ عَلَى غَيْرَةِ

زیستن در سختی و از مردن بر باد

وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِسْرِ الْعَظِيمِ

وینا میگویم تو از خسری که از کربن هم بزرگتر

وَالْمَصِيدَةِ الْكَبْرَى وَأَشَقَى

و از مصیبتی که از کربن هم بزرگتر است و از بدترین

الْشَّقَاءِ وَسَوْءِ الْمَأْبِقِ حُرْمَانِ الثَّوَابِ

بختها و از بدترین بختها و از بدترین شدن از ثواب

الاسراف

وَجَلِّدِ الْعِقَابَ اللَّهُمَّ صِدْقَ مُحَمَّدٍ

و در روز عذاب فراوان است بفرموده او

وَاللهِ وَأَعَذُّنِي مِنْكَ ذَلِكَ

الاول و بجا ۲۰۲۱ از اینها

بِرَحْمَتِكَ وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ

بمهرت خود و همه مؤمنان را

الْمُؤْمِنَاتِ يَا أرحمَ الرَّاحِمِينَ

وَكَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَشْيَاءِ

و بود از ده دعا حضرت علیه السلام در اینها

الطَّلِبِ الْغُفْرَةَ مِنَ اللَّهِ جَلَّ جَلَلُهُ

بر طلب آمرزش از خداوند بزرگوار

اللَّهُمَّ صِدْقَ مُحَمَّدٍ وَاللَّهُ وَصِيْرُنَا

خداوند راست بفرموده او و بگردان ما را

التاسع
عز وجلت

إِلَى الْمَحْبُوبِ مِنَ التَّوْبَةِ وَأَنْزِلْ عَنَّا فِكْرًا

بمهرت و بهر تو گمان تو برست و هر گمان ما را از ما غم دور

مِنَ الْأَصْرَارِ اللَّهُمَّ وَمَتَى وَقَفْنَا

گمان همه از کجای خداوند او هر گاه باشیم

بَيْنَ نَقْصِيرٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا

بیان نقصان یک در دین و یک در دنیا

فَأَوْقِعِ النِّقْصَانَ عَمَّا فَتَاءَ وَأَجْعَلِ

بر او نقصان از آن که افتاد از اینها و بگردان

التَّوْبَةَ فِي الْوَجْهِ بَاقِيًا وَإِذَا

توبه در وجه درازتر از اینها بقا کند و هر گاه

هَمْنَا بِهَمِّينِ يُرْضِيكَ أَحَدُهُمَا

تقصیر بر وجه کوشش ما زودتر از اینها

عَنَّا وَبِخَطِّكَ الْآخِرَ عَلَيْنَا فَرِنَا إِلَى

از ما و بخشم آورد ترا دیگر بر ما پس بگردان ما را بگردان

تقصیر

وَلِحَاجَاتِ السَّنِيَّةِ

أَعْضَانًا وَلِحَاجَاتِ كُنُفِينَا فِي مَوْجِبَاتِ

عقد ١٥٠	فکر ستمار چشم مارا	در جزایر بحر کوه صید
توایک حتی لا تقوتنا جنة حتى	تو یک منبر تا فوت شود ارغوا که زین کوه او را	
بمناحیر آءک ولا یبقی لنا سینه	بمان جز از سینه نورا	و به قضا و قدر بر طایفه

لِنُتَوَجَّبَ بِهَا عِقَابَكَ

که مستوجب عتابم	عقوبت تو	
وَكَانَ خِرْدًا بَعْدَ عِلْمٍ	و بود از دهنش انقضت	١٤
فِي الْجِبَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى	در غنای بردن بول خدا را	تقوا

الغاشية

اللَّهُمَّ إِن تَشَاءُ تَعَفَّ عَنَّا بِفَضْلِكَ

خداوند اگر خواهی در میگذر از ما پس این بفضلت

وَإِنْ تَشَاءُ تَعَذِّبْنَا بِعَذَابِكَ فَسَهْلٌ لَنَا

و اگر خواهی	خداوند میگذر ما را پس این بعدالت	پس ما را کز تو
عَفْوِكَ بِمَنِّكَ وَأَجْرًا مِنْ عَذَابِكَ	عفو خود را بنمود	و ما را به داد از خود
يَتَجَاوَزُكَ فَإِنَّهُ لَا طَاقَةَ لَنَا بِعَذَابِكَ	بزرگتر خود	پس برتر کز ما قدر را بگذرد

وَلَا نَجَاةَ إِلَّا بِحَدِيثِ تَارُونَ عَفْوِكَ يَا

و نیست نجات	بجز از کسب از ما	با عفو تو
عَنِّي الْأَعْيُنَاءُ مَا خَرَّ عِبَادُكَ	از ما بنده تو یا زمان	اینکه ما بنده کسان تویم
بَيْنَ يَدَيْكَ وَأَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ	ممن تو هستیم	و من فقیرترین محرابم

إِلَيْكَ فَاجْبُرْ فِرَاقَنَا بِوَسْعِكَ وَلَا

بجور تو پس بر کنه جمیع ما را جز از وسعت خود و مهربانی

تَقَطَّعَ حِجَابًا بَيْنَكَ فَتَكُونَ قَدْ

امیر طرا	بیازدوشتن خود بر لبه پست که خشن
اشقیّت من استعدّ بک و	برکت کوهی که را که هب بیکسختی که خشن
جرمت من استرف قد فضلك	و در خردی که را که هب بیکسختی که خشن

فَالْمُحِبُّونَ مِنْكُمْ مُنْقَلِبًا عِنْدَكَ وَالْمُحِبُّونَ

این مذهبنا	عزیز بر مقام بارت و از خشن و بی
این مذهبنا عن بابک سبحانک	خوار و رقت و از درگاه تو بیگانه و بیگانه
نحن المضطرون الذين اوجبت	و این زودمان که غیر که حجب کردیم

اجابتم فما هال سوء الذين وعدت

اجابتی که و از سر بجهت که و در وقت

الْكَيْفَ عَنْهُمْ وَأَشْبَهُ الْأَشْيَاءِ بِمَشِينِكِ

کودنیک	الکین و پنهانترین جزه
وأولى الأمور بك في عظميتك	و سرانجام امور با تو در بزرگواری تو
رحمة من استرحمك وغوث من	رحمت کون کسیت که هب بیکسختی که خشن

أَسْتَعَايَبُكَ فَارْحَمْ تَضَرُّعًا عِنْدَ إِلَيْكَ

و اغننا	کدام یا رسا که از تو من هم که بر دارا
و اغننا اذ طر حنا انقينا بآيين	و بی نیاز کردیم از تو من هم که بر دارا
يديك اللهم ان الشيطان قد	تو خداوند این که بر سر که شیطان

سَمِتَ بِنَا إِذْ شَاعِنَاهُ عَلَى مَعْصِيَتِكَ

تماقت کرد با چون هم امر بودیم او را بر نافرمانی تو

و اغننا

الکشف

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ لِيُثْمِرَ بِنا

بسم الله الرحمن الرحيم وتمامت مغز او را

بَعْدَ تَرْكِنَا يَا هَلْكَ وَغَيْبِنَا

بسم الله الرحمن الرحيم بر اثر غیب او

عَنْهُ الْيَتَامَى

از او یتیمان

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَوَاتِمَ الْخَيْرِ

و بود از دعای حضرت علی

يَا مَنْ ذُكِرَهُ شَرَّفَ لِلذَّاكِرِينَ

ای آنکه یاد او را بر کسی شرف دهد

وَيَا مَنْ شَكَرَهُ فَوَزَّ لِلشَّاكِرِينَ

و ای آنکه شکر او را بر کسی بزرگواری دهد

وَيَا مَنْ طَلَعَتْ نَجَاةٌ لِلطُّبَعِينَ صَدِّ

و ای آنکه نجات بر او بر طبعی است

عشرا
الحادی

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَشْغَلْ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ

بفرست بر محمد و آل او

عَنْكَ إِذْ ذُكِرَ وَالتَّنَائِبُ كَرِيحُكَ

از تو یاد کردی و در پی هم آید باد تو

عَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَجَوَارِحِنَا

از هر شئی و جواری ما

بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَائِفَةٍ فَإِنْ قَدَرْتَ

باعتادت از هر طایفه

لَنَا فِرَاعًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فِرَاعًا

بر ما فراخی از شغل ما بگردان

سَلَامَةً لَا تَذُرُّ كُنَافِيهِ تَبِعَهُ

سعادتی که در نیاید از او

وَلَا يَلْحَقُنَا سَأْسٌ حَتَّى يَنْصُرَ فِعْنَانَا

و نزد ما دران فراغ نماند تا اینکه بر ما برود از غم ما

کتاب السینا بحیفته خالیه من

نویندگان کمالان با هیفته نهر
 ذکر سینه اتنا و توی کتاب
 ذکر برادر و برادر نویندگان
 الحسنات عنما سرورین بماکتوا
 صفت برتر تا دنگان با هم نویندگان

فحسنا تانا و اذ انقضت ایام حیاتنا

از حال میگویند با و هر که بگذرد روزها کمالان
 و تصرفت مدد اعمارنا و استخرا
 و برادر برادر عمرنا و صاف کرد
 دعوتک الی لای بدینها و من
 خواندن تو که با جود از نوعان و روز

اجابتها فصد علی محمد و آل و لجد

و برادران پس رحمت نبوت بر محمد و آل او و برادران

خاتم ما یخصی علینا کتبه اعمالنا

افزاینده میماند و برادر نویندگان کمالان
 توبه مقبوله لا توقفنا بعدها
 توبه سینه کوه برادر و برادر نویندگان
 علی ذنب اجترجناه و لا معصیه
 برادر که گفتیم اول و برادر بر معصیه

اقرناها و لا تکشف عنا سترنا

کوه کوه منظم از او و برادر از او
 سترت علی و سر الاشیاء دینم
 کوه کوه من آن برادر و برادر صافان روز
 تبوا اخبار عبادک انک رحیم
 کوه کوه من سینه برادر نویندگان و برادر بر رحمت تو

بمن دعایک و مستجیب لمن نادک

هم که خواندند و او را مستجیب من از آنکه او را دعا

تقفنا

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِزَالِ

عِشْرَتِي

وَيُؤَدُّ دُعَاؤَ الْكَافِرِ الْمُتَكَبِّرِ فِي الْإِعْتِزَالِ
وطلب التوبة الى الله تعالى
وطلب توبه بغير مؤثر لطلبه
اللهم انه يحبني عن مسألتك
عزوه بغير حق كونه زيرا در احوال او

خِلَالَ ثَلَاثٍ وَتَجِدُونِي عَلَيْهَا خَلَّةً

وحي را از اوست بر کوه سحر
وَلَجْدَةٌ يَحِبُّنِي أَمْرٌ أَمَرْتُ بِهِ
باز زيرا در امر او که او کوه بود
فَأَبْطَأْتُ عَنْهُ وَنَهَيْتُ نَهْيَتِي
بهر آنکه در بزم او نهی و نهی او را که

عَمْدًا فَاسْتَعْتِ لِي وَنَعْمَتِي أَنْعَمْتَ بِهَا

از آن پس شکر تمام بگویند و نعمت که انعام و نعمت

أَمْرَتِي

عَلَى فَقَصَرْتُ فِي شُكْرِهَا وَتَجِدُونِي

بهر تقصیر تمام در شکر که در آن
عَلَى مَسْئَلَتِكَ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ
بر احوال خود از تو تفضلت کردی
مَنْ أَقْبَلَ بَوَاحِشَ إِلَيْكَ وَوَفَدَ
کس را که بخواهد در احوال او

بِحُسْنِ ظَنِّهِ إِلَيْكَ إِذْ جَمِيعُ الْحَيَاتِ

به کمال حسن ظن بود
تَفَضَّلْ وَإِذْ كَرِهْتَ بِنْدَاءَهُ
تفضلت و چه امری که در ابتدا
فَمَا أَنْذَانِي إِلَهِي وَاقِفٌ بِبَابِ
پس ایستادم بن ایستادن او در درگاه

عِزِّكَ وَقُوفَ الْمُسْتَسَلِمِ الدَّلِيلِ

تو ایستادن من در درگاه تو ایستادن او در درگاه

عَلَيْكَ

أَنَاذَا

وَسَائِلُكَ عَلَى الْحَيَاءِ مَتَى سَأَلَ الْبَاطِلُ

در این کلمه ترا با شرم بر این سوال کردن

المُعِيلُ مُتْرَلِكٌ بَاقِي لَمْ أَسْتَلِمُ

تغیر: تو از کلمه با کوه بگم از تو

وَقْتُ لِحَانِكَ إِلَّا بِالْأَفْلَاحِ

منقام حال تو: کرم با زیستون

عَنْ عَصِيَانِكَ بَاقِي لَمْ أَخْلُ فِي الْحَالِ

وزعمی: تو و فایده بوده ام در حال

كُلُّهَا مِنْ امْتِنَانِكَ فَمَا لِي سَفَعْتَنِي

همه: از نعمت دادن تو پس با خود میدهم

مَا لِي أَقْرَبِي عِنْدَكَ بِسُوءِ مَا

از فضل از او که کوه ترا تو ببرد

اَلكَسْبِ وَهَلْ يَخْبِي مِنْكَ اعْتِرَافِي

اگر بگویم و با راه یاد بخشش مرا از من است

يَخْبِي

لَكَ تَقْبِيحٌ مَا ارْتَكَبْتُ أَمْ وَجِبْتَ لِي

اگر تو: برتر از تو در کتب بگویم یا بگویم

فِي مَقَامِي هَذَا سَخَطُكَ أَمْ كَرَمِي

در مقام من: حق خود را یا لازم شده

فِي وَقْتِ دُعَائِي مَقَامَكَ سَخَاتُكَ

در وقت دعا کوه من کینه تو: با کوه تو

لَا أَيُّ اسْرَمِنِكَ وَقَدْ فَتَحْتَ لِي أَبْوَابَ التَّوْبَةِ

تا هر کس: از تو و حال امید تقویت در برای ام در توبه

إِلَيْكَ بَلْ قَوْلُ مَقَالِ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ

بگو خود: بگو می گویم گفتن بنده خواستگار

لِقَبْلِ السُّخْفِ حُرْمَةُ رَبِّيهِ الدُّرِّ

بغود: آشفته کلمه بگرم بود که خود همان

عَظُمَتْ ذُنُوبِي فَجَلَّتْ وَادِرَتِي

کوه من: کلمه از راه می برکت

ایامه فولت حیوا ذاری مدّة العمل

روزگار او پس برکت تا بیدار دیورت عرس

قد انقضت وغایة العمر قد

کمی حق بگذشت و غایت عمر را که بقیق

انتهت وایقن ان لا یحصر

شهرت و بقیق است که او بریت کانی

لذینک ولا مهرب لم ینک تلفاک

اینها و بخت که از کلام او از او دور او بود

بالانابة وخلصک التوبة فقا

بیش زکت و خالص کرد بیداری که توبه بود

الیک یقلط امر بنی عردعاک

بوی که بادل پاک بگریزه پس جانم ترا

بصوت حائل خفی قد تطاطاک

با آواز غیر یافته است خفت که در خفا کرد و در خفا

تایید
وای

فانحی ونکسر رأسه فانشی قد اعشیت

تا منحنی و پیش افتد سر و رو تا در خفا بقیق که بر خشم بر خرد

خشیته رجلیه و غرقه دموی

ترس او از تو و او را او غرق کرد بقیق که بر خشم بر خرد

جدیر یدعوك بیا ارحم الراحمین

او صغیر و او را جدیر او را بیا ارحم الراحمین

و یا ارحم فرانت اب المسترجمون و یا

و ارحم فرانت اب المسترجمون و یا

اعطف من اطاق به المستغفرون

هر با تیر از من که نزد او شده بود امرش بخوانان

و یا من عفوهُ اکثر من عیبهِ

و او را عفو او بیشتر است از عیب او

و یا فریضاه اوفی من خطبه و یا تمجد

و او را فریضه او زیاده است از خطبه او و او را تمجید او

نکسر

الْمَخْلُقِ بِحَسَنِ التَّجَاوُزِ يَا فِرْعَوْنَ

اصحی عود بیگانه اندر کشتن و در امر عودت از غم است

عِبَادَهُ قَوْلَ الْأَنْبِيَاءِ وَآمِنَ

بندهان خود را بنده بر حقین بزرگترین و در امر عودت

اسْتَطْلَجَ فَاسْدَحَهُمُ بِالتَّوْبَةِ وَيَأْمُرُ

مسئول بتوبه است بخدا توبه و در امر

رَضَى مِنْ فِعْلِهِمْ بِالْيَسِيرِ وَيَأْمُرُ كَافِي

رضی از کردار ایشان به سادگی و در امر عودت

قَلِيلَهُمْ بِالْكَبِيرِ وَيَأْمُرُ مِنْ ضَمْنِ كَهْمُ

از کمترین بزرگترین و در امر عودت

اجَابَةَ الدُّعَاءِ وَيَأْمُرُ وَعَدَهُمْ

او را عودت و در امر عودت و وعده ایشان

عَلَى نَفْسِهِ بِتَفْضِيلِهِ حُسْنَ الْجَزَاءِ مَا

بر نفس خود بر تفضیل خود و در امر عودت

أَنَا يَا عِصَى مِنْ عَصَاكَ فَعَفَرْتَ كَدُّ

من کلمه از آنکه با تو فایز کرد تو را من از نیزه او

وَمَا أَنَا بِالرُّومِ مِنْ اعْتَدَارِ إِلَيْكَ

و منم من روم ندمت ندمت از آنکه خود را بهت از تو

فَقَبِلْتَنِي وَمَا أَنَا بِالظُّلْمِ مَنْ

من بر من پذیر عذر تو و منم متفق بر تو از آنکه

نَابَ إِلَيْكَ فَعُدَّتْ عَلَيْكَ تَوْبُ إِلَيْكَ

بازگشت کرد به تو من همان که بر تو بازگشتم

فِي مَقَامِي هَذَا تَوْبَةً نَادِمٍ عَلَى مَا

در مقام منم بازگشتم بجهت آنکه

فَطَمِنْتُ مِنْهُ مَشْفِقٌ مِمَّا اجْتَمَعَ عَلَيْهِ

از توبه او آرامش از آنکه جمع شده است بر او

خَالِصَ الْحَيَاءِ مِمَّا وَقَعَ فِيهِ عَالِمٌ بِأَنَّ

تو را از خالص شرم از آنکه در آن در آن با تو

الْعَفْوِ عَنِ الذَّنْبِ الْعَظِيمِ لَا يَعْظُمُكَ

عفو کردن از گناه بزرگ از گناه بزرگ

وَأَنْ تَجَاوِزَ عَنِ الْإِثْمِ الْجَلِيلِ

و به بزرگی از گناه بزرگ

لَا يَتَّصِعُ بِكَ وَأَنْ لِحِمَّتِكَ

در شایسته بر تو در بزرگی بر تو

لِلْحَيَاةِ الْفَاجِشَةِ لَا يَتَكَادَرُكَ

بر مصلحت از خود در گزند گزاف نیست بر تو

وَأَنْ أَحَبَّ عِبَادَكَ إِلَيْكَ مَنْ

و به بزرگی است آن به گزاف تو بر تو است

تَرَكَكَ أَكْبَرُ كِبَارِ عَالَمِكَ وَجَا

گزار گزاف است بزرگی تو در تو است

الْإِظْرَارَ وَلِزَمِ الرَّسْتِغْفَارَ وَأَنَا أَبْرَأُ

از پندار از گناه و به بزرگی است طلب از تو و من بزرگی

إِلَيْكَ مِنْ أَنْ أَسْتَكْبِرَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ

بهر تو از بزرگی سر کشی تا ایم و به بزرگی تو

أَنْ أَصْرَ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا قَصُرْتُ

ایستادگی تو طلب از تو به بزرگی تو

فِيهِ وَأَسْتَعِينُ بِكَ عَلَى مَا عَجَزْتُ

در تو و به بزرگی تو بر تو آنچه در تو

عِنْدَ اللَّهِ صِدْقًا عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَبْ لِي

از تو صدق و به بزرگی تو بر محمد و آل او و به بزرگی تو

مَا يَجِبُ عَلَيْكَ لَكَ وَعَافِنِي مِمَّا

آنچه در بزرگی است بر تو بر تو و به بزرگی تو

اسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ وَاجْرِنِي مِمَّا نَجَّيْتُ

مستحق است از تو از تو و به بزرگی تو

أَهْلُ الْإِسَاءَةِ فَإِنَّكَ مَلِيٌّ بِالْعَفْوِ

بزرگاران ای بزرگی است که تو را از تو و به بزرگی تو

مَرْجُو الْغَفْرَةِ مَعْرُوفٌ بِالتَّجَاوُزِ لَيْسَ

بِحُجَّتِهِ *بهره بختی*
بِحُجَّتِهِ *بهره بختی*
بِحُجَّتِهِ *بهره بختی*
بِحُجَّتِهِ *بهره بختی*

عَلَى نَفْسِي لَا يَاكَ أَنْكَ أَهْلُ التَّقْوَى

بِقَوْلِهِ *بهره بختی*
وَأَهْلُ الْغَفْرَةِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
بِقَوْلِهِ *بهره بختی*
بِقَوْلِهِ *بهره بختی*
بِقَوْلِهِ *بهره بختی*

وَاعْفُ زَنْبِي وَأَمْجُوفٌ نَفْسِي أَنْكَ عَلَى

بِقَوْلِهِ *بهره بختی*

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيدٌ وَذَلِكَ عَلَيْكَ كَسِيرٌ

بِقَوْلِهِ *بهره بختی*
أَمِينٌ رَبُّ الْعَالَمِينَ
بِقَوْلِهِ *بهره بختی*
وَكَانَ مِنْ غَائِبَةٍ عَلَيْهَا
بِقَوْلِهِ *بهره بختی*

فَطَلِبُ الْحَوَائِجِ إِلَى اللَّهِ مَعْنَى

بِقَوْلِهِ *بهره بختی*
اللَّهُمَّ يَا مَنْ هِيَ مَطْلِبُ الْحَاجَاتِ
بِقَوْلِهِ *بهره بختی*
وَيَا مَنْ عِنْدَهُ نَيْلُ الطَّلِبَاتِ
بِقَوْلِهِ *بهره بختی*

يَا مَنْ لَا يَبِيعُ نَفْسَهُ بِالْأَمْثَانِ وَيُفْتَلَا

بِقَوْلِهِ *بهره بختی*

عَشْرٌ
الثَّالِثُ

۷۷۱

يُكَذِّرُ عَطَايَاهُ بِالْأَمْتِنَانِ وَيَأْمُرُ

تیره نماید عطا نماید بهت که بین و الرضا

لِيُسْتَعْفَى بِهِ وَلَا يَسْتَعْفَى عَنْهُ

باید از عیب خود با و سوزد باید از عیب خود از او

وَيَأْمُرُ بِرُغْبِ الْيَدِ وَلَا يَرْغَبُ

و امر کند بهت بر بود بر او و رحمت و امانت

عَنْهُ وَيَأْمُرُ بِرُغْبِ خَيْرِ أَسْئَلِ الْمَسْأَلِ

از او و امر کند بهت بر بود از او و امر کند بهت بر بود از او

وَيَأْمُرُ بِرُغْبِ حِكْمَةِ الرِّسَالِ

و امر کند بهت بر بود از او و امر کند بهت بر بود از او

وَيَأْمُرُ بِرُغْبِ حَوَاجِجِ

و امر کند بهت بر بود از او و امر کند بهت بر بود از او

الْمُحْتَاجِينَ وَيَأْمُرُ بِالْيَعْيِيدِ رِغَاءِ الدَّاعِينَ

و امر کند بهت بر بود از او و امر کند بهت بر بود از او

سؤال الثالثين

عنده

يعينه

۷۷۲

تَمَدَّحَتْ بِالْغِنَاءِ عِرْخَلِيكَ وَأَنْتَ إِهْلُ

سوزد خود را بر بد نماید از خلق خود و سوزد او را

الْغِنَى عَنْهُمْ وَكَبَّتْهُمْ إِلَى الْفَقْرِ

باید از غنای ایشان و نسبت داده ایشان را به فقر

وَهُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ لَيْكَ مَنْ جَاؤَلُ

و اینان پس از غنای خود بسوزد پس امر کند

سَدَّخَلْتَهُ مِنْ عِنْدِكَ وَدَامَ صَرْفُ الْفَقْرِ

بستن شد از غنای خود از او و خوبت کرد از او

عَنْ نَفْسِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ

از خود بسوزد پس بخت کند که بسوزد

فِي مَظَاهِرِنَا وَأَتَى طَلِبَتَهُ مِنْ

در مظاهر ما و آمد بهت بر بود از او

وَجْهَهَا وَتَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ

روان و امر کند بهت بر بود از او و امر کند بهت بر بود از او

فَخَلَقَكَ أَوْ جَعَلَ سَبَبَ نَجِّهَا

از او بگردد که تو یا کردی او را سبب بر آمدن آن

دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْخِزْيَانِ

زنی بگریزی ای بس بختی که در معرض خزان در آمدی

وَاسْتَحَىٰ مِنْ عِنْدِكَ قَوْلَ الْإِخْلَافِ

و از او آرزوی از جانبی یافتن حسابی

اللَّهُ وَاللَّيْلِ إِلَيْكَ جَاغَةٌ قَدْ صَرَعَتْهَا

خداوند و شب را به تو حاجت که بر زمین افتاد

بِحُجْرَتِي فَتَقَطَّعَتْ دُونَ رَأْسِي

با حجره من و برین شده است زردان چو باران

وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي رَفْعَهَا إِلَىٰ مَنْ

و نیت داده است در نظر من نفسم بردن تا بگردد

يُرْفَعُ حَوَائِجِي إِلَيْكَ وَلَا يَسْتَعِينِي فِي

که از او حاجت بردا بگردد و بداند از من در مصلحت

حیاتی

طَلِبًا نَبِيْعَكَ وَهِيَ زَلَّتْ فِي زَلَلِ الْخَاطِئِينَ

از تو و بجز تو نیست از تو نهان خطا گزینان

وَعَشْرَةٌ مِنْ عَشْرَاتِ الْمَذْنُوبِينَ

و بر در اوست از صد دراهم شمار گناه کاران

ثُمَّ انْتَهَيْتُ بِتَذَكِيرِكَ إِلَىٰ مَنْ

پس از آن که بستم بس که تا بندن تو مرا

عَفَلْتِي وَنَهَضْتُ بِتَوْفِيقِكَ مِنْ

عفلت خود و برخاستم بتوفیق تو

زَلَّتِي وَرَجَعْتُ بِتَدْوِينِكَ

ز من خود و رجوع کردم بر بیان کردید من

عَنْ عَثْرَتِي وَقَلَّتْ سِجَانُ رَبِّي

از سر در آمدن خود و کم شد گنجینه من از ای پروردگار

كَيْفَ يَسْأَلُ مَحْتِاجٌ مَحْتِاجًا وَأَنِي

چگونه سوال کند محتاج را محتاجی و بی

الخطائين

ونكصت

رَغِبٌ

يُرِغِبُ مُعَدِّمًا إِلَى مَعْدِمٍ فَقَصْدُكَ

رغبت تا به نغمه بلور فیهرا بر صد کوم تو

يَا إِلَهِي بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَأَوْفَدْتُ

از صدای از دور رغبت و وارد ما قسم

رُجَائِي بِالثِّقَةِ بِكَ وَعَلِمْتُ أَنَّ

ایز خودی از دور فاماد تو و در دستم که

رَجَائِي

كثِيرًا أَسْأَلُكَ كَثِيرًا فِي وُجْدِكَ وَأَنَّ

سوال کنم تو را از کثرت در وجود تو و چون

خَطِيرًا مَا اسْتَوْهَبُكَ حَقِيرًا فِي

عظیم ایز تو ایست از تو حقیرت در

وَسُئْعِكَ وَأَنَّ كَرَمَكَ لَا

فرد و سوت تو و بیک رحمت کرم تو

يَضِيقُ عَن سُؤَالِ اجِدُ وَأَنَّ يَدَكَ بِالْعَطَاءِ

بِالْعَطَاءِ

سنگ نینود از سوال کسر و بیک دست تو بوط

أَعْلَمُ كُلِّ يَدٍ بِاللَّهِ فَصِدْقٌ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

بالا تو چشم از هر کس خداوند از هر دست نبوت بر تو

إِلَهُ وَالْحَمْدُ بِكَ كَرِيمٌ عَلَى

ال او و با کز تر ایس کام خود تو

التَّفْضِيلِ وَلَا تَحْمِلْنِي بِعَدْلِكَ

تفضل و با کز ترا باره و در عدل خود

عَدْلِ الإِسْتِحْقَاقِ فَمَا أَنَا بِأَوْلَى رَغِبٍ غَيْرِ

بر استحقاق پس سیم از اول عبت گفته که وقت که صبر

إِلَيْكَ فَأَعْطَيْتَهُ وَهُوَ يَسْتَحِقُّ

بموت تو بر عبت که چه او را و حال آنکه او بر او را

الْمَنْعِ وَلَا بِأَوْلَى سَائِلٍ سَأَلَكَ

منع و ز اول سوال گفته که سوال که صبر تو را

فَأَفْضَلَتْ عَلَيَّ وَهُوَ لَيْسَ تَوْجِبُكَ حَقِيرًا

بر حق که چه چه با و و حال آنکه او سزاوار بقدرت تو و حال

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَرِّمْنَا

خداوند ما رحمت بفرست بر محمد و آل او و ما را برتعالی

مُحِبًّا وَمِنْ نَدَائِي قَرِيبًا وَلِضَرْعِي

ایستگنده و بنده کمر من نزدیک و بر دلم را

دَاخِمًا وَلِضَوْئِي سَامِعًا وَلَا تَقْطَعْ

دردم خنده و در او از من بنورده و بر

رِجَائِي عَنْكَ وَلَا تَبْتَسِبْ مِنِّي

ایمید مرا از خود و قطع کن سبب را از خود

وَلَا تَوَجِّهْنِي فِي حَاجَتِي مِنْهُ

و مگردان در مرا درین حاجت من

وَعَبْرًا إِلَى سِوَاكَ وَقَوْلِي رِجْحًا

و در غیر این بگو بر غیر خود و در تامل تو کار بر این

طَلِبْتِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي فِي نَيْبِ سُؤْلِ

مطلب من بر تیر که تو و اسع که میسر و از جمله حاجت من

رِجَائِي

قَبَارًا إِلَى عَزْمٍ وَقَفِي هَذَا بِتَيْبِيرِكَ

بمن از عزم من از این جا بیا من به ما آن که در تیسیر تو

بِالْأَعْيُرِ وَحُجْنِ تَقْدِيرِكَ لِي

بر این از عوارض و حین تقدیر تو بر من را

بِجَمِيعِ الْأُمُورِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

بر کارها پس رحمت بفرست بر محمد و

الضَّلُوةِ دَائِمَةً نَامِيَةً لَا تَقْطَعُ

الو و بر من سوسه خزان من خنده که قطع من تا

لَا يَدْرِيهَا وَلَا مَشْهُيَ لَأَمْدَانِهَا

از زمان آن را و نه از من تا مرگ او

اجْعَلْ ذَلِكَ غَوْنًا لِي وَسَبَبًا لِلنَّجَاحِ

مگردان این سبب مدد کار مرا و سبب برای نجات

طَلِبْتِي أَنْتَكَ وَاسِعٌ كَيْمٌ وَمِنْ حَاجَتِي

مطلب من بر تیر که تو و اسع که میسر و از جمله حاجت من

يَا رَبِّ كَذَا وَكَذَا وَتَذَكَّرُ

الوجود كما من حسن حسين
وأيضا
حاجتك ثم لتجد وتقول في
حاجت خود را پس از آن بجزایین و میگوید در
بجودك فضلک انشی فیخائنک
بر خود نظر تو آرام داده مرا و جان

وَلَوْ فَاسَأَلْتُكَ بِكَ وَتَحْمَدُ لِلَّهِ صَلَوَاتُكَ

را بنویسد که مرا پس سوال میکنم تو را بنویسد بحمد و اول او
عليهم أن لا تردني خائبا
برش آن را که برنگردم خوار و خوار
وكان من دعائه عليه السلام إذا
بود از دعای آنحضرت ص

أَعْتَدِي عَلَيْكَ أَيُّهَا الظَّالِمُ بِالْحَيْبِ

تبر و در واقع میشد یا میدیدم که استغفار کن از آنکه من خوش فراموش

عشر
الرايع

يَا فِرْلَاخِي عَلَى أَنْبَاءِ الْمُتَظَلِّمِينَ

ای فریادکنان است برو
جزایر
وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِي قَصَصِهِمْ إِلَى
وای آنکه نمی چایز در حکایت سزایین
شهادات الشاهدين ويا من
گواهی دادن گواهی
در آنکه

قَرِبَتْ نَصْرَتُهُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَيَا مَنْ

نزدیکت یار دادن او برستم رسیدگان
وای آنکه او
بَعْدَ عَوْنِهِ عَنِ الظَّالِمِينَ قَدْ
پس از مددکار او ازستم گندگان
عَلِمْتَ يَا أَلْهِمَانَا لِمَنْ مِنْ فُلَانٍ
گرفتند از ما این آنچه میدیدند از فلان

ابن فلان فَمَا حَظَرْتَ وَأَشْتَهَكَ

از آنچه حرام گفتم برو و دلبسته آنچه اعلی گفتم بر آن

مَنِّي مَا حَجَزَتْ عَلَيَّ بَطْرًا فِي نَعْمَتِكَ

از منی آنرا آنچه منع و محذور است و باطل است از در طغیان در نعمت خود

عِنْدَهُ وَاعْتَرَا ابْنُكَ عَلَيْكَ

زود و در غفلت او از بنی تو بر تو برود

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاعْلَمْ

خداوند از رحمت نبوت بر محمد و آل او و بداند

عَلَيْكَ عِدْوِي حَاضِرَةٌ تَكُونُ فِي غَيْظِي

یا خداوند دشمن من را که همیشه در غضب من

بِهِ شِقَاءٌ وَمِنْ حَقِّي عَلَيْكَ

بر او شقی است و از حق من بر تو

وَفَاءٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و وفاست خداوند از رحمت نبوت بر محمد و آل او

وَعَوْضِي مِنْ ظُلْمِي لِي عَفْوِكَ وَأَبْدَانِي

و عوض بر من از ظلم من است عفو تو و بدان من

مِنْ حَقِّي

ابداً
مِنْ حَقِّي

بِسُوءِ صَدِيقِي رَحِمْتَكَ فَكَلِمَكَ

بسوء دوست او بر من رحمت خود را بر من کرد

جَلَدُونَ سَخَطِكَ وَكُلَّ مَمْرُتِي

اندک نیت زدند تو را و در عصیان من

سَوَاءٌ مَعَ مَنْ جَدَّكَ اللَّهُمَّ فَكَلِمَةً

و چه بود عیب من خداوند از رحمت خود

كَرِهْتِ إِلَى أَنْ أَظْلِمَ فِقْهِي فَرَأَى أَنْ ظَلِمَ

من را که در این بود که از من بود بر من ظلم کرد و دید که ظلم کرد

اللَّهُمَّ لَا تَشْكُوا إِلَيَّ أَحَدٌ سِوَاكَ

خداوند من را شکوایی جز خودت

وَلَا تَسْتَعِينُ بِحَاكِمٍ غَيْرِكَ حَاشَا

و در استعینم به حکمی جز خودت را

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلِّ عَائِدِي

پس رحمت نبوت بر محمد و آل او و بر من

مَغْفِرَتِكَ

مَحْمَدًا لِيَدِي مِنْكَ بَيْتِي صَانِقَةً

بسم الله الرحمن الرحيم وقت يوم ما از بابت و بخت در اسرار
 وَصَبْرًا لِيَوْمِ وَعَذَابٍ مِنْ سُوءِ
و بخت بخت و بنا و در هر روز هر روز
 الرَّغْبَةِ وَقَمَلِ أَهْلِ الْخَيْرِ
و بخت و در هر روز هر روز

وَصَوَّرَ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا أَتَيْتَنِي مِنْ

و بخت و در هر روز هر روز
 ثَوَابِكَ وَأَعَدَدْتَ لِي مِنْ جَزَائِكَ
و بخت و در هر روز هر روز
 وَعَقَابِكَ وَأَجْعَلْ ذَلِكَ سَبَبًا لِقَاتِكَ
و بخت و در هر روز هر روز

بِمَا قَضَيْتَ وَثَقَّنِي بِمَا تَخَيَّرْتَ أَمِينٌ

بسم الله الرحمن الرحيم وقت يوم ما از بابت و بخت در اسرار

رَبِّ الْعَالَمِينَ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم وقت يوم ما از بابت و بخت در اسرار
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
و بخت و در هر روز هر روز
 وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
و بخت و در هر روز هر روز

إِذَا مَرَضْتُ أَوْ نَزَلْتُ بِكَ كَرِيماً أَوْ بَلِيَةً

بسم الله الرحمن الرحيم وقت يوم ما از بابت و بخت در اسرار
 اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أَذَلْ
و بخت و در هر روز هر روز
 أَتَصَرَّفُ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بِدِينِي
و بخت و در هر روز هر روز

وَلَاكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحَدْتَنِي بِهِ مِنْ عِلْمِي

بسم الله الرحمن الرحيم وقت يوم ما از بابت و بخت در اسرار

الخامس عشر

فجسدي فما أذري يا الهى أى الجاني لى

در صفت اول بيا لى

أخربك كركك وأى الوقتين

بمزهله وقت بيلك در صفت اول بيا لى

أولى بالجمالك أوقت الصخرة التى

بمزهله وقت بيلك در صفت اول بيا لى

هناتى فيما طيبا ررك ونسطنى

كودى صفت اول بيا لى در صفت اول بيا لى

بها لايتغاء مرضانك وفضلك

بمزهله وقت بيلك در صفت اول بيا لى

وقويتى معما على ما وقتى

بمزهله وقت بيلك در صفت اول بيا لى

له طبعك أوقت العلة التى

بمزهله وقت بيلك در صفت اول بيا لى

وَبَطَّنِي

فِيهَا

محصن

محصنتى بها والنعم التى تحفتنى بها

فانها صفت اول بيا لى در صفت اول بيا لى

تخفيفا لما ثقل على ظهري

بمزهله وقت بيلك در صفت اول بيا لى

من الخطيئات وتطهير لما

بمزهله وقت بيلك در صفت اول بيا لى

انعمت فيم من الشيا وتبينها الشاؤ

بمزهله وقت بيلك در صفت اول بيا لى

التوبة وتذكير المحجوبة

بمزهله وقت بيلك در صفت اول بيا لى

بقدم النعمة وفي جلال ذلك

بمزهله وقت بيلك در صفت اول بيا لى

ما كتب لك كتابا من ركي الاعمال

بمزهله وقت بيلك در صفت اول بيا لى

بى على

مَا لَأَقْلَبُكَ كَفِيئًا وَلَا لَكَ أَنْ تَقُولَ

این سخن را در روز قیامت گویند که ای خداوند منم که تو مرا برگردانی و من را برگردانی

جَارِحَةً تَكَلَّفْتَهُ بِلِافِضًا

عشق منم که تو مرا با کلماتی که در زبان است

مِنْكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانًا مِنْ صَفِيْعِكَ

از تو برای من و احسان از تو به من

إِلَى اللَّهِ فَصِدْقًا عَلَيَّ مَجْدًا وَاللَّهُ وَجِبْتَ

به سوی خداوند منم که تو مرا با کلماتی که در زبان است و خداوند منم که تو مرا برگردانی

إِلَى مَا رَضَيْتَ لِي وَكَثْرًا لِي مَا

به سوی آنچه تو دوست داشتی برای من و کثرت آنچه تو دوست داشتی برای من

أَخْلَلْتُ فِي طَهْرِي مِنْ دَنْتِ مَا

از کثرت آنچه تو دوست داشتی برای من و کثرت آنچه تو دوست داشتی برای من

أَسَلَفْتُ وَأَفْجَعْتَنِي شَرًّا قَدَمْتُ وَ

پیش ازین و چون ما از من شر را بیشتر کردیم

أَوْجِدُنِي جَلَاوَةً الْعَافِيَةَ وَأَذِقْنِي

و غیر از راه مرا بیشتر مرا عافیت و بچشان مرا

بُرْدًا تَلَامَةً وَأَجْعَلْ مَخْرَجِي

از راه من و بگردان بر من من مرا

عَنْ عَلَيَّ إِلَى عَفْوِكَ وَمَتَّحِلِي

از من منم که تو مرا عفو کنی و بگردان مرا

عَنْ صِرْعَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ وَخَلَاصِي مِنْ

از من منم که تو مرا بگردانی و خلاصی مرا ازین

كَرْبِي إِلَى دَفْعِكَ وَسِيْلَامَتِي

از من منم که تو مرا بگردانی و سیلانی مرا

مِنْ هَذِهِ الشَّدَةِ إِلَى فَرْجِكَ

از این سختی مرا از این شدة به فرج تو

أَنَّكَ الْمَتَّقِضُ بِالْإِحْسَانِ الْمَتَّوَلِ

بگردد تو تقاضای احسان من

بِالْأَمْتِنَانِ الْوَهَّابِ الْكَبِيرِ ذُو الْجَلَالِ

بسمتھا	بسیار بخشنده	کبیر	مصلح در دنیا
وَكَانَ مِنَ الْإِكْرَامِ دُعَاؤُهُ			
عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا اسْتَقَالَ			
	از کعبه طریقی که در روز ولادتش		

عشر
الثانی

فَرْدٌ نُوْبِيًّا وَتَضَعُ فِي طَلَبِ الْعَفْوِ عَيْبِي

از آن بندگان	خود را با یاد از یاد دیگران در طلب عفو از عیبها
اللَّهُمَّ يَا مَنْ يُرَخِّمُهُ يَسْتَعِيثُ	
الْمُذْنِبُونَ وَيَا مَنْ لِي ذِكْرُ لِحَاثِنَا	خداوند ایزد ارحم از رحمت او طلب فرماید و سرپرست
	کما یفعل و ایزد ارحم بوسه دهنده همان او

يَفْرِغُ الْمُضْطَرُونَ وَيَا فَخِيفَتِي يَنْجِبِي

بنا بر آنکه بجا مانده و در آنکه از ترس او با و از غمزداری

التَّخَاؤُنِ

لِخَاطُونِ يَا أُنْسُ كُلِّ مُسْتَوْحِرٍ غَمْرٍ

کما کار است	از این در بین شده	غمر
وَيَا فَوْجَ كُلِّ كَرْوَبٍ كَبِيْبٍ		
وَيَا عَوْثَ كُلِّ عَجْذُولٍ فَرِيدٍ وَ	در آن دهان بر خون دل بسته	
	از یاد کسی خود رگرفته شده تنها بی	

يَا عِضْدُكَ لِحُجَّتِجِ طَرِيدَانْتِ الذِّكْرِ

در یاد که در حاجت	را نده شده	تو	دیده
وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا			
وَأَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ مَخْلُوقٍ	بجای آن و از هر همه جزای از او رحمت و علم		
	و تو را نده کرد پس بر او ابروی		

فِي نِعْمِكَ سَهْمًا وَأَنْتَ الَّذِي عَفَوَهُ

در نعمتها خود بهره و تو را نده عفو او

أَعْلَى عُقَابَيْهِ وَأَنْتَ الَّذِي تَسْمَعُ

بلندتر است از عقاب او - و تو آنکه می شنوی - و او را
رَحْمَتُهُ أَمَامَ عَضْبِهِ وَأَنْتَ
رحمت او پیشتر است از غضب او - و تو آنکه
الَّذِي عَطَاؤُهُ أَكْثَرُ مِنْ مَنَعِهِ
آنکه عطا کرد او - بیشتر است از منع او

وَأَنْتَ الَّذِي أَسْتَسِعِ الْخَلَائِقَ كُلَّهُنَّ

و تو آنکه کسب کنی همه آفریدگان را
فِي وَسْعِهِ وَأَنْتَ الَّذِي لَا يَرْتَعِبُ
در تو دگرگونی را - و تو آنکه خوار نیستی
فِي جَوَاءِ مَنْ أَعْطَاهُ وَأَنْتَ الَّذِي
در مقام فاتح کس که عطا کرد او را - و تو آنکه

لَا يَفِرُّ فِي عِقَابِ عَصَاهُ وَأَنَا يَا أَلَهِي

در غم گزید از اندازنده عقاب کعبه که کما و نه و بر با او - و من ای که

عَبْدُكَ الَّذِي أَسْرَمْتُ بِالذُّعَاءِ فَقَالَ

بنده تو که امر گفتم او را به دعا گفتن - پس گفت
لَيْتَكَ وَسَعْدَيْكَ مَا أَنْذَايَاكَ
اینگونه بود و سعادت تو - اینگونه خبر این را از خداوند تو
مَطْرُوحٍ بَيْنَ يَدَيْكَ أَنَا الَّذِي
آنکه بر زمین ریخته شد پیش تو - من آن کس که

أَوْقَرْتُ لَلْخَطَايَا ظَهَرَهُ وَأَنَا الَّذِي أَقْتَتُ

کران گفتم که خطای او را پنهان است - و من آن کس که باید که بگفتم
الذُّنُوبِ عَمْرَهُ وَأَنَا الَّذِي يَجْهَلُهُ
گناهان عمر او را - و من آن کس که گناه او را نمی شناسد
عَصَاكَ وَكَمْ تَكُنْ أَهْلًا مِثْلَهُ
تا او را گفتم ترا - و حال آنکه بود در سر او را از عصای تو

لِذَلِكَ هَلْ أَنْتَ يَا أَلَهِي رَحِمٌ وَرَحِيمَاكَ

ایا تو در خداوند رحیم هستی - و من هم هستم گرسنه که در غم هستم ترا

أَقْتَتُ

سنان
بِالْعَفْوِ

دُعُو

مِنِّي

لِجَارِ

نَفْسِكَ بِالْعَفْوِ فَاعْفُ عَنِّي قَدْرَ

نفس خود را بگو که پس در گذر از من بمقیصی منزه
یا الهی فیض دمی من خیفَتک
رضای خود را از من بکن که از ترس تو
و وجیب قلبی من خَشیتک و
و منظر ارباب من

انْتِقَاصِ جَوَارِحِي مِنْ هَيْبَتِكَ كُلِّ

و از جوی اعضا من از هیبت تو
ذَلِكَ حَيَاءً مِنْكَ بِسُوءِ عَمَلِي
انها از من ترسیدند بس که در عمل
و لَذَاكَ جَمَلُ صَوْتِي عَنِ الْجَارِ الْمَلِكِ
و ازین جهت و نوشتن او از من از نادانان بگو

وَكُلِّ الشَّيْءِ مُنَاجَاةً يَا اَلْهَى فَلَکَ

و که شکره از زبان من از مناجات تو رضای من ای آفرین

الْحَمْدُ لَكُمْ مَعَايِبَ تَسْتُرْتَهَا عَلَيَّ فَلِمَ

سایه پس با از عیب که پوشانند مرا از تو بر من
تَقْضَعَنِي وَكَمْ مِنْ ذَنْبٍ غَطَّيْتَهُ
روا خود را و اب از گناه که پوشانند مرا
عَلَى فَلَمْ تَتَّهِنِي وَكَمْ مِنْ شَأْنٍ
بر من و هنوز پوشانند مرا و اب از هر که

الْمَمْتِ بِمَا فَلَمْ تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَهَا

که بجا او تمام آن پس در پوشانند
وَلَمْ تَقْلُدْنِي مِنْ كُرْهٍ وَهَشَاةٍ
و در گناه من نماند از ناخوشی و بیگانه
وَلَمْ تُبَدِّسُوا بَيْنَنَا مِنَ الْيَقِينِ
و ظاهر من چیزی در میان من و بر آن که

مَعَايِبِي مِنْ جِبْرِتِي وَحَسَدِ نِعْمَتِكَ

مهاجر را از عیب بجان من و حسد تو

چهارمین

عِنْدِي ثُمَّ لَمْ يَنْهَيْهِ ذَلِكَ عَنْ أَنْ يَتَّبِعَ

نوروز
 پس باز نهاده است چرا این لغوی از او است
 إِلَى السُّوءِ مَا عَاهَدْتُمْ بِي قَبْلَ
بمهر اول ایچو در یادش که از او است پس بگفت
 أَجْهَلَ مَعِيَ يَا أَلْهِي بَرُّشِدْهُ وَمَنْ
تا فغان ترا از او است از او است از او است

أَغْفَلُ مَعِيَ عَنِ حِظَّةٍ وَفَرَّ أَبْعَدُ مَعِيَ

غافل
 از او است از او است
 مِنْ اسْتِضْلَاحِ نَفْسٍ مَحِينٍ لِقَوْلِهِ
از او است از او است از او است
 مَا أَلْبَسْتِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيمَا
از او است از او است از او است

نَهَيْتِي عَنْهُ فَمَعْصِيَتِكَ وَفَرَّ أَبْعَدُ

نوروز
 از او است از او است
 مِنْ رِزْقِكَ مَا أَلْبَسْتِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ فِيمَا

عَوْرًا فِي الْبَاطِلِ وَأَشِدُّ قَدَامًا عَلَيَّ

وورد و موع در به نظر و سخت تر جروت شده
 السُّوءِ مَتَى حِينَ أَقْبُ بِكَ دَعْوَتِكَ
بر از او است و موعز کوی ایچو است
 وَدَعْوَةَ الشَّيْطَانِ فَاتَّبِعْ دَعْوَتَهُ
و خواند آن شیطان را پس بر او است

عَلَى غَيْرِ مَعِيَ فِي مَعْرِفَتِي بِهِ وَلَا كَيْفًا

با عدم تا بهای از او است در شناخت او
 مِنْ حِفْظِي لَهُ وَأَنَا حَيْثُ دَعْوَتُهُ
از او است از او است از او است
 بِأَنَّ مِنْهُ دَعْوَتُكَ إِلَى الْجَنَّةِ وَمَنْ
با آنکه شما را خواندن تو بپوشد است و شما را

دَعْوَتِي إِلَى النَّارِ سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبُ

خواندن او بپوشد است با که خواندن او عجیب است
 دَعْوَتِي إِلَى النَّارِ سُبْحَانَكَ مَا أَعْجَبُ

فَاتَّبِعْ

مَا شَهِدْتُ بِعَلَى نَفْسِي وَأَعَدُّهُ مِنْ

بجز خودم به او شهادت ندادم و او را دشمن خود

مَكْتُومٍ أَمْرِي وَأَعْجِبُ مِنْ ذَلِكَ

بجز آنکه امر خود را بر او نهاده ام و عجب دارم از این

أَنَّكَ عَمِي وَإِطَاؤُكَ عَمَّتْ

زیرا که من عم تو هستم و اطاعت تو از من دوری نمود است از

مُعَاجَلَتِي وَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ كَرَمِي عَلَيْكَ

زود کردن مرا و این نیست از کرمی که من بر تو

بَلْ تَأْتِيَا مِنْكَ لِي وَتَقْضُلَا

بر من از جهت برادری است با من و مضل

مِنْكَ عَلَيَّ لِأَنَّكَ تَدْعُ عَمِي

از تو بر من زیرا که من عم تو هستم از

مَعْصِيَتِكَ الْمَسْخُطِ وَأَقْلَعُ عَيْنَ

نازمانه تو را که غضب آورنده است و او را دردم خود را

سَيْنَاتِي الْخُلْفَةَ وَلَا تَعْفُوكَ عَنِّي لِحُبِّ

کند من از کلمه گذشته و بر او امید نمودن تو درم و عفو نیست

إِلَيْكَ مِنْ عَقُوبَتِي بَلْ أَنَا يَا أَلْهِي

بجز آنکه از عقوبت خودم به تو نیامده ام بلکه من همانم که

أَكْرَهُ دُنُوبًا وَأَقْبَحُ آثَارًا وَ

بسیار گناهان دارم و زشتی آثار دارم و

أَشْنَعُ أَفْعَالًا وَأَشَدُّ فِي الْبَاطِلِ تَهَوُّرًا

زشت کردار دارم و سخت اندازنده گم خود را در باطل

وَأَضَعُ عِنْدَ طَلْعِكَ تَقِطًا

و ضعیف تر خود را طاعت تو اندر طلوع تو

وَأَقْلُ لِعَبِيدِكَ انْقِبَاهًا وَارْتِقَا

و کم از کارم و کم گناهانم از عباد تو را

فَرَأَنَ أَحْسَى لَكَ حُبِّي أَوْ أَقْدَرَ عَلَيَّ كَرَمًا

از آنکه خود را درم بجز آنکه عباد خود را با قدرشتم بر او

ذُنُوبِي إِنَّمَا أُوتِجُ بِهَذَا فَصَبِّحْ بِهَا

فِي أَفْوَانِكَ الَّتِي بِهَا صَاحِبُهَا
الَّذِينَ يَنْبَغِي وَدَعَاءُ الرَّجُلِ الَّتِي

بِهَذَا وَكَانَ رِقَابِ الْخَاطِبِينَ لِلَّهِ

وَهَذِهِ رِقَبَتِي قَلْبًا نَفْسًا وَذِكْرًا
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَاعْتَمِدْهَا

بِعَفْوِكَ وَهَذَا ظَهْرِي وَدَانِقَلْتَهُ

بِغُفْرَانِكَ وَابْنِ بَنِي نَسْرٍ كَرَامًا

لِلظَّالِمِينَ

الْخَطِيَا يَا صَدِّقَ عَلِيٍّ مُحَمَّدًا وَاللَّهِ خَفِيفًا

عَنْ يَمِينِكَ يَا إِلَهَ لَوْ بَكَيتُ
إِلَيْكَ حَتَّى تَنْقُطَ أَشْفَارُ عَيْنَيْ

وَأَنْتَ حَتَّى تَنْقُطَ صَوْتِي وَقُرْتِ

لَكَ حَتَّى تَنْقُضَ قَدَمَيَّ وَذَكَرْتِ
لَكَ حَتَّى تَخْلَعُ صُلْبِي وَتَجِدْتِ

لَكَ حَتَّى تَفْقَأَ حَقَائِي وَأَكَلْتِ

بِرَأْفَتِكَ يَا رَأْفِعُ سَائِرِ خَلْقِكَ

عَفِي

تَنْقُضِ

لَطْفًا

تَرَابُ الْأَرْضِ طَوْلُ عُمَيْرٍ وَشَرِبْتُ طَاءً

فان بزمی در از عزم و پاشتم آب

الرِّمَادُ إِخْرَدُهُ رِيٌّ وَذَكَرْتُكَ

فان ترا تمام روزی بود و یادتم تو را

فِي خِلَالِ ذَلِكَ حَتَّى كَلَّمْتَنَا

در میان این تا که نمود زبانت

ثُمَّ لَمَّا رَفَعْتَ طَرْفَكَ إِلَى الْإِفَاقِ السَّمَاءِ اسْتَحْيَا

پس آن گه چشم خود را با افق آسمان از دور ز نهادی

مِنْكَ مَا اسْتَوْجِبْتَ بِذَلِكَ

از تو آنرا که بطلبم باینکه

مُحَوِّسِيَّةٌ وَاحِدَةٌ مِنْ سَيِّئَاتِي

محو کننده یکی از آنکه از بدیهای خود است

وَإِنْ كُنْتَ تَعْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَوْجِبُ

و اگر تو مرا عفو کنی مرا در وقت که بطلبم

مَغْفِرَتِكَ وَتَعْفُو عَنِّي حِينَ اسْتَوْجِبُ

از تو عفو کنی مرا در وقت که بطلبم

عَفْوِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ غَيْرُ وَاجِبٍ

عفو تو را پس بجز آنکه واجب نیست

بِاسْتِحْتِقَائِي وَلَا أَنَا أَهْلُ لَهُ

بستحقاق من و منم من اهل آن

بِاسْتِحْبَابِ إِذْ كَانَ جِزَائِي مِنْكَ فِي

ازدواج استحقاق زیرا که جزای من از تو بود

أَوَّلِ مَا عَصَيْتَكَ النَّارِقَانَ

اول آنکه عصیان کردم ترا در حقش بود پس اگر

تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِي

عذاب کنی مرا پس تو ظالم نیستی بر من

الهِ فَإِذَا قَدْ تَعَذَّبْتَنِي بِسِتْرِكَ فَلَمْ تَقْضِ

از من آنرا پس منم تهنیت که بپوشی مرا بر چه پوشش خود پس بپوشی مرا

وَأَنْتَ تَنِي بِكَرَمِكَ فَلَمْ تُعَاجِلْنِي

و در این کلمه کرم و بزرگواری است که در حق ما است

وَحَلَمْتَ عَنِّي بِتَفَضُّلِكَ فَلَمْ تُغَيِّرْ

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

تَعْمَلُكَ عَلَيَّ وَلَمْ تُكْثِرْ كِدْرُ

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

مَعْرُوفِكَ عِنْدِي فَأَخْرَجْتُكَ نَصْرِي

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

وَشَدَّةَ مَنْ كُنْتُ فِي وَسْوَةٍ

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

مَوْفِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

وَقِي مِنَ الْمَعَاصِي وَاسْتَعْلَمَنِي بِالطَّيْبَةِ

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

وَحَلَمْتَ

وَأَسْرَفْتَنِي حُسْنَ الْأَنْبَاءِ وَطَهَّرْتَنِي بِمَالِئَتِهِ

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

وَأَيَّدْتَنِي بِالْعِصْمَةِ وَاسْتَصْلَحْتَنِي

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

بِالْعَافِيَةِ وَأَذَقْتَنِي حَلَاوَةَ الْمَغْفِرَةِ

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

وَأَجْعَلَنِي طَلِيقَ عَفْوِكَ وَحَقِيقَ حُرْمَتِكَ

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

وَأَكْتُبْ لِي أَمَانًا مِنْ سَخَطِكَ وَ

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

بِشْرِي بِذَلِكَ فِي الْعَاجِلِ دُونَ

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

الْأَجَلِ شَرِّ مَا عَرَفْتُهَا وَعَرَفْتُ فِيهَا مَعْلَمَةَ

و در این کلمه بزرگواری است که در حق ما است

اَتَيْتِنَاهَا انْ ذَلِكْ لَا يَصْنُوعُ عَلَيْكَ

کلمه مبارک است که هرگز بر کسی که این دعا را بخواند اثر نکند

فِي وَسْعِكَ وَلَا يَكْأَدُكَ

در جنبش خود تو و در تورفت بر تو

فِي قُدْرَتِكَ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

بیشتر قدرت بر هر چیزی داری

وَكَانَ مِنْ دُعَائِكَ قَدِيرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ

تو ای سلام

اِذَا ذَكَرَ الشَّيْطَانُ فَاِسْتَعَاذَ

هرگاه شیطان را یاد کند و استعاذت بخواند

مِنْهُ وَغَرَّ عَدَاوَتِهِ وَكَيْدِهِ

از او و از دشمنی او و کید او

اللَّهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ

خدایا ما از شیطان و از نزع او از زمین و از نزع او از بدنش

التَّاسِعُ

وَلَا يَصْعَقُكَ فِي اَنَايِكَ
وَلَا يُؤْدِكُ فِي خَيْرِ اَنَايِكَ
اَلْقَدْرُ عَلَيَا اَنَايِكَ
اِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ
مَا تَشَاءُ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ وَصَلَّى اللهُ
عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ وَآلِكَ
الطَّيِّبِينَ

الْحَمِيمِ وَمَكَائِدِهِ وَفِي الثَّقَفِ يَا مَنِيبًا

رازنده شده و کیدها را و از جهاد بروی آنها را

وَمَوَاعِيدِهِ وَغُرُودِهِ وَصَائِدِهِ

و وعده‌های او و از روی آنها را و در بهانه‌های او

وَأَنْ يَطْبَعُ نَفْسَهُ فِي اضْلَالِنَا

و از نیت طبع اندازد خود را در گمراهی ما

عَظَمَتِكَ وَأُمَّتِنَا بِمَعْصِيَتِكَ

از عظمت تو و عوام ما را بپستی تو

أَوْ أَنْ يَحْسَنَ عِنْدَنَا مَا حَسَنَ

یا اینکه بخوبی کند نزد ما آنچه بخوبی است

لَنَا أَوْ أَنْ يَثْقُلَ عَلَيْنَا مَا كَرِهْنَا

بر ما یا اینکه بر ما آنچه نخواستیم را بگذارد

اللَّهُمَّ اَخْشَاهُ عَنَّا بِعِبَادَتِكَ وَكَيْدِهِ

خدایا او را از زمین ما بپستی او و کید او

وَكَيْدِهِ

وَأَنْ يَحْسَنَ

كَيْدِهِ

بَدُّوْنَا فِي مَجْبِنِكَ وَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَ

ببینا در مجنون و بگردان میان او

بَيْنَهُ سِتْرًا لِيَسْتَكْفُرَ بِهِ
میان او پرده ای که خردد آن ستر

رَدْمًا مَصْمُومًا لِيَقْتِفَ اللَّهُ لَمَّهُ
و ستر میان بر سر که نشکند آن ستر خداوند را

صَدِّعْ عَلَيَّ مَخْلُوقًا لِيَسْغَلُ عَنَّا بَعْضُ

دشمنی بر من و آل محمد و مشغول ساز از ما

أَعْدَائِكَ وَأَعْصِمْنَا مِنْهُ بَعْضُ
از دشمنان خود و نگاهدار ما از او بجز بعضی

رِغَائِيكَ وَكَفَيْتَنَا حَتْرًا وَوَلَانَا
صیانت کردی خود و کفایت کردی از ما هر که او را

ظَهْرَهُ وَقَطِّعْ عَنَّا اِثْرَهُ اللَّهُمَّ

و بگردان پشت او را و بر از او اثر او را خداوند را

ببینا

خطر

صَدِّعْ عَلَيَّ مَخْلُوقًا لِيَسْغَلُ عَنَّا بَعْضُ

دشمنی بر من و آل او و بره من سازد که از من بپوشد

بَيْنَهُ ضَلَالَةٌ وَنَزِقْدْنَا مِنْ
بیشگراهی او و وقت تباهی ما را از او

التَّقْوَى صِدْقًا غَوَايَتِهِ وَاسْلُكُ
بر میزگراهی از خوف گمراهی او و بر بر ما را

بِنَافِ التَّقْوَى خِلَافَ سَبِيلِهِ فَاَلَّذِي

بر او و بر میزگراهی از خوف گمراهی او که راه او است

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ فِي قُلُوبِنَا حِلَا
خداوند او را نگردان بر ما و در دلهای ما حلالی

وَلَا نُطْوِيَنَّ لَهُ فِيهَا لَدُنْيَا مَنْرًا
و در طغی کردن بر او در نزد ما منزلت را

اللَّهُمَّ مَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرِّفْنَا

خداوند او را آنچه سزید از ما در نظر ما از هر باطلی که در پیش ما آید

و متعنا

منزلت

لا تطون

وَإِذْ عَرَفْتَاهُ فَقِنَاهُ وَبَصِّرْنَا مَا

وهر که شناسید بر او ایستاد پس نگاهدارید از آن و به آن که درین است

تُكَايِدُ بِهِ وَأَلْهَمْنَا مَا نَعَدُهُ

با آنچه که بگویم با او و در دل اندازیم آنچه را که داده ایم آن

كَهْ وَأَيُّقِظُنَا عَنْ سِنَةِ الْعَفْوَكَهْ

باز بیدار ما و بیدار ما را از خواب غفلت

بِالَّذِي كُنَّا نَسْتَعِينُكَ وَأَجْرُنَ بِنُفُوسِنَا

بیشتر کردن بجز او و نیز کس را بجز تو

عَوْنُنَا عَلَيْكَ وَاللَّحْمَ وَأَشْرَبَ

یار دادن طرا برو خداوند او آب

قُلُوبِنَا إِنَّكَ رَعِيْلُهُ وَالطُّفْ كُنَّا

دیار ما را از غفلت کنه کردی و لطف بفرمودی ما را

فِي نَفْسِ حَيْلِ اللَّهِ صَدِّقَ عَلِيٍّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

در نفس حیل او خداوند است نبوت بر محمد و آل او

وَخَوَّلَ سُلْطَانِنَا عَنَا وَأَقْطَعُ رَجَاءَهُ

وگروان ما شد سلطان ما را و بر هر چه او در ما را

مِنَّا وَأَذْرَاهُ عَنِ الْوَلُوعِ بِنَا

و دفع کرد او را از غم و غم ما

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ

خداوند است بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان

أَبَاءَنَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَوْلَادَنَا وَأَهْلَانَا

پدر ما را و مادران ما را و فرزندان ما را و اولاد ما را

وَذَوِي أَرْحَامِنَا وَقَرَابَاتِنَا

و خویشان ما را و نزدیکان ما را

وَجِيْرَاتِنَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و همسایگان ما را از مؤمنان و مؤمنات

مُسْتَحْسِنِي حَارِيزِي وَجِيْرِي حَافِظِي

در پیش من در محراب من و همسایگان من

وَكَمْ هِيفَ طَانِعٍ وَالْبِسْمُ مِمَّنْ جَنَّتَا وَاقْتِ

وہا سے کھیندہ پریشان رہیں اور برائی اور زہا نام سے بچاؤ

وَأَعْظَمُ عَلَيْهِمْ عَلَيْهِ أَسْلَمَةُ مَا جَنَّتَا

وہی چیزیں ہیں جو برائیوں پر سے بچاؤ ہیں

اللَّهُمَّ وَأَعْمَمُ بِذَلِكَ مَنْ شَرِدَ

خداوند اور تو کی طرف سے ہرگز نہ لگے اور گمراہ

لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَأَخْلَصَ لَكَ السُّبُوحُ خَدَا

پروردگار کے لئے اور وہ کسی اور سے نہیں ہے

وَعَادَاهُ لَكَ الْحَقِيقَةُ الْعَبُودِيَّةِ

وہی چیز ہے کہ تیرے لئے سچے بندگی اور تیرے لئے

وَأَسْتَظْهِرُ بِكَ عَلَيْهِ فِي مَعْرِفَتِي

وہی چیز ہے کہ میں نے تیرے بارے میں جان لی

الْعُلُومِ الرَّابِيَّةِ اللَّهُمَّ اجْلُدْ عَقْدَ

علم کی کوئی چیز ہے پروردگار خداوند اور تو کی طرف سے ہرگز نہ لگے اور گمراہ

وَأَفْتَقُ مَا رَتَقَ وَأَفْجَحُ مَا دَبَّرَ وَثَبُّهُ

وہی چیز ہے کہ وہ بولتا ہے اور وہی چیز ہے کہ وہ چھپاتا ہے

إِذَا عَزَمَ وَأَنْقَضَ مَا أَرَمَ اللَّهُمَّ

جب وہ عزم کرے اور کھینکے اور وہی چیز ہے کہ وہ چھپاتا ہے

وَأَهْرَاجُ جَنْدَهُ وَأَبْطُلُ كَيْدَهُ

وہی چیز ہے کہ وہ ہار دے اور وہی چیز ہے کہ وہ بھولے

وَأَمْدَمُ كَهْفُهُ وَأَعْرَافُهُ اللَّهُمَّ

وہی چیز ہے کہ وہ چھپاتا ہے اور وہی چیز ہے کہ وہ چھپاتا ہے

اجْعَلْنَا فِي نَظْمِ عَدَائِهِ وَأَعْرَافِنَا

پروردگار کے لئے اور وہی چیز ہے کہ وہ چھپاتا ہے

عَنْ عَدَائِهِ أَوْلِيَانَهُ لَنْظِعُ لَهُ

وہی چیز ہے کہ وہ چھپاتا ہے اور وہی چیز ہے کہ وہ چھپاتا ہے

إِذَا اسْتَهْوَانَا وَلَا نَسْتَجِيبُ لَهَا إِذَا رَغَا

جب وہ ہمارے لئے دعا کرے اور ہم اس کی دعا کو نہیں مانگتے

وَأَرْغَمُ

نَا مُؤْمِنًا وَإِنَّهُ فَزَاظِمٌ أَمْرًا وَنِعِظُ

از کلمه به نیت از کلمه که طاعت کند امر را و نیت

عَنْ مُتَابَعَتِهِ مَنْ اتَّبَعَ نَجَرْنَا

از راه او که هر که او را پیروی کند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

خدایا رحمت خودت بر محمد و آل او که او خاتم النبیین است

وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

و بر سران و اولاد او

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَكَعْدَنَا وَ

که پاکان و پیرانند و پناه ده ما را

أَهْلَيْنَا وَنُحَاوِسْنَا جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ

و اهل ما را و برادران ما و همه مؤمنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ مَا اسْتَعَدْنَا مِنْهُ وَاجْرْنَا

و مؤمنان را از آنچه ما چسبیم ما از آن و ما را از او

مِمَّا اسْتَجْرَبْنَا بِكَ مِنْ خَوْفٍ وَاسْمِعْ لَنَا

از آنچه ما با تو تجربه کردیم از ترس و بشنو ما را

مَا دَعَوْنَا بِكَ وَأَعْطِنَا مَا أَعْفَلْنَا

آنچه ما را با تو خواندیم و عطا کن ما را آنچه ما فراموش کردیم

وَاحْفَظْ لَنَا مَا نَسِينَاهُ وَصَيِّرْنَا

و نگاه دار بر ما آنچه ما فراموش کردیم آن را و بگردان

بِذَلِكَ فِي رَجَائِ الصَّالِحِينَ وَ

برای آن در رجای صالحان

مَرَاتِبِ الْمُؤْمِنِينَ آمِينَ رَبِّ

و مرتبه ها را بر مؤمنان آمین خدایا

وَكَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ دُعَائِكَ

عالمیان

السَّلَامِ إِذَا دَفَعْنَا عَنْكَ فَايُحْذِرُ أَوْ عَجَلْنَا

سلام را دفع میزد از تو آن بجز از آن خدایا که میترسد یا عجل کند

عشر
الثالث

اللَّهُمَّ لَكَ فَامْطَلِبُ الْجَدِّ عَلَى سِرِّهِ

*خداوند من است بسیار
در طلب*

قَضَائِكَ وَبِمَا صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ

تغافل و بیک چیز که پند از من از

بِلَائِكَ فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ

بلا خود پس کردان بهره مرا از

رَحْمَتِكَ فَاجْعَلْ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ

رحمت خود ای کون بخشنده من از عافیت خود

فَأَكُونَ قَدْ تَشَقَّيْتُ بِمَا أَحْبَبْتُ

پس بچشم امید بدین شد که بستم بسبب آنچه دوست داشتم

وَسَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ فَرَأَى

و بیک چیز غیر من را آنچه نخواستم و دید

يَكُنْ فَاطْلَلْتُ فِيهَا وَبِتِ فِيهِ هَذِهِ الْعَافِيَةُ

اینکه بفرماید ایچو در آنجا بودم در آنجا بودم در آنجا بودم

بَيْنَ يَدَيَّ بِلَائٍ لَا يَنْقَطِعُ وَوَيْزٍ لَا

بین دوام است بین بدی که منقطع نکرده و کز آنرا که بر من

يَرْتَفِعُ فَقَدِمَ لِي مَا أَخْرَجْتَ وَكَرِهْتَنِي

شود پس من آن را در بر آورده ای که بر آید از من پس

مَا قَدَّمْتَ فَغَيَّرْ كَثِيرًا مَا عَاقَبْتَهُ

ایچو در پیش من آنچه پیش من بود پس تغییر کن از آنچه او را

الْفَنَاءِ وَغَيْرُ قَلِيلٍ فَاعِاقِبْتَهُ الْبَقَاءُ

فناخت و نیست اندک بجز عاقبتش بقا است

وَصَلَّ عَلَى مَنْ كَانَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و در پیش من است از محمد و آل او

دُعَاءٌ عَلَيْكَ السَّلَامُ عِنْدَكَ

دعا بر آنحضرت علیه السلام نزد تو

الْإِسْتِقَاءَ بَعْدَ الْجَدِّ

طلب بر آن بعد از جد

صفا
غایته

غایته

عشر
التاسع

اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ وَانْشُرْ عَلَيْنَا

مذوقه آب است که را به باران و بهین کند

رَحْمَتَكَ بَغِيثِكَ الْمَغْدِقِ مِنَ السَّمَاءِ

بخت خود بر آن تو که بارش از آسمان

الْمُنْثَاوِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمَوْثِقِ

که بر زمین تو که بر گیاه زمین است

فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ وَأَمِنْ عِلْمِ عِبَادِكَ

در تمام افق و از علم بندگان خود

بِأَيْسَاعِ التَّمْرِ وَأَجْحِي بِلَادَكَ بِبَلْعِ

بسیار از میوه و زنده کردن بلاد خود ببلع

الزَّهْرَةِ وَالسُّهْدِ مَلَأَتْكَ كَيْتِكَ

شکر و کوه کبر و شرفان خود در

الْكَرَامِ الْفَرَّةِ بِيَقِي مِنْكَ نَافِعِ رَائِمِ

که در کرامت فرار کند بابت از تو نافع از رانندگان

ال

غَزْنٍ وَاسِعٍ دَرَبٌ وَإِلَيْهِ سَبْعُ عَاجِلِ

سپارایان و فراخ زمین آن و سخت و سببین و زود

بِحُجِيِّهِ مَا قَدِمَاتِ وَتُرَدُّ بِهِ مَا قَدِمَتْ

زود که با او بر تو می آید و به زود که از آن

فَاتَتْ وَتَخْرُجُ بِهِ مَا هَوَاتِ وَتَقْشَعُ

فوت شده و بیرون از آن است و از آن

بِزِيْرِ الْقَوَاتِ سَجَابِمُ تَرَاكُمُ هَيْئًا مَرِيًّا

باز در روزها بر سر زمین نشسته از به کوه

طَبَقًا مَجْلَلًا غَيْرُ مِلْتِ وَدَقَرُ

فوت کننده با از زود که در زمین باران

وَلَا خَلِيْبُ قَرُّ اللَّهُ اسْقِنَا عَيْشًا

و زود منم تا به تو از او به باران

مُغْتَامِ عَامٍ عَلَ عَرِيضًا وَاسِعًا غَزِيًّا

رویده بیا به عیش و شادمانی فراخ و سپار

دُنُ

طَبَا

غَرِيضًا

تَرَدُّبِ الْمَهِيضِ وَبَجْرِ بِرِ الْمَهِيضِ

کبریا و آب زینیا به پیوسته و جبرک بان نیکه شده

اللَّهُمَّ اسْقِنَا سِقَاءَ تَيْلَمِ الْبَلَدِ

خداوند ما را آب که روان سازد از آن کوها

فَتَلَامِنَهُ الْجَنَابِ وَتَجْعَلِنَا مِنَ الْأَمْثَلِ

و بر خود از آن جاها و بخت ما لایزال نماید

وَتُنْدِتُ بِدَالِ الشَّجَارِ وَتُخْرِجُ بِدَالِ السَّعَا

و بر ویان بان درختان و از آن که بان آب زینیا

فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ وَتَنْعَشُ بِرِ الْبَلَدِ

در همه شهرها و به خاشاک بر پای بان همه را

وَالْخَلْقِ وَتُرَكِّبُ لَنَا بِرِ طِبَابَاتِ

و خلق تو و که ما را در این بر ما بر این روزها

الرِّسْقِ وَتُنْدِتُ لَنَا بِدَالِ الرِّسْقِ وَتُدْرِبُ

باز ما و بر ویان بر ما بر این از غنای او به هر که زبان

الضَّرْعِ وَتَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا اللَّهُمَّ

پستان و بفر ما را بر این قوت بر قوت ما خداوند

لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا وَلَا

مگردان سایه آن بر ما سم و

تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حَسُومًا وَلَا

مگردان سردی آن بر ما نوم و

تَجْعَلْ صَوْبَنَا عَلَيْنَا رُجُومًا وَلَا تَجْعَلْ

مگردان آهن آن بر ما رجم و مگردان

مَاءَهُ عَلَيْنَا أَجَاغًا اللَّهُمَّ صَلِّ

بر این را بر ما بخ و نور خداوند

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ

بنوت بر محمد و آل محمد و روزگار ما از برکتها

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّكَ عَلِيمٌ شَرِيفٌ

آسمانها و زمین برکت تو را هر چه خواستی تو با ما

العشرون

وكان من عاين عليك في مكام

ربود	ازدهار گرفت عم	در طلب
	الاجلاق و مرضي الاضال	
	اصدق تصدق و انوار سبزه	
	اللهم صل على محمد و آله و يبلغ باياما	
	مداونا رحمت بخت برهمه وال و و برسان با انرا	

اكمل الايمان واجعل يقيني افضل

کامتر با ما	و بردان يقين مرا	فاصله بين
	وانت و بنيتي الى احسن التيات	
	و شتر سازيت مرا بر بهترين نيتها	
	و يعلى الى احسن الاعمال اللهم	
	و علمها بر بهترين علما خدايا	

وفر ياطفك نيتي و صح بما عندك

بپايزه عطف خود نيت مرا و در دستگري بايخ زودت

وقر

يقيني و استصلح بقدرتك فافد

يعين مرا	و صدق اد	بفدرت خود ابره تمام شده است
	مبي اللهم صل على محمد و آله و	
	انرا خويلا رحمت بخت برهمه وال و وكفاية	
	الكنفي ما يتغالي الاهتمام به و	
	كرازمه ابره متول ما در امر اتمام ان و	

استعملني بما اتاني عند استفرغ

بفاد خود	در آنچه نوال ميگير مرا	فردا ازان و مفرگن
	اياتي فيم خلقتني له و اغني و	
	روزگار مرا در آنچه افرود مرا از هر ان و تو بگره گشا	
	اوسع علي في رزقك و لا تقبني	
	و فراخ كن بر من روزگار خود را و بشد مساز مرا	

بالنظر و اعزني و لا تبسلي بالكبر و عتد

بنظر گفتم و عزيز گردان مرا و حال انرا بشدت زير ابره و بپايزه

لَكَ وَلا تَقْبُدْ عِبَادِي بِالْعَجْبِ وَاجْر

و تبا کردن بنده که نام او بود پس در آن کرد

لِلنَّاسِ عَلَى يَدَيِ الْخَيْرِ وَلا تَحْقِرْ

بر مردم در آن بر دست خیر او و باطل کردن آن

بِالْمَنِّ وَهِيَ فِي مَعَالِي الْأَخْلَاقِ

بشندان و بگشایش مرا اصدق شریف

وَاعْصِمْنِي مِنَ الْفَخْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

و نگاهدار مرا از فخر و کبر خداوند ارادت بپوش بر محمد

وَإِلَيْهِ وَلا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ

و او و مگردان بلند در میان مردم

دَرَجَةً إِلَّا حَطَّطَنِي عِنْدَ نَفْسِي

پایه مگردان بپوش مرا از نفس خودم

مِثْلَهَا وَلا تَجِدْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا

میزان پای و میاورد بر بر او عزت ظاهر مرا مگر این

أَجَدَّتْ لِي لَتًا بِأُحْسَنِّ عِنْدَ نَفْسِي

پیدا کرد مرا لت را بر این خداوند بر بنای از نفس خودم

بِقَدِيمِهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بقدران عزت خداوند ارادت بپوش بر محمد

إِلَى مُحَمَّدٍ وَتَعْنِي بِهِ دِي صَالِحٍ

و او و بهر من از راه راست تا بپوش

لَأَسْتَبْدِلَ بِهَا وَطَرِيقَتِي حَقًّا لَأَنْبِغِعَنَّ

که بگردانم آن راه بر آن و طریقه حق مرا که مردم از آن

وَنِيَّةٍ وَرَشْدًا أَشْكُ فِيهَا وَعَمْرٍ

و نیت صواب که گشت بختم در آن و نیت دورا

مَا كَانَ عَمْرِي بِذَلِكَ فِي طَاعَتِكَ

و دادم که نزد کارم بقدر خود در طاعت تو

فَإِذَا كَانَ عَمْرِي مَرْتَعًا لِلشَّيْطَانِ فَاقْبَضْ

پس اگر نزد کارم هرگاه که شیطان بود پس بگیر مرا

حَلَاوَةُ الْأَمْتَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بشیر که امیت با رفیقا رحمت بفرست بر محمد و آل

إِلَيْهِ وَاجْعَلْ يَدِي أَعْلَى مَنْ ظَلَمَنِي

او بگردان بر این دستم تا بر دست ظالمان

وَلِسَانًا عَلِيًّا مَنْ خَا صَمِيًّا وَظَفْرًا

و زبانم بر این صومعه و زبیرم بر این و پوزم

بِمَنْ عَانَدَنِي وَهَبْ لِي مَكْرًا عَظِيمًا

بر اینها که دشمن منند و بجز من را مکر بزرگ

كَأَيْدِي وَقُدْرَةَ عَلِيٍّ مِنْ أَصْطَقَدَنِي

کمانم و قدرت علی را از آنکه مرا غصب کرد

وَرَكْبًا ذِي الْمَنِّ قَصَبَنِي وَسَلَامًا

و کتبی که بر من است و سلام

مَنْ تَوَعَّدَنِي وَوَقَفَنِي لَطَائِمَتَهُ سَبْدًا

آنکه که وعده داد من را و توقف نمود بر من از آزارش و از آزارش بر او

وَمَتَابِعَتَهُ أَرْشِدَنِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و پیروان او را راه بفرست مرا با رفیقا رحمت بفرست

مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَسَدِّدَنِي لِأَنَّ عَاثِرًا

محمد و آل او و توقف نمود بر من در راه گمراهی

مَنْ عَشِيَّتِي بِالصُّحْحِ وَأَجْرِي مِنْ

آنکه که در وقت صبح مرا از آزارش برساند

هَجَرَنِي بِالْبِرِّ وَاتَّبَعَنِي بِالسُّبْحِ

آنکه که مرا ترک کرد بر این و پیروی نمود از من بر این

وَكَأَنِّي مِنْ قِطْعَتِي بِالصَّلَاةِ وَ

و گویا که من از قطعه نماز هستم

أَخَالَفَ مِنْ اغْتَابَتِي إِلَى الْحُسَيْنِ

و مخالفت نمودم از آنکه که مرا از حسین

الذِّكْرُ وَأَنَّ شُكْرَ الْحَسَنَةِ وَأَغْضَى

یاد کردن او را و شکر کردن از حسن و غضب نمودم

عَنِ السَّيِّئَةِ اللَّهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ

از درج	فردی است بخت بر محمد و آل او
وَحَلَقِي بِحَلِيَّةِ الصَّالِحِينَ وَ	
وَأَدْبَرْتُ كَمَا بَصَفْتُمْ صَالِحِينَ وَ	
الْبَيْتِي وَزَيْتِي زَيْتَةَ الْمُتَّقِينَ	
وَمَوْتِي نَارَ أَرْضِيَّتِ	در این کار است

فِي لِسْطِ الْعَدْلِ وَكُظْمِ الْغَيْظِ وَطِفْأًا

در کتبی	عدل	دوره خواندن چشم و فزون تر
النَّائِقِ وَخَمَّ أَهْلَ الْفُرْقَةِ وَأَمْلَأَ		
أَنْفُسَ عِدَائِي وَصَمَّ كَرْنَ كَرْمَةَ شَوْقِ الْمَلِيقِ		
ذَاتِ الْبَيْنِ وَأَفْشَاءَ الْعَارِفَةِ		
مَيَّامُودَةَ وَفَأَشْرَكَهُنَّ حَسَانَ		

وَسَيَّرَ الْعَائِبَتِ وَيْلِينَ الْعَبْرِيكِينَ وَخَفِضَ

وَبَرَسَ نَوَاحِي	وَزَيَّ عَوْرَ	وَبَسَّ كَرْنَ
-------------------	----------------	----------------

الْجَنَاحِ وَحُسْنِ السَّيْرِ وَسُكُونِ

بال	وَيَكُونُ يَمِينَتِ	وَسَاكِنِ
الْبَيْتِ وَطَيْبِ الْمَخَالِقَةِ وَالسَّقِ		
بَادٍ وَحُسْنِ طَعْمِ بَرْدِمْ	وَمِنْ لَمِينِ	
إِلَى الْفَضِيلَةِ وَإِيْثَارِ التَّقْضِيلِ		
بِرِضِيَّتِ	وَأَيْتَارِ كَهْفِ تَقْضِيلِ	

وَتَرِكَ التَّعْيِيرَ وَالْإِفْضَالَ عَلَيَّ السَّخِيَّ

وَزَكَ كَهْفِ	تَرْشِيَّتِ كَهْمِ	وَفَضْلِ بَرِّمْ مَتَقِ
وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ وَاسْتِقْلَالَ الْخَيْرِ		
وَكَهْرَ حَقِّ	وَأَنْزَكَ شَرْنَ جِيْزِ	
وَإِنْ كَثُرَ مِنْ قَوْلِكَ فَعَلِي		
وَأَكْرَمِ لِسَانِي	أَزْكَفَا مَهْمِ وَكَدَامِ	

وَاسْتِكْرَارِ الشَّرِّ وَإِنْ قَدَّ فَرَقُولِي وَ

وَلِسَانِي تَرْشِيَّتِ	وَأَكْرَمِ لِسَانِي	أَزْكَفَا مَهْمِ وَكَدَامِ
------------------------	---------------------	----------------------------

وَأَنْ عَنِ الْفَضْلِ
وَأَنْ عَنِ الْفَضْلِ
وَأَنْ عَنِ الْفَضْلِ
عَنِ الْبَالِغِ أَنْ تَقْعَ

فَعَلَىٰ أَعْيُنِنَا ذِكْرُكَ يَا مُنِيرُ الْعَالَمِينَ

کردارم و کار کردن این مضمون را بر هر چه بر بویسته طاعت کرده

وَلَوْ كُنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبُوتَ لَقَدْ كُنَّا أَهْلَ الْبَدِيعِ

و بیدار با حال و حال غیر از این و ترک سهل و آسان

وَمُسْتَعْلَىٰ الرَّأْيِ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ

و بزرگوار می بودی بر هر چه از هر چه از هر چه خداوند

صِدْقِ عِلْمِكَ وَالْبَاءُ وَاجْعَلْ وَسِعَ فِكَ

درست از تو بر همه و اول او و بزرگواران از هر چه در هر چه خود

عَلَىٰ إِذَا كَبُرْتُ وَأَقْوَىٰ قَوْلِكَ

بزرگواران که بر تو و قوی تر از تو خود

فِي إِذَا نَصَبْتُ فَلَا تَنْبَلِيَنِي

در هر چه که بر تو ایستاده و بیدار از هر چه

بِالْكِبَرِ عَيْنَا دُنَاكَ وَلَا الْعَمَىٰ عَيْنِ

بزرگواران که از بزرگوار خود و زنا بماند از

وَلَا تَنْبَلِيَنِي

سَبِيلِكَ وَلَا بِالْتَعَرُّضِ لِخِلَافِ مَحَبَّتِكَ

و در بخت کردن از طرف دوست تو را

وَلَا تَجَامَعُ مَنْ تَفَرَّقَ عَنْكَ وَ

و در جمع شدن به کسی که جدا شده از تو و

لَا مُفَارِقَةَ مَنْ اجْتَمَعَ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ

و بیفراق کسی که گرد آمدن از هر چه از هر چه خداوند

اجْعَلْنِي أَصُولُكَ بِكَ عِنْدَ الصَّرُورَةِ

گردان مرا به پایه مملکت تو نزد ضرورت

وَأَسْأَلُكَ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَأَتَضَعُ

و سوال کنم از تو نزد حاجت و زاری کنم

إِلَيْكَ عِنْدَ الْمَكْنَةِ وَلَا تَقْتَمِ

بوی تو نزد مکتب و در میان خود مرا

بِالِاسْتِعَانَةِ بِغَيْرِكَ إِذَا اضْطُرْتُ

به استعانت به غیر تو هرگاه مضطربم

وَلَا بِالْجُنُوعِ لِيَوْمٍ لَّا يَغْنَبُ إِذَا انْقَرَّتْ

وینبویست که غنای او را بر او برود

وَلَا بِالْتَضَرُّعِ إِلَى مَنْ دُونِكَ إِذَا

وینبویست که بر کسی که او را بر او برود و غیر

رَهَيْتُ فَاسْتَحْيَيْتُ بِذَلِكَ خِذْلَكَ

که ترس از تو به من برسد و او را ترس از من برسد و او را ترس از من

وَمَنْعَكَ وَإِعْرَاضَكَ يَا أَحْمَرَ الرَّحِمَيْنِ

و منعه کن که او را دور کند و بدین تو از من از من بدین تو بدین تو بدین تو

اللَّهُمَّ لَجْعَلْ مَا يَلْقَى الشَّيْطَانُ

خداوند ما را برودان که بدین تو بدین تو بدین تو بدین تو

فِي رُوعِي مِنَ اللَّعْنَةِ وَالتَّظَنِّي وَ

در دل من از او بدین تو بدین تو بدین تو بدین تو

لِحَيْدِ ذِكْرِ الْعِظَمَتِكَ وَتَفَكُّرًا

و تفکر کن که یاد کنی بزرگواری تو را و تفکر کن

رَهَيْتُ

فِي قُدْرَتِكَ وَتَدْبِيرِ أَعْلَى عُدُوكَ وَمَا

در قدرت تو و تدبیر کنی بر دشمن تو و آنچه

أَجْرِي عَلَى السَّائِي مِنْ لَفْظَةِ فَحْرٍ

چرا میبازد بر زبان من از سخنهای تو

أَوْ هَجْرٍ أَوْ شَيْءٍ عَرَضٍ أَوْ شَهَادَةٍ

یا نهی یا نهی یا شهادت یا شهادت یا کلام

بِاطِلٍ أَوْ أَعْتِيَا مُؤْمِنٍ غَائِبٍ أَوْ سَبِّ

باطل یا بیعت کنی مؤمن غایب یا دشنام

حَاضِرٍ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ نَطْقًا

حاضر و آنچه مانند آن سخن کنی

بِأَحْمَدِكَ وَإِعْرَاقًا فِي الشَّيْءِ عَلَيْكَ

بهاش تو و ممانعت کنی در حق تو

وَذَهَابًا فِي تَجْدِيدِكَ وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ

و تو را در تو و شکر کنی نعمت تو را

جَرِي
أَوْ إِنْ تَهَاكَ

مِلَّتِكَ

وَاعْتَرَفًا بِإِحْسَانِكَ وَاحْصَاءَ مِلَّتِكَ

وعداؤكم من نون وشره من نون وشمس من نون

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَلَا

هذا ما رحمت نبوت بر محمد و آل او و

أُظْلِمَ وَأَنْتَ مَطِيئٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي

تمهید بر نوم و صلا بر آل او اما در دفع شر او

وَأَظْلَمَ وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْقَبْرِ

وتمهید بر صلا و قادر بر کفایت

مِثِّي وَلَا أَضِلُّنَّ وَقَدْ أَمَكُنَّكَ

من و گمراه نمودم و صلا بر آنکه تحقیق مکنست تو را

هَذَا بِي وَلَا أَفْقِرَنَّ وَمِنْ

راههای من و فقیر نگردم و صلا بر آنکه از

عِنْدِكَ وَسِعِي وَلَا أَطْغِينِ وَمِنْ

زودت ما را از تو و طغیان تو در من و صلا بر آنکه از

عِنْدَكَ وَجِدِي اللَّهُمَّ إِلَى مَغْفِرَتِكَ

زودت تو از من خداوند ایوب را از شر تو

وَقَدْتُ وَإِلَى عَفْوِكَ قَصَدْتُ

آمدم ام و بپوشش خود تو قصد کرده ام

وَإِلَى نَجْوَى بَيْتِكَ أَشَقَقْتُ وَبِعِضْلِكَ

و بر درگشایی تو از نگاه من مشا و ام و بعضی تو

وَتَيْقَتٌ وَلَيْسَ عِنْدِي مَا يُوجِبُ لِي

بیت و کلام و بیت تو در اینج و هیچ کس در این

مَغْفِرَتِكَ وَلَا فِي عَمَلِي مَا اسْتَحَى

ام بر شر تو و بیت در علم من اینج تو از تو

بِيَدِ عَفْوِكَ وَمَا لِي بَعْدَ حِكْمَتِكَ

با ن عفو تو و بیت مرا بعد از حکمت تو

عَلَى نَفْسِي الْاَفْضَلُ فَصَلِّ عَلَيَّ

بفرست خود مرا بفضلت تو پس رحمت نبوت بر

تَجَارَتِكَ

مُحَمَّدٍ وَاللَّهُ تَفَضَّلَ عَلَيْكَ اللَّهُمَّ وَانظُرْ

محمد و الی او و تفضل کن بر من خداوند اوست که مرا

بِالْهُدَى وَالْهَيْبَةِ التَّقْوَى وَرَقِيقَتِي

براه نماید و در دل اندازد مرا بر پیکر و رقیب من

الَّتِي فِي أَرْكَبِي وَاسْتَعْلَيْ بِمَا هُوَ

بر طرفه که پایزه ترنج و بکار درم ادر کج

أَرْضِي اللَّهُمَّ اسْلُكْ لِي الطَّرِيقَةَ الْمُنْتَهَى

پسندیده بجز خداوند ابراهیم بر او بهتر

وَجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ مَوْتًا وَ

و بگردان مرا چنانچه بر دین تو پیروم و

أَحْيَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و بر من صلوات خداوند رحمت نبوت بر محمد و الی او

وَمَتِّعْنِي بِالْأَقْبَصِياءِ وَاجْعَلْنِي فِي أَهْلِ

و بهر منز کردن ایامند زود و بگردان مرا از اهل

التَّادِرِ وَمِنْ أَدْلَةِ الشَّادِرِ وَمِنْ

و از منک نمایان بجز و از

صَاحِبِ الْعِبَادِ وَازِرُ قِي قَوْزِ الْعِبَادِ

تو ایستگان بندهگان و روزگار کنم ایستگان را

وَسَلَامَةَ الْمُرْصَادِ اللَّهُمَّ خُذْ

و دستم را خداوند ابراهیم

لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يَخْلُصُهَا وَابْقِ

بر خود از نفس من آنچه را نجات دهد و بجز آنکه

لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يَصْلُحُهَا فَإِنَّ

بر از نفس من آنچه را صلاح دهد می آورد و او را بجز

نَفْسِي هِيَ الرِّكَّةُ أَوْ تَعْصَمُهَا

از نفس من در موضع بدست مگر بندهگان هر ابراهیم

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَدَدْتَنِي إِنْ جَنَنْتُ وَأَنْتَ

خداوند تو عدده من را که و تو ابراهیم ابراهیم و تو

أَنْتَ عَدَدْتَنِي إِنْ جَنَنْتُ
الْبَلَاءِ

مُسْتَجِيبِ اِنْ جُرْمَتُ وِ بِكَ اسْتِغَاثَتِي

منهج از راه عودم نوم و بخت طلب و یا در سجده هزار گاه

اِنْ كَرِهْتَ وَعِنْدَكَ قِطَافًا

سخت نمودن بر عبا و زودت از هم فروت نشانی

خَلَقْتُ لِمَا فَدَصْلَاحٍ وَفِيهَا

عوض و بر او کتابه که است مصلح و در آنچه

اَنْكَرْتَ تَغْيِيرًا فَاْمُنْزَعًا قَبْلَ الْبَلَاءِ

بدو نشانی غیر از این اند که بر او پیش از

بِالْعَافِيَةِ وَقَبْلَ الطَّلَبِ بِالْحِدَاةِ

بهاجت و پیش از طلب بتو اکر

وَقَبْلَ الضَّلَالِ بِالرَّشَادِ وَكَفَيْتَنِي

و پیش از گمراهی بر او است روشن و کفایت کردی مرا

مُؤْتَمِعَةً الْعِبَادِ وَهَبْ لِي اَفْيُومًا

موقت با حشر بندگان و بر بخش مرا اینست روز

كِرْبَتٌ
وَمِمَّا

الْمَعَا وَامْنَحْنِي حُسْنَ الْاِشْيَادِ

بارگشت و عطا کن مرا بیویا است

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآذِ

خداوند ما رحمت بفرست بر محمد و آل او و در حق

عَنِّي بِاطْفَافِكَ وَاعْذِنِي بِتَعَمُّكَ

از من بطف خود و پرورش ده مرا اینست خود

وَاصْلِحْ لِي بِكَرَمِكَ وَذَاوِي بَصْنِعِكَ

و مصلح آرم مرا بکرم خود و دو کن مرا بطنع خود

وَاطْلُقْنِي فِي ذُرَاكَ وَجَلِّتَنِي رِضَاكَ

و برادر ده مرا در جن حق خود و پوستان من شوق خود

وَوَقِّفْنِي اِذَا اشْتَكَيْتُكَ عَلَيَّ

و توقف کن ده مرا هر که مشتبه شود بر من

الْاُمُورِ لِأَهْدَاهَا وَاِذَا اشْتَابَرْتِ

کارها بر او آنچه موافق است و هر که اشتباه شود

وَاعْذِنِي

وَاجْلِسْنِي فِي
ذَارِكَ

اِذَا اشْتَكَيْتُكَ

الْإِعْمَالِ لَزِكَاهَا وَإِذَا تَنَاقَضَتِ الْمَلِكُ

کردار بر او که بزرگ است و در کاره هم بر دستار تقیض

لِإِضَاهَا اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

بر او که بزرگ است بر زمین با رضایا حجت نبوت است

آلِهِ وَتَوْجِيهِ الْكِفَايَةِ وَتَمَنِّي

واله و بر او که بر اناج کفایت و او را در بر

حُسْنِ الْوِلَايَةِ وَهَبْ لِي صِدْقَ الْهَدْيِ

بر کوی ولایت و بخش ما صدق هدیه

وَأَلْفَتَنِي بِالسَّعَةِ وَأَمْحِي حُسْنَ

و مقول کنز مرا تو انگر و عطا کن مرا ای کوی

الدَّعَى وَلَا تَجْعَلْ عَيْشِي كَمَا كَدَا

آرام و کردان زندگی مرا سخت

وَلَا تَرُدُّ عَائِي عَلَيَّ فَإِنِّي لَا أَجْعَلُ

و بر کردان دعا مرا بر تو بر گردانم پس بر تو که من نیکو دارم

لَكَ ضِدًّا وَلَا أَدْعُوهُ مَعَكَ نِدًّا

بر او که ضمد و بنیو اتم با تو مانند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاسْخِنِي

خداوندا رحمت نبوت بر محمد و آل او و با زود ا

مِنَ الشَّرِّ وَحَسِّنْ دَرْجَتِي

از شر و ظاهر از روز مرا از

التَّلْفِ وَفَرِّمْ لِي بِالْبِرِّ كَثْرَةً وَأَصِبْ

مغفرت من و بسیار کن مال مرا برکت دران و برسان مرا

سَبِيلَ الْهَدْيِ لِلرِّفْيَا أَنْفَقْتُ

براه باقتن بکنوی در آنچه هر وقت از راه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكفني

خداوندا رحمت نبوت بر محمد و آل او و کفای مرا

مُونِي الْأَكْثَرِ وَأَسْرِ مَهْرِي غَيْرِ

موقت کسب کهن در روز زود مرا بدون

مِلْكَتِي

اِحْتِسَابًا فَلَا اسْتِعْجَالَ عِبَادَتِكَ

حاصل
تا بپذیرد باز نایتم از عبادت تو
بِالطَّلَبِ لَا اِحْتِمَالَ اضْرِبْتِغَاتِ
بسط کن در بندام گرایه و به نام
الْمَكْسِبِ لِلَّهِ فَأَطْلُبُنِي بِقُدْرَتِكَ
کن کن خداوند ای بر آورد بقدرت خود

مَا اطْلُبُ اَجْرِي بِعِزَّتِكَ مِمَّا اَهْرَبُ

اگر می طلبم
و بنا به دهم ابغزت خود از آنچه می ترسم
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلِّ
خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل او و صلوات
وَجْهِ الْيَسَارِ وَلَا تَبْدُلْ جَاهِي
قدم ای بر آساز و خدا کن منزلت مرا

بِالِاقْتِرَابِ فَاسْتَرْقِ اَهْلَكَ نُرُقُوكَ وَاسْتَعْطِ

بر روی تو ای طلب و در کنه از اسرار روز تو و خواه من عطا کنم

الْمَكْتَسَبِ

بِشَرِّ خَلْقِكَ فَافْتِنِ بِحُجْرَةِ اعْظَمِ

از جهل
خلق تو پس گرفتار نوم بسپار که در عطا کنم
وَأَيْتُكَ اِيْدَمَ مِنْ مَنَعْنِي وَأَنْتَ سِنِ
و چنان کردم بوقت کسح من کردم احوال ایلت
دُونَكَ وَبِئْسَ الْاِعْظَاءُ وَالْمَنَعُ
زایان من متوید عطا کن و منع نمودن

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلِّ

خداوند رحمت بفرست بر محمد و آل او
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَصَلِّ
صلوات بر محمد و آل او و صلوات
وَعَلَى اِسْتِعْمَالِ وَوَرَعَانِي
و عطا در باطن من و بریز کاریه که میبندم

اِحْمَالِ اللَّهُمَّ اخْتِمْ بِعَفْوِكَ اِحْلِي

بشر خداوند اختم کن بعفو خود مدت مرا

وَأَيْتُكَ

وَحَقُّ فِي جَاءِ رَحْمَتِكَ أَمَلِي

ووفق کردن در رسیدن رحمت تو از اول امر او

سَهْلٌ إِلَى بُلُوغِ بِضَاكَ سُبُلِي

پس آسان بود رسیدن به نزد تو راه مرا

حِينَ فِي جَمِيعِ أحوَالِي عَلَى اللَّهِ هَمُّ

وینگاه کردن در همه حال من علم از خداوند

مَصْرَعِي عَلَى مَجْدِ وَالِدِي وَبِهِ هُوَ لَذِكْرِي فِي

رحمت بجزئی و بجزوال او و آنکه یاد او را در یاد کردن تو

أَوْقَاتِ الْعِفْلَةِ وَاسْتَعْلَى بِطَاعَتِكَ

در اوقات عفت و بجا دارم در طاعت خود

فِي أَيَّامِ الْمُحَلَّةِ وَأَنْبَجُ لِحَبْلِكَ

در روزگار محلت و بجا دارم از برای تو

مَجْتَبِي سَبِيلًا سَهْلَةً وَأَمَّا لِي بِهَا

خود راه آسانی و تمام کن برای من از آن

وَأَجْمَعُ

خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ مَصْرَعِي

میردام و اوست را خداوند او رحمت بخت بر

مَجْدِ وَالِدِي كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتُ عَلَى

مهر و وال او مانند بهترین چیز که فرستاده بر

أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ قَبْلَهُ وَأَنْتَ

که از خلق خود بهتر او و بجز خود

مُصْرَعِي عَلَى أَجْدِ بَعْدَهُ وَأَيْتَانِي

فرستادم بر کسی بعد از او و عطا کن ما را در

الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

در این عالم خوبه و در اوست عطا کن به

وَقَبِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابِ النَّارِ

و بجا دارم از رحمت خود از عذاب آتش

وَكَانَ مِنْ عِبَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَزَنَ

بود از عبادان حضرت عید السلام هرگاه اندوه میبرد

وَالغصون
لِلْحَادِي

بسم الله الرحمن الرحيم

اَفْرَأَيْتُمُ الْخَطَايَا

اگر و غمگین میباشند او را خطه

اللَّهُمَّ يَا كافي الفرد الضعيف و

خداوند ابرو کار خداوندی که تنها بجز و ضعیف و

واقی الامر المخوف افر دتی الخطایا

تنگ در این از جز که در کار تو تنگ گشت مرا

فلا صاحب معي وضعفت غضبك

بر منیت معجزانم و ضعیف شده ام از غضب تو

فلا مؤيدك واشرفت على خوف

بر منیت نفیست کننده مرا و متروک شده ام بر من

لغائك فلا مسكن لروعي ومن

عداقت بر منیت ما که کرده ام بر تو و بر منیت

يؤمنني منك وانت اخفتني ومن

که بر منیت اند که نهیم مرا از تو و مرا بترساند تو ترسان مرا و کیت

يَسْأَلُنِي وَأَنْتَ أَفْرَدْتَنِي وَمَنْ

که یار تو انداد مرا و حال ایند تو تنها کردی مرا و که

يُقَوِّبُنِي وَأَنْتَ أَصْعَفْتَنِي لِأَجْبُرُ

قوت تو انداد مرا و تو ضعیف نمودی مرا ای یار من و

يَا أَلهي الأرب على من يوب ولا

ای خداوند از نظر برورد که در و بر منیت تو و اهل

يَوْمُ مِنَ الإغالب على مغلوب ولا

نیست از آن که غلبه کند بر من غلبه کننده و

يُعِين الأطالب على مطلوب

نیست از آن که دادگر شود بر مننده هر که تمهید و

بيدك يَا ألهي جميع ذلك السبب

بر منیت تو خداوند از همه این سببها

وَالَيْكَ المَقْر والمهرب فصل على

و به بر منیت تو از او که بر منیت تو است و بر منیت تو است

مَجْدًا وَالْأَجْرَ مَرْبِيًّا وَأَنْجِي مَطْلَبِي

مجد طلبی و پاداش ده که بر من برآورد و مرا از خطر نجات ده

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْصَرَفْتَ عَنِّي

خدایا تو از من برگشته که تو را بگردانم از من

وَجَمَّكَ الْكَيْمِ أَوْصَعْتَنِي

روان تو را در کیمیا یا با زردار از من

فَضْلِكَ الْكَيْمِ أَوْ حَضَرْتَ عَلَيَّ فَكَرِهْتَنِي

فضیلت تو را در کیمیا یا منع کن مرا از زرق خود

أَوْ قَطَعْتَ عَنِّي سَبِيلَكَ لَمْ أَجِدْ

یا بر من از من و سبیل خود را در راه من نیابم

السَّبِيلَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَجْلِ غَيْرِكَ

راه بجز چیز از راه خود بجز از تو

وَلَمْ أَقْدِرْ عَلَى مَا عِنْدَكَ بِمَعُونَتِي سِوَاكَ

و قادر نیستم بر آنچه نزد توست به یاری خود را جز تو

تسلیت طلبی

فَإِنِّي عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ نَاصِيَتِي

پس من برده که من بند توام و در قبضه توام ناصیه من

بِيَدِكَ لَا أَمْرَ لِي مَعَ أَمْرِكَ مَا فِرَ

بیت است بیست امر مرا با امر تو نافرست

فِي حُكْمِكَ عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ

در حکم تو عدل است در بر من قضای تو

وَلَا قُوَّةَ لِي عِنْدَ الْخُرُوجِ مِنْ سُلْطَانِكَ

و نیست قوت مرا بر خروج من از قدرت تو

وَلَا اسْتَطِيعُ مَجَاوِزَ قُدْرَتِكَ

و ندارم به برتر از قدرت تو

وَلَا اسْتَمِيلُ هَوَاكَ وَلَا أَلْبِغُ مِثْلًا

و نمیخواهم میل به هوا تو را بیاورم و نمیخواهم

وَلَا أَنَا لِمَا عِنْدَكَ الْإِبْطَاعَتِكَ وَ

و در من برای آنچه نزد توست کمر بیاورم تو

وَحَلْبِ

وَاجْرِبِي فِي أَحَبِّ السُّبُلِ إِلَيْكَ وَ

درودانی که او را در دو سترین راهها
دَلَلَهُ بِالرَّغْبَةِ فِيمَا عِنْدَكَ أَيَّامٌ
و در آن کردان و در این سبب در هر یک نزدت در دو لغت
حَيَوِي كُلِّهَا وَاجْعَلْ تَقْوَالَكَ مِنْ
دو لغت تمام و کردان در هر یک نزدت

الدُّنْيَا زَارِي وَالِي خِمَتِكَ حِلْيَتِي

از دنیا
و فِي مَرْضَانِكَ مَدْخَلِي وَاجْعَلْ
در خوشنود و در هر یک در آن و کردان
فِي خِمَتِكَ مَنَوَايَ وَهَبْ لِي قَقْ
در بهت خود با ما او بر بخش مرا قوت

أَخْتِكَ يَا جَمِيعَ مَرْضَانِكَ وَاجْعَلْ

که بردارم بان همه آنچه رضایت
و کردان

فَارِي إِلَيْكَ وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ

کر زهرا بود خود
وَاجْعَلْ قَلْبِي الْوَحِيَّةَ مِنْ شَرِّ
و بهت دل مرا رسید از بران
خَلْقِكَ وَهَبْ لِي الْأُنْزِيكَ وَ
حق تو و بر بخش مرا آرام تو و

بِأَوْلِيَانِكَ يَا هَادِطًا عِنْدَكَ وَاجْعَلْ

بر دوستان تو
لِفَنَاجِرٍ وَلَا كَأَفْوَعٍ عَلَى مَيْتَةٍ
بدر هر یک در آن و در هر یک بر من
وَلَا لَهْ عِنْدِي يَدٌ وَلَا لِي الْيَمِيمُ
و در هر یک در آن و در هر یک در آن

حَاجَتِي يَا جَعَلْ سَكُونِي قَلْبِي وَالنَّسْرَ

عالمی بده بردارم سکون دل مرا و آرام

نَفْسِي وَاسْتَعْنَا وَكُنَا يَتِيكَ وَبِحَيَا

۳۱۱
 خَلَقَكَ اللَّهُ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
 وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِيْبًا وَاجْعَلْنِي لَهُمْ
 وَاجْعَلْنِي لَهُمْ قَرِيْبًا وَاجْعَلْنِي لَهُمْ

نَصِيْرًا وَامْنَسْ عَلَيَّ بِشَوْقِ إِلَيْكَ

۳۱۲
 وَبِالْعَمَلِ لَكَ بِمَا تَحِبُّ وَتَرْضَى
 أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَذَلِكَ عَلَيْكَ

وَكَانَ مِنْ عِبَادَتِكَ عَلَيَّ السَّلَامَ

و بود از دعا آسان است

والعشيرة
الشيعة

عِنْدَ الشَّدَةِ وَالْجَهْدِ وَتَعْيَرِ الْأُمُورِ

۳۱۳
 اللَّهُمَّ أَنْتَ كَلَفْتَنِي مِنْ نَفْسِي
 مَا أَنْتَ أَمْلَكُ بِهِ مِنِّي وَقَدْ رَزَقْتَنِي

عَلَيْكَ وَعَلَى غَلْبٍ مِنْ قُدْرَتِي فَلْعِظْنِي

۳۱۴
 مِنْ نَفْسِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَخُذْ
 لِنَفْسِكَ رِضَاهَا مِنْ نَفْسِي فِي

عَافِيَةٍ اللَّهُمَّ لَطِيفٌ لِي بِالْجَهْدِ

عافیت خداوند لطیف است مرا از بهت

رضی

لَا يَصْبِرُ عَلَى الْبَلَاءِ وَلَا قُوَّةَ لِي عَلَى

وینت شکایت مرا برسد و بیست قوت مرا برود

الْفَقْرِ فَلَا تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي وَلَا

پس منس مکن از من روزی را و مال

تَكِلْنِي إِلَى الْخَلْقِ بَلْ تَفْرُدْ

مکن مرا بخلق خود بگذار بلکه بر من بماند

بِحَاجَتِي وَتَوَلَّ كِفَايَتِي وَانْظُرْ لِي وَ

بر آرزوی حاجت مرا و متول شو که کفایت مرا و نگاه کن بر من

انْظُرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فَإِنَّكَ

و نگاه کن بر من در همه کارهای من پس بر من مگرد

إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى النَّفْسِ عَجَزَتْ

اگر او را کنی مرا بنفسم من عاجز می شوم

عَنْهَا وَلَمْ أَقْرَأْ فِيهَا مِنْ مَضْلِحَتِهَا وَإِنْ

از او و بر ما نخوانم توایم در آن از مضردها و اگر

وَكَلْتَنِي إِلَى الْخَلْقِ تَحْتَمُونِي وَإِنْ

حداکثر مرا بخلق خود نهی و بیست کنند بان

لِحَاجَتِي إِلَى قَرَابَتِي حَرُمُونِي وَ

تو منس مکن از من نزدیکی من را حرام ساز مرا

إِنْ أَعْطُوا أَعْطُوا قَلِيلًا لَأَنْكَدَا

و اگر عطا کنند عطا کنند اندک اندک

وَمَتُوا عَلَيَّ طَوِيلًا وَذَمُّوا كَثِيرًا

و منس کنند بر من دراز و ذمت کنند بسیار

فَبِفَضْلِكَ اللَّهُمَّ فَأَغْنِنِي وَبِعِظْمِكَ

پس بفضلت خود خداوند منرا غنی گردان مرا و بپند خود

فَأَغْنِنِي وَبِعِظْمِكَ فَأَبْطِئِيكَ

بگذر منم بر ما و تو را مگر خود کن ده که دست مرا

وَبِمَا عِنْدَكَ فَأَكْفِنِي اللَّهُمَّ مَرِيدٌ

و به آنچه نزد توست کفایت کن مرا خداوند ارادت

لِلْحَسَابِ

عَلَىٰ مَجْدٍ وَاللَّهُ يَخْلِصُنِي مِنَ الْجَسَدِ

بهرت بر محمد و آل او و خدا صدمه ۱
 وَأَلْحَضِرُنِي عَنِ الذُّنُوبِ وَوَسْوَسَاتِهَا
و باز در مرا از گناهان و بر سر زبونان
 عَنِ الْحَاكِمِ وَلَا تَجْرِبْنِي عَلَىٰ الْعَا
از حاکمان و دیگر مردم مالم بر عصیان

وَأَجْعَلْهُوَ أَيُّ عِنْدَكَ وَرِصْنَا

و بگردانم به هر چه در نزد تو است و وصی مرا
 فِيهَا يَرُدُّ عَلَيَّ مِنْكَ وَبَارِكْ لِي
در آنجا در روز قیامت و بر من از جنات و بركات ده
 فِيهَا رِزْقَتِي وَفِيهَا خَوْلَتِي وَفِيهَا
در آنجا روز قیامت مرا و در آنجا خشنود مرا و در آنجا

أَنْعَمْتَ بِي عَلَيَّ وَاجْعَلْنِي فِي كُلِّ

انعام کنم با من بر من و بگردان مرا در هر

حَالِي لِي بِحِفْظِ مَا مَكُنْتُ أَمْسُتُورًا

در حال من که نگاه داشته باشم آنچه من استوار
 مَنُوعًا مَعَاذَ الْجَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ
باز در چشم من تا در راه من ایان الهی منم با خدا بجز این
 عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضِ عَنِّي كُلَّ مَا
بر محمد و آل او و بجز آن از من همه آنچه

الزَّمْتَنِي وَأَفْرَضْتَهُ عَلَيَّ لَكَ فِي وَجْهِ

لازم کردی مرا از این و مقرر کردی مرا بر خود در جهت
 مِنْ وَجْهِ طَاعَتِكَ أَوْ خِلَافَتِي مِنْ
از جهت طاعت خود یا بر خلیفگی از
 خَلْقِكَ وَإِنْ ضَعُفَ عَنِّي ذَلِكَ
خلق خود و اگر ضعیف من از گردن آن

بَدَنِي وَوَهَنْتُ عِنْتُ قُوَّتِي وَلَمْ تَسَلِّ

بدن من و سستی من از من قوت من و نرسد به من

مَقْدَمٌ وَلَمْ يَسِعْهُ مَالٌ وَلَا ذَاتٌ

درت میز
و کجا پیش بر آید من از این مال من و نه دست من
بیدی ذکرته او نسبت به من
یاد دهنده اسم الله یا و اسمی که نام است
یا رب مفاقد اخصیته علی
از روزی که من از چیزی که با حقیت تمام از او دارم

وَأَغْفَلْتُ أَنَا مِنْ نَفْسِي فَأَيُّ عَيْتِي مِنْ

و فراموش کردم که نام از خود پس بخار از این روز
جزیل عطیتک و کبیر ما عندک
بعطا عظیم خود و با آنچه نزدت که برکت
فإنک واسع کرم حتی لا
پس بهتر که تو وسیع کرم تا بیکر باقی

يَبْقَى عَلَيْكَ مِنْ تَرِيدٍ أَنْ تَقْلَصِنِي

ماند بر من چیزی از آن که من می خواهم تقاصص کن مرا

يَوْمَ حَسْبُنَا أَوْ تَضِلُّ عَيْتِي سَيِّئًا

بان از حلمات من یا زید کنز بر آن ازین است
يَوْمَ الْقَالَتِ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ
روز که حذقات من تو را بر روزی که من خداوند است
مُحَمَّدٌ وَاللَّهُ وَارْتَقِيَ الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ
بفوت بر همه وال و روزی که من را حجت در عمل

لَكَ لِأَخْرَجَنِي حَتَّى أَعْرِفَ صِدْقَكَ

از بر از حوت تا بیکر بنام صدق این
مِنْ قَلْبِي وَحَتَّى يَكُونَ الْغَالِبَ عَلَيَّ
از دل خود و تا بیکر غلب بر من
الرُّهْمَدُ فِي دُنْيَايَ وَحَتَّى أَعْمَلَ
بدختر در دنیا من و تا بیکر

لِحَسْبِ الشُّوقِ وَأَمَّا فَرَقَ السَّيِّئَاتِ

حسابه از دلشوق و او بهشتم ازین است

تَضَعِفُ

فَرَّقَا وَخَوَّفَا وَهَبَ لِي نُورًا مَشِي بِي

در ترمس و خوف و عیش را نور کرده روم با

فِي النَّارِ وَافْتَدَى بِمِنِّ الظُّلَمَاتِ

در میان نعم و لایه یا بربان در تاریکی

وَاسْتَضَى بِمِنِّ الشُّكِّ وَالشُّبُهَاتِ

در نور یا بربان از شک و شبهه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَزُقْنِي

صداوت را رحمت نبوت بر محمد و آل او در روز کرامت

خَوْفَ عَمِّ الْوَعِيدِ وَشَوْقِ ثَوَابِ

ترس از عم و عهد و شوق ثواب

الْمَوْعُودِ حَتَّى أَجِدَ لَذَّةَ مَا أَدْعُوكَ

و من دعا و عهد تا بمانم لذت آنچه میخوانم ترا

لَدُوكَ يَا اسْتَجِيبْ لِي مِنْكَ اللَّهُمَّ

بر آن و از تو آنچه بمانم تو ازل صداوت را

قَدْ تَعَلَّمْتُ مَا يُصَلِّحُنِي فَرَأَيْتُ كُنْيَايَ

بسیق کربانه آنچه اصلاح می آورد و علم را از نام دنیا را

وَالْخُرْفِي فَكُنْ بِجِوَارِحِي حَقِيًّا لَعَلَّ

و افرت من کربان من بر او در نه جهان استخوان

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَزُقْنِي

رحمت نبوت بر محمد و آل او در روز کرامت

الْحَقَّ عِنْدَ تَقْصِيرِي فِي الشُّكِّ لَكَ

آنچه حق است از تقصیر کفر من در شک گذار تو

بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فِي الْيُسْرِ وَالْعُسْرِ

بر آنچه انعام کرده بر من در کمین و دشواری

وَالصَّحَّةِ وَالسَّهْمِ حَتَّى أَعْرِفَ مِنْ

رحمت و بهار تا بشناسم از نعم خود

نَفْسِي رُوحَ الرِّضَا وَطَمَأْنِينَةَ الْفَقْرِ

رحمت روانه و آرام نفس

مَنِّي مَا يَجِبُ لَكَ فِيمَا جَدُّتُ فِي حَالِ

عزوبه	وحيث برارنو در پنج حادثه ميوزد	در حال
	لِخُوفٍ وَلا مَنٍ وَارِضًا وَالسَّخِطِ	
	تسليم امن و خشنودار و خشنودار	
	وَالضَّرِّ وَالتَّفَعُّلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ	
	و عزود نفع هر دو از دعوت بعزت	

وَمَجْدًا وَابْتِغَاءَ رِزْقِي سِلَاقَةَ الصَّدْرِ

برجمه و مال او	و روزگار نما سده	سینه
	مِنَ السَّخِيحِ حَتَّى لا أَخْذَاجِدًا	
	از تنگ تا تنگ نرم گریه	
	مِنَ خَلْقِكَ عَلَيَّ شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِكَ	
	از خلقان تو بر جز از فضل تو	

وَ حَتَّى لا أُرَى نِعْمَةً تُرَى بِعَيْنِكَ عَمَّا جَدُّ

و تا ندانم	نعمت از نعمت تو	برک
------------	-----------------	-----

فَخَلَقَكَ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيَا أَوْ عَافِيَةٍ

از خلق تو	در دین یا دنیا	یا عافیت
	أَوْ تَقْوَى أَوْ سَعَةِ أَوْ رِخَاءِ الْأَيْحُو	
	یا تقوی یا وسعت یا نرمی یا سستی	
	لِنَفْسِي أَفْضَلَ ذَلِكَ بِكَ وَمِنْكَ	
	بر خود بهتر از آنست که بسبب و از تو	

وَ جَدَّكَ لا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ صِدِّ

بشاید	با همه شتر که بجز تو	مداودا
	عَلَيَّ مُحَمَّدًا إِلَهُهُ وَارْزُقْنِي التَّحْفِظَ	
	بر محمد و اله او و روزگار منرا حفظ کن	
	مِنَ الْخَطَايَا وَالْإِحْتِرَاسِ مِنَ الزَّلْزَلِ	
	از خطاهای من و احتیاط من از زلزله	

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي حَالِ الرِّضَا

در دنیا	و آخرت	در حالت خشنودار
---------	--------	-----------------

وَالْغَضَبِ حَتَّى أَكُونَ بِمَا يَرِي عَلَى شَيْئٍمَا

و غضب تا به چشم با بجز و ارد و شود بر این ام
بمَنْزِلَةِ سَوَاءِ غَامِلٍ رَطَّبَ عَيْنَكَ
بمَنْزِلَةِ بَرِّ و در حالت که در گذشته چشم به حالت تو
مَوْثِرِ الرِّضَاكَ عَلَى مَا سَوَاءُ مَا فِي
و قضا کننده در همان روزا بر آنچه با او بر طوف و...

الْأَوْلِيَاءِ وَالْإِعْدَاءِ حَتَّى يَأْمُرَ عِلْقَ

در حق و دشمنان تا بفرمود
مَنْ ظَلَمِي وَجُورِي وَيَأْمُرُ لِي مِنَ
از ظلم من و ستم من و نوبت خود است من
مَيْلِي وَالْإِخْطَاطِ هَوَايَ وَلِيَجْعَلَنِي
از سیر و بازی از من از خواهش لبر او و بگرد...

مَنْ يَدْعُوكَ مُخْلِصًا فِي الرِّخَاءِ

از بجز که میخواند ترا از درو و گدایی در حالت بهمان

يُنَاكِسُ

دُعَاءُ الْخَالِصِينَ الْمُضْطَرِّينَ لَكَ فِي

جز مخلصان مخلصان بر من در حالت
الدُّعَاءِ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ
و دعا بر کس که تو بسیار ستوده شده بزرگ
وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
و بود از دعاهای آنحضرت علیه السلام

إِذَا سَأَلَكَ اللَّهُ الْعَافِيَةَ وَشَكَرَهَا

هرگاه کس را بگرداند از خدا عافیت و شکر بر او و...
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَارِكْ
بار خدا بر محمد و آل او و ببارک...
عَافِيَتِكَ وَجَلِّبْنِي عَافِيَتِكَ وَحَصِّنْ
عافیت خود و فراگیرم از عافیت خود و نگاهدار...

بِعَافِيَتِكَ وَكَرِّمْنِي بِعَافِيَتِكَ وَ

ببخت خود و گرامی دار مرا ببخت خود

والعشر
الثالث

وخصني

اغني بعافيتك وتصدق عافيتك

و توارثه كذا ما بعيت خود و تصدق كذا بر من

وهي عافيتك وافرشي عافيتك

و بيشتر ما عافيت خود و بگتر ان ابن عافيت خود

واصلح لي عافيتك ولا تقرب

و تباينه كذا ان ابن عافيت خود و جود بيفلح

بيتي و بين عافيتك في الدنيا و الآخرة

سابقه و بباركيت خود در ديار و آخرت

اللهم صل على محمد و آله و عافيتك

مزا و نواحيت بفرست هم وال او و عافيت ده

عافية كافية شافية عالية

عافيت كذا كذا نفا دهنه بنده مبر

ناميت عافيت تولد في بدي العافية

توليد كذا عافيت كذا تولد مازاد در بدي عافيت خود

عافية الدنيا و الآخرة و امنك عليك

عافيت ديار و آخرت و زعامت بر من

بالصحة و الامن و السلامة في

بصحت و امنيت و سلامت در

ديني و بدني و البصيرة في قلبي

ديني و بدني و بصيرت و بياي در دل من

و النفا في امورك و الخشية لك

در نفا در كار من و ترس بر امرت

و الخوف منك و القوة على ما

و خوف از تو و قوت بر آنچه

امرني به من طاعتك و الاجتنان

امر كذا ما بان از طاعت تو و اجتنان

لما نهيتني عنك من معصيتك اللهم

از آنچه نهيت من از ان از معصيت تو خداوند ما

عليه

وَأَمْسَتْ عَلَيْكَ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ وَنِيَابَةِ قَبْرِ

وَأَمْسَتْ عَلَيْكَ بِالْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ وَنِيَابَةِ قَبْرِ	وتمام کمال بر پنج وعمره و زیارت قبر
رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ	رسول تو صوابتو و رحمت تو
وَبَرَكَاتُكَ عَلَيَّ وَعَلَى آلِهِ وَآلِهِ	و بركات تو بر خود و بر آل او و ذرات او

رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِذَا مَا

رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِذَا مَا	رسول تو بر ایشان بود در عهد مبینتو دادام
أَبْقَيْتَنِي فِي عَابِ مَهْدَا وَذِكْرِي عَالِيَا	که بقا تو در این مهنه و در هر سایه
وَأَجْعَلْ ذَلِكَ مَقْبُولًا مَشْكُورًا	و گردان ترا پذیرفته پسندیده

مَذْكَورًا لَدَيْكَ مَدْخُورًا عِنْدَكَ

یا در گفته شد پیش تو ذخیره که نهندتند نزد تو

وَأَنْطَقَ بِحَمْدِكَ وَشَيْءٍ كَرِهَ وَذَكَرَكَ

وَأَنْطَقَ بِحَمْدِكَ وَشَيْءٍ كَرِهَ وَذَكَرَكَ	و بگویند بپس تو و شکر تو و یاد تو
وَحَسْبُ الشَّيْءِ عَلَيْكَ لِسَانِي وَ	و شمار نیکی بر تو زبان من و
أَشْخِمْ لِمَنْ أَسْخَرْتَنِي مِنْكَ قَلْبِي وَأَعْزِمْ	کن در کده بر هر مغاصد و بر من دل مرا و تقصیر مرا

وَذَرَيْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ شَرِّ

وَذَرَيْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَمِنْ شَرِّ	و اولاد مرا از شیطان رانده شده و از شر
السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَالْعَامَةِ وَ	سامة و از شر هوام و از شر عوام و
اللَّامَةِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ	از شر لامه و از شر شیطان سرکش

وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُلْطَانٍ عَمِيدٍ وَمِنْ شَرِّ

و از شر هر پادشاه و از شر هر عیند و از شر

كَلِمَةٌ رَفِيعَةٌ وَفَرْشٌ كَلِيفٌ

از طرف بسیار تم گفته و از طرف است
 وَشَدِيدٌ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ شَرِيفٍ
و سخت و از شر هر بلند پای
 وَوَضِيعٌ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ صَغِيرٍ كَبِيرٍ
و پست و از شر هر کوچک و بزرگ

وَفَرْشٌ كَلِيفٌ وَبَعِيدٌ وَفَرْشٌ كَلِيفٌ

و از طرف نزدیک و دور و از طرف کم
 مِنْ نَصَبِ رَسُولِكَ وَاهْلِهِ
بر پایه کعبه در رسول تو و بر اهله
 بَيْتِهِ خَيْرًا مِنْ الْجَنَّةِ وَالْإِنزُومِ
بیت او حسنتر از جنت و انس و از

شَرِّ كُلِّ ابْتِئَانٍ إِخْدَابِ صَيْتِهِ

شر از حیثی که تو کرده تاویز او را

أَنَّكَ عَلَا صِرَاطِ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ صِدِّ

بسیار گفته بر سر است خداوند را
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَمَنْ أَرَادَ خَيْسُ
بر محمد و آل او و هر که قصد کفر او بدد
 فَاصْرِفْ عَنِّي وَأَذْخِرْ عَنِّي مَكْرَهُ
بسیار گردان او از من و دفع کن از من مکر او را

وَأَذْرُ اعْنِي شَرَّهُ وَرَدِّ كَيْدَهُ فِي نَخْرِهِ

و هر که از من شر او را و باز گردان کید او را در گردان او
 وَاجْعَلْ بَيْنَ يَدَيْهِ سَدًّا حَتَّى نَقَعِي
و بگردان بین او سد تا کوبیدار
 عَنِّي بَصْرَهُ وَتَقَمَّ عَنِّي ذِكْرِي
از من چشم او را و کن از شنیدن عروص

سَمِعَهُ وَتَقْفَرُكَ مِنْ إِخْطَائِي قَلْبِي

گوشن او را و تقف از گزند نزد خطور کوشن من دل او را

مَكْرُهُ

وَتُخْرِسُ عَنِّي لِسَانُهُ وَتُفْعَمُ رَأْسُهُ وَتُضَاعَفُ لِي الْعَذَابُ

وَتُضَاعَفُ لِي الْعَذَابُ
وَتُخْرِسُ عَنِّي لِسَانُهُ وَتُفْعَمُ رَأْسُهُ وَتُضَاعَفُ لِي الْعَذَابُ
وَتُخْرِسُ عَنِّي لِسَانُهُ وَتُفْعَمُ رَأْسُهُ وَتُضَاعَفُ لِي الْعَذَابُ
وَتُخْرِسُ عَنِّي لِسَانُهُ وَتُفْعَمُ رَأْسُهُ وَتُضَاعَفُ لِي الْعَذَابُ

تَضَعُ

تُؤْمِنُ مِنِّي مِنْ جَمِيعِ ضَرْبِ شَرِّهِ وَغَيْرِهِ

تُؤْمِنُ مِنِّي مِنْ جَمِيعِ ضَرْبِ شَرِّهِ وَغَيْرِهِ
تُؤْمِنُ مِنِّي مِنْ جَمِيعِ ضَرْبِ شَرِّهِ وَغَيْرِهِ
تُؤْمِنُ مِنِّي مِنْ جَمِيعِ ضَرْبِ شَرِّهِ وَغَيْرِهِ
تُؤْمِنُ مِنِّي مِنْ جَمِيعِ ضَرْبِ شَرِّهِ وَغَيْرِهِ

عُدْوَانِهِ

وَيُخِيلُ لَكَ فِي قَلْبِكَ

وَيُخِيلُ لَكَ فِي قَلْبِكَ
وَيُخِيلُ لَكَ فِي قَلْبِكَ
وَيُخِيلُ لَكَ فِي قَلْبِكَ
وَيُخِيلُ لَكَ فِي قَلْبِكَ

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِ

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِ
وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِ
وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِ
وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِ

وَأَهْلِكَ بِدِيَارِ الطَّاهِرِينَ وَأَخْصِيصَهُمْ

وَأَهْلِكَ بِدِيَارِ الطَّاهِرِينَ وَأَخْصِيصَهُمْ
وَأَهْلِكَ بِدِيَارِ الطَّاهِرِينَ وَأَخْصِيصَهُمْ
وَأَهْلِكَ بِدِيَارِ الطَّاهِرِينَ وَأَخْصِيصَهُمْ
وَأَهْلِكَ بِدِيَارِ الطَّاهِرِينَ وَأَخْصِيصَهُمْ

أَخْصِيصِ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ

أَخْصِيصِ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ
أَخْصِيصِ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ
أَخْصِيصِ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ
أَخْصِيصِ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ

والعشر
الرابع

بِرَأْفِ الرَّؤْفِ وَأَجْعَلْ طَبْعِي لَوَالِدِ

بابت آن مهر آن کفر مادر مهربان و بگردان طبع مرا بر او درودم

وَيَبِيَّ بِمَا أَقْرَبَ عَيْنِي مِنْ رَقْدَةٍ

و بنویسم بر این که سر گذنده تر چشمم از خواب

الْوَسَّانِ وَأَنْفِجَ لِي صَدْرِي مِنْ شَيْءٍ

و سنان و دردمانده تر عین مرا از آب آلودگی

الظَّانِ جُتِي أَوْ شَرِّهَا هَوَايَ هَوَا مِمَّا

تشنه تا بپذیرم بگوشییم بر آرزوی خود آرزوی آن ترا

وَأَقْدَمَ عَلَى رِضَايَ رِضَا مِمَّا وَ

و مقدمم بر رضای خود رضای آن ترا

أَسْتَكْرِ بِرُءُفِي إِنْ قَلَّ

و پناه دارم بنویسم به این که اگر کم بودم

وَأَسْتَقْلِبُ بِهَا وَإِنْ كَثُرَ اللَّهُمَّ

و کم دارم بنویسم بگردان به این که اگر کم بودم خداوندا

خَفِضْ لَهَا صَوْتِي وَأَطِمْ لَهَا كَلَامِي

بابت آن که بر برایت آن آواز مرا و خونس کرد آن بر برایت آن کلام مرا

وَالزَّنْ لَهَا عَيْدِي وَعَطِمْ عَلَيْهَا

و زخم کن بر برایت آن غم مرا و مهر کن بر برایت

قَلْبِي وَصَيِّرْ فِي بَيْتِي رِيفًا عَلَيْهِمَا

دل مرا و بگردان بر این که در دل من بگذرد و بر این

شَفِيفًا اللَّهُمَّ شَكْرَهُمَا تَرِيكِي

ترسنده خداوندا بجزایر میگردان به این که در تو بترسم

وَأَثْبُهُمَا عَلَى تَكْرِمَتِي وَ

و ثواب به این ترا بر کارهای بزرگ من

أَحْفَظْ لَهَا مَا أَحْفَظُاهُ مِنِّي فِي

و نگاه دار بر برایت آن آنچه نگاه دارم از من در

صِغَرِي اللَّهُمَّ وَمَا مَسَّهَا مِنِّي مِنْ

خرد در من خداوندا و آنچه رسیده است به این که از من

اَزِيْ اَوْ خَلَصَ اليَهِمَا عَنِّيْ مُبَكَّرٌ

از ازی که سید است باین از من مکرور

اَوْضَاعٌ قَبْلِيْ لَهَا مِنْ خَوْفِ لَجَلَةٍ

یا ضایع شده است نزد من بر اثر آن که خورده بود

حَطَّةٌ لَدُنِّيْ بِمَا وَعَلَوِيْ فِي رَجَائِيْ

این بر خط از گناهان من و بلند در رجای من

وَزِيَادَةٌ فِي حَسَنَاتِيْ مَا يَأْتِيكَ

وزیادگی در حسنات من آن که بر من می آید

الْكِسْفَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنَ الْحَسَنَاتِ

چون با مضاعف آن از حسنات

اللَّهُمَّ وَمَا تَعَدَّى عَنِّيْ مِنْ

خدایا آنچه از من گذشته

قَوْلٍ أَوْ سِرِّ عَنِّيْ فَعَلِيْ أَوْ ضِيْعَةٍ

گفتم یا از حد در گفته اند بر من در آن چیزی که در این مکتوب گفته است

اَوْضِيْعًا

لِيْ حَقًّا وَقَصْرًا لِيْ عَنِّيْ مُؤَلِّبٌ

بر این حق با کتاف که در این اذن چیز از او

فَقَدْ وَهَبْتُ لَهَا وَجَدْتُ بِهِ

پس بخشیدم از ابا باین و همان کوم

عَلَيْهِمَا وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعِ

بر این و رغبت کردم بفرود در این

تَبِعْتَهُ عَنِّيْ مَا فَنِيْ لَا تَهْمُهُمَا عَلَيَّ

و باین از من پس برتر که من متهم می زم این

نَقِيْ وَلَا اسْتَبْطَنُهَا فِي بَرِيٍّ وَ

نفس خود و درنگ کننده بفرود من از او

لَا اَكْرَهُ مَا تَوَلَّيْتُهِ مِنْ أَمْرِيْ

و ناخوش نمیدارم آنچه متوجه شده ام از امر من

يَا رَبِّ اَوْجِبْ حَقًّا عَلَيَّ وَقَدْرًا لِحَسَنَاتِيْ

ای پروردگار من بر این و وجب ترست حسنات من و قدر ترست حسنات من

إِلَىٰ وَإِعْظَمُ مَن تَلَدِي فَرَانُ أَفَا صَيِّمًا

بهره عظیم ترست معنی از منم از غیر که در کتب است

بِعَدْلٍ وَأَجَازِيهِمَا عَلَيَّ مِثْلُ

بعل یا منی فات و هفت کلمه باشد

أَيْنَ إِذَا يَا أَلْهِ طُولُ شَغْلِهِمَا

کجاست در عجم از ایشان در از شغور است

بِتَرْبِيَّتِي وَأَيْنَ شِدَّةُ تَعْبِهِمَا فِي

تربیت من و کجاست سحر تعب ایشان در

حِرَاسَتِي وَأَيْنَ اقْتَارُهُمَا عَلَيَّ

بهر سپهر من و کجاست تنگ کردن من بر

أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَيَّ هَيْهَاتَ

فصلها بود از تو دوری و رست هر

مَا يَسْتَوْفِيَا مِنِّي حَقْمًا وَلَا ذِكْرًا

مهر تو از استغافه از من تو می نویسد و هر تو هم در نیست

سنة
اقتسارهما

مَا يَجِبُ عَلَيَّ مِمَّا وَلَا أَنَا بَقَاصِدُ فُطَيْفَةٍ

از خود چیست بر ما بر است و میترسم با او زن

خَدَمَتِهِمَا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

خدمت ایشان را پس بخت بفرست بر هم و آل او

أَعْنِي يَا خَيْرَ مَنْ اسْتَعَيْنَ بِهِ وَوَفَّقَنِي

و یاری ده مرا از هر که در خدمت می شود با و تو حق بودی

يَا أَهْدِي فَرَسِي غَبَابًا لِيَدِي وَاجْعَلْنِي

از راه ما این فرس را که محبت که می شود بدارم و کردار مرا

فِي أَهْلِ الْعُقُورِ لِلْأَنْبَاءِ وَالْأَمْنَاءِ

در سپهر آنها که بر می کنند با پدر من و مادر من

يَوْمَ تَجْرِي كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ

روز که جزا داد می شود از نفس بگو که هست

وَمَنْ لَا يَظُنُّ إِلَّا الْمَصِيدَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ

و هر که نیست که تمام که می شود با خدا را محبت بفرست بر محمد و

وما

شکال لغوی

الدُّرِّ تَرْتِيهِ وَاجْتِصِرَ أَبُوكَ

والوالد

وخصم من پدر و مادر

بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِدِيَابِئِ عِبَادِكَ

بهترین آنچه مخصوص من است بان چه آید بندگان

لِلْمُؤْمِنِينَ وَأَمَّا تَدْرِيمْ يَا أَدِجَمُ

و مادران است که در حق من نیتین

الرَّاحِمِ اللَّهِ لَنْ نَسِيَّ ذِكْرُ مَا فِي

بیت مذکور است خداوند از او من کردن مرا یا و پیشان در

أَذْيَارِ صَلَوَاتِي فِي أَنْامِنِ أَنْاءِ

عقبان نمازهای من در روز وفات از اوقات

لَيْلِي وَفِي سَاعَةِ مَدِينِ سَاعَاتِ نَهَائِي

شعبه در ساعت از عقب نماز روز من

اللَّهُ مَصِدًا عَلَّامًا وَاللَّهُ غَفُورٌ

خداوند از رحمت بی غایت بر همه والو و پادشاهان

لن

سینه
و بی کفایتی

بِدُعَائِي لَهَا وَاعْفُرْ لِي مَا بَرَّيْتُمَا بِي

بیدعای من بر او و درم و پادشاهان است که بهر شما است ان من

مَغْفِرَةً حَتَّىٰ وَارِضَ عَنْهُمَا شَيْئًا

امریش تا امر و خشنود و نوازین ان بر شما است

لَهَا رِضَىٰ عَزْمًا وَيَلْغَمُهَا بِالْكَرَامَةِ

بر او راضی است خشنود و شایسته و بر جان است ترا بر کرامت

مَوَاطِنِ السَّلَامَةِ اللَّهُمَّ وَأَسْبَقَتْ

بجای من سبقت خداوند او را که پیش گرفته من

مَغْفِرَتَكَ لَهَا فَتَغْفِرْ مَا لِي

امریش تو مرا است ترا بر تو غیب نماز است ترا او را

وَأَنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتَكَ لِي فَتَغْفِرْ

امریش گرفته من از زین تو بر او را بر تو غیب نماز را

فِيهِمَا لِحْتِجَتِي نَحْتَجُّ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ

در حق اینان تا مع تویم لب رحمت تو در هر دو

كَلِمَاتِكَ وَمَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ حَمْدِكَ

کرمیت تو	وکل آرزویش تو	درعت تو
آنک ذوالفضل العظیم والکلت	برکتی که تو در هر بندگی مطلق و نوبت	
القدیم وانت ازحم الراحمین	قدیم و تو بخت بندگی بخت بندگی	

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَوْلَا عَلِيمٌ

وکل آرزویش تو	از برادر اولاد خود
اللهم ومن السلام على بقاء	ضیلا انعام کن
ولدی ویا صاحبهم لی ویا متاعی	اولاد من ویا صاحب آرزویش من ویا متاعی

بِهِمُ الْهَى مُدَدِي فِي أَعْمَارِهِمْ وَمَوْلَانِي

از ایشان الهی مدد من در اعمار ایشان و مولا من

والعشرون الخامس

جمعاً ولدی

فِي أَجْلِهِمْ وَرَبِّ لِي صَغِيرُهُمْ وَقَوْلِي

در دستهای ایشان	در دست من و در دست برادر من و در دست خود من
صغیرهم و اصحی ابدانهم و اذیای	صغیرت من و اصحی ابدان من و اذیای من
و اخلاتهم و عافهم فی انفسهم و	و اخلات من و عاف من فی انفس من و

فِي جَوَارِحِهِمْ وَفِي كُلِّ مَا عُنِدْتِ

در جوارح ایشان	در جوارح من و در جوارح اتمام دارم
به من ابرهم و اذی ربی و عالی بدی	به من ابر من و اذی من و اذی من و اذی من
ارزاقهم و اجالهم ابراراً اتقیاء	ارزاق من و اجال من ابراراً اتقیاء

بَصَرَاءِ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ وَ

بصیرگان شنونده گان اطاعت کننده گان بر اثر تو و

و اصلح

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مُحَمَّدٌ مَبْنِيٌّ بِصِحْبِكَ وَكُلِّجِعَ

و در هر سال نوبه دستار آن خالص نصیحت کننده و مبر

أَعْدَاؤُكَ مُعَانِدِينَ وَمُبَغِّضِينَ

بشماران نوبه عناد داران و کینه داران

أَمِينَ اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي

جاری و مرا خدا یغمت کنه باین ن یا بر مرا

وَأَقِم بِهِمْ أَوْرِي وَكَثِّرْ بِهِمْ عَدْدِي

و برت کنه باین ن بجز مرا و بسیار کنه باین ن عدد

وَذَرِّتْ بِهِمْ مَخْضَرِي وَأَخْبِرْهُمْ ذِكْرِي

و زینت ده باین ن مبر مرا و زلف در این ن در مرا

وَأَكْفِيْهُمْ فِي غَيْبَتِي وَأَعْنِيْهُمْ

و کفایت کنه که در این ن غیبت من و دیگر در مرا ای

عَلَا حَاجَتِي وَأَجْعَلْهُمْ لِيْ مُحِبِّينَ وَ

بر حاجت من و بگردان این ن را بر این ن دستار آن و

عَلَىٰ جَدِيدٍ مُّقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ

بر نوبه باین ن دور آورندگان و هم آن

لِيْ مُطِيعِينَ غَيْرَ غَاصِبِينَ وَلَا

بر این ن فرمان بردار ن زحمت کننده کان و ن

عَاقِبِينَ وَلَا مَجْحَلِينَ وَلَا خَاطِبِينَ

بگنندگان و نرمانان کننده کان و نرمان کننده کان

وَأَعْنِيْ عَلَىٰ تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ

و بر این ن مرا بر تربیت این ن و ادب موافق باین ن و نگره کفر

وَهَبْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمُ أَوْلَادًا

و بخش مرا از نزد خود باین ن اولاد دیگر

ذُكُورًا وَاجْعَلْ ذَٰلِكَ خَيْرًا لِّيْ

نرینه و بگردان این ن نیز بر این ن

وَأَجْعَلْهُمْ لِيْ عَوْنًا عَلَىٰ قَائِمَاتِكَ

و بگردان این ن بر این ن یاوران بر این ن خوار که عیدم از تو

وَاعِزِّيْ وَزِيْرِيْ مِنَ الشَّيْطَانِ

و تا ده مره روز نال مره از شيطان

الرَّحِيْمُ فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَأَمَرْتَنَا

را نوح شده پس برشته که تو افر ما را و امر ما را

وَنَهَيْتَنَا وَرَغَبْتَنَا فِي ثَوَابِ

و نهی ما را و ترغیب ما را در ثواب

مَا أَفْرَتْنَا وَرَهَبْتَنَا عِقَابًا بَدُوْا جَعَلْتَ

آنچه افر ما را و ترسان ما را عقابان کردی

لَنَا عُدُوًّا يَكِيْدُنَا سَلْطَةً

بر ما دشمنی که کید میکند ما را تسلط و اولاد

وَسَأَلْنَا عَلَىٰ مَا لَمْ نَسْأَلْ عَلَىٰ رِيشَتِهِ

از ما بر آنچه نخواستیم از او ما را بر ریش او

وَأَسْأَلُكَ صُدُوْرًا وَأَجْرِيْتَهُ

و ما را از خسته او را و پاداش او را

بِحَايِ رِءَايَا الْإِغْفَارِ أَنْ غَفَلْنَا

بر کزنا که خونها را غافل میشویم اگر غافل شویم

وَلَا يَسْتَعِيْبُنَا أَنْ نَسِينَا يَوْمَ مَسْأَلَتِكَ

و فریب ندهد ما را که فراموش کنیم این روز را

وَنَحْوَفْنَا بِغَيْرِكَ أَنْ هَمَّ سَابِقَاتُ

و می ترساند ما را بجز تو اگر قصد کنیم بجاها

شَجَعْنَا عَلَيْهِمْ يَا وَانْ هَمَّ سَابِقَاتِ صَالِحِ

دیر ما زد ما بر آن و اگر قصد کنیم بجاها

تَبْطُلْنَا عَنْهُ تَعْرِضًا لَنَا بِالشُّهُورِ

با نبرد ما را از او متعرض می شود ما بجوای ما

وَيُنْصِبُ لَنَا بِالشُّهُورِ تَانِ وَعَدُوًّا

و بر ما میکند بر ما دشمنی اگر وعده میدهند ما

كذِبْنَا وَإِنْ مَنَّا أَنْ أَخْلَفْنَا وَالْأَيْصِفُ

دروغ میگویم با ما و اگر از ما میگویم ما را خدفا میکند با ما و اگر بر کزنا

عَنَّا كِدَ يُضِلُّنَا وَالْاِقْتِنَا خِبَالَهُ

از کله او را کلاه بپوشد ما را و اگر کلاه نهد ما را از قیاد او

يَسْتَرْزِقُنَا اللَّهُمَّ فَاقْضِ سُلْطَانَهُ

بمغزیم ما را خداوند این تقویست از سلطان او

عَنَّا بِسُلْطَانِكَ حَتَّى تَحْبِبَ مَعَنَا

از ما بسط خود تا ما را دوستی کند

بِكُفْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ فَصَبِّحْ مَرِيكَدِهِ فِي

بسیار خواندن مرزا پس کردیم از کله او در زمره

الْمَعْصُومِينَ بِكَ اللَّهُمَّ اعْظِمْنَا

بنا بزرگتر از کسان تو خداوند این بخش ما را

كُلَّ سُؤْلِي وَأَقْضِ لِي خَوَائِجِي

همه طلبت و برآور بر من حاجت مرا

وَلَا تَتَّبِعْنِي إِلَّا جَابِتَةً وَقَدْ ضَمِنْتَهَا

و باز ما را از من جابت دعا را و حال اینکه بگفتی ما فرستاده آن

لِي وَلَا تَحْبِبْ عَلَيَّ عِنْدَكَ قَدِ افْتَنِي

بر این من و شیخ من دعا مرا از خود و حال اینکه بگفتی این دعا مرا

بِهِ وَأَمَّنْ عَلَيَّ بِكُلِّ مَا يَصِلُنِي

با آن و تمام که بر من بر آید بصدور آورد مرا

فِي دُنْيَايَ وَالْآخِرَةِ مَا ذَكَرْتُ

در دنیا من و آخرت من آنچه یاد دارم

مِنْهُ وَمَا سَنَيْتُ وَأُظْهِرْتُ أَوْ

از آن و آنچه فراموش کردم یا پنهان کرده ام یا

أَخْفَيْتُ وَأَعْلَنْتُ وَأَسْرَرْتُ

پنهان کردم یا آشکارا کردم یا پنهان کردم

وَأَجَلَيْتُ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنْ

و کردان مرا در همه این مجال از آنجا که

الْمُصَلِّينَ بِسُؤَالِي يَا كَ الْمُنْجِحِينَ

که مصلحت کنند بسؤال من ترا و طغریا تقاضا کنند

الْمُفْلِحِينَ

بِالطَّلِبِ لِيكَ غَيْرِ الْمُتَوَعِّينِ التَّوَكُّلِ

بمطهر خود بی طلبی که از تو پیشتر مزاج از تو کمر

عَلَيْكَ وَالْمَعُوذِينَ بِالْعَوْدِ ذِيكَ

بر تو عادت ز معبوده از بر ما صاحبین

الرَّاجِحِينَ فِي التَّجَارَةِ عَلَيْكَ لِحَا

که در برنده گانند در تجارت که از تو باه برنده ام

بِعِزَّتِكَ الْمُوسِعِ عَلَيْهِمُ الْمَرْزُوقَ وَالْحَالِ

بیزت تو واقع شده است بر ایشان روزگار حدی

مِنْ فَضْلِكَ الرَّاسِعِ بِجُودِكَ

از فضل تو که در اوست بر جود تو

وَكَرَمِكَ لِلْعَرْتَمِ مِنَ الذِّكْرِ

و کرم تو عزت یافتگانند از خواران

بِكَ وَالْمُجَارِينَ فِي الظُّلْمِ بِعِدْلِكَ وَ

بیت و باه بر تو از ظلم بعد از تو

والمجازين

المُعَافِينَ فِي الْبِلَاءِ بِحُرْمَتِكَ وَالْمُعْنِينَ

عافیت یافته شده از آزار رحمت تو و تو از گنجه ام

مِنَ الْفَقْرِ بَعْدَكَ وَالْمَعْصُومِينَ

از فقر تو از فقر تو و گناه بر شسته شده از

مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَلِ وَالْخَطَا بِتَعْوَاكَ

از گناهان و لغزش و خطا به تو در پیش تو

وَالْمُوقِفِينَ لِلْخَيْرِ وَالشُّدَّ وَالصَّوَابِ

و تو مقفین یافته شده از بر ایزد در راه راست و موافق

بِطَاعَتِكَ وَالْمَحَالِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ

بطاعت تو و نهایی در راه میان ایشان و

الذُّنُوبِ بِقُدْرَتِكَ الشَّارِكِينَ

که گناهان بر حق است تو ترک کننده ام

رِكَا مَعْصِدَتِكَ السَّاكِنِينَ فِي

در معصیت تو ساکنان در

المعول

جِوَاكَ اللَّهُمَّ اعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ

همه بگو خداوندا عطا کن ما را همه اینها

بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ وَأَعِزَّنَا

بِتَوْفِيقِ خُودِ وَرَحْمَتِ خُودِ وَبِنَاهِ دِهْدِهْدَارَا

مِنْ عَذَابِ التَّعْيِيرِ وَأَعْطِ جَمِيعَ

از عذاب آتش و عطا کن همه

الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ

مسلمین و مسلمات و مؤمنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي سَأَلْتِكَ

و مؤمنان را مانند آنچه سوال کردم ترا

لِنَفْسِي وَلَوْلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا

بر خود و بر اولاد خود در عافیه دنیا

وَأَجَلِ الْآخِرَةِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مَجِيبٌ

و این آفت نزدیک کنونی و نزدیک اجابت کننده

سَمِيعٌ عَلِيمٌ عَفُوٌّ رَدُوفٌ

شنونده داناید عفو کننده آمرزنده همه اینها

رَحِيمٌ وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَنَّةً وَ

بخش ناز و عطاس کن ما را در دنیا عطاسه بگو

فِي الْآخِرَةِ حَنَّةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

در آفرین عطاسه بگو و قن ما را عذاب آتش را

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْجَيْرَانِيَّةُ

و بود از دعای عارفان حضرت از بر او صلوات الله ان او

وَأَوْلِيَانَهُ إِذَا ذَكَرَهُمْ

و اولاد او را که یاد میفرمودند از او

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَوَلَّنِي

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و بگردان مرا

فِي جَيْرَانِي وَمَوْلَى الْعَارِفِينَ بِحَقِّنَا

در میان یارانم و در میانم کوشش ما بید بگو ما

والعشر من
الثامن

وَالْمُنَابِذِينَ كَعْدَانًا بِأَفْضَلِكِ وَلَا تَبْتَئِكِ

وَجعل کند باشند به دشمنان ما بهترین کوز کرد که ما خود را

وَوَقَّفَهُمْ لِإِقَامَةِ سُنَّتِكَ وَالْأَخْذِ

ووقوف ده ایست ز ما بر دین حق بقدرت و در اکتساب

بِحَسَنِ أَدَبِكَ فِي رُفُقِ صَعْفِهِمْ

مهربان طوری در مهربان کردن بضعیف ایشان

وَسَدِّخْلِهِمْ مَوَاعِيذَ مَرِيضِهِمْ وَهَدَايَاتِهِمْ

وایستادند و درین بیماریان و هدایت نمودند

مُسْتَرْشِدِهِمْ وَمَنَاصِحَ مُسْتَشِيرِهِمْ

راهنمای ایشان و نصیحت گویند موزرکننده ایشان

وَتَعَهُّدِ قَادِمِهِمْ وَكَيْفَانِ أَسْرَارِهِمْ

وپیوسته از موعود ایشان و پنهان کردن راز ایشان

وَسِرِّ عَوَارِثِهِمْ وَبُضْرَةِ مَظْلُومِهِمْ

وپوشیدن عورتها ایشان و یاری کردن ستم دیده ایشان

سُنَّتِكَ

وَحُسْنِ مَوَاسِيَتِهِمْ بِالْمُبَاعُونَ

وچون با تکلم با ایشان بود کردن با موعودان

وَالْعَوْدِ عَلَيْهِمْ بِالْحَدِّ وَالْإِفْضَالِ

وافتخار کردن ایشان بحد و جود

وَأَعْظَاءِ مَا يَحِبُّهُمْ قَبْلَ السُّؤَالِ

وعلما کردن آنچه دوست دارند بر ایشان پیش از سوال

وَأَجْعَلِي اللَّهُمَّ أَجْرِي بِالْإِحْسَانِ

وگردان مرا خداوند از جایزه بادشاهم بپسند

مُسِيئِهِمْ وَأَعِزُّنِي بِالتَّجَاوُزِ عَنِّ

بگنند ایشان و درگذردم بگذردم از خطای ایشان

ظُلْمِهِمْ وَاسْتَعْلِحْ حَسْنَ الظَّنِّ فِي كَافَرَتِهِمْ

وچند دارم نیکی کارنده در کفر ایشان

وَأَتَوَلَّى بِالْبِرِّ عَامَتَهُمْ وَأَعْضُ بَصَرِي

و باز رسم نیکی بحال عام ایشان و پریشان چشم خودم

عَنْهُمْ عَقَّةً وَالْبِرَّ جَانِبِي كُلِّ تَوَاضَعًا

از زبان از دور و نزدیک و زوم کردن جان من و در برابر ایشان از زبان ایشان

وَارْقُ عَلَى أَهْلِ الْبَلَدِ مِنْهُمْ حَمَّةً

و رفتن بر اهل بلد از زبان از راه رحمت

وَأَسْأَلُكُمْ بِالْغَيْبِ مَدَدَةً وَلِحَبِّ

و طلب از شما بر این در غیبت مدد و در محبت

بِقَاءِ التَّغْرَةِ عِنْدَهُمْ نُصْحًا وَأَوْجِبُ

بقا بقوت نزد ایشان از بیغص و واجب از

كُلُّهُ مَا أَوْجِبُ كَمَا مَنِي قَارِعِي لَهْمُ

بر ایشان آنچه واجب است بر من بر من و در

مَا أَرَعِي لِحَاصَتِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

آنچه عارض من است بر طاعت خداوند از جهت

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَرُقِي مِثْلَكَ لِكَمْتُمْ

محمد و آل او و رقی که ما مانند آن از جانب ایشان

وَلِجَعَلِكِ أَوْ فِي الْحُطُوطِ فَمَا عِنْدَهُمْ

و بگردانم این کلمات بر آن و آنچه نزد

وَزِدْهُمْ بَصِيرَةً فِي حَقِّي وَمَعْرِفَةً

و بفرز ایشان از باب دیدن و معرفت

بِفَضْلِي حَتَّى يَبْعُدُوا بِي وَأَسْعِدَهُمْ

بفضل تا این که بترسند از من و بکنند

أَمِينَ رَبِّ وَكَانَ قَدْ عَاةَ الْعَالَمِينَ

امین است و عاها را از دور و در

عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَهْلِ التَّغْوِيمِ

از بر اهل سرحد

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَصِّنْ

ایم محمد و آل او و استوار کن

تَغْوِيرِ الْمُسْلِمِينَ بِعِزَّتِكَ وَأَيْدِيهَا

سرحد مسلمانان بوزن خود و تقویت حمایت از آن

والعشر
الشابع

بِقُوْتِكَ وَأَسِيْبِ عَطَايَاكَ مِنْ حَيْدِكَ

بِقُوْتِكَ	و کما مر از عطا عطا را از عطا خود
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَثِّرْ	عطا خود رحمت بفرست بر محمد و آل او و بسیار کن
عَدَّتُمْ وَأَشْحَدُ سَلْحَتَكُمْ وَأَخْرُ	عده ایشان را و نیز که مدد عطا را از عطا خود

جَوْنَتَهُمْ وَأَمْنِيعَ جُومَتِهِمْ وَالْفَتْ

جَمْعَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَوَاتِرَتَيْنِ	اطراف ایشان را و جمع گاهان نواحی ایشان را و جمع کن
مِيْرِهِمْ وَتَوَحَّدَ بِكَيْفَايَةِ مُؤْتِنِهِمْ	جمع ایشان را و نیز بر کن کار ایشان را و پدید بر کن
	از دو قهار ایشان را و به شایسته خود که در آن کار ایشان را

وَأَعْضُدُهُمْ بِالنَّصْرِ وَأَعْنُهُمْ بِالنَّصِيرِ

و یار و زده ایشان را و مدد کن ایشان را و بصیر

وَالطَّفُّ لَكُمْ فِي الْمَكْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ

وَالطَّفُّ لَكُمْ فِي الْمَكْرِ	باید آن در مکر خدا و آفرینش
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَرَفْتُمْ مَا يَحْمَلُونَ	بر محمد و آل او و بشناسان ایشان آنچه نمی شنید
وَعَلِمْتُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ وَصَبَرْتُمْ	و نفیتم که ایشان را آنچه نمی شنید و بنیاید

فَالْأَيْصُرُ مِنَ اللَّهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَأَنْبِيَاءَهُمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ	باید در حال رحمت بفرست بر محمد و آل او
ذِكْرُ دُنْيَاكُمْ لِحَدَاغَةِ الْغُرُوِّ	باید در دنیا ایشان را که بسیار مکر کرده فرستند

وَأُفْحِ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ

و بگردان از دهنشان با طرا آمد بنابر مال

الْفِتُونُ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ ضُبَّ أَعْيُنِهِمْ

نفس کشنده و گردان بهشت را برابر چشمها را

وَلَوْحٌ مِنْهَا الْأَبْصَارِ مِنْهَا أَعْدُوهُمُ

و لوحی از آن است بر رویه را از آن چشمها را

فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخَلْدِ وَمَسَاكِلِ

در آن از مسکین جاوید و مسکین

الْكِرَامَةِ وَالْحُجُورِ الْحَسَا وَالْأَنْهَارِ

کرامت و حور و حیران بیگانه و دریاها

الْمَطْرَدَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرَةِ وَالْإِنجَا

روان شده با انواع اشتها و درختها

الْمُتَدَلِّيَةِ بِصُوفِ التَّمْحِيقِ لَا

سریزیر از بهشت با صاف میوه تا نقد

يَمَّ حُدْمُهُمْ بِالْأَكْبَارِ وَالْأَجْدِ

نقد که از ایشان بزرگترین و کهنه کند

نَفْسُهُ عَنِ قَرِينٍ يَفْرَارُ اللَّهُ أَفْلَاكِيًا

با خود از کجین ازمانند خود خداوند از انبیا را

عَدُوَّهُمْ وَأَقْلَمَ عَنْهُمْ أَطْفَارَهُمْ

و دشمن ایشان را و کمر از ایشان با ضار دشمنان

وَفَرَّقَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَسْلِحَتِهِمْ وَ

و جدا کرد و کفر میان دشمنان و میان سلاحها را

أَجْلَعُ وَثَائِقُ أَفْسَدَتِهِمْ وَبِأَعْدُ

و کمر بندها را در دهان آن و در کمر

بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ أَرْوَاحِهِمْ وَجَبْرَهُمْ

میان ایشان و میان ارواحشان را و جبر ایشان را

فِي سَبِيلِهِمْ وَضَلَّاهُمْ عَنْ حَجْرِهِمْ

در راهشان و گمراه کرد ایشان از حجرت

وَاقْطَعُ عَنْهُمْ الْمَدَدَ وَانْقَضَ مِنْهُمْ

و برز ایشان مدد را و کم کرد از ایشان

سَبِيلِهِمْ

الْعَدَدِ وَأَمْلًا أَفَدْتُمْ الْعَرَبَ

<i>مدون</i>	<i>ویرگزد دلمت ک</i>	<i>از ترس</i>
وَأَقْبَضَ بِيَدِهِمُ عَنِ النَّبْطِ وَالْخَزْ	<i>و فرام آرد گتهان ک از کت دن و جاکز</i>	
الْسِّنَةِ عَنِ التَّقْوِ وَشَرَّ بِهِمُ	<i>زبانها ک از و فظن و برکنر سازد ک</i>	

فَخَلَفَهُمْ وَنَكَحَهُمْ قِرَاءَهُمْ

<i>هر که سر</i>	<i>اینان ک</i>	<i>و بد دل باز بیاین که که از عقاب اینت</i>
وَأَقْطَعُ بَخْرِيهِمْ أَطْعَامَ مَنْ بَعْدَهُمْ	<i>و قطع بخر اینان ک طعام ک که بعد از اینت</i>	
اللَّهُمَّ عَقِّمِ أَرْحَامَ نَسَائِهِمْ وَبَيْنَ	<i>خدا از زمین بازدار چهارستان آری از نسل ک</i>	

أَصْلَابِ رِجَالِهِمْ وَأَقْطَعُ نَسْلَ

پشتهار مردان این را و قطع نسل

بِخَيْرِهِمْ

دَوَائِهِمْ وَأَبْعَامِهِمْ لَا تَأْذِنَ لِسَمَائِهِمْ

<i>چار ک</i>	<i>ایشان و بیعت ترا</i>	<i>مستور کرده مرا سان کت را</i>
فِي فَطْرٍ وَلَا لِأَرْضِهِمْ فِي نَبَاتِ	<i>در بارش و نوزدین ک در زمین</i>	
اللَّهُمَّ وَقُوبِذَلِكَ مَحَالٌ أَهْلُ	<i>خداوند او قور کرد ان ما این قوت اهل اسد را</i>	

الْإِسْلَامِ وَحَسَنَ بَيْدِيَاهُمْ وَشَمْرَ

<i>و محکم ساز</i>	<i>بین و بارش ک</i>	<i>و سوار ک</i>
بِهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَفَرَعْنَهُ عَنْ مَحَالِ	<i>با این ما مال ک و فرغ ساز ک از کار ک</i>	
لِعِبَادَتِكَ وَعَنْ مَنَابِدَتِهِمْ	<i>بر عبادت تو و از جنک کوم با این ک</i>	

لِلْخَلْقِ حَتَّى لَا يَعْْبُدَكَ فِي بَقِيَةِ

بر خلقت کین با تو تا بسته شود در بقیه

مَحَالٌ

الارض غيبك ولا تغفر احد منهم

زینزا	جزوه	ورفاک ویدیه نشود بر ارض ایزدگار
جَهَتْ دُونَكَ اللَّهُمَّ اغْرِبْ كُلَّ	پست نمی سوار تو خداوند ابرو علی م	
نَاحِيَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ عَلَى سِنِّ	نایچه از مسلمانان با هر که	

بأنهم من المشركين وأمدد

در بهار ایشان	از کافران	و مدد نیت ایشان را
بملا رکتی من عندك مردودین	بفرستگان ازین بجزد به هم در زمین	
حَتَّى يَكْفُوهُمْ إِلَى مُنْقَطِعِ التَّرَابِ	تا دفع کنند دشمنان تا منتهای خاک	

قتلا في أرضك وأسرا ويقر بانك

کشته شد در زمین تو و کبیره شده یا در اسند بایکدی تو

رضاک

أنت الله الذي لا اله الا انت خلقت

تو خدای که نیست خداوند	کمر تو	شهادت
لأشريك لك اللهم وأعمى بك	بیت تری که مرا خداوند او فرود گیر بان	
أعداءك في أقطار البلاد من	دشمنان خود در اطراف شهر از	

أهدوا الرعب والترك والحجر

هند	روم	و برک	و خزر
و الحين والنوم والريح والتقاء	و صبر و نوبت و زین و تقابل		
والديالمة وسلطانهم الشرك	دیالمه و باقی طایفه کفر		

الذين أسماؤهم وصفاتهم

که چنان است نامها ایشان و وصفها ایشان

والصقالية

قَدْ أَحْبَبْتَهُمْ بِعَرْفِكَ وَأَشْرَفْتَ

وتمتعوا بخدمه ایشان است بشناسای خود و مطلع شده

عَلَيْكُمْ بِقُدْرَتِكَ اللَّهُمَّ اشْغُرْ

بریشان بقدرت خود خداوند متعال را

الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ

کافران را بکفران از

تَنَاوُلِ اطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ وَخَدْمِهِمْ بِالنَّقْصِ

گرفتن اطراف مسلمانان و کفران را بکفران

عَنْ تَنْقِصِهِمْ وَتَبْطِئُهُمْ بِالْفُرْقَةِ

از کم کردن مسلمانان و باز در ایشان بر کفر

عَنِ الْاِحْتِشَادِ عَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ اخْلَعْ

از گرداندن بر مسلمانان خداوند جانهای

قُلُوبَهُمْ مِنَ الْاِمْنَةِ وَابْدَأْهُمْ مِنَ

دلها را از امنیت و برهنه کن از

الْقُوَّةِ وَأَذْهَبْ قُلُوبَهُمْ عَنِ الْاِحْتِشَادِ

قوت و خفتن از دلها را از

وَأَوْهِنْ أَرْكَانَهُمْ عَنْ مُنَادَاكَ

بوسه کن اعضا را از یاد تو

الرِّجَالَ وَيَجْنِبَهُمْ عَنْ مُقَارَعَةِ

کردن و رساندن ایشان را از کوفتن

الْاِبْطَالِ وَأَبْعَثْ عَلَيْهِمْ مَجِيْدًا

دلیل و برانیز بر ایشان شکر

مِنْ مَلَايِكَتِكَ يَا سَمِيْعًا

از فرشتگانت یا خداوند از

يَا سَمِيْعًا كَفَعْلِكَ يَوْمَ بَدْرٍ

خداوند بهمانند کفر در روز بدر

تَقْطَعُ بِيَدِ اِبْرَاهِيمَ وَيَجْعَلُ بِيَدِ اِسْمَاعِيلَ

بیر با دستان ابراهیم را و برود در میان توکت ایشان

وَتَفَرِّقْ بَيْنَهُمُ اللَّهُمَّ وَأَمْزِجْ

میرا کدھن براں تھارے برا خداوند اور آمیز کر
مِيَاهَهُمْ بِالْوَبَاءِ وَأَلْجِمْهُمْ
آہستہ آہستہ بظلمتوں و خور دینہاں برا
بِالْأَدْوَاءِ وَأَرِمْ بِلَدِّهِمْ بِالْحُسُوفِ
بردہ و پند از بوسہ شرشان صعبا

مِيَاهَهُمْ

وَأَلْجِ عَلَيْهِمُ بِالْقُدُوفِ وَأَفْرِغْهَا

و میرا کدھن بر پندہاں بانڈھنتا و مشرف از پندہاں
بِالْحَوْلِ وَاجْعَلْ مِيرَهُمْ فِي أَحْسَنِ
خسٹ مایہ و کردان از وقتہاں ترا در غایہ کر
أَرْضِكَ وَأَبْعِدْهَا عَنْهُمْ وَأَسْبِغْ
زمینت و دور ترین مین از ایشان و منوع

وَأَفْرِغْهَا
بِالْحَوْلِ

حُجُوجَهُمْ مِنْهُمْ وَأَصْبِغْهُمْ بِالْحُجُوجِ

قلعہاں ز زمینت از ایشان برسان بایشان کر سب

الْقِيمِ وَالسُّقْمِ الْإِيمِ اللَّهُمَّ وَإِيمًا

ثابت و ہمار و دردناک خداوند اور
غَازِغْهُمْ مِنْ أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ أَوْ
غزائندہ کینزائندہاں ایشان از اہل مملکت تو یا
مُحَاهِدِ جَامِدَهُمْ مِنْ أَتْبَاعِ شُرَكَائِهِمْ
جہاں گسندہ کجھا دکنڈ با ایشان از پیروان انھیں

لِيَكُونَ دِينُكَ الْإِعْلَامَ وَخَرِيكَ الْإِقْوَمَ

تا ابد ہمیشہ
وَحَظَّكَ الْإِقْوَمَ فَلَقِيَ الْيُسْرَ
و نصیب تو نامتو ہمیشہ آوے اور آسانی
وَهُيَ كَلِمَةُ الْأَمْرِ وَتَوَلَّى بِاللَّحْمِ وَتَحْيِزُ
و ہمیشہ کلمہ امر و اوکرا و متولہ تو اوستہ بہر ذرہ کران

لِلْأَصْحَابِ أَوْ اسْتَقُولُ الظُّمْرَ وَأَسْبِغْ

بر کلو یا ران و تو کر کردن بر کلو یا ران و ہضم کر

عَلَيْهِمُ التَّقَاتُ وَمَتَّعَهُمُ بِالشَّاطِطِ

برو در تفقه و بهر مناسبت اولی بجز

وَاطْفَعَهُ حَرَارَةَ الشُّوقِ وَ

و فروغ از او کمر شوق و

أَجْرَهُ مِنْ غَمِّ الْوَحْشَةِ وَأَنْبِهِ

بر آن او از اندوه تنهایی و فروغش کردن

ذَكَرَ الْإِهْدَاءَ وَالْوَلَدَ وَأَثَرَ حَسَنِ النَّبِيِّ

با او پس و فرزندان و بهتار کن بر او در

وَتَوَلَّى بِالْعَاقِبَةِ وَأَضْبَحَهُ التَّلَا

و تولا شد او به بعیت و بقی او ساز شد

وَلَعْنِهِ مِنَ الْجَبِينِ وَالْهَيْبَةُ الْجَحْرَةُ

و لعن او از ترسانگی و در انداز دیگر

وَأَثَرَ قَدْرِ الشَّدَّةِ وَأَيْدِيهِ بِالنُّصْرَةِ وَعَلَيْهِمُ

در روز کن اولی سخن و تقویت کرد او به نصرت و با او

السَّيْرِ وَالسَّنَنِ وَسَيِّدُهُ فِي الْحُكْمِ

طریقی در روشها و سله تا او را در حکم

وَأَعْرَضَتْهُ الرِّثَاءَ وَخَلَصَهُ مِنْ

و بر کنار کن از او ریا و خالص ساز او را از

الشُّعْمَةِ وَاجْعَلْ فِكْرَهُ قِ

سعه و بگردان فکر او و

ذِكْرَهُ وَطَعْنَهُ وَأَقَامَتْ فَيْكٍ وَلَكَ

ذکر او و طعن او و بهتادن او را در طعن او و بر او

فَإِذَا ضَافَ عَدُوَّكَ وَعَدُوٌّ

پس هرگاه بر او بر شود دشمن تو را و دشمن خود

فَقَلِّدْهُمْ فِي عَيْنِهِ وَصَغَّرْ شَأْنَهُمْ

پس کم کن بهتارند از دشمن او و کم کن از شأن او

فِي قَلْبِهِ وَأَدِلُّهُمْ مِمَّا لَا تَدْرَهُمْ

در دل او و غیب ده او را بر ایشان و غیب ده به ایشان

مَنْ فَرَّانَ حَمَّتْ لَهُ بِالسَّعَادَةِ وَقَضِيَتْ

برو	پس از غم که کار او را بحدت و حکم کنی
لهُ بِالشَّهَادَةِ فَبَعْدَ أَنْ يَحْتَاجَ	
بر او بشهدادت	پس بعد از این که او را بچیز بخواهد
عَدْوِكَ بِالْقَتْلِ وَبَعْدَ أَنْ يَجْهَدَ	
در حق تو بکشتن	و پس از این که بجای تو بجهد

بِمِ الْأَسْرِ وَبَعْدَ أَنْ تَأْمُرَ أَطْرَافَ

از آن زوایا بگیرد	و پس از این که او را از اطراف
المُسْلِمِينَ وَبَعْدَ أَنْ يُؤَلِّقَ عَدْوَكَ	
مسلمانان	و پس از این که او را بر گردن دشمنان
مُدْبِرِينَ اللَّحْمِ وَأَيْمَانُ خَلْفِ	
پشت کرده اند	مخاض و امانت و در مسلمانان که جانشین

غَايِرًا أَوْ مُرَابِطًا فِي دَائِرَةِ أَوْ تَعَهَّدَ

فَدَاكُنْتَهُ يَأْمُرُ بِطَرَفِ دَرَاكُنْتَهُ أَوْ يَأْمُرُ بِهِ

حَمَّتْ

يُدْبِرُهُمْ

خَالِفًا فِي غَيْبَتِهِ أَوْ عَانَتْ بِطَائِفَةٍ

با زانو نکالند	یا در غیبت او
مِنْ مَالِهِ أَوْ أَمَدَهُ بَعْدَ أَنْ يَحْتَدِ	
از مال خود یا امر او بگذرد	پس بعد از آنکه او را بچیز بخواهد
عَلَى جِهَادٍ أَوْ اتَّبَعَهُ فِي وَجْهِهِ	
بر جهاد یا از او بگردد	درین راه او

دَعْوَةً أَوْ مَرَى لَمْ يَزَلْ وَرَأَيْتُ حُرْمَةَ فَجَرِ

دعوتی	یا دعوتی که در برابر او از حق او حرمتر است
مِثْلَ الْحَبْرِ وَزَنَا بوزنٍ وَمِثْلًا	
مانند اجزا و هم سنگ به سنگ	و مانند
بِمِثْلِ عَوْضَةٍ مِنْ فَعْلِهِ عَوْضًا	
مانند	و عوضی از او که در او عوض

حَاضِرًا يَتَعَجَّلُ بِنُفْعٍ مَاقْدَمِ وَسِرْوَا

حاضر که بزودتر بخواهد ببال نفع آنچه پیشتر است و شایسته

مَا تَأْتِي بِهِ إِلَيَّ أَنْ يَتَّهَمَ بِهِ الْوَقْتُ إِلَى

بجز آن که برسان تا بگویند هر چه بود با او وقت بود

مَا أَجْرَيْتَ لِمَنْ مَضَىٰ وَ

آنچه بر ما گذشت بر او از فضل خود و

أَعَدَدْتَ لِمَنْ كَرَّمَكَ

آنچه گشاید بر او از کرامت خود

اللَّهُمَّ يَا مُسْلِمًا أَهْمُهُ الْإِسْلَامُ

خدایا او را مسلمانانه که اندوخته است از کار اسلام

وَأَخْرَجَهُ تَحْرِيْبُ أَهْلِ الشِّرْكِ

و بیرون کشید او را از اجتماع اهل شرک

عَلَيْهِمْ قُوَىٰ غَزَاؤُهُمْ بِجِهَادٍ

بر سر آنان بر قوت که غزایا با جنگ بود

فَقَعْدَبُ ضَعْفٍ وَأَبْطَاتٍ يُبْفِئُ

پس نشاند او را استیلا و پستی را در زیر پاهای او

أَوْ آخِرُ مَعْنَىٰ حَادِثٍ أَوْ عَرْضٌ لِمَنْ

یا پس از آنکه حادثه اول از آن عارض شود یا عرض از آن نزد

إِرَادَتُهُ مَانِعٌ فَاسْتَبْتِ فِي

ایستاد او مانع پس بپسیر اسم او را در

الْعَابِدِينَ وَأَوْجِبُ لَهُ ثَوَابَ

نزد عباد کنندگان و وجوب دهان از او ثواب

الْمُجَاهِدِينَ وَأَجْعَلُهُ فِي نِظَامِ الشُّكْرِ

جهاد کنندگان و بگردان او در سبزه شکر

وَالصَّالِحِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

و صالحان خدایا صلوات بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَالْمُحَمَّدِ صَلَوَاتُ

بنده تو و رسول تو و آل محمد رحمت

عَالِيَةِ عَلَى الصَّلَوَاتِ مُشْرِفَةٌ فَوْقَ

که برین مرتبه بر رحمتی است برتر از همه صلواتها

مَدْرَهَا

الْحَيَاتِ صَلَوَةٌ لَا يَنْتَهِي مَدَهَا

در مورد
 رحمت مشرئود
 مَدْرَهَا
 وَلَا يَنْتَقِطُ عَدَدُهَا كَأَنَّهَا مَائِدَةٌ
 و سقوط نرود تمامان همچو مائده است
 مِنْ صَلَوَاتِكَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ
 از رحمت تو بر یکی از اولیای تو

أَنَّكَ أَمْتَانُ الْحَيِّدِ الْمُبْدِيِّ الْعَبِيدِ

برین تو
 عطا نمودی بکس تو بندگانند و در فرمانند
 أَلْفَعَالِ الْمُنْتَرِبِ
 کند همه بی تو
 وَكَانَ مِنْ عَامَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 و بود از دعای حضرت ام

و العتق
الشام

مُتَفَرِّعًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ

در عتق ماه می برود
بگو خدا را
عزوجل

وَصْنَتْ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِانْقِطَابِي إِلَيْكَ

خداوند ابرکت که من خالص با خودم بودم بر پیر تو
 وَأَقْبَلْتُ بِكُلِّ عَلَيْكَ وَصَرَفْتُ
 و در اوله تمام به خود بر تو و در همه ام
 وَجْهِي عَنِ يَحْتِاجُ إِلَى رِفْدِكَ
 رو خودم ازین که محتاج است به طاعت تو

وَقَلْبِي مَسْأَلَتِي عَنِّي لَمْ يَسْتَعْنِ عَنِّي

در کوه تو
 سوال خود را از من بیازمینت از
 فَضْلِكَ وَرَأَيْتُ أَنْ تَطْلُبَ الْحَاجَّ
 همان تو و دانستم که طلب کنی حاجت
 إِلَى الْحَاجَّ سَفَهًا مِنْ رَأْيِهِ وَصَلَّةً
 بوجو حاجت بکس است از راه او و کوه است

مِنْ عَقْلِي فَكَمْ قَدْ رَأَيْتُ يَا أَلْهِمُنِي

از عقل او و پند بختی
دین نام از خدا را من

أُناسٍ طَبُوا الْعِزَّ بَغَيْرِكَ فَذَلُّوا وَرَمُوا

ردی که در کوه عزت به بی غیر تو پس خوار شدند و مصلحت کردند

التُّرُقُ مِنْ سِوَاكَ فَافْقَرُوا

تو از غیر تو از راهی پس فقیر شدند

وَحَاوَلُوا الْإِرْتِقَاعَ فَانْضَعُوا

و آنکه کوه بلند شد پس پست شدند

فَصَحَّ بِمُعَايِنَتِنَا مَثَلُهُمْ حَازِرٌ وَرَفَقَةٌ

پس درستی است مانند ما را برینا هر آنوقت که تو ایق داده باشی

إِعْتِبَانٌ وَأَرْشَادٌ إِلَى الطَّرِيقِ

چراغ روشن است و هدایت است به راه

صَوَابٍ لِحَيَاتِنَا فَأَمَّتْ يَا مَوْلَا

صواب اختیار او پس تو را از مصلحت

رُؤْيَا كَمَا مَسْئُولٌ مَوْضِعٌ مِمَّا لَتْنَا

نزد سوال گفته شده عمل سوال گفته من

وَدُونَ كَلِّمْ مَطْلُوبَ الْيَسْرِ وَالْحُجَّةِ

در طلب کردی به بروی او و بر سر بندگی

أَنْتَ الْخُصُوفُ قَبْلَ كُلِّ مَدْعُو

تو نه محضی پیش از هر خواننده شده

يَدْعُو قِيْلَ لِشَرِكِكَ أَحَدٌ فِي

بگو از من شریک می شود با کسی در

رَجَائِي وَلَا يَتَّقُ أَحَدٌ مَعَكَ فِي دُعَائِي

ای مردم و تقویت کسی با تو در خواندن

وَلَا يَنْظُرُهُ وَإِيَّاكَ نَدَائِي لَكَ

و جمع می کند او را و تو را با هم ندای من هر دو است

لَا إِلَهَ إِلَّا خُدَانِيَّةُ الْعَدَدِ وَمَلَكَ

انگیزای من یکی است شمار و صفت هر دو

الْقُدْرَةِ الصَّمَدِ وَفَضِيلَتِي الْحَيِّ لَوْ

قدرت که پر است صفت کامل که آن پرست

القوة ودرجته العلو والرفعة

دوتخت در پایه بلندی درخت

ومن سواك مرحوم في عنون مغلوب
وهرکه مرده است در درجه بلندی درخت از درجه بلندی
على امره مقهور على شان مخالف
امرا در درجه بلندی بر سر او مخالف

الحالات متفكر في الصفات

حالات او که در ذهن است در صفات

فقاليت عن الاشياء والاعضاء
پس تو برتری از مانندها و اعضاها
وتجك بززت عن الامثال والاعضاء
و عظمت تری از مشابها و اعضاها

فبجانك لا اله الا انت

پاکی تو نیست فدی که تو

وكان من دعائه عليه السلام اذا اقترب

عليه السلام

اللهم انك ابتليتنا في ارضنا

خدایا بر شکلی که از زمین خودت در زمین ما

بسوء الظن وفي اجالنا بطول

بد ظن ما جور عثمانی ما در روزی

الامم حتى التقتنا ارضنا من

ایمان ما ای یکدیگر کردیم در زمین ما از

عند المزموقين وطبعنا اباينا

نزد روزی داد کشید ما و طبع کردیم نسب ما را

في اعمال المعمرين فصدا على محمد وآله

در عمر ما سر عمر بس حمد بر محمد و آل او

والعشرين
التاسع

ارضنا

وَهَبْ لَنَا يَقِينًا صَادِقًا تَكِينًا

*دشمن مارا یقین راستی که با اربابا
بهر من مونی الطیب که مینا تکه
آن گرفت طلب حورال انوار
خالصه تعفینا به نام شکر
فاحصی که عیت روی مارا آن از حق*

النَّصِيبِ وَجَعَلْ فَا صَرَّحْتَ بِمِنْ

*تبت
برگردان آنچه تصریح کرده با آن که
عدنک فی وجیک واتبعت
دعده خود از وجی خود در دهان
من قیمک فی کتابک قاطعاً
کرده اسم خود در کتاب خود مطلقاً*

لَا هَيْبًا مِّنَّا بِالرِّزْقِ الَّذِي تَكْفَلْت

راهبستام مارا برزقی که تو ضامن آن شده

بِرُدْحِمًا لِالْاِسْتِغَانِ مَا ضَمِنْتَ

*دشمن کشنده دشمن درون مال را با آنچه در حاکم
الکفایه که فقلت وقولک الحق
کار که از او آرا بس گفته و گفته حق
الاصدق و اقممت وقیمک الا
درست تر از همه گفته و هم خدا را هم گفته*

الْاَوْفَى فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ

*در دهان پرده تر در آسمانهاست در سر ما
وما تو عدون ترفلت فودبت
راهب دعوه کرده شده ایم آن بس یعنی پس که در راه
السما والارض انترجی مثل ما
آسمان و زمین هر آینه حق است نه را بگو*

أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ

حرف میزنید شما

لِلِاسْتِعْمَالِ

الثلاثون

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

الْمَعُونَةِ عَلَى قَضَاءِ الَّذِينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَمَنْ

إِلَى الْعَافِيَةِ مِنْ دِينٍ تَخْلُقُ بِهِ وَجْهِي

وَيَجَارِيهِ زَهْنِي وَيَقْتَعِبُ كَلِمِي

فِي كَرِي وَيَطْوُلُ لِي مَهَادِ سِتْرِي

شُغْلِي وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ مِنْ قَهْرِ الْمَلِكِ

وَفِكْرِهِ وَشُغْلِ الدِّينِ وَسَهْمِهِ فَصِدِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَأَعُوذُ مِنْهُ وَ

أَسْتَجِيرُكَ يَا رَبِّ مِنْ ذَلِكَ فِي

الْحَيَاةِ وَتَبِعْتَهُ بَعْدَ الْوَفَاتِ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَأَجْرِ مِنْهُ

بِوَسْعِ فَاضِلِ الْكُفَاةِ وَأَصِلْ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ وَأَجْبِنِي

عَنِ السَّرَفِ وَالْاِزْدِيَادِ وَقَوْمِي

بِالْبَذْلِ وَالْاِزْدِيَادِ وَقَوْمِي بِالْبَذْلِ

وَالْاِقْتِصَادِ وَعَلِمِي حُسْنَ التَّقْدِيرِ

وَأَقْبِضْنِي بِلُطْفِكَ عَنِ التَّبَذِيرِ

أَجْرِي مِنْ أَسْبَابِ الْجَلَالِ اذْرُقْهُ

فِي أَبْوَابِ الْبِرِّ انْفَاقِي وَازْرُقْهُ مِنْ

الْمَالِ اذْ يَجِدُ لِي مَخِيلَةً اَوْ تَارِيًا

مَخِيلَةً

إِلَى الْبَغْيِ أَوْ مَا تَعَقَّبَ مِنْهُ طُعْيَانًا

اللَّهُمَّ حَبِّبْ لِي الصَّحْبَةَ الْفُقَرَاءَ

وَاعْتَبِرْ عَلَيَّ صِحْبَتَهُمْ بِحُسْنِ الصَّبْرِ

وَمَا زَوَيْتَ عَلَيَّ مِنْ مَتَاعِ الدُّنْيَا الْفَانِيَةِ

فَاذْخِرْهُ لِي فِي خَزَائِنِكَ الْبَاقِيَةِ

وَاجْعَلْ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ حَطَامِهَا

وَعَجَلَتِ لِي مِنْ مَتَاعِهَا بُلْغَةً لِي فِي جَوَارِي

فَاذْخِرْهُ

عَلَيْهِ

ووصلنا إلى قُربك وذريعتنا إلى الجنة

إنك ذو الفضل العظيم وأنت

الجواد الكريم

وكان من دعائهم عليه السلام في ذكر

والله اعلم
الحق

التوبة وطلبها

اللهم يا من لا يصفه نعت الوارثين

ويا من لا يجاوزه رجاء الراحمين و

يا من لا يضيع لدي أجر المحسنين

ويا من هو مشتمى خوف العابدين

ويا من هو غاية خشية المتقين

هذا مقام تدا ولسنا أيدي الذنوب

وقادته أزمه الخطايا واستحوذ

عليه الشيطان فقصر عما أمرت

بتهفريطا وتعاطيا ما نهيت عنك

تَغْيِرُ كَالْبَاهِ بِقُدْرَتِكَ عَلَيْنَا

أَوْ كَلِمَتِكَ رِضْلِ الْخَسَائِكِ

إِلَيْهِ حَتَّى إِذَا انْفَجَحَ لِنُصْرِهِ الْهَدَى

وَتَقَشَعَتْ عِنْدَ سِحَابِ الْعَمَى الْخَصَى

مَا ظَلَمَ بِهِ نَفْسَهُ وَفَكَرَفِيهَا

خَالَفِيهِ رَبِّهِ فَرَأَى كَثِيرَ عَضِيَانِهِ

كَثِيرًا وَجَلِيلًا مَخَالَفَتِهِ جَلِيلًا فَاقْبَلْ

سَمْعًا
وَأَنْكَشَفَتْ

بِحُوكِ مُوقِلَاكَ مُسْتَجِيمًا مِنْكَ

وَوَجْهَ رَغْبَتِهِ إِلَيْكَ ثِقَةً بِكَ

فَأَمَّاكَ بِطَبْعِهِ يَقِينًا وَقَصْدَكَ

بِحُوقِبِ خِلَاصًا قَدْ خَلَا طَبْعُهُ مِنْكَ

مَطْمُوحٍ فِيهِ غَيْرُكَ وَأَفْرَجَ رَوْعَهُ

مِنْ كُلِّ مَجْدُورٍ مِنْهُ سِوَاكَ

مُتَّكِلِينَ بِإِيْدِكَ مُتَضَرِّعًا وَغَضْرًا

بَصْرُهُ إِلَى الْأَرْضِ مُتَجَمِّعًا وَطَائِفًا

رَأْسُهُ لِعِزَّتِكَ مُتَدَلِّلًا وَابْتِغَاءُ

مِنْ سِرِّهِ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْهُ

خُضُوعًا وَعِزًّا فَزُنُوبِي مَا أَنْتَ

أَخْضَى لَهَا خُشُوعًا وَابْتِغَاءُ

بِكَ مِنْ عَظِيمٍ مَا وَقَعَ بِهِ فِي عَمَلِكَ

وَقَبِيحٍ مَا فَضَحْتُ فِي حِكْمِكَ مِنْ ذُنُوبِ

حَلِيكَ

أَدْبَرْتُ لَدَانَهَا فَذَهَبَتْ وَقَامَتْ

تَبِعَاتُهَا فَلَزِمَتْ لَا يَكْرِيًا

إِلَهِي عَذْلًا أَنْ عَاقَبْتَهُ وَلَا

لَيْسَ عَظِيمٌ عَفْوُكَ إِنْ عَفَوْتَ عِنْدَهُ

وَرَحْمَتُهُ لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْكَرِيمُ

الَّذِي لَا يَتَعَاضَدُ عَفْرَانُ الذَّنْبِ

الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ فَهَذَا نَدَا قَدْ جِئْتُكَ

تَعَاظِيكَ
عَفْرَانُ الذَّنْبِ
الْعَظِيمِ

مُطِيعًا لِأَمْرِكَ فِيهَا أَمَرْتَ بِهِنَّ

الدُّعَاءِ مُتَجَرِّدًا وَعَدَّكَ فِيهَا وَعَدَّ

بِهِ مِنَ الْجَابِئَةِ إِذْ تَقُولُ أَدْعُوَنِي

اسْتَجِبْ لِكُلِّ دُعَاءٍ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا

إِلَهُ وَالْقَبِيحِ بِمَغْفِرَتِكَ كَمَا لَقَيْتُكَ

بِأَقْرَابِي وَأَرْفَعُنِي عَنْ مَصَارِعِ

الذُّنُوبِ كَمَا وَضَعْتَ لَكَ نَفْسِي

وَاسْتُرْنِي بِسِتْرِكَ كَمَا تَأْتِيَنِي عَنِ الْإِسْقَا

مِنِي اللَّهُمَّ وَبَدَّتْ فِي طَاعَتِكَ

نَفْسِي وَأَحْكَمَ فِي عِبَادَتِكَ

بَصِيرَةً وَوَقَفْتِي مِنَ الْأَعْمَالِ الْمَأْبُغِيَّةِ

بِهِ دَنْتُ لِلْخَطَايَا عَنِّي وَتَوَفَّقْتَنِي عَلَى

مِلَّتِكَ وَمِلَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ

السَّلَامُ إِذْ تَوَفَّقْتَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ

إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا فَرَكْبَائِي

ذُنُوبِي وَصَغَائِرُهَا وَبُؤْطَانِ

سَيِّئَاتِي وَظَوَاهِرُهَا وَسَوَائِفِهَا لَا تَنْتَقِ

وَحَوَادِثُهَا تَوْبَةً فَرَلَا حِجْدُكَ تَقْسُهُ

بِعِصْيَةٍ وَلَا يُضْمَرُ أَنْ يَعُودَ فِي

خَطِيئَةٍ وَقَدْ قُلْتَ يَا أَلَهِي فِي صُحُفِكَ

كِتَابِكَ أَنْكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ

عِبَادِكَ وَتَعْفُوعِ عَنِ السَّيِّئَاتِ

وَتَحِبُّ التَّوَابِينَ فَأَقْبَلْ تَوْبَتِي

كَمَا وَعَدْتَ وَكَفِّرْ عَنِّي سَيِّئَاتِي

كَمَا ضَمَنْتَ وَأَوْجِبْ لِي مَجْمَعَكَ كَمَا نَطَقْتَ

فَلَا يَأْتِي شَرْحًا إِلَّا أَعُوذُ فِي

مَكَرُوهِكَ وَضَمَانِي إِلَّا

أَرْجِعْ فِي مَذْمُومِكَ وَعِصْيَتِي أَنْ

أَجْمَعُ بِسَبِيحِ مَعْاصِيكَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ

أَعْلَمُ بِمَا عَلِمْتُ فَاعْفُ عَنِّي يَا أَعْلَمَ

وَأَصْرِفْنِي بِقُدْرَتِكَ إِلَى مَا خَبَيْتَ

اللَّهُمَّ وَعَلَى تَبِعَاتٍ قَدْ حَفِظْتُهُنَّ

وَتَبِعَاتٍ قَدْ نَسَيْتُهُنَّ وَكَلِهْتُهُنَّ

بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَعِلْمِكَ الَّذِي لَا يَنْسَى

لَا يَنْسَى فَعَوِّضْ مِنْهَا أَهْلَهَا وَأَلْحِطْ

عَنِّي وَمِنْ زُرَّهَا وَخَفَّفْ عَنِّي ثِقَلَهَا وَ

اعْصِمْنِي مِنْ أَنْ أَقَارِفَ مِنْهَا

اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ لَأَوْفَاءُ إِلَى التَّوْبَةِ

الْإِبْعَضَمَتِكَ وَلَا اسْتَمْسَاكَ بِي

عَنِ الْخَطَايَا الْأَعْرَابِ قَوْلِكَ فَقَوْلِي

بِقَوْلِكَ كَافِيَةٌ وَقَوْلِي بِعِصْمَةِ

مَا نَعَتَ اللَّهُ أُمَّيًّا عِبْدِي تَابَ إِلَيْكَ

وَهُوَ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ فَاسْخُحْ

لِتُؤْتِيَهِ وَعَانِدْ فِي ذَنْبِهِ وَ

خَطِيئَتِهِ فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ

أَكُونَ كَذَلِكَ وَاجْعَلْ تَوْبَتِي

هَذِهِ تَوْبَةً لَا أحتاجُ بَعْدَهَا

إِلَى تَوْبَةٍ تَوْبَةً مُوجِبَةً لِمَحْوِ

مَا سَلَفَ وَالسَّلَامَةَ فِي مَا بَقِيَ اللَّئِمَةَ

إِلَى أَعْتَدِ لِيكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَأَسْتَوْ

سُوءَ فِعْلِي وَأَضْمِنِي مِنَ الْكُفْرِ

وَرَحْمَتِكَ تَطَوُّلاً وَأَسْتُرْنِي بِبَيْتِ

عَافِيَتِكَ تَفَضُّلاً اللَّهُمَّ وَإِنِّي أَسْتَوْ

إِلَيْكَ مِنْ كُلِّ مَا خَالَفَكَ إِذَا دُنْتُ

أَوْ ذَلَعْتُ مِنْ مَجْنَبِكَ مِنْ خَطَرَاتِ

قَلْبِي وَخَطَرَاتِ عَيْنِي وَحِكَايَاتِ

لَسْنَا تَوْبَةً تَشْرِبُهَا كُلُّ جَارِحَةٍ عَلَيَّ

حَيَاهَا مِنْ تَبَعَانِكَ وَتَأْمُرُ بِنَا
يُخَاوِ الْمُعْتَدُونَ مِنْ أَيْمِنِ سَطْوَاتِكَ

اللَّهُمَّ فَأَخْزِرْ وَخُذْ بَيْنَ يَدَيْكَ

وَوَجِبْ قَلْبِي مِنْ خَشْيَتِكَ وَ
اصْطَرِبْ أَرْكَانِي مِنْ هَيْبَتِكَ

فَقَدْ أَقَامَتْنِي يَا رَبِّ ذُنُوبِي مَقَامًا

يَا رَبِّ

الْحَزْبِي بِفِنَائِكَ فَإِنْ سَكَتُ لَسْتُ بِمُتَوَكِّلٍ

عَنِّي أَحَدًا وَإِنْ شَفَعْتُ فَلَسْتُ
بِأَهْلِ الشَّفَاعَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

مُجْمَدٍ وَالْبُرْشَفَعِ فِي خَطَايَا كَرَمِكَ

وَعُدْ عَلَيَّ سَيِّئَاتِي بِعَفْوِكَ وَلَا تَجْرِبْ
جِرَائِي مِنْ عَقُوبَتِكَ وَأَبْطِئْ عَلَيَّ

طَوْلَكَ وَجَلِّئِي بِسِتْرِكَ وَأَفْعَلْ

وَأَشْفَعُ فِي
خَطَايَا
رَبِّكَ

يُفْعَلُ عَيْرٌ تَضَرَّعَ إِلَيْكَ عَبْدٌ ذَلِيلٌ

فَرِحْتُ أَنْ عَنِّي تَعَرَّضَ لِعَبْدٍ فَقِيرٍ

فَفَعَّلْتُهُ اللَّهُمَّ لِأَخِيرِ لِي مِنْكَ

فَلْيَحْضُرْ لِي عَمْرُكَ وَلَا تَشْفَعْ لِي إِلَيْكَ

فَلْيَشْفَعْ لِي فَضْلُكَ وَقَدْ أَوْجَلْتَنِي

خَطَايَايَ فَلْيُؤْمِنِي عَفْوُكَ فَمَا كَلِمَةٌ

مَا نَطَقْتُ بِهَا عَنْ جَهْلِكَ مِنْ كَيْسٍ أَوْ تَرْتِيبِ

وَلَا تَسْتَيْمَأُ مَا سَبَقَ مِنْهُمْ فَعَلِي

لَكِنْ لَتَسْمَعَنَّ سَمَائُكَ وَمَنْ فِيهَا

وَأَرْضُكَ وَمَنْ عَلَيْهَا مَا أَظْهَرْتُ

لَكَ مِنَ النَّدَمِ وَبِحَاثِ إِلَيْكَ فِيمَنْ

التَّوْبَةِ فَلَعَلَّ بَعْضَهُمْ بِحَسْبِكَ يَرْتَضِي

لِيَوْمٍ مَوْفِي أَوْ تَذَرُكَ الرِّقَّةُ

عَلَّ السُّوءِ حَافِيَةً لَنَا مِنْ بَدْعِ غَوِيَّةٍ هِيَ

اسْمِعْ لَدَيْكَ مِرْدَعَائِي أَوْ شِفَاعِي

أَوْ كَدِّعِنْدَكَ مِنْ شَفَاعَتِي
تَكُونُ بِهَا نَجَاتِي مِنْ عَضْبِكَ وَ

فَوَرِّفِي بِرِضَاكَ اللَّهُمَّ إِنْ يَكُنِ النَّدَمُ

تَوْبَةً إِلَيْكَ فَأَنَا أَنْدَمُ الشَّادِمِينَ
وَإِنْ يَكُنِ التَّرْكُ لِعَصِيْبَتِكَ أَنَا بَائِسٌ

فَأَنَا أَوَّلُ الْمُنْبِيِّينَ وَإِنْ يَكُنِ الْإِسْتِغْفَارُ

وَقَوِي

حِطَّةَ لِذُنُوبِي فَالِكِ الْمُسْتَغْفِرِينَ

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَمَرْتَ بِالتَّوْبَةِ وَصَحَّيْتَ
الْقَبُولَ وَحَثَّيْتَ عَلَى الدَّعَاءِ وَوَعَدْتَ

الْإِجَابَةَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَآلِهِ وَاقْبَلْ

تَوْبَتِي وَلَا تَرْجِعْنِي مَرَّةً خَلْبَةً مِنْ
رَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلِيُّ

الْمُذْنِبِينَ وَالرَّحِيمُ لِلْخَاطِيئِ الْمُنْبِيِّينَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِهِ

بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا اسْتَفْتَدَيْتَنَا

بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً

تَشْفَعُ لَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَوْمَ الْفِاقَةِ

إِلَيْكَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَهُوَ عَلَيْكَ كَيْبَرٌ

وَكَانَ مِنْ عَائِدَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ بَعْدَ الْفُرْقَانِ

والنابغ
الشيخ

مُصَلِّوةُ اللَّيْلِ النَّفْسِ فِي الْأَعْرَابِ بِالدُّنْيَا

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَلِكِ الْمُتَابِعِ بِالْجُلُودِ

وَالسُّلْطَانَ الْمُتَبَرِّجِ بِغَيْرِ خُودٍ

لِأَعْوَانٍ وَالْعِزِّ الْبَاقِ عَاقِرِ الدُّهُورِ

وَخَوَالِ الْأَعْوَامِ وَمَوَاضِي الْأَزْمَانِ

وَالْأَيَّامِ عِزِّ سُلْطَانِكَ عِزِّ الْأَحْدَاثِ

لِيَا بُولِيَّةٍ وَلَا مَشْهُيٍّ لِمَا بَاخَرْتَهُ وَاسْتَعْلَا

والنابغ
الشيخ

مُلْكِكَ عَلُوًا سَقَطَتِ الْأَشْيَاءُ

دُونَ بُلُوغِ أَمْدٍ وَلَا يَبْلُغُ أَدْنَى

مَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ مِنْ ذَلِكَ أَقْصَى

نِعْتِ التَّائِعِينَ صَلَّتْ فِيكَ الصَّفَا

وَنَفَسَتْ دُونَكَ الْبُعُوثَ وَحَادَتْ

فِي كِبَرِيَاتِكَ لَطَائِفَ الْأَوْهَانِ

كَذَلِكَ أَنْتَ اللَّهُ الْأَوَّلُ فِي أَوْلِيَّتِكَ

وَعِزَّتِكَ أَنْتَ دَائِمٌ لَا تَزُولُ وَ

أَنَا الْعَبْدُ الضَّعِيفُ عَمَلًا بِالْحَيْمِ

أَمَّا خَرَجَتْ مِنْ يَدِي أَسْبَابُ

الْوَصَالَتِ إِلَّا مَا وَصَلَهُ رَحْمَتُكَ

وَنَقَطَعْتَ عَنِّي عَصَمَ الْأَمَالِ إِلَّا

مَا أَنَا مُعْتَصِمٌ بِهِ مِنْ عَفْوِكَ قَلْبًا

عِنْدِي مَا اعْتَدَيْتُ بِهِ مِنْ ظِلْمَتِكَ

وَصَلَّةَ رَحْمَتِكَ

عِصْمٍ

وَكثُرَ عَلَيَّ مَا أَبُوءُ بِهِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ

معنى
عندي

وَلَنْ يَضِيُقَ عَلَيْكَ عَفْوٌ عَنِ عَجْبِكَ

وَإِنْ أَسَاءَ فَأَعْفُ عَنِّي اللَّهُمَّ وَقَدْ

أَشْرَفَ عَلَيَّ خَفَايَا الْأَعْمَالِ عِلْمُكَ

وَأَنْكَشَفَ كُلَّ سُتُورٍ دُونَ

خَبْرِكَ وَلَا تَنْطَوِي عَنْكَ دَقَائِقُ

الْأُمُورِ وَلَا تَغْرُبْ عَنْكَ غَيْبَاتُ

غيبات
غيبات

السَّائِرِ وَقَدْ اسْتَحْوَذَ عَلَيَّ عِلْمُكَ

الَّذِي اسْتَنْظَرَ لِعَوَائِي مَا نَظَرَهُ

وَأَسْتَهْلِكُ لِيَوْمِ الدِّينِ

لِإِضْلَاحِي فَأَمَهَلْتَهُ فَأَوْقَعَنِي وَ

قَدَّرْتَنِي لِيَوْمِ صَغَارِ دُنُو

مُؤَبِّقَةٍ وَكَبَائِرِ أَعْمَالِي رُزْ

حَتَّى إِذَا قَارَفْتُ مَعْصِيَتِكَ وَ

كلمة

لاغوائى

كلمة

كلمة

سَخَطَكَ

عَنَانَ

اسْتَوْجِبْتُ بِسُوءِ سَعْيِي سَخَطَكَ

فَتَلَعَنِي عِذَا رَعَدَ رِي وَتَلَقَانِي
بِكَلِمَةٍ كُفْرٍ وَقَوْلِ الْبِرَاءِ

مَنِّي وَأَذْبَنُ مَوْلِيَا عَنِّي فَأَصْحَرْتَنِي

لِعَضْبِكَ فَرِيدًا وَأَخْرَجْتَنِي إِلَى
فَنَاءٍ نَفْمَتِكَ طَرِيدًا لِاسْتَفِيعِ

لِيَشْفَعُ لِي إِلَيْكَ وَلَا يَخْفِيَنَّ يَوْمَ مَنِي

عَلَيْكَ

عَلَيْكَ وَلَا حِصْنٌ يَحْبِبُنِي عِنْدَكَ وَلَا

مَلَاذِ الْجَا إِلِي وَمِنْكَ فَعِظَا
مَقَامِ الْعَاثِدِ بِكَ وَمَحَلِّ الْمُعْتَرِفِ

لَكَ فَلَا يَضِيقَنَّ عَنِّي فَضْلُكَ وَلَا

يَقْضُرَكَ دُونِي عَفْوُكَ وَلَا
أَكُنْ لِحَبِيبِ عِبَادِكَ التَّائِبِينَ

وَلَا أَقْطُ وَفُودِكَ الْأَمِلِينَ وَاعْفُ عَنِّي

يَقْضُرُ

اِنَّكَ خَيْرُ الْغَافِرِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَفْرَحُ

فَرَحْتُ وَنَهَيْتَنِي فَرَكْتُ وَ
سَوَّلَ لِي الْخَطَا اِطْرَ السَّوْءِ

فَقَرَّطُ وَلَا اَسْتَشِيْدُ عَلٰى صِيَا

نَهَارًا وَلَا اَسْتَجِيْرُ بِشَجْدِي
لِيْلًا وَلَا اَتَّبِعِيْ عَلٰى بَا حِيَاثِهَا

سَيَسْتَجِشِفُ فَرُوضَكَ الَّتِي مَن

ضِيْعَهَا هَلَكَ وَ لَسْتُ اَتُوَسِّلُ اِلَيْكَ

بِفَضْلِ نَافِلَةٍ مَعَ كَثِيْرٍ مَّا اَغْفَلَكَ
مِنْ وُطْأَتِيْ فَرُوضَكَ وَ تَعَدَّ

عَنْ مَقَامَاتٍ حُدُودِكَ اِلَى اِحْرَامَاتِ

اِنَّتَهَكَتُهَا وَ كَبَّرْتُ ذُنُوْبِي
اِحْرَحْتُهَا كَاَنْتَ عَافِيْتُكَ

اِلَى فِرَاضِ اِحْمَاسِيْ سَرَّ اَوْ هَذَا مَقَامُ

فَرَأَيْتَ نَفْسَكَ مِنْكَ وَسَخِطَ

عَلَيْهَا وَرَضِيَ عَنْكَ فَتَلَقَّاكَ

بِنَفْسٍ خَاشِعَةٍ وَرَقَبَةٍ خَاضِعَةٍ

وَوَظْهُ مُثْقَلٌ مِنَ الْخَطَايَا وَاقْفَابَيْنِ

الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَالرَّهْبَةِ مِنْكَ

وَإِنَّتَ أَوْلَىٰ مِنْ رَجَاءِهِ وَاجْتِ

فَرُخْشِيئُهُ وَاتَّقَاهُ فَاعْطِنِي يَا رَبِّ

وَتَلَقَّاكَ

مَا جَوَّزْتُ وَأَمَّتِي مَا جَذَرْتُ وَعُدْتُ

عَلَىٰ بَعَائِدٍ رَجَمْتُكَ إِنَّكَ أَكْرَمُ

الْمَسْئُولِينَ اللَّهُمَّ وَإِذْ سَرَّيْتَنِي

بِعَفْوِكَ وَتَعَدَّيْتَنِي بِفَضْلِكَ فِي

دَارِ الْقِنَاءِ بِحُضْرَةِ الْأَكْفَاءِ

فَاخْرِجْنِي مِنْ بَيْتِهَا إِلَىٰ دَارِ الْبَقَاءِ

عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

المقبرين والسرا المكرمين والشهداء

والصالحين من جارك أكلمه

سيتاتي ومن ذي رحم كت الختم

منه في سيراتي لم اتق بهم في السر

على ووثقت بك رب في المغفرة

لي وانت اول من وفق به واعطى

فزرغب اليك واروف من سر حم

وارق ii

فارحمني اللهم وانت احدثني طاء

مهيا من صلب متضائل العطاء

خرج لك السالك الى رحم ضيقه

سرتها بالحج تصرفني حال الاجال

حتى انتهيت في تمام الصورة

وانتبت في الجوارح كانت في

كتابك بطفة ثم علفت ثم مضغت

متطابق

كذا ضبط
سرتها

ثُمَّ عَظَّمْتُ كِسُوتَ الْعِظَامِ رَحْمَةً

عظامًا

أَنْشَأْتَنِي خَلْقًا آخَرَ كَمَا نَشِئْتَ حَتَّى

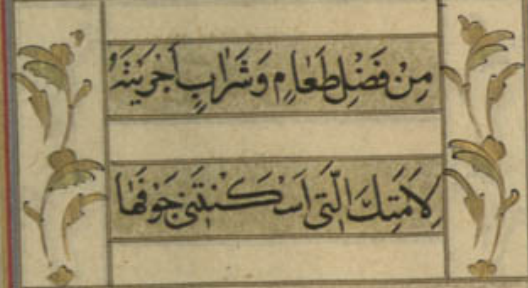
إِذَا حَجَجْتُ إِلَى رِزْقِكَ لَمْ أَسْتَفِرْ



بِعَنْيَاتِ فَضْلِكَ جَعَلْتَ لِي قُوَّةًا

مِنْ فَضْلِ طَعَامٍ وَشَرَابٍ آخِرِينَ

لَا مَيْتَكَ الَّتِي أَسْتَفِيحُ جَوْفَهَا



وَأَوْدَعْتَنِي قَرَارِ رِجْلَيْهَا وَلَوْ تَكَلَّنِي

يَا رَبِّ فِي تِلْكَ الْحَالِ اتِّبَعْتُ إِلَى جَوْبِي

أَوْ تَضَطَّرُّنِي إِلَى قُوَّتِي لَكَانَ الْمَوْتُ

عَنِّي مُعْتَرِلاً وَلَكَا نَتِ الْقُوَّةُ مِنِّي



بِعِيدَةٍ فَغَدَوْتَنِي بِفَضْلِكَ غَدَاءً

الْبَرِّ اللَّطِيفِ تَفَعَّلَ ذَلِكَ فِي تَطَوُّلِ

عَالِي غَايَتِي هَذِهِ لَا أَعْدَمُ بَرِّكَ



وَلَا يَبْطِئُ لِي جِسْنُ صَنِيعِكَ وَلَا

صَنِيعِكَ

تَتَاكُدُ مَعَ ذَلِكَ ثِقَتِي فَأَتَفَرِّغُ

لِمَا مَوَّأَخُنِي لِعِنْدِكَ قَدَمَكَ

الشَّيْطَانُ عِنَابِي فِي سُوءِ الظَّنِّ

وَضَعِيفِ اليَقِينِ فَأَنَا أَشْكُو سَوْءَ مَجَازِ

لِي طَاعَةِ نَفْسِي كَرِهًا وَاسْتَحْصَمَكَ

مِنْ مَلَأَ كِتَابَهُ وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ فِي

أَنْ تُسَهِّلَ لِي رِزْقِي سَبِيلًا فَلاَ أَجْمَدُ

عظمتا

سبيل

عَلَّ ابْتِدَاءُكَ بِالْبَيْعِ الْحَبِيبِ وَالْمَلِكِ

الْكُفْرَ عَلَى الْإِحْسَانِ وَالْإِنْفَاءِ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَهِّلْ عَلَيَّ

رِزْقِي وَأَنْ تُقِنَّعَنِي بِتَقْدِيرِكَ لِي وَأَنْ

تُرْضِيَنِي بِحَصَّتِي فِيمَا قَمَّتْ لِي وَ

أَنْ تُجْعَلَ مَا ذَهَبَ مِنْ جَنِيهِ وَعَمْرِي

فِي سَبِيلِ طَلَبِ حِرْمِكَ لَنْكَ خَيْرٌ

الرزيقي اللهم اني اعوذ بك من

نار تغلظ بها على من عضاك

وتوعدت بها من صدق عن

رضاك ومن نار نورها ظلمة وهيها

اليم ويبعد ما قرب ومن نار

ياكل بعضها بعض ويصوك

بعضها على بعض ومن نار تدمر العظام

رئيمما وتقتي أهلها جميعا ومن نار

لا تبقى على من تضرع اليها ولا

ترحم من استخطها ولا تقدر

على التخفيف عن خشع لها واستنك

اليها تلقى وكانها باحتر

مالدنها من اليم التكال شد

الوبال واعوذ بك من عقاب ربها

الفَاغْرَةَ أَفْوَاهُهَا وَحَيَاتُهَا الصَّامِتَةَ
 بِأَنْبِيَاءِهَا وَشَرَّهَا الَّذِي يَقْطَعُ
 أَمْغَاءَ وَأَفِيدَةَ سُكَّانِنَا
 وَيَنْزِعُ قُلُوبَهُمْ وَأَسْتَهْدِيكَ لِمَا يَبْعَدُ
 مِنْهَا وَأُخْرِعَنَّهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
 مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَجْرِي مِنْهَا بِفَضْلِ
 رَحْمَتِكَ وَأَقْلِبْ عَنِّي بِحَسَنِ إِقَالَتِكَ

بِأَفْوَاهِهَا
 بِشَرِّهَا

وَلَا تَحْذِرْنِي يَا خَيْرَ الْمَجْمُوعِينَ مِنْ أَمْنِكَ
 تَقَى الْكَرْبِيهَةَ وَتَعْطَى اللَّسْنَ
 وَتَفْعَلُ مَا تَهْرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ إِذَا
 ذُكِرَ الْأَبْرَارُ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ مَا اخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
 صَلَاةً لَا يَنْقُطِعُ مَدْرَاهَا وَلَا

يُحْضِي عِدْلَهَا صَلَوةً تَسْجُنُ الْجُوءَ

وَتَقْلُدُ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ صَلَّ

اللَّهُ عَلَيْكَ حَتَّى يَرْضَى وَصَلَّ اللَّهُ

عَلَيْكَ وَالْبَعْدَ الرِّضَا صَلَوةً لَا

حَدَّهَا وَلَا مَشْهُمِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اللَّهُمَّ فِي الْإِسْتِخَارَةِ إِنِّي أَسْتَجِيرُكَ

والثالثون
الثالث

بِعَلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاقْضِ

بِالْخَيْرَةِ وَالْهِنَا مَعْرِفَةَ الْإِخْتِيَا

وَاجْعَلْ ذَلِكَ ذَرْبِي إِلَى الرِّضَا

بِمَا قَضَيْتَ لَنَا وَالتَّسْلِيمَ لِمَا

حَكَمْتَ فَأَنْزِعْ عَنَّا رَيْبَ

الْأَرْثِيَابِ وَارْزُقْنَا بَيْقِينَ

الْمُخْلِصِينَ وَلَا تَمُنَّا عَجْمًا لَمْ يَعْرِفْنَا

عَمَّا خَبَّرْتِ فَبَغَطَ قَدْرُكَ وَنَكَرَهُ

مَوْضِعَ رِضَاكَ وَبَجَحَ إِلَى الْقَوْمِ

أَبْعَدَ مِنْ حُسْنِ الْعَاقِبَةِ

أَقْرَبَ إِلَى ضِدِّ الْعَاقِبَةِ حَبِّبَ إِلَيْنَا

مَا نَزَكَرَهُ مِنْ قَضَائِكَ وَ

سَهَّلَ عَلَيْنَا مَا نَشْتَعِبُ مِنْ

حُكْمِكَ وَأَهْمَنَّا الْإِنْفِئَادَ لِمَا أَوْفَرْتِ

قَضَائِكَ

عَلَيْنَا وَمَشَيْتِكَ حَتَّى لَانْحَبْتَ تَأْخِيرَهُ

مَا عَجَلْتِ وَلَا تَعْجِلِ مَا أَخْرَجْتَ

وَلَا نَزَكَرَهُ مَا أَحْبَبْتَ وَلَا

تَخَيَّرْتِ مَا كَرِهْتَ وَأَخْتَرْتِ لَنَا بِالنَّاسِ

هِيَ كَأَجْلِ عَاقِبَةٍ وَأَكْرَمُ مَصِيرًا

إِنَّكَ تَقِينُ الْكَرِيمَةَ وَتُعْطِي الْحَيْمَةَ

وَتَفْعَلُ مَا تَرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وكان من دعائه عليه السلام إذا ابتد

رأى مبتلى بفضيحة بذنب

اللهم لك الحمد على شريك بعد

عليك ومغافانك بعد عجزك

فكلنا قد اقترنا العائنة

فلم نشهره وادتك الفلحة

فلهن بفضحة وكثير بالمساوي فلهن تد

والثالثون
الرابع

عليه كره فيك قد تبتناه وأمر

قد وقفنا عليه فعديناه وسبنا

الكتيبا ما وحشية ارتكبناها

كنت المطيع عليه نارون الناظرين

والقادر على اغلامنا فوت

القادرين كانت عافيتك لنا

ججا بادون ابصارهم ورددناك

نهيا

وقفنا
وقفنا

اسْمِكُمْ فَاجْعَلْ اسْتِرْت

مِنَ الْعَوْنِ وَاجْنِبْتَ مِنَ الذَّلِيلِ

وَاعْظَانَا وَزَجْرَاعِنَا سَوْءِ الْخُلُقِ

وَاقْتِرَافِ الْخَطِيئَةِ وَسَعْيِ إِلَى التَّوْبَةِ

الْمَالِحِيَّةِ وَالطَّرِيقِ الْحَمُودَةِ وَقَرِّبِ

الْوَقْتِ فِيهِ وَلَا تَنْهِنَا الْغَفْلَةَ

عَنْكَ إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ وَمَا نَدِينُكَ

الشَّاجِيَةِ

تَابُونُ وَصَلِّ عَلٰى خَيْرَتِكَ اللَّهُمَّ

مِنْ خَلْقِكَ بِحَمْدِ وَعْتَرَةِ الصَّفْوَةِ

مِنْ بَرِيَّتِكَ الطَّاهِرِينَ وَاجْعَلْنَا

لَهُمْ سَامِعِينَ وَمُطِيعِينَ كَمَا أَمَرْتَ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرِّضَا

إِذَا نَظَرَ إِلَى أَصْحَابِ الدُّنْيَا

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِلَّهِ شُهَدَاتٍ

و برون الواد
مطيعين

والنباشون
الخامس

ان الله قيم معايش عباد به بالعدل

واخذ على جميع خلقه بالفضل
اللهم صل على محمد وآله ولا تقنت

بما اعطيتهم ولا تقنتهم بما منعته

واخذ خلقك واعطاك حكمك
اللهم صل على محمد وآله وطيب

بقضائك نفسي ووسع بمواقع

بالفضل

حكيمك صدري وهب لي التقند

لا فرمها بان قضاءك لم يحجر
الا بالحيرة ولجعلك كبرى لك

علا قانزويت عني اوفر وشكري

اياك على ما جولتني واعصمتني
من ان اظن بذي عديم حسنة

او اظن بصانعة فضلا فالشيخي

خاصة

لصاحب

فَشَرُّهُ طَاعَتُكَ وَالْغَيْرُ مَنْ

أَعَزَّتْ عِبَادَتُكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَاللَّهُ وَمَتَّعْنَا بِشَرِّهِ لَأَسْفُدُوا يَدَيْكَ

بِعِزِّكَ لَيَفْقُدُوا سِرْحَانِي مُلْكِ الْأَلْبَدِ

أَنَّكَ الْوَالِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الَّذِي

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ تَكُنْ لَكَ كُفُوًا

وَكَانَ دُعَائُهُ أَحَدٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا

وَالثَّلَاثُونَ
السَّادِسُ

نَظَرَ إِلَى النَّجْوَى وَالْقَبْرِ وَسَمِعَ صَوْتَ الْعَدُوِّ

اللَّهُمَّ إِنَّ هَلْدَيْنِ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِكَ

وَهَلْدَيْنِ عَوْنَانِ مِنْ أَعْوَانِكَ

يَتَدَلَّنِ طَاعَتُكَ بِرَحْمَتِنَا فَعَبِّرْ أَوْ

نَقْمَةٍ ضَائِرَةٍ فَلَا مَطْرَئَ نَاهِيهَا

مَطْرَئُ التَّوْبَةِ وَلَا تَلْبَسْنَا بِهَا الْبِئْسَ

الْبَلَاءُ اللَّهُمَّ صِدْقَ مُحَمَّدٍ وَالْوَالِدِ وَأَنْزِلْ

التَّحَابِيرُ

عَلَيْنَا نَفَعِ هَذِهِ السَّحَابُ وَبَرَكَتِهَا

وَاصْرِفْ عَنَّا إِذَا مَا وَمَضَتْ رَتْهَا

وَلَا تَصْبِنَا فِيهَا بِأَفْرِ وَلَا تَرْسِلْ

عَلَيْمَعَايِشِنَا عَاهَتِ اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ

بَعَثْتَهَا نَفْثَةً وَأَرْسَلْتَهَا سَخَطَةً

فَرَأَانَا نَسْجِيكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ

نَبْتِهَا إِلَيْكَ فِي سُؤْلِ عَفْوِكَ فَمَنْ

لَسْتَجِيرُكَ

بالغضب

بِالْغَضَبِ إِلَى الْمَشْرُوكِينَ وَادِرِ

رَحْمَتِكَ عَلَى الْمُجْدِدِينَ اللَّهُمَّ

أَذْهِبْ مَحَلَّ بِلَادِنَا بِسُقْيَاكَ وَ

أَخْرِجْ وَجْهَ صُدُورِنَا بِرِزْقِكَ وَلَا

تَشْغَلْنَا عَنْكَ بِغَيْرِكَ وَلَا تَقْطَعْ

عَنْكَ قَاتِنَا مَا دَامَ تَبَرُّكَ فَإِنَّ

الْغِنَى فَرَاغَيْتِ وَإِنَّ السَّامِرِينَ

تَضَلُّوا

وَقِيَّتْ فَلِعِنْدَ أَجْدِدُونَكَ دِرْفَانِ وَ

لَا يَأْخُذُ عَنِ سَطْوَتِكَ اِشْتِغَاغُ

تَحْكُمُ بِمَا شِئْتَ عَلَيَّ مِنْ شِئْتِ

وَتَقْضِي بِمَا أَرَدْتَ فِيمَنْ أَرَدْتَ

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا وَقَيْتَنَا مِنْ

الْبَلَاءِ وَكَانَ الشُّكْرُ عَلَيَّ مَا خَوَّلْتَنَا

مِنَ النِّعَمِ جَمْدًا يَخْلِفُ جَمْدَ الْحَامِدِينَ

وَلَا يَأْخُذُ

وَأَرَاءَهُ جَمْدًا يَمْلَأُ أَرْضَهُ وَسَمَاءَهُ

أَنَّكَ الْمَنَّانُ بِحَسَبِ الْمَنْزِلِ وَالْوَقْتِ

لِعَظِيمِ النِّعَمِ الْقَابِلُ لِسَيْرِ الْحَمْدِ

الشَّاكِرُ قَلِيلُ الشُّكْرِ الْحَسَنُ الْجَمْدُ

ذُو الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لِيكَ

وَكَانَ مِنَ الْمَصِيرِ دُعَاؤُكَ عَلَيْنَا

السَّلَامُ إِذَا اِعْتَمَرَ بِالتَّقْضِيَةِ عَنِ الشُّكْرِ

الشَّابِعُ
مِنَ التَّالِيَةِ

اللَّهُمَّ اِنْ اَجِدَا لاَ اَبْلِغُ مِنْ شُكْرِكَ

غَايَةَ الْاِحْصَالِ عَلَيْهِ مِنْ

اِحْسَانِكَ مَا يَلِزَمُهُ شُكْرًا

وَلا اَبْلِغُ مَبْلَغًا مِنْ طَاعَتِكَ وَانِ

اجْتَهَدَ لَاحِقًا كَانَ مُقْصِرًا

دُونَ اسْتِحْقَاقِكَ بِفَضْلِكَ

فَاشْكُرْ عِبَادَكَ عَاجِزًا عَنْ شُكْرِكَ

وَاعْبُدْكُمْ مُقْصِرًا عَنْ طَاعَتِكَ

لَا يَجِبُ لَاحِدًا أَنْ تَغْفِرَ لَهُ بِاسْتِحْقَاقِهِ

وَلا أَنْ تَرْضَوْعَهُ بِاسْتِحْقَابِهِ

فَمَنْ غَفَرْتَ لَهُ فَبَطُولِكَ وَفَمَنْ صَدَّقْتَ

عَنْهُ فَبِفَضْلِكَ تَشْكُرُ كَثِيرًا

مَا تَكْثُرُ وَتَتَذَكَّرُ عَلَيْهِ

قَلِيلًا فَاتَّطَلَعُ فِيهِ حَتَّى كَانَ شُكْرُكَ

مَا تُشْكُرُ بِهِ

عِبَادِكَ الَّذِي أُوجِبَتْ عَلَيْهِ

ثَوَابُهُمْ وَأَعْظَمَتْ عَنْهُمْ جَزَائُهُمْ
أَمْرُ مَلِكٍ وَالسُّطَاةُ الْأَشْتَاةُ

مِنْ دُونِكَ فَكَافِيَتْهُمْ أَوْ لَمْ يَكُنْ

سَبَبُهُ بِيَدِكَ فَحَازِيَتْهُمْ بِلَا حِجَابٍ
يَا أَلَهِي أَمْرُهُمْ قَبْلَ أَنْ يَمْلِكُوا عِبَادَكَ

وَأَعْدَدَتْ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُفِيضُوا

فِي طَاعَتِكَ وَذَلِكَ أَنَّ سُنَّتَكَ

الْإِفْضَالَ وَعَادَتَكَ الْإِحْسَانَ
وَسَبِيلَكَ الْعَفْوَ فَكُلُّ الْبَرِّ

مُعْتَرَفٌ بِأَنَّكَ غَيْرُ ظَالِمٍ لِمَنْ عَاقَبْتَ

وَشَاهِدُهُ بِأَنَّكَ مُتَفَضِّلٌ عَلَى
مَنْ عَاقَبْتَ وَكُلُّ مَقْرَعٍ عَلَى

بِالتَّقْصِيرِ عَمَّا اسْتَوْجِبْتَ فَلَوْلَا أَنْ

مُعْتَرَفٌ

الشيطان يخدعهم عن طاعتك

مأعضاك عامر ولو لا ان تصود

لهم الباطل في مثال اللغو ما ضل عن

طريقك ضال فيجانك ما ابرك كرمك

في معاملة من اطاعك او عصاك

تشكر للطبع ما انت توليته

لذو ثمن اللعاصي فيما تمك معاجلتك

تشكر للطبع

فبها اعطيت كل ما مالتم

يجب له وتفضلت على كل منهما

بما يقصر عمله عنه ولو كافات

المطيع عاقا انت توليته لا وشك

ان يفقدوا بك وان تزول عنه

تعمتك ولا شكك بكرمك

جانسبها المدد القصيرة الفانيتها

بِالْمُدَّةِ الطَّوِيلَةِ الْجَالِدَةِ وَعِلِّمْنَا الْغَايَةَ

الْقَرِيبَةَ الرَّائِلَةَ بِالْغَايَةِ الْمَدِيدَةِ

الْبَاقِيَةَ ثُمَّ لَمْ تَمُتْهُ الْقَضَا

فِيهِمَا أَكْرَمُ رِزْقِكَ الَّذِي يَقْوَى بِهِ

عَلَى طَاعَتِكَ وَلَمْ تَجْهَلْ عَلَى النَّاسِ

فِي الْأَلَاتِ الَّتِي تَسَبَّبَ بِاسْتِعْمَالِهَا

إِلَى مَغْفِرَتِكَ وَلَوْ فَعَلْتَ ذَلِكَ سَبِيًّا

لَذَهَبَ بِمَجْمَعِ مَا كَدَحَ لَدُنَّ حَمَلَتِ تَاسِعًا

فِيهِ جِزَاءٌ لِلصَّغِيرِ مِنْ أَيْدِيكَ

وَمِنْ تَكْ وِلَقِي هَيْئًا بَيْنَ يَدَيْكَ

بِسَائِرِ نِعَمِكَ فَمَتَى كَانَ كَيْسَتْ حَقُّ شَيْئًا مِنْ

تَوَابِكَ لَا مَتَى هَذَا يَا أَلْهَى خَالٍ

مِنْ طَاعَتِكَ وَسَبِيلُ مَنْ تَعْبُدُكَ

فَمَا الْعَا فَمَكَ وَالْمَوَاقِعُ نَهَيْكَ

فَلْتَعَاظِلْ بِنِقْمَتِكَ لِكَيْ تَسْتَبْدِلَ

بِحَالِهِ فِي مَعْصِيَتِكَ حَالَ الْإِنَانِ
الِطَاعَةِ وَالْقَدْرَانِ كَيْتَحَقُّ

فِي أَوَّلِ مَا مَرَّ بِعَضِيَانِكَ كُلِّ مَا عَدَدَا

لِيَجْمَعَ خَلْقَكَ مِنْ عَقُوبَتِكَ فَجَمْعُ
مَا آخَرَتْ عَنْهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ

أَبْطَاتٍ بِرُءُوسِهِمْ مِنْ سَطَوَاتِ النِّقْمَةِ

يَجْمَعُ

وَبَطَاتٍ

وَالْعَقَاتِرُ كَفَرِحَتِكَ وَرَضَى بَدُونِ

وَلِجِبِكَ مِمَّنْ أَكْرَمَ مِنْكَ يَا
أَهِي وَمَنْ أَشَقَى مِمَّنْ هَلَكَ عَلَيْكَ

لَا رُفْقًا لَكَ أَنْ تُوصِفَ بِالْإِحْسَانِ

وَكُرْمَتِ أَنْ يُخَافَ مِنْكَ إِلَّا
الْعَدْلُ لَا يَخْتَجِي جُودَكَ عَلَى مَنْ عَصَا

وَلَا يَخَافُ إِغْفَالَكَ ثَوَابَ مَنْ رَضَاكَ

رَضَى بَدُونِ
مَنْ رَضَى مِنْ حَقِّكَ
وَرَضِيَتْ بَدُونِ

فَصِدِّ عَلَيَّ بِمَجْدِ اللَّهِ وَهَبْ لِي أَمَلِي

وَزِدْنِي مِنْ مَهْدَاكَ مَا أَصْلِبُهُ

إِلَى التَّوْفِيقِ فِي عَمَلِي إِنَّكَ مُتَانٌ كَرِيمٌ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِعْتِدَالِ

مِنْ سُبُعَاتِ الْعِبَادَةِ التَّقْصِيرُ فِي

حَقِّهِمْ فِي وَكَالِكَ قَبْرِهِمُ وَالنَّارُ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدُ لِنَيْكَ مِنْ مَظْلُومِي

وَزِدْنِي

الثامن
مائتان

ظَلَمَ بَحْرَتِي فَلَمْ أَنْصُرْهُ وَمِنْ مَعْرُوفٍ

أُسْدِي إِلَى فَلَمْ أَشْكُرْهُ وَمِنْ

مُسِيٍّ لِعْتَدِي إِلَى فَلَمْ أَعِدْهُ وَمِنْ

ذِي فَاقَةٍ سَأَلَنِي فَلَمْ أَوْشِرْهُ وَمِنْ حَقِّ

ذِي حَقٍّ كَرِهْتَنِي لِمُؤْمِنٍ فَلَمْ أُوقِرْهُ

وَمِنْ عَيْبٍ مُؤْمِنٍ ظَهَرَ لِي فَلَمْ

أَسْتُرْهُ وَمِنْ كَلِمَةٍ عَرَضَ لِي فَلَمْ أَهْجِرْهُ

اعْتَدِرْ لِيكَ يَا اَلْهُيْ مِنْهُنَّ وَمِنْ

نَظَائِرِهِمْ اِعْتَدِرْ اَنْدَامِيْ كُنَا

وَاعْظُمِ الْمَا بَيْنَ يَدِيْ مِنْ اَشْيَا

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ نِدَامِيْ

عَلَى مَا وَقَعَتْ فِيْهِ مِنَ الزَّلَاةِ

وَعِزِّيْ عَلَيَّ تَرَكَ مَا بَعِضُ لِي

مِنَ السَّيِّئَاتِ وَتَبَرَّتُ بِرُجْبِ مَجْبَنِكَ

وَعِزِّي

وَكَانَ يَا مَحَبَّ التَّوَابِيْنَ فِرْعَانِيْ

عَلَيْهِ السَّلَامُ طَلِبِ الْعَفْوَ وَالرَّحْمَةَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَكَرِّمْتَهُمْ

عَنْ كُلِّ مَحْرَمٍ وَأَنْزِ وَجْهِيْ عَنْ كُلِّ قَاثِرٍ

وَأَمْنَعْنِيْ عَنْ أَدَى كُلِّ مُؤْمِنٍ

وَمُؤْمِنَةٍ وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ

وَأَيُّ عَبْدٍ يَا اَلْمَنِيَّ لِحَظْرَتِ عَلِيِّ وَ

الثاسع
والثامن

انتَهَكَ مِنِّي مَا حَجَرْتَ عَلَيْهِ فَمُضَى بِظِلَالِ

مَيْتَانِ اَنْحَلَّتْ لِي قَبْلُ مَحِيًّا فَاغْفِرْ

لِي مَا اَلَمَّ بِهِ مِنِّي وَاعْفُ لِي عَمَّا اَدْبَرَ

بِعَنِّي وَلَا تَقْفُ عَلَيَّ مَا اُرْتَكَبْتُ وَلَا تَكْشِفْهُ

عَمَّا اَكْتَسَبْتَنِي وَاجْعَلْ مَا سَجَّحْتُ

بِهِ مِنَ الْعَفْوِ عَنْهُمْ وَتَبَرَّعْتُ بِهِ

مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَيْهِمْ مَا زَكَيْتُ صِدَقَاتِ

الْمُصَدِّقِينَ وَأَغْرَصَاتِ الْمُتَقَرِّبِينَ

وَعِوَضِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوُكَ

وَمِنْ دُعَائِي لَكُمْ رَحْمَتُكَ حَتَّى لَا تَعُدَّ

كُلَّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِكَ وَيَجُوكُلُ مِنَّا

بِمَنِّكَ اللَّهُمَّ وَإِنَّمَا عَبَدْتُ مِنْ عِبِيدِكَ

أَدْرَكَكَ مِنِّي ذَرِكَاؤُ مَسْهُ مِنْ

نَاجِيَتِي أَرَى أَوْ كَحَقْدِي وَأَوْ بِسَبِي ظَلَمُ

فَفْتَحْتُمْ بِحَقِّكُمْ أَوْ سَبَقْتُمْ بِمَظْلَمَتِي قَصِيدًا

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَرْضِهِ عَنِّي مِنْ جَدِّكَ

وَأَوْفِرْحَةً مِنْ عِنْدِكَ ثُمَّ قَفِي

مَا يُوجِبُ لَكَ حُكْمًا وَجِلْصَنِي مِمَّا كُنَّا

بِهِ عَدْلًا فَإِنْ قَوِي لَأَسْتَقِلَّ

بِنِعْمَتِكَ وَإِنْ طَاقِي لَأَنْهَضَ مَخْلُوقًا

فَإِنَّكَ إِنْ تَكْفَانِي بِأَحْسَنِ تَهْلِكُنِي وَإِلَّا

تَغْزِي بِي بِرَحْمَتِكَ تُوْبِقِي اللَّهُمَّ إِنِّي

أَسْتَوْهِيكَ يَا أَلْهِمَّ مَا لَا يَنْقُصُكَ

بَدَلًا وَاسْتَحْمُكَ مَا لَا يَهْطُكَ

جَمَلًا أَسْتَوْهِيكَ يَا أَلْهِمَّ نَفْسِي الَّتِي لَمْ

تَخْلُقْهَا لَتَمْتَعِ بِهَا مِنْ سُوءٍ أَوْ

لِتَطْرُقَ بِهَا إِلَى النِّفْعِ وَلَكِنْ أَلْفَاظَهَا

إِثْبَاتًا الْقُدْرَتِكَ عَلَيْهَا وَاجْتِنَانًا

لِتَطْرُقَ

بها عاشكلها واستجلك فزوني

ما قد بهظي حله واستعين بك

على ما قد فدحي ثقله فضل على

محمد والذو هب لنفسي عاظيها

تقوى وكل رحمتك باحمال

اصري فكم قد لحقت رحمتك

بالمسيئين وكم قد شمل عفوك الظالمين

فصدا على محلول الذوا جعلني اسوة من

قد انهضته بتجاوزك عن مصا

الخاطئين وخلصته بتوفيقك

من قرطات المجرمين فاصبح طليق عفو

من اسار سخحك وعميت صنعك

من وثاق عدلك انك ان تفعل

ذلك يا الهى تفعل من لا يحمد استحقا

عُقُوبَتِكَ وَلَا يَبْرِي نَفْسُهُ اسْتِجَابَا

نَفْسِكَ تَفْعَلْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بِرُتُوبَةٍ

مِنْكَ أَكْثَرَ مِنْ طَعْمِهِ فَيْكَ وَمِنْ

يَأْسُ مِنَ التَّجَاةِ أَوْ كَذِبٍ رَجَائِلِ الْخَالِصِ

لَأَنْ يَكُونَ يَأْسُهُ قَطُوعًا أَوْ يَكُونَ

طَعْمُهُ اغْتِرَابًا بِالْقَلْبِ فَحَسْبَاتِهِ

بَيْنَ سَيِّئَاتِهِ وَضَعْفِ حُجَّتِهِ فِي جَمِيعِ

الزُّم

تَبِعَاتِهِ فَأَمَّا أَنْتَ يَا إِلَهِي فَأَهْلًا أَنْ لَا

يَغْتَرِبَكَ الصِّدِّيقُونَ وَلَا يَنْسُرَ

مِنْكَ الْمُجْرِمُونَ لِأَنَّكَ الرَّبُّ الْعَظِيمُ

الَّذِي لَا يَمْنَعُ أَحَدًا فَضْلَهُ وَلَا يَتَقَصَى

مِنْ أَحَدٍ حَقَّهُ تَعَالَى ذِكْرُكَ

عَنِ الْمَذْكُورِينَ وَنَقَدَسَتْ

أَسْمَاؤُكَ بِعِزِّ الْمَذْسُوبِينَ وَفَشِيَتْ نِعْمَتُكَ

تبعات

فِي جَمِيعِ الْخَلْقِ فَفَلَكَ الْحَمْدُ يَا ذَاكَ

وَكَانَ يَارِبُّ الْعَالَمِينَ فَرُغْنَا

عَلَيْهِ لَمَّا ذُنُوبُنَا لَمْ تَكُنْ

اللَّهُ مُصَدِّقًا لِمَا كُنَّا نَطُورُ

الْأَمَلِ وَقَضَى بَعَثَ بِصِدْقِ الْعِلْمِ

لَا تَوَمَّلْ اسْتِمَامَ سَاعَةٍ بَعْدَ سَاعَةٍ

وَلَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بَعْدَ يَوْمٍ وَلَا انْتِصَالَ

الاربعين

نَفْسٍ يَنْفِرُ لِأَجْرِ قَدَمٍ بِقَدَمٍ وَ

سَلَّمَ نَا مِنْ غُرُوبٍ وَأَمْسَانَ مِنْ شُرُوبٍ

وَأَنْصَبَ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِيْنَا نَضْبًا

وَلَا تَجْعَلْ ذِكْرَنا رَغْبًا وَاجْعَلْنَا

مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَلَا تَسْتَبْطِئُ مَعَهُ

الْمَصِيرَ إِلَيْكَ وَخُوصُوكَ عَلَيَّ وَثَنًا

الْحَيَاؤُ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ فَاثْنَانَا

الَّذِي نَأْتِيهِ وَمَالَفْنَا الَّذِي نَشْتَاقُ

إِلَيْهِ وَحَاشَانَا الَّتِي نَحِبُ الدُّنْيَا

فَإِذَا أُوْرِدَتْهُ عَلَيْنَا وَأَنْزَلَتْهُ بِنَا

فَاسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا وَسُنَابَهُ قَادِمًا وَلَا

تَقْتُنَا بِضِيَافَتِهِ وَلَا تَحْزُنَا بِزِيَارَتِهِ

وَلَجْعَلَهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ

وَمِفْتَاحًا مِنْ مِفْتَاحِ رَحْمَتِكَ أَمْسِنَا

وَلَا تَحْزُنَا

مُهْتَدِينَ غَيْرِ ضَالِّينَ طَائِعِينَ غَيْرِ

مُسْتَكْرَهِينَ تَائِبِينَ غَيْرِ

عَاصِينَ وَلَا مُصْرَبِينَ يَا ضَامِنَ

جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ وَمُسْتَصْلِحِ عَمَلِ الْفَائِزِينَ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

يَا رَبِّ طَلِّبِ السُّرُورَ وَالْوَقَايِتَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَفْرِشْنِي

وَصَلِّحْ

الْحَبَادِ
وَالْمُرَبِّينَ

مهارة كرامتك وأوردي مشاع
 رختك وأخلقي مجوح جتك
 ولا تشهني الردي عنك ولا تحمني
 بلخيبة منك ولا تقاصني بما الجت
 ولا تناقشني بما القبت ولا تهر
 مكومي ولا تكلف ستوري
 ولا تجمل علي ميزان الأضياء على ولا

تعلن علي عيون الملائخ خبري وخف
 عنهم ما يكون نشره على عارا
 وأطو عنهم ما يلحقني عندك شنا
 شرف درجتي رضوانك وأكمل كرامتك
 بعفوانك وانظمني في أصحاب
 اليمين ودعجني في مسالك
 الأمانة وأجعلني في فوج الفائزين

أشرف

وَأَعْرَبِي مَجَالِرَ الصَّالِحِينَ أَمِيرَتِي

وَكَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ دُعَائِي

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالشَّيْءُ عِنْدَ خَيْرِ الْعَمَلِ

اللَّهُمَّ إِنَّكَ لَعَيْتَنِي عَلَى خَيْرِ كِتَابِكَ

الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا وَجَعَلْتَهُ نُورًا

عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ وَفَضَّلْتَهُ

عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ وَفَرَقَانَا

الشَّيْءُ
وَاللَّعِينُ

فَرَقْتَ بَيْنَ جَلَالِكَ وَجَهْرَامِكَ

وَقُرْآنَا أَعْرَبْتَ بِهِ عَنْ شَرِّ رَاجِعِ

أَحْكَامِكَ وَكَتَابِ بَاطِنِكَ

لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا وَوَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَيَّ

بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ

تَنْزِيلًا وَجَعَلْتَهُ نُورًا تَهْتَدِي

فَرُطِمَ الضَّلَالَةَ وَالْجَهْلَ النَّبَاتِيَّةَ

بِفِهِمْ

وَشِفَاءٍ لِمَنْ أَنْصَتَ بِفِهِمِ الصِّدِّيقِ

إِلَى اسْتِمَاعِهِ وَمِيرَانِ قِطْلَا

يُحْيِفُ عَنِ الْحَيِّ لِيَانَهُ وَنُورِ هُدَى

لَا يُطْفِئُ عِزَّ الشَّاهِدِينَ بِرُهَانِهِ

عَلَّمْ نَجَاهَهُ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ ضَدَّهُ

سُنَّتِهِ وَلَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ

سُنَّتِهِ

فَتَعَلَّقُوا بِعُرْقِ عِصْمَتِهِ اللَّهُمَّ فَإِذَا

أَفْدَتْنَا الْمَعُونَةَ عَلَانًا وَتَهَوُّ

بِجَوَاسِي السَّنَةِ لِحُسْنِ عِبَارَتِهِ

فَاجْعَلْنَا مِنْ بَرَعَاهُ حَقْرًا عَائِنَهُ

وَيَدِينُ لَكَ بِإِعْتِقَادِ السَّلِيمِ لِحُكْمِهِ

إِيَانِهِ وَيَفِرُّ عَنِ الْإِفْوَارِ بِمِثْلَانِهِ

وَمَوْضِعَاتِ بَيْتِنَا تَبَرُّ اللَّهُمَّ إِنَّكَ

أَنْزَلْتَهُ عَلَيْنَا بِدِيكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

حَوَاشِي

بِحُكْمِهِ

مكلا

وَالْبُجْلَاءُ وَالْهَيْبَةُ عَلَامَةُ عَجَابِهِ مُكَلَّا	
وَوَرَّثْنَا عَلَيْهِ مَفْسَرًا وَ	
فَضَلْنَا عَلَى مَنْ يَجْعَلُ عَلَيْهِ وَقُورًا	
عَلَيْهِ لَتَرَفَعْنَا فَوْقَ مَنْ يَطُوقُ خَمَلَهُ	
اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا كَحَمَلَةٍ	
وَعَرَفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفًا وَفَضْلَهُ	
فَصَادَعْنَا مُحَمَّدًا الْخَطِيبَ بِنُورِ عَيْدِكَ	

الْبُخَيْرَانِ لَمْ نُوَجِّعْ لَنَا مَنْ يَعْتَرِفُ	
بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يَعْاضِنَا	
الْتِكُ فِي صَدِيقِهِ وَلَا يَخْتَبِئَنَا	
الَّذِي نُبْعِدُ عَنْ قَصْدِ طَرِيقِ اللَّهِ صَادَعْنَا	
مُحَمَّدًا وَاللَّهِ وَاجْعَلْنَا مِنْ بَعْضِهِمْ	
يَجْبِلُهُ وَيَأْوِي مِنَ اللَّيْثِيَّاتِ	
الْحَزْرَةَ مَعْقِلَهُ وَسَيِّدُنَا فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ	

وَيَهْتَدِي بِنُورِ صَبَا وَيَقْتَدِي بِتَبَلِجِ

بِلِجِ اسْفَارِهِ

اسْفَارِهِ وَيَسْبُحُ بِصَبَاحِهِ وَ

لَا يَلْتَمِسُ الْهَدَى فِي غَيْرِ الدَّمِّ وَكَمَا

نَضَبَتْ بِمُحَمَّدٍ عَلِيٍّ الدَّلَالَةُ عَلَيْكَ

وَأَنْهَجَتْ بِاللَّهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ

وَسِيلَتَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ

وَسَلْمًا يَبْرُجُ بِدُرِّ الْمَجْدِ السَّلَاقِمِ سَبِيحًا

بُحْرِي بِرِجَالِ النَّجَاةِ فِي عَرْضَةِ الْقِيَمَةِ وَ

ذُرَيْعَةً نَقْدُمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمَقَامِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخُطِّبِ بِالْقُرْآنِ

عَتَاتِنَا ثِقَلِ الْأَوْزَارِ وَهَبْ لَنَا حُسْنَ

شَمَائِلِ الْأَبْرَارِ وَاقِفْنَا إِذَا نَزَلَ الذِّكْرُ

قَامُوا لَكَ بِهِ آثَاءُ اللَّيْلِ وَأَطْرَافُ النَّهَارِ

حَتَّى تَطَهَّرَ نَافِرُ كُلِّ دِينٍ يَطْهَرُهُ وَ

تَقْفُونَا أُمَّةً الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا

بِنُورِهِمْ وَلَمْ يُبَاهِرْهُمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ

فَيَقْطَعُ مَرْجَدَ غُرُوبِهِ اللَّهُ مَصْرَعًا عَلَى

مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ وَاجِعِ الْقُرْآنَ كُنَّا فِي ظِلِّهِ

الَّذِي أَلَى مَوْتِنَا وَمِنْ نَزْغَاتِ الشَّيْطَانِ

الشَّيَاطِينِ

وَخَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ خَائِرًا وَلَا قَدَامِنَا

عَنْ نَقَلَهَا إِلَى الْمَعَاجِبِ أَوْ لَا لِسِنِّتِنَا

عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِنَا

أَفْرِجْ خُرْسًا وَجَوَارِحًا عَنِ اقْتِرَافِ

الْأَنَامِ مِنْ جَرِّ أَوْلِيَا طَوَّاتِ الْغَفْلَةِ عَيْنِنَا

مِنْ نَصْحِ الْأَعْتَابِ وَأَنْشُرْ لِحَقِّ

تَوْصَلُ إِلَى قُلُوبِنَا فَمِنْ مَجَائِبِهِ وَ

نَزْوَا جَرَامِثِ الدِّالِّ الَّتِي ضَعُفَتْ الْجِبَالُ

الرؤاسي على صلابة يا عظيم الله
 صل على محمد وآله وادم بالقران
 صلاح ظاهرنا واجتنب به خطرات
 الوسواس عن صحبة ضماؤنا واغسل به
 درك قلوبنا وعلوانا واذارنا
 واجمع به منشرا مؤننا واروبه
 في موقف العرض عليك ظما هو اجرتنا

رئ

واكتنا

واكتنا به جلا الامان يوم الفرع
 في ثورنا اللهم صل على محمد وآله
 واجز بالقران خلتنا من عدم
 الافلاق وستر الينابيع مرغد العيش
 وخصب سعة الاثر اقربنا
 به الصرايب المذمومة ومداني
 الاخلاق واعصمنا به من هوة الكفر

وَدَوِّعِي النَّفْسَ حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْفِيئَةِ

إِلَى بَصَوَانِكَ وَجَنَانِكَ قَائِدًا

وَكُنَّا فِي الدُّنْيَا عَنْ سُبْحَتِكَ وَتَعَدًّا

جُدُودِكَ ذَائِدًا وَمَا عِنْدَكَ بِمُخْلِدٍ

حَلَالِهِ وَتَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا لِلَّهِ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَهَوِّنْ بِالْقُرْبَانِ

عِنْدَ الْمَوْتِ عَلَ النَّفْسِ كَرِيهِ السِّيَاقِ

وَجَمِّدِ الْإِنْبِيْنَ وَتَرَادِفِ الْحِشَارِجِ إِذَا

بَلَغَتِ النَّفْسُ التَّرَاقِي وَقِيلَ مِنْ تَرَادِفِ

وَحَيِّ مَمْلُوكِ الْمَوْتِ لِقَبْضِهَا مِنْ

حُجْبِ الْغُيُوبِ وَرَهَا عَنِ قَوْرِ الْمَنَائِيَا

بِأَسْمِهِمْ وَخَشَةَ الْفِرَاقِ وَدَنَايَتِنَا

إِلَى الْآخِرَةِ رَجِيلًا وَإِطْلَاقَ مَضَارِّ

الْأَعْمَالِ فَلَا يَدِي فِي الْإِعْتِنَاقِ وَكَانَتْ

التَّرَاقِي

وَدَوِّعِي لَهَا مِنْ دَعَايِ
مَرَّةً الْمَوْتِ كَمَا سَأَلْنَا
سَمُومَةَ الْمَدَاقِ فِيهَا

القبور هي المناوي التي تقاير التلا

اللهم صل على محمد وآله وبارك

لنا في حلول دار البلى وطول المقتل

بين أطباق الترى واجعل القبور بعد

فراق الدنيا خير منا زلنا واصبح

لنا برحمتك في ضيق ما وجدنا ولا

تفضحنا في حاضري القيمة بموتيات

انامنا واحمر بالقران في موقف العرض

عليك ذل مقامنا وثبت به

عند اضطراب جبر حتم يوم الحيا

عليه ما نزل الا قد انما وتجتا به من كل كرب

يوم القيمة وشدا نداء هول يوم

الطامة وبيض وجوهنا يوم

تسود وجوه الظلمة في يوم الحسرة و

التداقر واجعل لنا في صدورنا منيرة

وذا ولا تجعل الحيوة علينا كذا
اللهم صل على محمد عبدك ورسولك

كما يبلغ رسالتك وصدق باورك و

نصح لعبادك اللهم اجعل بيننا
صلواتك عليه وعلى آله يوم

القيمة اقرب البدين منك مجلسا

محمد

واصلهم

وامكنهم منك شفاعة واجلهمنا

عندك قدرا وانجهم عندك
جاهها اللهم صل على محمد وال محمد

وشرف بديانهم وعظم برهانهم وثقل

ميزانهم وتقبل شفاعته وقرب
وسيلته وبيض وجهه واتق

نوره وارفع درجاتهم واجيننا

عَلَّسْتَهُمْ وَتَوَفَّاهُمْ لِنَبِيِّهِمْ

خُذِنَا مِنْهَا جَهَنَّمَ وَأَسْأَلُكَ بِهَا

سَبِيلَهُ وَأَجْعَلْنَا مِنْ أُمَّةٍ طَائِعَةٍ

وَأَجْزَلْنَا فِي زَمْرَتِهِمْ وَأَوْرِدْنَا لَنَا حُجْرَتَهُ

وَأَسْتَقْبِرُ بِكَ كِتَابَهُ وَصَلِّ اللَّهُ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَواتُهُ تَبْلُغُهُ بِهَا

أَفْضَلًا يَا مَلِكُ وَرَجِيحِكَ وَفَضْلِكَ

وَكَرَّمْتِكَ أَنْتَ ذُو الرَّحْمَةِ وَأَسْعَدْتَ

وَفَضَّلْتَ كَبِيرَ اللَّحْمِ اجْزِئْنَا

بَلِّغْ مِنْ رِسَالَتِكَ وَأَدِي مِنْ

أَيَانِكَ وَنَصِّحْ لِعِبَادِكَ وَجَاهِدْنَا فِي

سَبِيلِكَ أَفْضَلُ مَا جَزَيْتَ لِحَدِّكَ

مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَإِنِّي نَبِيٌّ

الْمُسْلِمِينَ الْمُصْطَفِينَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

وَعَلَى الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ

رَحِمَتْ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ

وَكَانَ مِنْ فَضَائِلِ عَلَيْكَ

السَّلَامُ إِذَا نَظَرَ إِلَى أَهْلِكَ

أَيْهَا الْخَلْقُ الْمَطِيعُ الذَّائِبُ السَّيِّعُ

الْمُتَرَدِّدُ فِي مَنَازِلِ التَّقْدِيرِ الْمُنْتَهِي

فِي فَلَكَ التَّدْبِيرِ أَمَّنْتَ بِمَنْ نَوَّعْتَ

الش
مالديون

الظُّلْمِ وَأَوْضَحَ بِكَ الْبُهْمَ وَجَعَلَكَ

أَيَّةَ مِنْ آيَاتِ مُلْكِهِ وَعَلَامَةٍ

مِنْ عِلْمَاتِ سُلْطَانِهِ وَمُنْتَهَى

بِالزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ وَالطَّلُوعِ وَالْأَقْبَانِ

وَالْإِنَارَةِ وَالْكَوْفِ فِي كُلِّ ذَلِكَ

أَنْتَ كَمَا مَطِيعٌ وَإِلَى إِرَادَتِهِ سَيِّعٌ

سُبْحَانَ مَا عَجَبَ مَا تَبَرَّرَ فِي أَمْرِكَ

وَالطَّفَ فاصْبِعْ فِي شَانِكَ جَعَلَكَ

مِفْتَاحَ شَهْرٍ حَادِثٍ لَا يَمُرُّ حَادِثٌ

فَأَنَّكَ اللَّهُ رَبُّكَ وَوَدَّ بَيْتَكَ وَخَالَفُو

وَجَالَقَكَ وَمُقَدِّرِي وَمُقَدِّرِكَ

وَمُصَوِّرِي وَمُصَوِّرِكَ أَصْلُهُ

عَلَى مُحَمَّدٍ فَإِنَّهُ وَإِنْ يَجْعَلُكَ هَلَاكًا

بِرَكَّتِ لَاتُخْفَى الْأَيَّامُ وَطَهَّارَةٌ

لَا تُدْرِكُهَا إِلَّا ثَامُ هَلَالٍ أَفْرٍ مِنْ

الْأَفَاتِ وَسَلَامَةٍ مِنَ التَّيْبَاتِ

هَلَالٌ سَعْدٌ لَا تُخْرِفِيهِ وَمِنْ لَا

نَكَدٌ مَعْدٌ وَكَيْسٌ لَيْمًا جَبْدٌ عَسْرٌ وَخَيْرٌ

لَا يَشْوِيهِ شَرُّ هَلَالٍ أَمِنْ بَلِيغًا

وَنِعْمَةٌ وَلِحْزَانٍ وَسَلَامَةٌ وَ

إِسْلَامٌ لِلَّهِ مَصْدَعٌ عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ وَالِدٌ

وَأَجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مِنْ طَبَعِ عَلَيْهِ

وَأَزْكَى مِنْ نَظَرِ إِلَيْهِ وَأَسْعَدَ

مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ وَوَقَفْنَا

فِيهِ لِلتَّوْبَةِ وَأَعْصَمْنَا فِيهِ مِنَ الْجَوْتِ

وَلْحَفْظْنَا مِنْ مَبَاشَرَةِ عَذَابِهِ

وَأَوْزَعْنَا فِيهِ شُكْرَ تَعْنِكَ

وَالْبِسْنَا جَنِّ الْقَعَا وَتَمَرْنَا عَلَيْهَا

فيه

استغلا

بِاسْتِكْمَالِ طَلْعَتِكَ وَبِالْتِمَازِ نِكَالِ الْمَنَانِ

الْمَجِيدِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

وَكَا فَرَدَعَا عَلَيْهِمْ مِمَّا أَكْرَهْتَ مِنْ مَضَالِكِ

الْحُدُثِ الَّذِي هَدَانَا لِحُدُودِهِ وَ

جَعَلْنَا مِنْ أَهْلِهِ لِنَكُونَ لِإِحْسَانِهِ

مِنَ الشَّاكِرِينَ وَنَحْنُ سَائِعَانِي لِلْحَجَاءِ

الرابع
عاشرون

المُحْسِنِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا

بِذِيْنِهِ وَاخْتَصَّ بِمِلَّتِهِ وَ

سَبَّلَنَا فِي سَبِيلِ الْخَيْرِ لِنُقَلِّبَ لَهَا

بِمَنْزِلِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ جَمْدًا يَتَقَبَّلُ مِنَّا

وَيَرْضَى بِهِ عَنَّا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

جَعَلَ مِنْ تِلْكَ السَّبِيلِ شَهْرَهُ شَهْرَ

رَمَضَانَ شَهْرَ الصِّيَامِ وَشَهْرَ الْإِسْلَامِ

وَشَهْرَ الطَّهْوَرِ وَشَهْرَ التَّحْيِيْرِ وَ

شَهْرَ الْقِيَامِ الَّذِي نَزَلَ فِيهِ

الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ

مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَاَبَا فَضَّلْتُهُ

عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ بِمَا جَعَلَهُ

مِنَ الْحُرَمَاتِ الْمَوْفُورَةِ وَالْقَضَا

الْمَشْرُوعِ فَحَرِّمْنَا فِيهِ مَا اجْعَلْنَا فِي

عِيَهُ اعْظَامًا وَحَجْرٍ فِيهِ الْمَطَاعِمُ

وَالْمَشَارِبُ كَرَامًا وَحَلَلًا

لَهُ وَقْتًا بَيْنَنَا لِأَيِّ حُرُوجٍ وَعَسْرَةٍ

أَنْ يُقَدَّمَ قَبْلَهُ وَلَا يُقْبَلُ إِلَّا بِخَيْرٍ

عَنْهُ ثُمَّ ضَلَّ السَّبِيلَ وَالْحِدَى مِنْ

لِيَالِيهِ عَلَى الْفِ شَهْرٍ وَسَمَاهَا

لَيْلَةُ الْقَدْرِ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ

وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ

سَلَامٌ وَأَيُّهُمُ الْبُرُكَةُ الْوَاطِنُ

الْحَجْرُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

بِمَا أَحْكَمَ قَضَائِهِ اللَّهُ مَصْدِقًا عَلَيْهِ

مُجَدِّدًا لَهُ وَالْهِنَّا مَعْرُوفٌ فَضْلُهُ

وَالْجَلالُ حُرْمَتُهُ وَالْحَقُّظُّ مَنَّا

حَظَرَتْ فِيهِ وَأَعْنًا عَلَى صِيَابِكِ

مَعْصِيَتِكَ

الْحُجْرِ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَاسْتَعْمَالِهَا

فِيهِ بِمَا يُرِيدُ حَتَّى لَا تُضْعَى

بِاسْمِ عَنَّا إِلَى الْغَوْ وَلا تُسْرَعْ

بِأَضْرَارِنَا إِلَى الْهَوِّ وَحَتَّى لَا نَبْطِئَ أَيْدِيَنَا

إِلَى الْمَخْطُورِ وَلا نَخْطُوبَ أَقْدَامِنَا

إِلَى الْمَجْزُورِ وَحَتَّى لَا تَقْبَلُ بَطُونَنَا

إِلَّا مَا أَحَلَّتْ وَلا تَنْطِقَ أَسْنَانُنَا

وَلَا تُسْرَعْ
بِأَضْرَارِنَا
فِي الْهَوِّ

الْإِيمَانِ مِثْلَكَ وَلا تَكْفُلْ إِلَّا

مَا يُدْرِي مِنْ ثَوَابِكَ وَلا تَقْطَعْ

إِلَّا الَّذِي بَقِيَ مِنْ عَقْلِكَ ثُمَّ

خَاضْ لَكَ كُلَّهُ مِنْ رِئَاءِ الْمُرَائِينَ

وَسَمْعَةِ السَّمْعَانِ لِأَنْ تُشْرِكَ

فِيهِ أَحَادِثُكَ وَلا تَبْتَغِ فِيهِ

مُرَادِ سِوَاكَ اللَّهُ مُصَدِّقُكَ مُحَمَّدٌ

الْمُسْتَمْعِينَ

وَالَّذِينَ قَفْنَا فِيهِمْ أَوْقَاتَ الصَّلَاةِ

الْمُخْرِجِينَ بِدُورِهَا الَّتِي حَدَّثَتْ

وَقَرُوضِهَا الَّتِي فَرَضَتْ وَ

وَمَا فِيهَا الَّتِي وَظَفَتْ وَأَوْقَاتِهَا

الَّتِي وَقَّتْ وَأَنْزَلْنَا فِيهَا مَنَزِلَةَ

الْمُصِيبِينَ لِمَنَازِلِهَا الْخَافِظِينَ

لَا تُرْكَأُهَا الْمُؤَدِّينَ لَهَا فِي أَوْقَاتِهَا

عَلَّا سَنَدُ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي رُكُوعِهَا

وَسُجُودِهَا وَجَمِيعِ قَوَائِمِهَا غَلَا

أَتَمَّ الطَّهْرُ وَأَسْبَغَ وَأَبْرَأَ لِلشُّعْرِ

وَأَبْلَغَهُ وَوَقَفْنَا فِيهِ لِأَنْزِلِ

أَرْحَامِنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَاةِ وَأَنْ

نَتَّعَاهِدَ جَمِيعَ أَرْحَامِنَا بِالْعَطِيَّةِ

وَأَنْ يَخْلَصَ أَمْوَالُنَا مِنَ التَّبِعَاتِ

وَأَنْ نُطَهَّرَ بِهَا بِجُرَاجِ الرُّكُوعِ

وَأَنْ نُرَاجِعَ مِنْهَا جِرَانًا وَأَنْ

نُنْصَفَ مِنْ ظُلْمِنَا وَأَنْ نُسَالِمَ مَنْ

عَادَانَا خَشِيَ مِنْ عَوْدِي فِيكَ

فَلَكَ فَإِنَّ الْعَدُوَّ الَّذِي لَا تَقَاتِلُهُ

وَالْخَرِبُ الَّذِي لَا يَفِينَا وَأَنْ نَنْقَرَبَ

إِلَيْكَ فِيهِ مِنَ الْأَعْمَالِ الرَّائِيَةِ بِمَا

تُطَهَّرُنَا بِهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَتُعْصِمُنَا

فِيهِ وَمَا تَسْتَأْنِفُ مِنَ الْعُيُوبِ

حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَجْدًا فَلَا يَمْلِكُكَ

إِلَّا دُونَ مَا تُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ

الطَّاعِنَاتِ وَأَنْوَاعِ الْقُرْبَى

إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

هَذَا الشَّهْرِ وَبِحَقِّ تَعْبُدَكَ فِيهِ

مِنْ ابْتِدَائِهِ إِلَى وَقْتِ فَنَائِهِ

مِنْ مَلَائِكَتِهِ أَوْ بَرِيَّتِهِ

أَوْ عَبْدٍ صَالِحٍ أَخْصَصْتَهُ لِي

صَلَّيْتُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَقْبَلْنَا فِيهِ

بِمَا وَعَدْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ

كَرَامَتِكَ وَأَوْجِبْ لَنَا فِيهِ مَا أَوْجَبْتَ

لَاهِلِ الْمَبِيعَةِ فِي ظِلِّ عَتَاكِ وَاجْعَلْنَا

فِي نَظْمٍ مِنْ اسْتِحْقَاقِ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى

بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وَجَعِّدْنَا الْإِحْمَادَ فِي تَوْجِيدِكَ

وَالْتَقْبِيرَ فِي تَجْمِيدِكَ وَأَثْنَكَ

فِي دِينِكَ وَالْعَمَى عَنِ سَبِيلِكَ وَ

الْإِغْفَالَ كَحَمَّتِكَ وَالْإِتِّخَادَ

لِعَدْوِكَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَإِذَا كَانَ لَكَ

فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ لَيْلَةِ شَهْرِنَا

هَذَا رِقَابٌ يُعْقَرُ بِعَفْوِكَ أَوْ يَهْبِئُهَا

صَفْحًا فَاجْعَلْ رِقَابَنَا مِنْ تِلْكَ

الرِّقَابِ وَاجْعَلْنَا كَثْرَتًا مِنْ

خَيْرِهَا وَأَصْحَابِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

الرُّبُوفِ وَأَمْحُزْ نُوبَنَا مَعَ إِحْقَاقِهَا

وَأَسْلُحْ عَنَّا تَبِعَاتِنَا مَعَ انْتِزَاحِ

أَيَّامِهِ حَتَّى يَنْقُضَ عَنَّا وَقَدْ صَفَيْتُنَا

فِيهِ مِنَ الْخَطِيئَاتِ وَأَخْلَصْتُنَا فِيهِ مِنْ

السَّيِّئَاتِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

آلِهِ وَإِنْ بَدَلْنَا فِيهِ فَعَدَلْنَا وَإِنْ

زَعَمْنَا فِيهِ فَقَوْمْنَا وَإِنْ أَشْتَمْنَا عَلَيْنَا

عُدُّوكَ الشَّيْطَانَ فَاسْتَنْقِذْنَا مِنْهُ

اللَّهُمَّ اشْحَذْهُ بِعِبَادَتِنَا يَا كَرِيمٌ
زَيْنًا وَقَاتِرَةً بِطَاعَتِكَ يَا كَرِيمٌ

فِي نَهَارِهِ عَصَا صِيَامِهِ وَفِي لَيْلِهِ عَلَا صَلَاتِهِ

وَالشَّرْعُ إِلَيْكَ وَالْحُشُوعُ لَكَ
وَالذُّرِّيَّةُ بِيَدَيْكَ حَتَّى لَا يَمْتَدَّ

نَهَارُهُ عَلَيْنَا بِغَفْلَتِهِ وَلَا لَيْلُهُ

بِسْمِ اللَّهِ

بِتَفْرِيطِ اللَّهِ وَأَجْعَلْنَا فِي سَائِرِ

الْشُّهُورِ وَالْأَيَّامِ كَذَلِكَ
مَا عَمَرْتَنَا وَأَجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ

الصَّالِحِينَ الَّذِينَ يَرْتَوُونَ الْفِرْكَوَسَ

فَمِنْهَا خَالِدُونَ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ
مَا اتَّقَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجْهَةٌ إِلَى اللَّهِ

رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ وَفِي الَّذِينَ يُسَاعِدُونَ

فِي الْخَيْرَاتِ وَمِنْهَا سَابِقُونَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فِي كُلِّ

وَقْتٍ وَكُلِّ أَوَانٍ وَعَلَى كُلِّ حَالٍ

عَدَا مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ مِنْ صَلَاتِكَ عَلَيَّ

وَأَضْعَافَ ذَلِكَ كُلِّهَا بِالْأَضْعَافِ

الَّتِي لَا حِجْمَ لَهَا غَيْرُكَ أَنْتَ تَعَالَى تَعَالَى

وَكَانَ مِنْ دَعَائِكَ فِي رَجَبٍ وَشَهْرٍ مِصْرَانَ

الخامس
والاربعون

اللَّهُمَّ يَا فِرَّاقَ الْغَيْبِ فِي الْخَيْرِ يَا فَاتِحَ

الْأَيْدِي عَلَى الْعَطَاءِ وَيَا مَنْ لَا

يُكَافِي عَبْدُكَ عَلَى التَّوَابِ مِنْكَ

أَبْتَدَأُ وَعَفْوُكَ تَفْضُلُكَ وَعُقُوبَتُكَ

عَدْلُكَ وَخَضَائِقُ خَيْرُهُ إِنْ أَعْطَيْتَ

لَمْ تَنْسُبْ عَطَاءَكَ بَيْنَ مَنْ مَنَعَتْ

لَمْ يَكُنْ مَنَعُكَ تَعْدِيًا تَشْكُرُ مِنْ شُكْرِكَ

وَأَنْتَ الْهَمَّتْ شُكْرَكَ وَتَكَانِي فُحْمَكَ

وَأَنْتَ عَلِمْتَ حَمْلَكَ تَرَعَلَى مَنْ

لَوْ شِئْتَ فَضَحْتَهُ وَتَجَرَدَ عَلَى مَنْ لَوْ

شِئْتَ مَنَعْتَهُ كَلَامًا أَهْلًا مِنْكَ

لِلْفَضِيحَةِ وَالْمَنْعِ غَيْرَ أَنْكَ سَيْئَتِ

أَضَالَكَ عَلَى التَّفْضُلِ وَاجْرَبْتَ

قُدْرَتِكَ عَلَى التَّجَاوُزِ وَتَلَقَّيْتَ مَنْ

بِعَصَاكَ بِالْحَمْدِ وَأَمَهَلْتَ مَقْصِدَ

لِقَبِهِ بِالظُّلْمِ لَسْتَ تَنْظُرُهُمْ بِأَنَانِكَ

إِلَى الْإِنَابَةِ وَتَتْرِكُ مَعَاجِلَتَهُمْ

إِلَى التَّوْبَةِ لِكَيْ لَا يَهْلِكَ عَلَيْكَ هَؤُلَاءِ

وَلَا يَنْفَعُ بِنِعْمَتِكَ شَقِيمُهُمْ إِلَّا

عَنْ طَوْلِ الْأَعْذَارِ إِلَيْهِ وَبَعْدَ

تَرَادُفِ الْحُجْزِ عَلَيْكَ كَرَامِ عَيْفِكَ

يَا كَرِيمُ وَعَائِدَةٌ مِرْعَطِفِكَ

يَا حَلِيمُ أَنْتَ الَّذِي فَجَّحْتَ لِعِبَادِكَ

بَابًا إِلَى عَفْوِكَ وَسَمِيئَةً إِلَى تَوْبَتِهِ

وَجَعَلْتَ عَزَائِكَ الْبَابَ لِيَلَامِينَ

وَجِيئِكَ لَنَا لِيَصِلُوا عِنْدَ فَتْكَ

تَبَارَكَ اسْمُكَ تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى

نُصْرًا جَائِعِي تَبْكُرُ أَنْ يَكْفُرَ عَيْنُكُمْ

سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَا عَزِدُّ

مَنْ عَقَلَ دُخُولَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ بَعْدَ

فَتْحِ الْبِنَاءِ وَقَامَتِ الدَّلِيلُ وَأَنْتَ الَّذِي

رَزَدْتَنِي فِي السُّؤْمِ عَلَى نَفْسِكَ لِعِجَابِ

تَرْيِيدِ رَجْحِهِمْ فِي مُتَاجِرَتِهِمْ لَكَ

وَفَوْزِهِمْ مِمَّا يَأْتِي بِأَلْفَادِ عَيْلِكَ وَالسِّيْرَةَ

٤٤
الآية
يَوْمَ لَا يَحْزَنُ اللَّهُ
السُّؤْمِ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ
تَوَزُّؤُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ
بِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا
أَتْمِمْ لَنَا نِعْمَتَكَ وَأَوْعِزْ
لَنَا أَنْتَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ
٤٤

مِنْكَ فَقُلْتَ تَبَاكَ اسْمُكَ وَمَتَعَا لَيْتَ

مَنْ جَاءَ بِالْحَنَّةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثْقَالِهَا

وَمَنْ جَاءَ بِالسِّيَةِ فَلَا يَجْرِي

الْأَمْثَلُهَا وَقُلْتَ مِثْلَ الَّذِينَ

يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

كَمِثْلِ حَبَّةِ بَنْتِ سَبْعِ سَنَابِلٍ

فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ

يُضَاعَفُ لِمَنْ شَاءَ وَقُلْتَ مَنْ

ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

فِيضَاعِفْ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً

وَمَا أَنْزَلْتُ مِنْ ظَلَمٍ مِنْ الْقُرْآنِ

مِنْ تَضَاعِيفِ الْحَسَنَاتِ وَأَنَّكَ

الَّذِي دَلَلْتُمْ بِقَوْلِكَ مِنْ

غَيْبِكَ وَتَرغيبِكَ الَّذِي فِيهِ

يُضَاعَفُ

يُضَاعَفُ

عِنْدَكَ

حُظُّهُمُ عِلْفًا لَوْ سَتَرْتُ عَنْهُمْ لَمْ

تَذَرِكُمْ أَبْصَارُهُمْ وَلَمْ تَعْبَهُ

اسْمَاعُهُمْ وَلَمْ تَلْحَقْهُ أَوْهَامُهُمْ

فَقُلْتُ أَذْكُرُ فِي أَذْكَرُكُمْ

أَشْكُرُ وَإِنْ لَأَنْكَرُكُمْ

وَقُلْتُ كَيْفَ تَكْفُرُونَ لَأَنْبِيَاءِكُمْ

وَلَنْ كُفْرَتُمْ أَنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

وَقُلْتُ أَدْعُو فِي اسْتِجَابِ لِكُرَانِ

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ عِبَادَةَ

سَيِّدِ خَلْقٍ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ فَهَمَّ

دُعَائِكَ عِبَادَةَ وَتَرَكْتُ اسْتِجَابَةَ

وَتَوَعَّدْتُ عَلَى تَرْكِهِ وَخَوْلِ

جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ فَذَكَرْتُكَ

بِمَنِّكَ وَشِكْرِكَ بِفَضْلِكَ وَ

رَعْوِكَ بِأَمْرِكَ وَتَصَدَّقُوا لَكَ طَلِبًا

لَمْ يَزِدْكَ وَفِيهَا كَانَتْ نَجَاتِهِمْ

مِنْ عَضْبِكَ وَقَوْمَهُمْ بِرِضَاكَ

وَلَوْلَا مَخْلُوقٌ مَخْلُوقٌ قَامَ نَفْسُهُ

عَلَى مِثْلِ الَّذِي دَلَّتْ عَلَيْهِ عِبَانَا

مِنْكَ كَانَ مَجْمُودًا فَلَكَ الْحَمْدُ مَا

وَجَدْنَا فِي حَمْدِكَ مَذْهَبًا وَمَاتِيًّا لِلْحَمْدِ

٤٦٩
مُوصُوفًا
بِالْإِحْسَانِ وَ
مَنْعُوتًا بِالْإِكْتِسَانِ
وَمَجْمُودًا بِكُلِّ
لِسَانٍ
٥

لَفْظِ تَحْمِيدِهِ وَمَعْنَى نَيْصِرُ إِلَيْهِكَ

تَحْمِيدًا لِعِبَادِهِ بِالْإِحْسَانِ وَالْفَضْلِ

وَعِزِّهِ بِالْمِنْ وَالطَّوْلِ مَا أَقْبَى فِينَا

فِعْمَتِكَ وَأَسْبَغَ عَلَيْنَا مَنَّتَكَ وَخَصَّنَا

بِرِّكَ هَدَيْتَنَا لِذِيكَ الَّذِي

اصْطَفَيْتَ وَمَلَئْتَ الْبَقِيَّةَ

أَمْ تَرْضَيْتَ وَسَبِيلَكَ الَّذِي سَهَّلْتَ

وَبَصَّرْنَا الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ وَالْوُجُوهَ

الْبِكْرَامِ بِكَ اللَّهُمَّ وَأَنْتَ

جَعَلْتَ مِنْ صَفَائِنَا نِكَاحَ الْوُطْأِ

وَبَعْضُ أَهْلِ الْفُرُوشِ مَصْنَعِ الَّذِي

اخْتَصَّصْتَهُ مِنْ سَائِرِ الشُّهُورِ

وَتَخَيَّرْتَهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَزْمِنَةِ وَ

الدُّهُورِ وَأَثَرْتَهُ عِلَاكًا لِقَا السَّنَةِ

بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَالنُّورِ

صَلَعْتَ فِيهِ مِنَ الْإِيمَانِ وَفِي

فِيهِ مِنَ الصِّيَامِ وَدَعَبْتَ فِيهِ

فِي الْقِيَامِ وَأَجَلَلْتَ فِيهِ زِينَةَ الْقَدَمِ

الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنَ الْفِشْرِ ثُمَّ أَفْرَأَ

بِهِ عَلَى سَائِرِ الْأَكْمَامِ وَأَصْطَفَيْتَنَا

بِفَضْلِهِ دُونَ أَهْلِ الْمَلِكِ فَصَمْنَا بِأَمْرِكَ

نهارك وبقينا بعونك ليلته متغيرين

بصيام وقيام لم نعزتنا
من نعمتك وتبيننا اليه من

مشورتك وانت المولى بما رغبت فيه

اليك الجوار بما سئلت من فضلك
القريب الي من حاول قربك وقد

اقام فينا هذا الشهر مقام حمدك

وَسَيِّدِنَا

الْحَمْدُ

صحبنا صحتة مبرور ولبجنا هفت

ارباح العالمين ثم قد فارقتنا
عند تمام وقته وانقطع مدد

ووفاء عذاره فخر مودعوه واداع

من عز فرام علينا وعنا واو
انصراف عنا ولزمنا له الذمام

المحفوظ والحق الموعود والحق

وَصَحْبَتِكَ
سُرُورِ
وَأَرْبَابِنَا

المقضى فنجح قائلو السلام عليك

يا شهر الله الأكرم ويا عيد

أولياءه السلام عليك يا أكرم

مضجوب من الأوقات ويا خير

شهر في الأيام والساعات السلام

عليك من شهر قرنت فيه الأمان

ونشرت في الأعمال السلام عليك

الأكرم

الإعظم

قرنت

ونشرت

مزين جلا قدره موجودا و الفج

فقد مفقودا السلام عليك

من اليقات مستقبله واخص

منقضا فطر السلام عليك فمجاوا

رقت في القلوب وقلت في الدنيا

السلام عليك من ناصر اعان على

الشيطان وصياحه سبيلك احسنا

و جمع

و جمع

مقيلا

مدبرا

مدبرا

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عِتْقَاءَ اللَّهِ

فِيكَ وَمَا سَعَدَ مَنْ رَعَى حَقَّكَ

بِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْسَنَ

لِلذُّنُوبِ وَأَسْرَكَ لِأَنْوَاعِ الْعُيُوبِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا كَانَ أَطْوَلَكَ

عَلَى الْجُرْمَيْنِ وَأَقْسَبَكَ فِي صُلُوحِ

الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي شَهْرِ رَجَبِ

تُنَافِسُهُ أَيَّامَ السَّلَامِ عَلَيْكَ فِي شَهْرِ

هُوَ مِنْ كَلِمَاتِ السَّلَامِ

عَلَيْكَ غَيْرُ كَرِيمٍ لِلصَّالِحِينَ

وَلَا زِمِيمٍ لِلْمَلَائِكَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

كَأَوْفَدَتْ عَلَيْنَا بِالْبُرُكَاتِ

وَعَمَلَتْ عِنَادَتَنَا لِلخَطِيئَاتِ

السَّلَامُ عَلَيْكَ غَيْرُ مَوْجِعٍ بَرًّا

سَلَامٌ

وَلَا تُشْرِكْ صَيَّاسًا مَا السَّلَامُ

عَلَيْكَ مِنْ مَطْلُوبٍ قَبْلَ وَقْتِهِ

وَمُحْرَمُونَ عَلَيْهِ قَبْلَ قِيَامَةِ السَّلَامِ

عَلَيْكَ كَمَا فَسَوْا صِرْفًا بِعَيْنَانَا

وَكَمْ مِنْ خَيْرٍ أَفْضَلَ بِكَ عَلَيْنَا

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِكَ الْقُدُّ

الَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنَ الْفُشْرِ السَّلَامِ

بعْد

عَلَيْكَ

عَلَيْكَ مَا كَانَ أَحْرَصْنَا بِالْأَمِينِ عَلَيْكَ

وَأَشَدَّ شَوْقًا غَدَا إِلَيْكَ السَّلَامُ

عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الَّذِي حَرَمْنَا

وَعَلَى مَا ضَرَفْنَا مِنْ بَيْنِ كَانَتْ سُلْبَانَا

اللَّهُمَّ إِنَّا أَهْلُ مَدَا التَّهْمِ الَّذِي

شَرَقْنَا بِهِ وَوَقَفْنَا بِمَنْكَ كَلِمَةَ

حِينَ جَهَلْنَا الْأَشْقِيَاءَ وَقَتَرُوا حُرْمَتَنَا

لِسِقَامِهِمْ فَضْلُهُ أَنْتَ وَرِثَا

أَثَرْتَنَا بِهِ مِنْ بَعْرِفَتِهِ وَهَدَانَا
لَهُ مِنْ سُنَّتِهِ وَقَدْ تَوَلَّيْنَا بِنُورِهَا

سُنَّتِهِ

صَيَاوِقِنَا عَلَى تَقْصِيرِ أَدْيَانِنَا

فِيهِ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرِ اللَّحْمِ
فَلَا تَحْمَدُوا قَرَارًا بِالْإِسَاءَةِ وَاعْتَرَفُوا

بِالْإِضْيَاعِ وَلَكِنْ قُلُوبُنَا عَقْدُ

الذَّمِّ وَمِنْ أَسْتِنَا صِدْقُ الْإِعْتِدَارِ

فَأَجْرْنَا عَلَى مَا أَصَابَنَا فِيهِ مِنْ
التَّقْرِيبِ أَجْرًا يَسْتَذْكُرُ بِهِ الْفَضْلَ

تِقَاتُ

الْمَرْغُوبِ فِيهِ وَنِعْتَا صُرْبِهِ مِنْ أَنْوَاعِ

الذُّخْرِ الْمَجْرُوعِ عَلَيْهِ وَأَوْجِبْنَا
عُذْرَكَ عَلَى مَا قَصَّرْنَا فِيهِ مِنْ حَقِّكَ

المحروص عليه

وَأَبْلُغْ بِأَعْمَارِنَا مَا بَيْنَ أَيْدِينَا مِنْ شَيْءٍ

رَمَضَانَ الْمُقْبِلِ فَإِذَا بَلَغْتَنَا فَلَغْنَا

عَلَى تَنَاوُلِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنْ

الْعِبَادَةِ وَادِّئْنَا إِلَى الْقِيَامِ بِمَا

يَسْتَحِقُّهُ مِنَ الطَّائِعَةِ وَأَجْرِنَا مِنْ

صَاحِجِ الْعَوْلِ مَا يَكُونُ دَرَكًا

لِحَقِّكَ فِي الشَّهْرِ مِنْ شَهْرِ الدَّهْرِ

اللَّهُمَّ مَا الْمُنَابِئُ فِي شَهْرِنَا هَذَا

وَادِّئْنَا
إِلَى الْقِيَامِ
بِمَا نَسْتَحِقُّهُ

اللَّهُمَّ

فَلَمَّا أَوْثَرْنَا وَقَعْنَا فِيهِ مِنْ ذَنْبِ

وَإِكْتِسَابِ فِيهِ مِنْ خَطِيئَةٍ

عَلَى تَعَدُّ مَنَّا أَوْ عَلَى الْبَيِّنَاتِ فَلَمَّا

فِيهِ أَنْفُسَنَا أَوْ أَنْتَرَكَ نَابِئُ حُرْمَتِهِ

مِنْ غَيْرِ نَافِصِلٍ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

اسْتَرْزَأَ بِيَّتْرِكَ وَأَعْفُفْنَا بِعَفْوِكَ

وَلَا تَضَيِّدْنَا لِإِعْيَانِ الشَّامِتِينَ وَلَا

تَبَسُّطِ عَلَيْنَا فِيهِ السُّرُّ الطَّاعِينَ وَ

اسْتَعْمَلْنَا بِمَا يَكُونُ رُحْمَةً وَكَفَّارَةً

لِمَا أَنْ كَرِهْتَ مِثْلَافِيهِ بِرَأْفَتِكَ الَّتِي

لَا تَشْفَدُ وَفَضْلِكَ الَّذِي لَا يَنْقُصُ اللَّهُمَّ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْزِئْ مِصِيبَتَنَا

بِنِعْمَتِكَ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِ عِيدِنَا

وَفِطْرَانَا وَاجْعَلْهُ مِنْ خَيْرِ نِعَمِكَ عَلَيْنَا

اللذيق
للذوق

اجْلِبِهِ لِعَفْوِ وَأَمْحَاهُ لِدُنْبِ وَتَعْفُرْنَا

مَا خَفِيَ مِنْ دُونِنَا وَمَا عَلَنَّا اللَّهُمَّ

اسْلُخْنَا بِإِنْبَازِ خِزْمَةِ هَذَا النَّفْسِ مِنَ

خَطَايَانَا وَأَجْرِجْنَا بِخُرُوجِ حِمَمِنَا

سَيِّئَاتِنَا وَاجْعَلْنَا مِنْ أَسْعَدِ عَمَلِكِ

بِهِ وَاجْزِئْهُمْ قَمَائِفِيهِ وَأَوْفِرْهُمْ

حَطَامَتِ اللَّهِ وَمِنْ سُرْعَى حَوْثِنَا

الشه حرق رعايتي وحفظ حرمته حرق
 حفظها وقام بجذوره حرق قيامها
 واقفى ذنوبه حرق تقاها او تقرب
 اليك بقرنتي او جيت رضاك كم
 عطفت رحنك عليه فهب لنا
 مثله من رحنك واعطنا الصغائر
 وفضلك فان فضلك لا يعيذ

اوجبت

ان حرايتك لا تنقص بك تفيض وان
 معادن احسانك لا تقنى وان
 عطاءك للعطاء المهني اللهم
 صد على محمد وال واكتب لنا مثل الجود
 من صامه او تعبده لك فيه الى
 يوم القيمة اللهم انا نتوب اليك
 في يوم فطرنا الذي جعلته للؤمنين

سني
العطاء المهني

عِيدًا وَسُرُورًا وَوَلَاهِدًا مِلَّتِكَ مَجْمَعًا

وَمَحْتَدًا مِنْ كَلِّ ذَنْبِنَا

أَوْسَوْا سَلْفَنَاهُ أَوْ خَاطِرِ شَرِّ

أَضْمَرْنَا تَوْبَةً فَرَاغَ لِنَطْوِي عَلَى رُجُوعِ

إِلَى ذَنْبِكَ لَا يَعُودُ بَعْدَهَا فِي حُكْمِنَا

تَوْبَةٌ نَصُوحًا خَلَصَتْ مِنَ الشُّكِّ

وَالْأَمْرِيَا فَتَقَبَّلْهَا مِنَّا وَارْضَ عَنَّا

وَبِتَّنَائِعِكُمَا اللَّهُمَّ فَرِحْنَا بِفَيْدِكَ

الْوَعِيدِ وَشَوْقًا تَوَابِ الْمَوْعُودِ

حَتَّى يَجِدَ لَدُنَّا مَا نَدْعُوكَ بِهِ وَكَابِتَةً

مَا اسْتَجَبْنَا مِنْهُ وَأَجْعَلْنَا بِعِنْدِكَ

مِنَ التَّوَابِينَ الَّذِينَ أَوْجَبَتْ لَهُمْ

مَحَبَّتَكَ وَقَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةَ

طَاعَتِكَ يَا أَعْدَالَ الْعَادِلِينَ اللَّهُمَّ

تجاوز عن آياتنا وأمرنانا وأهد

ديننا جميعاً من سلفنا من

غير اليوم القيمة اللهم صل على

محمد نبينا والركم صليت على ملائكتك

المقرين وصل عليه وآله كما

صليت على أنبيائك المرسلين

وصل عليه وآله كما صليت على عيالك

الصالحين وأفضل من ذلك آيات

العالمين صلوة تبلغنا بركتها

وينا لنا نفعها ويحبها لها

دعاء وإنك أكرم من رغب اليه

أكنى من توسل عليه وعلى

من سئل من فضله وانت على كل

وكان في دعائه شئ قدس عليه السلام

وغيرها

الصالحين
والدعوات

فِي يَوْمِ الْفِطْرِ إِذَا أَنْصَرَفْتَ مِنْ صَلَاتِكَ قَامًا

قَائِمًا تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ

فِي يَوْمِ الْحَجَّةِ فَقَالَ

يَا فَرِيدَ حَمْدِكَ يَا رَحْمَةَ الْعِبَادِ يَا ثَقِيلَ

مَنْ لَا تَقْبَلُهُ الْبِلَادُ وَيَا مَنْ لَا يَحْتَجِرُ

أَهْلُ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ وَيَا مَنْ لَا يَحْتَجِبُ

الْمَلْحِينَ عَلَيْهِ وَيَا فَالْأَجْمَبُ بِالرَّاهِدِ

إذا
أنصرف من
صلوة العدين أو
صلوة الحجّة فعد
استقبل القبلة
وقال

الَّذِي عَلَيْهِ وَيَا فَتَحْتِي صَغِيرًا

يُخَفِّبُهُ وَيَتَكَبَّرُ كَيْسَرًا يُعْجَلُ

لَهُ وَيَا مَنْ يَتَكَبَّرُ عَلَى الْقَلِيلِ وَيُجَانِبُ

بِالْجَلِيدِ وَيَا فَزِيدُنَا إِلَى فَرْقِنَا مِنْدُ

وَيَا مَنْ يَدْعُو إِلَى أَنْفُسِهِ مِنْ أَدْبُرِ

عَنْهُ وَيَا مَنْ لَا يَغَيِّرُ النِّعْمَةَ وَلَا

يُبَادِرُ بِالنِّقْمَةِ وَيَا فَتَحْتِي الْحَسَنَاتِ حَتَّى

لا يَحْتَوِي

يُنْمِيهَا وَيَتَجَاوَزُ عَنِ السَّيْرِ حَتَّى يُعْقِبَهَا

أَضْرَمْتَ	الْأَمْالَ دُونَ مَذَى كَرَمِكَ
بِالْحَاجَاتِ	وَأَمْثَلَتْ بِفَيْضِ جُودِكَ

أَضْرَمْتَ

أَوْعَيْتِ الطُّلُبَاءَ وَفَسَّخْتِ كُؤُوبَهُمْ

تَعْنِكَ	الْصِّفَاتُ فَلَاكَ الْعُلُوقُ
الْأَعْلَى	فَوْقَ كُلِّ عَالٍ وَالْجَلِيلُ

الْأَعْجَدُ فَوْقَ كُلِّ جَلِيلٍ كَأَجْلِي عِنْدَكَ

صَغِيرٌ وَكُلُّ شَرِيفٍ فِي حَنْبِ شَرَفِكَ

حَقِيرٌ	خَابَ الْوَاقِدُونَ عَلَى غَيْرِكَ
وَحَسْرَةُ	الْمُتَعَرِّضُونَ الْإِلَّاكَ وَضَائِعٌ

الْمَلْمُؤُا إِلَيْكَ وَاجْتَدِبِ الْمُنْتَجِعُونَ

الْأَمِينُ	انْتَجَعَ فَضْلَكَ بِأَبْكَ مَفْضُوحٌ
لِلرَّاغِبِينَ	بِجُودِكَ مَبَاحٌ لِلثَّلَاثِينَ

وَإِعْاشَتِكَ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمُسْتَعِينِينَ

لَا يَخِيْبُ مِنْكَ الْإِمْلَؤُا وَلَا يَيْئُسُ

عَطَاؤُكَ الْمُبْتَعِرُضُونَ وَلَا يَنْفَقُ

بِنِعْمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ رِزْقَكَ

مُبْسُوطٍ لِمَنْ عَصَاكَ وَجَلَمَكَ

مُعْتَرِضِينَ نَاوَاكَ عَادُونَكَ الْإِحْسَانُ

إِلَى الْبُيُوتِ الْبُيُوتِ الْبُيُوتِ الْإِبْقَاءُ

عَلَى الْمُعْتَدِينَ حَتَّى لَقَدْ عَرَفْتُمْ أَنَّكَ

مُعْتَرِضِينَ
مُعْتَرِضِينَ

عَنِ الرَّجُوعِ وَصَدَقُوا مَهَالِكًا عَنِ

الْتِرَاعِ وَإِمَاتَاتٍ نَبِيَتْ بِهِمْ لِيَفِيُوا

إِلَى أَمْرِكَ وَأَهْلَتَهُمْ نَفَقَةٌ بَدُوا

مُدْرِكًا فَمَنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ

خَمَّتْ كِبَرُهَا وَمَنْ كَانَ

مِنْ أَهْلِ الشَّقَاةِ خَذَلَتْهُ

الشَّقَاةِ

لَهَا كَلِمَةٌ صَائِرَةٌ إِلَى الْحِكْمِ

الاء

وَأَمُورُهُمْ أَيْلَتًا إِلَى الْإِفْرَاقِ لَمْ يَنْهِنِ عَنِ

طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطَانُكَ وَلَقَدْ جِئْتَهُ

لِتَرْكِ مُعَالَجَتِهِمْ بَرُوسَانِكَ ^{مُحَمَّدًا}

قَائِمَةً لَا تَدْخُرُ سُلْطَانُكَ ثَابِتٌ

لَا يَزُولُ فَالْوَيْلُ لِلدَّائِمِ لِمَنْ يَخْجِجْ

عَنْكَ وَالخَيْبَةُ الْفَارِذُ كَلِمَتٌ

جَابِ مِنْكَ وَالشَّقَاءُ الْأَشْقَى لِمَنْ أَعْتَرَى

ب.

بِكَ فَأَكْثَرَ تَصَرُّفِي فِي عِذَابِكَ وَمَا

أَطُولُ تَرَدُّدِهِ فِي عِقَابِكَ وَمَا

أَبْعَدُ غَايَتِهِ مِنْ الْفَرَجِ وَمَا

أَقْظُهُ مِنْ سَمِوَلَتِ الْخُرُوجِ عِدَاكَ ^{فَقَضَا}

لَا يَجُورُ فِيهِ وَإِنِصَافًا مِنْ جُحُومِكَ

لَا يَحْيِفُ عَلَيْكَ فَقَدْ ظَاهَرَتْ الْحُجُجُ

وَأَبْلَيْتِ الْأَعْدَاءُ وَقَدْ تَقَدَّمَتْ بِلَا عَيْدٍ

وَتَلَطَّفْتَ فِي التَّغْيِيبِ وَضَرَبْتَ الْأَمثالَ

وَاطَّلَيْتِ لِأَمِّهِ نَالَ وَأَجْرَتْ وَأَنْتِ

مُسْتَطِيعٌ لِلْعَاجِلَةِ وَتَأْتَيْتِ وَ

أَنْتِ مَلِيٌّ بِالْمَبَادِرَةِ لَمْ تَكُنْ إِنْ أَنْتِ

عَجْرًا وَلَا إِمَامًا لَكَ وَهَنَا وَلَا

إِمْسَاكَ كِغْفَلَةً وَلَا انْتِظَارًا

مُدَارَاةً بَلْ لَتَكُونِ مَجْحَمًا أَيْبَغُ وَكَرْمًا

أَكْمَلُ وَأَجْسَانِكَ أَوْ فِي وَبِعْمَنِكَ أَلْتَمَكَّنْ

ذَلِكَ كَانَ وَلَمْ تَزَلْ وَهُوَ كَمَا

وَلَا تَزَالُ حَجْنُكَ كَجَلٍ مِنْ أَنْ تَوْصَفَ

بِكُلِّهَا أَوْ مَجْدِكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُجَدَّ

بِكُنْهٍ وَبِعْمَنِكَ أَكْثَرُ مِنْ

أَنْ تُحْصَى بِأَسْرِهِمْ وَأَخْسَانِكَ

أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُشْكِرَ عَلَى أَقْلِهِ وَقَدْ قَصُرَ فِي

بعض
لنفس
لا اله الا الله
محمد

السكوت عن تجديك وفهمني الانسان

شفهني

عن تجديك وتصاري الاقارار

بالحور لا رغبة لنا الهى بل عجزا

السكوت
عن تجديك بنا
انتاهله لا
رغبة

فها انذا اومك بالوفادة واسئلك

حسن الرفادة فصل على محمد

اله واسمع نجوى واستجب دعائى

ولا تخمروني بخيبتى ولا تجهني

بالرد في مسالتى واكرم من عندك منظرى

واليك منقلبي اناك غير ضائق

بما تريد ولا عاجز عما تسئل

انت على كل شئ قدير ولا حول

ولا قوة الا بالله العلي العظيم

وكان فردى عامر علينا

السلم في يوم عرفته

السابع
والاكرهون

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

يُدْبِعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَالْجَلَدِ
وَالْأَكْرَامِ رَبِّ الْأَبْوَابِ

وَالرُّكُلِ وَالْوَهِّ وَجَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ وَوَارِثِ

كُلِّ شَيْءٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَلَا
يَعْرُبُ عَنْهُ عِلْمُ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ

مُحِيطٌ وَهُوَ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ أَنْتَ

قَدِيرٌ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَعْدَمُ الْمُتَوَكِّلُ الْفَرْدُ

الَّذِي

الْمُسْتَفَرِّدُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ الْكَرِيمُ الْمَتَكَبِّرُ الْعَظِيمُ

الَّذِي

الْمُبْتَغِثُ الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ وَأَنْتَ اللَّهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ
الشَّدِيدُ الْمَحَالِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ

الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ

وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ وَأَنْتَ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي فِي عُلُوِّهِ

وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ وَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

إِلَّا أَنْتَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ

وَالْكَرْبِ بَرِيءٌ وَكَمُحْدٍ وَأَنْتَ اللَّهُ

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ

مِنْ غَيْرِ سَخِّحٍ وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ

مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ وَابْتَدَعْتَ الْبَشَاءَ

بِلَا أَحْتِدَاءٍ أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ

شَجْحٍ

شَيْءٍ تَقْدِيرًا وَتَيْسِيرًا
كُلِّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا

وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا
أَنْتَ

الَّذِي لَمْ يُعِزَّنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكٌ

وَلَمْ يُوَازِكَ فِي أَمْرِكَ وَزَيْرٌ لَمْ يَكُنْ

لَكَ مُشَاهِدٌ وَلَا نَظِيرٌ أَنْتَ الَّذِي

أَرَدْتَ وَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ

وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ

مَادَبَّرْتَ

مُشَابِهٌ

وَحِكْمَتٌ فَكَانَ نَصِيفًا مَا حَكَمْتَ

أَنْتَ الَّذِي لَا يَجُوبُكَ مَكَانٌ وَلَمْ

يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ وَلَمْ

يُعِزَّنِكَ بِرُهَانٍ وَلَا بَيَانٍ أَنْتَ الَّذِي

أَخْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدْدًا وَ

جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا وَ

قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ

الاولهام عن ذابتك وعجرت الامنا

عن كيفيتك ولم تدرك

الابصار موضع اينتك انت

الذي لا تحدفكون محودا ولم

تمثل فتكون موجودا ولم تلد

فكون مولودا انت الذي لا

ضد معك فيعاندك ولا عدل فيك اشر

ولاندك فيعارضك انت الذي

ابتدا واخترع واستحدث

وابتدع واخسن صنيع ما صنع

سبحانك ما احشاشانك واسنانا في

الاملا كن مكانك واصدع

بلحى فرقانك سبحانك من لطيف

ما الطفك ودوف ما ارفك و

حِكْمِهِ مَا اعْرَفَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ

مَلِكٍ مَا اَمْنَعَكَ وَجُودِ مَا

اَوْسَعَكَ وَرَفِيعِ مَا اَرْفَعَكَ

ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكَرْبَاءِ

وَالْحَمْدُ سُبْحَانَكَ كَبُطَّتِ بِلَحَائِثِ

يَدِكَ وَعُرِفَتْ الْهُدَايَةُ مِنْ

عِنْدِكَ فَمَنْ التَّمَسَّكَ لَدَيْنِ اَوْ دُنْيَا

وَجِدِكَ سُبْحَانَكَ خَضِعْ لَكَ وَهَجِي

فِي عِلْمِكَ وَخَشِعْ لِعَظَمَتِكَ

مَا دُونَ عَرْشِكَ وَاَنْقَادًا لِلشَّيْءِ

لَكَ كَمَا خَلَقَكَ سُبْحَانَكَ لَا تَحْتَرُ

وَلَا تَحْتَرُ وَلَا تَمُتُ وَلَا تَكَادُو

لَا تَمُاطُ وَلَا تَتَنَزَعُ وَلَا تَجَارِي

وَلَا تَمُارِي وَلَا تَجَادِعُ وَلَا تَمُاكَرُ

وَلَا تَحْتَاطُ
وَلَا تَمُاطُ وَلَا تَمُارِي وَلَا تَمُاكَرُ

سُبْحَانَكَ سَبِيحُكَ جَدُّو وَأَمْرُكَ

رَشْدُكَ وَأَنْتَ حَيُّ صَمَدٌ سُبْحَانَكَ تَعَالَى

حُكْمُكَ وَقَضَائِكَ حَقْمٌ وَإِرَادَتُكَ

عَظْمٌ سُبْحَانَكَ لَا رَأْيَ لِمَشِيئَتِكَ وَ

لَا مَبْدَأَ لِكَلِمَاتِكَ سُبْحَانَكَ

بَاهِرَ الْآيَاتِ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ بَارِي

السَّمَاوَاتِ الْحَمْدُ لَكَ أَيُّهَا الْمَوْلِيُّ

قاهر الأرباب

وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ وَكَ

الْحَمْدُ حَمْدًا يُؤَاوِي صُنْعَكَ وَكَ

الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ

وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ

وَشُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ

شَاكِرٍ حَمْدًا لَا يَنْبَغِي إِلَّا لَكَ وَلَا

يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ حَمْدًا يُسْتَدْرَكُ

بِالْأَوْلَى وَيَسْتَدْعِي بِمَدَامِ الْإِخْرَاقِ

حَمْدًا يَتَضَعُ عَلَى كُرُورِ

الْأَرْضِ وَيَتَزَايِدُ لضعافًا مَرَادُ

حَمْدًا يَعْرِجُ عَنْ لِحْصَانِ الْكَفْظَةِ وَيَزِيدُ

عَلَى مَا الْهَضْبَةُ فِي كِتَابِكَ

الْكُتُبَةِ حَمْدًا يُوَازِنُ عَنْ شَكِّ الْمَجْدِ

وَيُعَادِلُ كُرْسِيَّكَ الرَّفِيعِ حَمْدًا يَكْمُلُ

لَدَيْكَ ثَوَابُهُ وَيَسْتَعْرِقُ كُجْرَانَهُ

جَزَائِرُ حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَقَوْلُهُ لِبَاطِنِهِ

وَقَوْلُهُ لِدَقِ النَّيْتِ حَمْدًا لَمْ يَحْدِكْ

خَلْقٌ مُشْدِقٌ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ فَضْلَهُ

حَمْدًا يُعَانُ مِنَ لِحْمَةِ مَدَى تَعْدِيدِهِ

وَيُؤْتِدُ مِنَ غَرَقِ نَزْعَانِي تَوْفِيقِهِ

حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ وَيَنْتَظِرُ

وَأَمَّا هَذَا

المقرب افضل صلواتك وبارك عليه



اَمْ بَرَكَاتِكَ وَتَدْتُمْ عَلَيْهِ

اتَّبِعْ رَحْمَتَكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ



الصلوة نركية لا تكون صلوة انك



منها وصل عليه صلوة نامية

لا تكون صلوة اني منها وصل عليه



صلوة مرضية لا تكون صلوة فوقها

رَبِّ صَلِّ عَلَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً تُرَضِّيهِ

وَتَزِيدَ عَلِي رِضَاهُ وَصَلِّ عَلِيهِ صَلَوةً

تُرَضِّيكَ وَتَزِيدَ عَلِي رِضَاكَ كَرُو

صَلِّ عَلِيهِ صَلَوةً لَا تُرَضِّي لِمَا إِلَّا بِرَأَاؤِهَا

تَرَى غَيْرُهُ لَهَا أَمَّا رَبِّ صَلِّ عَلِي

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ

وَيَصِلُ أَقْصَاهَا بِقَائِلِكَ وَلَا يَنْقُذُ

كَمَا لَا يَنْقُذُكَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّ صَلِّ عَلَ مُحَمَّدٍ

وَآلِهِ صَلَوةً تَنْظُمُ صَلَواتِ مَلَائِكَتِكَ

وَإِنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ

وَتَشْتَمِدُ عَلَ صَلَواتِ عِبَادِكَ فَرِحَ بِكَ

وَإِنْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ وَتَجْمَعُ عَلَ

صَلَوةً كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ

فَرَأَيْتَ إِذَا خَلَقَكَ رَبِّ صَلِّ عَلِيهِ وَآلِهِ

صَلَوَاتُكَ تُجِطُّ بِرُكُوكِ صَلَاةٍ سَأَلْتَهُ

وَمُسْتَأْنَفَةٍ وَصَلَّ عَلَيْهِ وَعَلَى

إِلَهٍ صَلَاةٌ مُرَضِيَةٌ لَكَ وَلِإِنِّ

رُؤُوسَكَ وَتُنَشِّئُ مَعَهُ ذَلِكَ صَلَاةً تَقْضَى

مَعَهَا نِصَابُ الصَّلَاةِ عِنْدَهَا وَ

تَبْرِيْدُهَا عَلَى كَثْرَةِ الْأَيَّامِ زِيَادَةً

فِي تَضَاعُفٍ لَا يُحْصِيهَا إِلَّا عِدْمَا

تَضَاعُفٍ

غُيُوكِ رَبِّ صَلِّ عَلَى طَائِفِ أَهْلِ بَيْتِهِ

الَّذِينَ لَحَرَّتْ لَهُمْ لِأَمْرِكَ وَجَعَلْتَهُمْ

حُرَّةً عَلَيْكَ وَمَخْطَاةً دِينِكَ وَ

خَلْفَانِكَ فِي أَرْضِكَ وَحُجَّكَ عَلَى عِبَادِكَ

وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرِّجْسِ وَالذَّنْبِ

تَطْهِيرًا بَارَادَتِكَ وَجَعَلْتَهُمْ الْقِيَامَةَ

إِلَيْكَ وَالْمَسَلَكَ الْجَنَّةِ رَبِّ صَلِّ

صَاعِدًا مُجِدِّدًا وَالصَّلَاةَ تُجْرِلُهَا

مِنْ نَجْحِكَ وَكَدَامَتِكَ وَكُلِّهَا
لَهُمُ الْأَشْيَاءُ مِنْ عَطَايَاكَ وَغَوَا

وَتَوْفُرَ عَلَيْهِمُ الْخَطْفُ عَوَائِدِكَ وَ

قَوَائِدِكَ رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
صَلَاةً لَا أَمْدَ فِي أَوْهَا وَلَا غَايَةَ

لَا مَدَاهَا وَلَا نَيْتَ لِأَخْرَاجِ رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ

بسم

بِرَبِّكَ عَشْرَتِكَ وَمَا دُونَهُ وَمَا لَمْ يَكُنْ

وَمَا قَوْفُكُمْ وَعَدَدَ أَرْضِيكَ وَ
مَا تَحْتَهُمْ وَمَا بَيْنَهُمْ صَلَاةً تَقْرَأُ

مِنْكَ زُلْفَى وَتَكُونُ لَكَ وَهُمْ رَضَى

وَمُتَّصِلَةً بِنَظَائِرِهِمْ أَيْدِي اللَّهِ
أَنَّكَ أَيْدِي دِينِكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ

بِأَمَامِهِ أَقْبَسْتُ عَلَيْكَ الْعِجَابَ وَمَنَارًا

فِي بِلَادِكَ بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ جَبَلَهُ

بِحَبْلِكَ وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى

رِضْوَانِكَ وَأَفْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ

وَحَدَرْتَ مَعْصِدَتَهُ وَأَهْرَتْ بِأَمْتِقَالِ

أَوْامِرِهِ وَالْإِنْتِهَاءَ عِنْدَ نَهْيِهِ

وَالْإِتْقَادَ مَعَ مُتَقَدِّمِهِ وَلَا يَتَأَخَّرُ

عِنْدَهُ مَتَأَخَّرَ فَهُوَ عَصِيَّةُ الْإِلَهِيِّينَ

وَكَهْفِ الْمُؤْمِنِينَ وَعُرْوَةِ الْمُتَّقِينَ

وَبَهَاءِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ

لِقَوْلِكَ شُكْرًا نَأْتِي بِرِعَائِنَا

وَأَوْزِعْنَا مِثْلَ فَيْرٍ وَأَثَرٍ مِنْ لَدُنْكَ

سُلْطَانًا نَصِيرًا وَأَفْتَحْ لَنَا فَتْحًا

يَسِيرًا وَأَعِزَّنَا بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ

وَأَشْدُدْ أَرْوَاقَ عَضُدِهِ وَرَاعِبِ

مَحْفَا

بِعَيْنِكَ وَأَحْمَدُ بِحِفْظِكَ وَأَنْصُرُهُ

بِمَلَأَتْ كِتَابَكَ وَأَمَلَدُهُ بِمُجَدِّدِكَ

الْأَغْلَبِ وَأَقْرَبِهِ كَمَا بَكَ وَحُدُودِكَ

وَشَرَّائِعِكَ وَسُنَنِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ

اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَاللَّهُ وَأَحْسِبْ مَا أَنَا

الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ وَ

أَجَابِي صَدَاءَ الْخَيْرِ عَنْ طَرِيقِكَ

وَابِنِ بِي الضَّأِ فِي سَبِيلِكَ وَأَنْزِلْ بِي

التَّوَكُّلِينَ عَنِ حِرْطِكَ وَأَمْحَقْ

بِهِ بُغَاةَ قُصْدِكَ عَوَجًا وَالرِّبَّ

جَانِبِي لِأَوْلِيَاءِكَ وَأَبْطِئِدُهُ عَاغِدًا

وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَ

تَعَطُّفَهُ وَنَحْتَهُ وَاجْعَلْنَا لَهُ

سَامِعِينَ مُطِيعِينَ وَفِي رِضَاةٍ

سَاعِينَ وَالْمُضْتَرِّ وَالْمُدَافِعَةِ

عَنْهُ مُكِنِّينَ وَإِلَيْكَ وَإِلَى

رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ

وَالْبَيْدِ ذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ اللَّهُمَّ وَصِدِّعًا عَلَ

أَوْلِيَانَهُمُ الْمُعْتَرِينَ بِمَقَامِهِمْ

الْمُتَّبِعِينَ مِنْهُمْ الْمُقْتَفِينَ أَنَاذِرْهُمْ

الْمُسْتَسْكِينَ بِعَرَفَتِهِمُ الْمُتَسْكِينَ

سَاعِينَ
مُتَقَرِّبِينَ

بِوَالِيَتِهِمُ الْمُؤْتَمِرِينَ بِإِقَامَتِهِمُ الْمُسْلِمِينَ

لَا يَمُرُّ الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ

الْمُنْتَظَرِينَ أَيَّامَهُمْ لِمَا بَيْنَ إِلَيْهِمْ

أَعْيُنُهُمُ الصَّلَوَاتِ الْمُبَارَكَاتِ

الزَّاكِيَاتِ يَا وَسِّمَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى

أَرْوَاحِهِمْ وَاجْمَعِ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ

وَاصْلِحْ لَهُمْ شُؤْنَهُمْ وَتُبَّ عَلَيْهِمْ مِنْ

النَّاسِ وَالْعَالَمِينَ
الْمُنْتَظَرِينَ

أَنْتَ أَنْتَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ وَخَيْرُ

الْغَافِرِينَ وَبِجَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ

السَّلَامِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفْتَهُ يَوْمَ شَرَّفْتَهُ

وَعَظَّمْتَهُ لَشَرِّتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ

وَمَنْنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ وَكَجَرَّتْ

فِيهِ عَطِيَّتُكَ وَتَفَضَّلْتَ بِهَا عِبَادَكَ

وَكَرَّمْتَهُ

اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

قَبْلَ خَلْقِكَ لَوْ بَعْدَ خَلْقِكَ

آيَاهُ فَجَعَلْتَهُ مِنِّي هَدِيَّةً لَدَيْكَ

وَوَقَفْتَهُ كَحَقِّكَ وَعِصْمَتِي بِحَبْلِكَ

وَأَدَخَلْتَهُ فِي حَرْبِكَ وَأَرْشَدْتَهُ

لِمَوْلَاةٍ أَوْلِيَاءِكَ وَمُعَاذَاةٍ

أَعْدَائِكَ تَمَرُّهُ فَلَمْ يَأْتِرْ وَفَرَجْتَهُ

فَلْيَنْزِجْ رَوْحَهُمْ عَنْ مَعْصِيَتِكَ

فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَىٰ نَهْيِكَ لِامْتِعَانِكَ

لَكَ وَلَا اسْتَخْبَارَ عَلَيْكَ

بَارِعَاهُ هَوَاهُ إِلَىٰ مَا زَلَّتْهُ وَالِيًّا

حَدَّثَتْهُ وَأَعَانَتْهُ عَلَىٰ ذَلِكَ عُدُوكَ

وَعُدُوكَ فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفًا

بِوَعِيدِكَ رُجِيًّا الْعَفْوَكَ وَاتَّقَا

بِتَجَاوُزِكَ وَكَانَ أَحْوَجَ عِبَادِكَ

مَعَ مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ الْإِنْفِعَالَ

وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاحِبًا

ذَلِيلًا خَاضِعًا خَاشِعًا خَائِفًا مَعْرِفًا

بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمُّلُهُ وَ

جَلِيلِ مِنَ الْخَطَايَا اجْتِرْمَتُهُ

مُسْتَجِيرًا بِصَفْحِكَ لِأَنْذَابِ حُمْتِكَ

مَوْفِقًا أَنْ لَا يَجِيرَ مِنْكَ مَجِيرٌ وَلَا

يَنْجَعِي مِنْكَ مَا نَعَى ضَعْفًا عَلَيَّ

تَعُوذُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَفْرَفٍ مَرَّتْ

تَعْمَدُكَ وَجَدَّ عَلَيَّ بِاتِّجَادِهِ عَمَّتْ

الْقَيْدِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ

وَأَمَّنْ عَلَيَّ بِمَا لَا يَتَعَاظَمُكَ أَنْ

تَمَنَّيَ عَلَيَّ مِنْ أَمَلِكَ فَرُغْفَرَانِكَ وَاجْعَلْ

لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَا لِحَبْرَتَا

مِنْ رِضْوَانِكَ وَلَا تَرُدَّنِي ضَرْفًا

فَمَا يَنْقَلِبُ بِرِئْتِكَ لَكَ

فِي عِبَادِكَ فَأَوَانِي وَإِنْ كُنْتُ أَقْدَمُ مَا

قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّلَاحَاتِ فَقَدْ

قَدَّمْتُ تَعَجِيدَكَ وَتَفِي الْأَضْدَادِ

وَالْأَنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عِنْدَكَ وَاتَّبِعْكَ

فَرَأَى أَبْوَابَ التِّيْهِ أَمْرًا أَنْ تَوْتِي

مِنْهَا وَتَقْرُبِي إِلَيْكَ بِمَا لَيْقِي

أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا التَّوْبَةَ بِهَا تَمُوتِي

ذَلِكَ بِأَنَّ نَابِتَ إِلَيْكَ وَالتَّذَلُّ وَالِاسْتِغَاثَةُ

لَكَ مَحْسُورٌ الظَّنُّ بِكَ وَالتَّفَقُّهُ بِمَا

عِنْدَكَ وَشَفَعَتُهُ بِرَجَائِكَ الدُّرُ

قَلْبًا مَخْبِيًّا عَلَيْكَ مِنْ رَجَائِكَ وَسِالَتِكَ

مَسْئَلَةُ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَاكِرِ الْفَقِيرِ

لِلْحَائِفِ السَّجِيرِ وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَةٌ

وَتَضَرُّعٌ وَتَعَوُّذٌ وَتَلَوُّزٌ الْاِسْتِطِيلَا

بِتَكْبُرِ السُّتُكْبِينِ وَلَا مَتَعَالِيَا

بِدَالَةِ الْمُطِيعِينَ وَلَا اسْتِطِيلَا

بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ وَأَنَا بَعْدَ قَلْبِ

الْأَقْلِينَ وَاذِلُّ الْأَذْلِينَ وَمِثْلُ الذَّرَّةِ

مُتَسَاطًا

أودونها فإفرا لم يعاجل السيئين

ولا يندم المترفين ويا من يمين

يا قارة العائرين ويتفضل بانظما

للخاطيء أنا الميى المعترف الخاطيء

العائرا أنا الذى قدم عليك

مجنونا أنا الذى عضاك استغدا

أنا الذى استجفى من عبادك وبارك

المدني للتعرف

أنا الذى هاب عبادك وأمنك أنا

الذى لم يرهب سطونك ولو يخف

باسك أنا الجاني على نفسه أنا

المترهن ببلية أنا القليل الحياء

أنا الطويل العناء بحج من انجبت

من خلقك ومن اضطفتة لثرا

بحج من اخترت من بيتك وحببت

لحييت

لشأنك بحسب موصلت طاعتك بطاعتك

ومر جعلت معصيتك كعصيتك

بحسب من قرنت موالاتك بموالاتك

ومرظت معاداتك بمعادانك

تعدني في يوم هذا بما نتعد

به من جاراتك متصلا وعما

بأستغفارك تائباً وتوئيتي بما شئتوك

بأهاطاعتك والزلفي لذيك ولك

منك وتوحدني بما تتوحد به

من وافي بعهدك واتعب نفسك

في ذانك وأجهدها في مرضانك ولا

تؤاخذني بتفريطي في جنيتك

وتعدني طورى في حدودك

ومجاورة أحكامك ولا تستدري جني

بِأَمْلَانِكَ لِأَسْتَدْرَجَ مِنْ عَنِّي

خَيْرٌ مَا عِنْدَهُ وَلَمْ تَشْرِكْكَ

فِي جُلُوسِ نِعْمَتِي وَبِنَهْيِي مِنْ

رُقْدَةِ الْغَافِلِينَ وَسِنَّةِ الْمُسْرِفِينَ وَ

نَعْسَةِ الْخُذُولِينَ وَخُذْبِقِي إِلَى

مَا اسْتَعْمَلْتَ بِرِ الْقَانِئِينَ وَاسْتَعْدَدْتَ

بِنِ الْمَتَّبِعِينَ وَاسْتَنْقَذْتَ بِرِ الْمَتَّانِينَ

وَاعْذِنِي مِمَّا يَبْكَدُنِي عَنْكَ وَيُجْرِكُ

يَدِي وَيَبْرَحُ حَظِّي مِنْكَ وَيَصُدُّنِي

عَمَّا أَحْوَلُ لَدَيْكَ وَسَهْلُ لِي

مَسَلِكُ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ وَالْمَسَابِقَةُ

إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ أَمَرْتَ وَالْمَشَا

فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتَ وَلَا تَحْقِيقِي

فِيهِمْ تَحْقِيقِي الْمُسْتَحْفِي بِمَا أَوْعَدْتَ

وَلَا تَهْدِكُنِي مَعَ فَتْهَلِكُ مِنْ

الْمُتَعَصِّينَ لِفَيْتِكَ وَلَا تَبْرِي

فِيهِمْ تَبْرِي مِنَ الْمُخْرِفِينَ عَنْ

سَبِيلِكَ وَبِحُجِيِّ مِنْ عَمَلَاتِ الْفَسْتِدِ

خَلَصِي مِنْ هَوَاتِ الْبَلْوَى

أَجْرِي مِنْ أَخْطَرِ الْأَمَلِ وَجَلِّي

وَبِرْ عَلْوِي ضَلِّي وَهُوَ يُوَقِّي وَنَقِصْتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَا تَهْدِكُنِي مَعَ فَتْهَلِكُ مِنْ
الْمُتَعَصِّينَ لِفَيْتِكَ وَلَا تَبْرِي
فِيهِمْ تَبْرِي مِنَ الْمُخْرِفِينَ عَنْ

تَهْقِي وَلَا يُعْضِرْ عَنِّي أَعْرَافِي وَلَا

تَرْضَى عَنْهُ بَعْدَ عَضْبِكَ وَلَا

تُؤَيِّسِي مِنَ الْأَمَلِ فَيْعَلِبْ

عَلَّ الْقَنُوطُ فِرْ حَمَّتِكَ وَلَا تَمْحُتِي

بِمَا لَاطَاقَ لِي بِهَ قَبْهَظِي مَسَا

تَحْلَبِي وَمِنْ فَضْلِ حَمَّتِكَ وَلَا

تُرْسِلْنِي مِنْ نَدَاكَ أَرْسَالَ الْخَيْرِ فَيَدِ

وَلَا تَمْحُتِي

حَمَّتِكَ

وَلَا حَاجَتِكَ إِلَيَّ وَلَا أَنَابَتُ لِمَوْلَا

تَرُمُ فِي رَحْمِي مَنْ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي

رِعَايَتِكَ وَمِنْ أَشَقَلْ عَلَيْهِ الْحَزَنُ

فَرَعْنَدِكَ بِأَخْذِ يَدِي فَسَقَطَتِ اللَّتْرُ

وَوَهْدَةُ الْمُتَعَفِّينَ وَذَلَّةُ الْغُرُورِ

وَوَرْطَةُ الْهَالِكِينَ وَعَافِي مَيَّا

أَبْتَلَيْتَ بِرِطَبَاتِ عَمِيدِكَ وَأَمَانِكَ

وَيَلْغِي مَبَالِغَ مَرَعْنَدَتِ بِهِ وَأَفْعَمَتْ

عَلَيْهِ وَرَضِيَتْ عَنْهُ وَأَعَشَتْهُ

حَمِيدًا وَتَوَقَّيْتُ سَعِيدًا وَطَوَّقِي

طَوَّقَ الْأَقْلَاعِ عَمَّا يَجِبُ الْحَسَنَاتِ

وَيُدْهِبُ بِالْبَرَكَاتِ وَأَشْعُرُ قَلْبِي

الْأَزْدِ جَاعِعًا عَنْ قَبَاحِ السَّيِّئَاتِ

وَفَوَاضِحِ الْحَوَائِجِ وَالْأَسْغَلِي بِمَا لَا

أذكر كمالك عما أرى ضيق عني غيره

وانزع من قلبي حُب دُنْيَا رَيْبَةٍ

شهي عما عندك وصد عن

ابتغاء الوسيلا إليك وتدهل عن

التقرب منك ودين إلى التفرد

بمناجاتك بالليل والنهار هب

لعصمة تدني من خشيتك وتقطع

عن كواب محارمك وتفكيني من

أسر العظام وهب التطهير من

دنس العضيان واذهب عني

درب الخطايا وسر بلبي بسربك عا

وردد في رداء معافائك وجللني

سوايح نعمائك وظاهر كدي

فضلك وطولك وايدني بتوفيقك

وَسْتَدِيرُكَ وَإِعْنِي عَاصِمًا لِحَيْثُ النِّيَّةِ

وَمَرْضَى الْقَوْلِ وَمُسْتَجِرٍ الْعَمَلِ وَلَا

تَكِلْنِي إِلَى خَوْفِي وَقُوْنِي دُونَ

جَوْلِكَ وَقُوْنِكَ وَلَا تَحْرِزْنِي بِتَوْقُرِي

لِلْقَائِمِ وَلَا تَقْضِي بَيْنَ يَدَيَّ

أَوْ لِيَاثَمِكَ وَلَا تَنْسِنِي فِي كَرْكَ

وَلَا تَذْهَبْ عَنِّي سِرَّكَ بِالرُّمَيْدِ

فِي أحوَالِ السُّبْحِ وَعِنْدَ غَفَلَاتِ اللَّجْلِ

إِلَّا لَأَنَّكَ وَأَوْزَعْنِي أَنْ أَتَى بِمَا

أَوْ كَيْتَبِيهِ وَأَعْتَرَفَ بِمَا أَسَدْتِيهِ

إِلَى أَوْجَعِ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَاقِدِ

وَلَا تَخْذُلْنِي عِنْدَ فِاقَتِي إِلَيْكَ وَ

لَا تُهْدِكْنِي بِمَا أَسَدْتِيهِ لِيَهْدِي

وَلَا تُجْهِدْنِي بِمَا جَهْتُ بِهَا لِمُعَانِدِ

فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّغْبِيِّينَ
وَحَمْدِي يَا نَاكَ ٤

لَكَ فَإِنِّي لَكَ مُسْتَأْذِنٌ أَنْ أَلْحَجَّ بِكَ

وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ وَالْعَوْدِ بِالْإِلْحَافِ

وَأَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْعَفْرِقَةِ

وَأَنَّكَ بَانَ تَعْفُوا أَوْلَى مِنْكَ بَانَ تَعَا

وَأَنَّكَ بَانَ تَشْرُقُ أَقْرَبُ مِنْكَ

إِلَى أَنْ تَنْهَرَ فَأَحْسِنِي خِيَوْهُ طَيْبَةً

تَنْظُرُ بِمَا أُرِيدُ وَتَبْلُغُ بِمَا أَحِبُّ

فَرِحْتُ لِأَنِّي قَاتَلْتُكَ وَلَا أَسْتَكْبِرُ بِمَا خَشَيْتُ

عَنْهُ وَأَمْسَى مَيِّتَةً مِنْ لَيْلِي

نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَ

ذَلِكَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَأَعْرَفَنِي عِنْدَ خَلْفِكَ

وَضَعْفِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ وَأَرْضَعْنِي

بَيْنَ عِبَادِكَ وَأَغْنِنِي عَنْ هَوْنِي

عَنِّي وَزِدْنِي إِلَيْكَ فَاقْتَرِفَقِرًا وَأَعِدْ

فُسَمَاتِ الْإِعْدَاءِ وَفِرْجُولِ الْبَلَاءِ

وَمِنَ الذُّلِّ وَالْعَنَاءِ نَعْدِي فِيهَا

أَطْلَعْتُ عَلَيْكَ وَمَتَى مَا تَعْدِي بِهِ

الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْ لَأَخْلَدُ وَالْأَخِذُ

عَلَى الْكُحْرَيْنِ لَوْ لَأَنَاثَرُ وَإِذَا

أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سَوْءًا

فَنَجِّنِي مِنْهَا وَإِذَا بَكَ وَأَذْكَرْتَنِي

مَقَامِ فَضِيحَتِي فِي رُبِّيَاكَ فَلَا تَقْتِنِي

مُثْلَهُ فِي لِحْرْنِكَ وَاشْفَعْ لِي وَأَوَائِلُ

مِنْكَ يَا وَخْرَهَا وَقَدِيمِ فَوَائِدِ

بِحَوَادِثِهَا وَلَا تَدْرِي مَدَّ يَقْسُو مَعَهُ

قَلْبِي وَلَا تَقْرَعُنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ

كُلُّهَا بَائِسًا وَلَا تَسْتَهِي خَيْبَةً

يَصْغُرُهَا قَدْرِي وَلَا تَقِصِّصْ بِمُجْمَلِ

وَالشَّفْعِ

وَلَا تَقْرَعُنِي

تَقْصِصِ بِمُجْمَلِ

فَرَجَلَهَا مَكَانِي وَلَا تَرَعْنِي رَوْعَةً تُبْلِرُ

بِهَا وَلَا خِيفَةً أَوْ جُرُودَ نَهَا

اجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ وَحَدْرِي

فَرَاغِدَاكَ وَانْدَارِكَ وَرَهْبَتِي عِنْدَ

تَلَاوَعِ أَيْبَانِكَ وَأَعْمَلِي لِي بِإِقْبَاظِي

فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَتَقَرُّوِي بِالتَّسْبِيحِ

لَكَ وَتَجَرُّوِي بِسُكُونِي إِلَيْكَ وَانْتِرَالِ

وَمِثَالِ

وَحَدْرِي

وَرَهْبَتِي

جَوَائِحِي بِكَ وَمُنَا لَتِي أَيْبَانِي فِي فَكَاكَ

رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ وَإِجَارَتِي مَعَا فِيهِ

أَهْلِي مَا مِنْ عَذَابِكَ وَلَا تَذْرِبِي

فِي طَعْيَا عَامِمَا وَلَا فِي غَمْرِي سَاهِيَا

حَتَّى حِينٍ وَلَا تَجْعَلِي عِظَةً لِي مِنْ

أَعْظَا وَلَا زَكَالٍ لِي مِنْ أَعْتَبِي

وَلَا تَشْتَرِي لِي مِنْ نَظْرِي وَلَا تَمَكِّرِي فِيهِ مَتَكِّرِي

بِئْسَ مَا اسْتَبَدَّكَ بِيْ غَيْرِيْ وَلَا يُغَيِّرُ

اسْمًا وَلَا تَبْدِلُ اِحْسَامًا وَلَا تَتَّخِذُ

هُرًّا وَلَا تَخْلُقُ وَلَا تَسْجُرُ بِالْكَوْنِ وَلَا

تَبْعُ الْاَلْمِضَانِكَ وَلَا مَتْنَهَا اَلَا

بِالْاِنْتِقَامِ لَكَ وَاجِدِيْ بِيْ رَدْعِيْ

وَرَدْعِكَ وَرِيْحَانِكَ وَجَنَّةِ

بِعَمِكَ وَارْقِيْ طَعْمَ الْفَرَاغِ مَا تَحِبُّ

مَسْبُوعًا
وَالْحَلَقُ فِي خَشْيَتِكَ

بِسَعْتِ فَرْسَعَتِكَ وَالْاِحْتِمَادِ فِيمَا يُزِيلُ

لَدَيْكَ وَعِنْدَكَ وَتَخْفِيْ بِخُفْيَةٍ

مِنْ مَخْفَانِكَ وَتَجْعَلُ تِجَارَتِيْ

رِبْحًا وَكَتِيْ غَيْرِ خَاسِرَةٍ وَتَخْفِيْ

مَقَامَكَ وَتَسُوْقِيْ لِقَائِكَ وَتَسُبُّ

عَلَى تَوْبَةٍ نَّصُوحًا وَلَا تَتَوَمَّعُهَا

ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا تَذَمُّهَا

عَلَانِيَةً وَلَا سِرَّةً وَأَنْزِعِ الْعِلْمَ مِنْ

صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ وَأَعْطِفْ بِقَلْبِي

عَلَى الْخَاشِعِينَ وَكَرِهْ لِي كَمَا تَكُونُ

لِلصَّالِحِينَ وَجَلِّبْ حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ وَ

اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَائِبِ

وَذِكْرًا نَامِيًّا فِي الْآخِرِينَ وَوَفِّ

بِي عِزَّتَكَ الْوَالِيَةَ وَتَمَسُّوْغَ نِعْمَتِكَ

عَلَى وَظَاهِرِ كَرَامَاتِكَ الَّتِي وَأَمَلًا

مِنْ فَوَائِدِ كَسْبِي وَسَوْ كَرَامَتِي

مَوْاهِبِكَ الَّتِي وَجَاوِزِ الْأَهْلِيَّةِ

فِرَاقِ أَوْلِيَاءِكَ فِي الْجَنَائِزِ الَّتِي تَبْتَدِئُهَا

لِأَصْفِيَاءِكَ وَجَلِّبْ لِي شَرَائِفَ

نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ

لِإِجْبَائِكَ وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا

لِأَصْفَائِكَ

وَاجْعَلْهُ

أَوْ يَلِيهِ مُطْمَئِنًّا وَمَثَابَةٌ آتَتْهَا

وَأَقْرَبِينَ وَلَا تَقْأِي سِنِي بَعْضِنَا
الْحِجَارُ وَلَا تَهْدِكُنِي يَوْمَ تَهْدِي

وَلَا تَقْأِي سِنِي

السَّائِرُ وَأَنْزِلْ عَنِّي كُلَّ شَيْءٍ تُشْبِهْتَهُ

وَلِجَعَلِي فِي الْحَوَاطِرِ قِيَامًا مِنْ كُلِّ
سَجَةٍ وَلِجَوْلِي فِي قِسْمِ الْمَوَاهِبِ

مِنْ نَوَالِكِ وَوَقِّرْ عَلَيَّ حُطُوطَ الْأَحْسَانِ

مِنْ أَفْضَالِكَ وَأَجْعَلْ قَلْبِي وَثِقًا بِمَا

عِنْدَكَ وَهِيَ مُسْتَفْرَعًا لِمَا مَوْلَاكَ
وَاسْتَعْلِي بِمَا اسْتَعْمَلِ بِهِ خَالِصَتَكَ

وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ

طَاعَتِكَ وَأَجْمَعْ لِي الْغَنَى وَالْعَفْوَ
وَالدَّرْعَةَ وَالْمُعَافَاتِ وَالصِّحَّةَ

وَالسَّيِّئَةَ وَالطَّمَّائِنَةَ وَالْعَافِيَةَ وَلَا

الْعُقُولِ

وَلِجَعَلْ

تَجِدُ حَسْبًا بِمَا يَشْتَوِيهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ

وَالْخَلْقِ بِمَا يَعْزُضُكَ مِنْ تَزَعَا
فَتَنْتَبِهُ وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ

إِلَى أَجْدِمْ الْعَالَمِينَ وَذَيْبِي عَنِ التَّمَنَّا

مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ وَلَا تَجْعَلْنِي
لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا وَلَا لَهُمْ عَلَيَّ حِجْرًا

كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيرًا وَجُطْبِي مِنْ

حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حَيَاطَةَ تَقْيِينِي بِهَا وَافْتِخِ

وَالْبُؤَابِ قَوْمِيكَ وَرَحْمَتِكَ وَ
رَأْفَتِكَ وَذَرِّكَ الْوَاسِعِ إِلَى الْيُنُكِ

مِنَ الرَّغْبَةِ وَأَتَمِّمْ لِي أَنْعَامَكَ أَنْ تَخِيرَ

الْمُنْعَمِينَ وَتَجْعَلْ يَا قَوْمِي فِي رِجْحِ
وَالْغَيْرَةِ ابْتِغَاءً وَجْهَكَ يَا رَبِّ

الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

الطيب الطاهر والسلم عليهم

وكان ابد الابد من دعائهم

عليه السلام يوم الارضى

اللهم هذا يوم الجمعة يوم مبارك

مؤمنون والمسلمون فيه مجتمعون

في اقطار ارضك يومئذ السائل

منهم والطالب والرغب والراغب وانت

الثامن
علا ترعون

الناظر في حوائجهم فاسالك بحمدك

كريمك وهوان ما سالتك

عليك ان تصلى على محمد وآله

اسالك اللهم مرتين يا بان لك الملك

ولك الحمد لا اله الا انت الحكيم

الكريم الختان المثنان ذوا

تجلال والاکرام يدع السموات

وَالْأَرْضَ مَهْمَا قِيمَتَ بَيْنَ عِبَادِكَ

لِلْمُؤْمِنِينَ مِنْ خَيْرٍ وَأَوْعَافِيَةٍ

أَوْ بَرَكَاتٍ أَوْ هُدًى أَوْ عَمَلٍ

بِطَاعَتِكَ أَوْ خَيْرٍ تَمُرُّ بِئِهِ عَلَيْهِمْ

تَهْدِيهِمْ بِهِ إِلَيْكَ أَوْ تَرْفَعُ لَهُمْ

عِنْدَكَ دَرَجَةً أَوْ تُعْطِيَهُمْ خَيْرًا

فِي خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَسْأَلُكَ

ان
توقظني
نصبي
لا

اللَّهُمَّ بِيَانَ لَكَ الْمَلِكُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالْحَمْدُ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ

حَيْبِكَ وَصِفْوَنِكَ وَخَيْرِنِكَ ^{جميعاً}

خَلْقِكَ وَعَلَى مُحَمَّدٍ الْأَبْرَارِ

الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَوةً لَا

يَقْوَى عَلَيْهَا أَحْصَاءُهَا إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ

تَشْرِكُنِي فِي صَلَاحِ مَجْرَدِ عَاكِ فِي هَذَا الْيَوْمِ

مِنْ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ يَا رَبِّ

الْعَالَمِينَ وَإِنْ تَغْفِرْ لَنَا وَهُمْ لَنَا

عَاكِ لَشَيْءٍ قَدِيرٍ اللَّهُمَّ لِيكَ تَعَمَّرْتُ

بِحَاجَتِي وَبِكَ أَنْزَلْتَ لِي الْيَوْمَ فِقْرِي

وَوَفَّقْتَنِي وَمَسَكَنْتَنِي وَإِنِّي بِمَغْفِرَتِكَ

وَرَحْمَتِكَ أَوْثَقُ مَتِي بِعَمَلِي وَبِمَغْفِرَتِكَ

وَرَحْمَتِكَ أَوْثَقُ مَتِي بِعَمَلِي وَبِمَغْفِرَتِكَ

بِحَمْدِ وَالْمَجْدِ وَتَوَلَّ قَضَاءَ كُلِّ

حَاجَةٍ هِيَ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ يَا

وَتَيْسِيرَ ذَلِكَ عَلَيَّ وَبِفَقْرِي لِيكَ

وَعَنَّاكَ عَنِّي فَإِنِّي لَمْ أَصِبْ خَيْرًا

قَطُّ إِلَّا مِنْكَ وَلَمْ تُصِرْ عَنِّي

سُوءًا قَطُّ أَحَدٌ غَيْرُكَ وَلَا أَحَدٌ إِلَّا مِنْكَ

اخرني وديناي سواك اللهم من

تهيا وتهيئا واعدوا استعدادا

الى مخلوق رجاء ربه وتواقيه

وطلب نيل رجاءه فالينك يا فولا

كانت اليوم تهيتي وتعتيتي

واعداي واستعدادي رجاء

عفوك ورفدك وطلب نيلك

وجاءت نيك اللهم صل على محمد وال

محمد ولا تحيب اليوم ذلك من

رجائي يا من لا يخفيه سائل

ولا ينقصه نائل فاني كمرانك ثقته

معي بعوضا ح قدمته ولا شفا

مخلوق رجوت الاشفاة محمد

واهد بيته صلواتك عليه و

عَلَيْهِمْ فِي سَلَامِكَ أَتَيْتَكَ مُقْرَبًا بِجُرْمٍ

وَالْإِسَاءَةِ إِلَى نَفْسِي أَتَيْتَكَ بِجُرْمٍ

عَظِيمٍ عَفْوِكَ الَّذِي عَفَوْتَ

بِي مِنْ الْخَطِيئَةِ ثُمَّ لَمْ يَمْنَعْكَ طَوْلُ

عُكُوفِهِمْ عَلَى عَظِيمِ الْجُرْمِ

إِنْ عُدْتَ عَلَيْهِمْ بِالرَّحْمَةِ وَ

الْمَغْفِرَةِ فَيَا فَرَحِيَّتَهُ وَسِعَتْهُ

عَلَى

لِلنَّظَائِينِ

وَعَفْوُهُ عَظِيمٌ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا

كَرِيمُ يَا كَرِيمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَالْمُحَمَّدِ وَعَدِّ عَلَى بِرَحْمَتِكَ وَ

تَعَطَّفْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَتَوَسَّعْ عَلَيَّ

بِمَغْفِرَتِكَ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ

لِخُلْفَائِكَ وَلِخَفِيَّاتِكَ وَمَوْضِعُ

أَمْنَائِكَ فِي الدَّحِيئَةِ الْفَرِيعَةِ الَّتِي

اِخْتَصِمْتُمْ بِمَا قَدِ ابْتَرْتُمْ وَهَوَّأْتُمْ

لِلْقَدْرِ لِذَلِكَ لَا يَغَالِبُ أَمْرُكَ

وَلَا يُجَاوِزُ الْحَقُّ مِنْ تَدْبِيرِكَ

كَيْفَ شِئْتِ وَالْمِ شِئْتِ وَلَمَّا أَنْتِ

أَعْلَمُ بِهِ غَيْرُ مَتَّهِمٍ عَلَى خَلْقِكَ

وَلَا لِأَرَادَتِكَ حَقٌّ عَادَ صَفْوَتِكَ

وَأَخْلَفَاؤُكَ مَغْلُوبِينَ مَقْمُورِينَ

مُبْتَلِينَ يَرُونَ حُرْمَتَكَ مُبَدَّلًا وَكَتَابَكَ

مَنْبُودًا وَفِرَاقَكَ مُحَرَّفًا عَنْ

جِهَاتِ إِشْرَاعِكَ وَسُورِ نَبِيِّكَ

مَتْرُوكًا اللَّهُمَّ الْعَيْنُ أَعْدَاءُ مُمْرِسِ

الْأُولَى وَالْآخِرِينَ وَمَنْ رَضِيَ

بِفِعَالِهِمْ وَأَشْيَاعِهِمْ وَاتَّبَاعَهُمْ

اللَّهُمَّ صِدْقَ عَلِيِّ مُحَمَّدٍ وَالْمُحَدِّثَاتِ أَعْمَادِ

لصلاة الأتية

مجيد وبركانك وتحياتك على أضيافك

إبراهيم وإسماعيل وعجل الفرج

والروح والنصرة والمؤمنين

والتأييد لهم اللهم واجعلني من أهل

التوحيد والإيمان بك والقصد

برسولك والائمة الذين حتمت

طاعتهم من بحري ذلك بي وعك

يدينا مزين رب العالمين اللهم ليس

يرد غضبك الا حلك ولا يرد

سخطك الا عفوك ولا يجير من

عقابك الا رحمتك ولا ينجني منك

الا التضرع اليك وبين يديك

فصل على محمد وال محمد وهب لنا

يا اهل من لدنك فجا بالقدره التي

والا ينجني

بِنَاهِجِيْ اَصْوَاتِ الْعِبَادِ وَبِهَاتِشِ مَيِّتِ

الْبِلَادِ وَلَا تَهْلِكُنِي يَا اَللهِي عَجَابَتِي

تَسْتَجِيبُ لِي وَتَعْرِفُنِي الْاِجَابَةِ فِي دَعَا

وَاذْقُنِي طَعْمَ الْعَافِيَةِ اِلَى مَسْئَلِي اَجَلِي

وَلَا تَهْتِكُنِي بِعُدْوِي وَلَا تَمُكِّنْهُ

مِرْغَبِي وَلَا تَسْلُطْ عَلَيَّ اَللهِي اِنْ

رَفَعْتَنِي مِنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي وَاِنْ

تَمَكَّنْهُ

وَضَعْتَنِي مِنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي وَاِنْ

اَرَمْتَنِي مِنْ ذَا الَّذِي يُهَيِّنُنِي وَ

اِنْ اَهْنَيْتَنِي مِنْ ذَا الَّذِي يُكْرِمُنِي

وَاِنْ عَذَّبْتَنِي مِنْ ذَا الَّذِي يَرْحَمُنِي

وَاِنْ اَهْلَكَتَنِي مِنْ ذَا الَّذِي

يَعِزُّ لَكَ وَعَبْدِكَ اَوْ يَكْفُرُ لَكَ

عَافِرَةٌ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنْتَ لَيْسَ بِحَكِيمٍ

ظِلِّ وَالْإِنْفِيقِ عَجَلْهُ وَإِنَّمَا يَعْمُرُ

مَنْ يَخَافُ الْقَوْتَ وَتَمَّ الْيَحْتَاجُ

إِلَى الظِّمِّ الضَّعِيفُ وَقَدْ تَعَالَيْتَ

يَا أَلْهَى عِزِّكَ عَلَوُ كَبِيرِ اللَّهُمَّ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ

عَرَضًا وَلَا لِلنَّفَقِ نَضْبًا وَتَهْلِي

وَنَفْسِي وَأَقْلَبْ عَيْشِي وَلَا تَبْتَلِنِي

وَالِهِ

وَلَا تَبْتَلِنِي

بِإِلَهِ عِلْمِ الْبَلَاءِ فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي

وَقَلَّةَ حِيلَتِي وَتَضَرُّعِي إِلَيْكَ

أَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ الْيَوْمَ مِنْ غَضَبِكَ

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعِزَّنِي وَ

اسْتَجِيرُ بِكَ الْيَوْمَ مِنْ سَخَطِكَ

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْرِنِي وَ

أَسْأَلُكَ أَمْنًا مِنْ عَذَابِكَ فَصَلِّ عَلَيَّ

مُحَمَّدٌ وَالْبُدَامَتِي وَأَسْتَهْدِيكَ صِدِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ وَأَمْدِي وَأَسْتَنْصِرُكَ

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ مُحَمَّدٌ وَأَضْرِبْ

وَأَسْرَحْكَ صِدِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ وَأَزْجِي

وَأَسْتَكْفِيكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

اللَّهِ وَأَكْفِي وَأَسْتَرْزِقُكَ صَلِّ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ وَأَسْرِبْ وَأَسْتَعِينُكَ

وَالْمُحَمَّدِ

فَصِدِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ وَأَعْنِي وَأَسْتِغْفِرُكَ

لِمَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلَى

مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ وَأَغْفِرْ لِي وَأَسْعِمُكَ

فَصِدِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاللَّهِ وَأَعْصِمْنِي فَإِنَّ

لَنْ أَعُودَ لَشَيْءٍ كَرِهْتَهُ مِنِّي

إِنْ شِئْتَ فَمَا يَأْتِي بِأَرْبَابِي

يَا حَيُّ يَا مَنَّا يَا زَالِجَ اللَّيْلِ وَالنَّجْمِ

صِدِّعِ عَلِيَّ مُحَمَّدًا وَالزَّوْجَ اسْتَجِبْ لِي جَمِيعَ

مَا سَأَلْتُكَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ وَ

رَغِبْتُ فِيهِ إِلَيْكَ وَارْدُهُ وَ

قَدْرُهُ وَأَقْضِهِ وَأَمْضِهِ وَخَرِي

فِيمَا تَقْضِي مِنْهُ وَبَارِكْ لِي فِي

ذَلِكَ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ وَأَسْعِدْنِي

بِمَا تَعْطِينِي مِنْهُ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ

وَسِعَتِ مَا عِنْدَكَ فَإِنَّكَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ

وَصَلِّ ذَلِكَ بِخَيْرِ الْأَخْرَجِ وَتَعْمَلُهَا

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ تَدْعُوا بِمَا بَدَأَ

لَكَ وَتُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَالزَّوْجَ الْفَرَقَةَ

هَكَذَا كَانَ يَفْعَلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

وَكَانَ يَزِيدُ عَائِدَةً عَلَيْهِ السَّلَامُ

فِي رَفْعِ كَيْدِ الْأَعْدَاءِ وَرَبِّ بِاسْمِهِ

نزل
وَتُصَلِّيَ
رَبِّعِينَ وَتُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِمْ وَآلِهِمْ وَتَسَلِّمُوا
أَلْفَ مَرَّةٍ هَكَذَا كَانَ
يَفْعَلُ عَلَيْهِ
السَّلَامُ
التَّاسِعُ
مَا لَا يَبْغُونَ

إلهي هديتني فلهو ووعظت ^بففسو

وأبليت الحجيل فعصيت ^{ففسو}معر

ما أصدرت إذ عرقنيه ^{ففسو}فاغزرت

فاقلت فعذرت فسترت فلك إلهي

لخزمت أوردية الهلاك و

حلت شغاب تلف تعرضت

فيها باليطوانك ^{تلك}وَجَلَوْهَا عَقْوًا يَا

دوسلتي إليك التوحيد ^{بعته}وذمرا

إني لم أشرك بك شيئاً ^{ففسو}ولم أخذ

معك لها وقد فررت إليك

بنفسي وإليك مفر المي ومفرع

المضيق كحظ نفسه ^{ففسو}الملتجئ

فكم من عدا وانقضى ^{ففسو}على سيف

عداوتهم وشيخظ ^{ففسو}الضبية مديتة

وشحده

وَأَهْفَ لِي شَبَابِي حِدَّةٍ وَدَافِ لِي

قَوَائِلِ سَمُومِيهِ وَسَيِّدِ نَحْوِي

صَوَائِبِ سَهَامِيهِ وَلَمْ تَنْمِ عَنِّي

عَيْنُ جِرَاسَتِي وَأَضْمِرَانِ كَيْسُومِي

الْمَكْرُونِ وَيَجْرِعُنِي زُعَاقُ

مَرَارَتِي فَظُنْتُ يَا إِلَهِي إِلَى الضَّعْفِي

عَنْ أَحْتِمَالِ الْفَوَاحِجِ وَعَجْزِي عَنِ

دُعَافِي

الْإِنْصَارِ مِنْ قَضْدِ بَحَائِثِي وَخَلْقِي

فِي كَثِيرِ عَدَمِي نَاوَانِي وَارْتِدَائِي

بِالْبَلَاءِ فِيهَا لَمْ أَعْمَلْ فِيهِ فِكْرِي

فَأَبْتَدَأُ بِبَصْرِكَ وَشِدَاكَ أَنْ مَرَّ بِقَوْلِكَ

ثُمَّ فَلَّتْ لِي جِدِّي وَصِيْرَتِي مِنْ بَعْدِ

جَمْعِ عَدِيدِ وَجْدِهِ وَأَعْلَيْتُ كَيْفِي

عَلَيْهِ وَجَعَلْتَ فَاسِدًا مَرْدُودًا

الْإِنْتِظَارِ
وَمُرُورِي

أَلْبَاءِ

عَلَدِهِ

عليه فرددته لم شيف غيظاً ولم يسكن

غليله قد عص على شواه واذبر

مولياً قد لظفت سراياه وكمن

بانح بغنا بكائده ونصبك شك

مضائده ووكلي تفقد غايته

واضبا الى الضياء السبع لطير دته

انظرا لانه تارة الفصية لفرستته هو

وضبا الى الضياء

يظهر

يظهر لي نياشته الملو وينظرني على

شد تلخوق فلما رايت يا الهي تباركت

وقاليت دغل سيرتته وفتح ما انظر

عليه اكرسته لا قراسيد سردينه وردد

في مهوى جفرت فافتح بغل عطا

ذلا في بوق جبالته التي كان يقدر

ان يراها وقد كان ان يحكي لولا

ديت

ديت

رَحْمَتِكَ فَاحْلِلْ لِي سَائِرَ كَرَمِكَ فَحَسْبِيَ قَدْرُكَ

بِغَضَبِهِ وَتَحِيَّتِي بِعَيْظِهِ وَتَلَفِي
بِحَدِّ لِسَانِهِ وَوَحْيِي بِقُرْآنِهِ عَيْبِهِ

وَجَعَلَ عِزِّي عِزًّا لِمَيْتِي وَقَلْبِي فِي

خِلَافَةِ لَمْ تَزَلْ فِيهِ وَوَحْيِي بِكَيْدِي
وَقُدْرِي بِكَيْدِي فَتَدَارَيْتُكَ يَا إِلَهِي

مُسْتَعِينًا بِكَ وَأَتَقَاتِبُ عِزِّي بِاجَابَتِكَ

عَالِمًا أَنَّهُ لَا يَضْطَهُدُ قِرَاوِي إِلَى الظِّلِّ

كَيْفَكَ وَلَا يَقْرَعُ مِنْ كِبَالِي الْمَعْقِلِ
أَنْتَ صَارَكَ فَحَسْبَتِي مِنْ بَابِهِ

بِقُدْرَتِكَ وَكَمْ فَرَسَ حَائِبٌ مَكْرُومٌ حَيْثَمَا

عَنِّي وَسَكَتُ نَعْمَ أَنْطَرْتَهَا عَلَيَّ
وَجَدَلْتُ رَجْمَ نَشْرَتِهَا وَعَافِيَتِي

الْبَيْتِهَا وَأَعْيُنِ أَحَدِ أَطْمِنَةِهَا وَأَنْعَمُوا

أَنْتَ تَارَكَ

يَكْرَهُهَا

كُرَاتٍ كَشَفْتَهَا وَكَرْفِظِنَ حَسِينٍ حَقَّقْتِ

وَعَدِمَ جَبْرَتٍ وَصَرَعَةَ أَنْعَشْتِ

وَمَسَكَنَةَ حَوْلَتِ كُلَّ ذَلِكَ أَنْعَامًا

وَتَطَوَّلَ لَمْسُكَ وَفِي جَمِيعِهَا مَا كَانَتْ

عَلَى مَعْصِيَتِكَ لَمْ تَسْغَلْ سَائِذِي

عَزَائِمًا إِحْسَانِكَ وَلَا حِجْرِي فَلَكَ

عِزًّا تَكْرَابِ مَا حِطَّكَ لِتَسَالِغِ تَعْبَلُ

وَلَقَدْ سَيْلَتْ فَأَعْطَيْتِ وَالْمَسِيدُ

فَأَبْتَدَاتِ وَأَسْتَقِمْ فَضْلُكَ فَمَا

الَّذِي تَبَيْتِ يَا مَوْلَايَ الْإِحْسَانُ

وَأَمْسَيْنَا وَتَطَوَّلَ وَإِنْعَامًا وَأَبَيْتِ الْإِلَهَ

تَقْجَمِ الْحُرْمَانِ نَكَ وَتَعْدِي لِحُدُودِكَ

وَعَفْلَةً عَنِ وَعِيدِكَ فَفَلَكَ الْحَمْدُ

الهِمِّي وَمُقَدِّرِ لِمَغْدِي وَرِي أَنَا ذَلَّ لِحُجْلُ

هذا مقام اعتراف بسبوغ النعم وقابلها

بالنقصير وشهد على قلبه بالانصاف

اللهم فاقب اقرب اليك بالمحمدية

الفرجة والعلوية البيضاء وتوجر اليك

بهما ان يعذب من شر كذا وكذا

وان ذلك لا يضيؤ عليك في وجد

ولا يتذكر في قدرتك وانت على كل

فاعدت

شي قد ير فهب يا الهى من حمدك و

دوام توفيقك ما اتخذت سببا اعوج

به الى رضوانك وامر به من عقابك

وكان يا ارحم الراحمين دعائه

عليك السلام في الرهبية

اللهم انك خلقتني سويا وريدتني

صغيرا ورفقتني مكفيا اللهم انى وجد

الجمون

فَمَا أَنْزَلَتْ مِنْكَ بِكَ وَبَشَّرَتْ بِعِبَادِكَ

أَنْ قُلْتَ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَيَّ

انْقُصُوا مِنْ رَحْمَتِي اللَّهُ

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا وَقَدْ تَقَدَّمَ

مَعِيَ مَا قَدْ عَلِمْتَ وَمَا أَنْتَ عَلِيمٌ بِي

فِي أَسْوَاقِنَا بِمَا أَحْصَا عَلَى كِتَابِكَ

فَلَوْلَا الْمَوَاقِفُ الَّتِي أَوْقَفَ مِنْ عَفْوِكَ الَّذِي

شَمَلِكُمْ شَيْئًا لَقِيتُ بِيَدِي وَلَوْ أَنَّ أَحَدًا

اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ رَبِّي لَكُنْتُ أَنَا

أَحَقُّ بِالْهَرَبِ مِنْكَ وَأَنْتَ لَا تَحْتَفِي

عَلَيْكَ خَافِتِي فِي الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ إِله

أَتَيْتُ بِهَا وَكَفَى بِكَ جَازِيًا وَكَفَى بِكَ

حَسِيبًا اللَّهُمَّ أَنْتَ طَالِبِي إِنْ أَنَا نَافِسٌ

وَمُدِيرِي إِنْ أَنَا فَارِسٌ فَمَا أَنَا إِذْ أَيْدِي نِيكَ

منك

خازننا

خاضع ذليلك ايمان تعذبني فاني لذللك

اهل وهو يا رب منك عدل وان يقين

عني قد يدما شملني عفوك والبسنة

عافيتك فاسئلك اللهم بالبحر ومن

اسمائك وما اوردته الحجب من بحالك

الارض هذه القس البحر وعرف

فده الرقة الهلوة التي لا تستطيع حمر

شمسك فكيف تستطيع حزنك والتي

لا تستطيع صوت رعدك فكيف

تطيع غضبك فارجي الله فاني

امر حقير وخطي كبير وليس عذابي قما

يزيدني ملكك شقال ذرة وكوان

عذابي مما يزيدني ملكك كالك

الصبر عليك واجبت ان يكون ذلك

لَكَ وَلَكِنْ سَيِّطَانُكَ اللَّهُمَّ اعْظُرْ

مُلْكَكَ أَدْوَمَ مِنْ أَنْ تَزِيدَ فِيهِ

طَاعَةَ الْمُطِيعِينَ أَوْ تَقْصُرَ مِنْهُ

مَعْصِيَةَ الْمُذْنِبِينَ يَا أَرْحَمَ

الرَّاحِمِينَ وَتَجَاوَزَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ

وَالْإِكْرَامِ وَتَبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ

وَكَانَ قَوْلُ عَائِشَةَ الرَّحِيمِ عَلَيْكَ السَّلَامُ

الحجادي
والمحمدي

فِي التَّضَرُّعِ وَالِاسْتِكَانَةِ

إِلَهِي اخْذْكَ وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ أَعْلَى

حُسْنِ صُنْعِكَ إِلَى وَسْبِغِ نِعْمَتِكَ

عَلَّ وَجْزِي عِطَائِكَ عِنْدِي وَعِلْمُ مَا

فَضَّلْتَنِي مِنْ حُجْمِكَ وَأَسْبَغْتَ

عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ فَقَدْ اصْطَبَعْتَ

عِنْدِي مَا يَجْعَلُنِي عَنْ شِكْرِي كَوَالِ الْخَطَا

إلى سبوع نعمائك عداً بلغت آخرها

حظي ولا إصلاح نفسي ولا حكمك

ابتدأتني بالإحسان ورددتني

في أمور كلها الكفاية وصرفت

عني جهد البلاد ومنعت مني

محدور القضاء الهنيء كما من بلاد

جاهد قد صرفت عني وكرم نعمة

سابعاً قرنت به بعيني وكرم صنيعه

كرمية لك عندي أنت الذي

أجبت عند الاضطرار دعوتي

واقلت عند العيش زلتني وأخذت

لي من الأعداء بظلامتي لله

ما وجدتك بخيالاتي لثقتك

ولانقبضاً حين ارتدك بك وجدتك

متقبضاً

لِدُعَائِي سَامِعًا وَمَطْلَبِي مُعْطِيًا وَجَدَانِي

فَعَمَلِكَ عَلَيَّ سَابِقَةً فِي كُلِّ شَأْنٍ

مِنْ شَأْنِي وَكُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِي

فَأَنْتَ عِنْدَ مَجْمُوعِ وَصَدِيقِكَ لَدَيْ

مَبْرُورٍ يُجَدِّدُ نَفْسِي وَلِسَانِي

عَقْلِي خَدَّائِلُوعِ الْوَفَاءِ وَحَقِيقَةِ

السُّكْحِ خَدَّائِكُ الْيَكُونُ مَبْلَغِ خِصَالِكَ عَنِّي

فَجَنِّي فَرَسُخُطِكَ يَا كَهْفِي حِينَ تَعْبُدُنِي

الْمَذَاهِبِ يَا مَعْبِي عِثْرِي قُلُوبًا

مَسْرُوكِ عِزِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُولِ

وَيَا مَوْئِدِي بِالْبِضْرِ قُلُوبًا نَصْرًا يَا أَيُّ لَكُنْتُ

مِنَ الْمَغْلُوبِينَ وَيَا مَنْ وَصَّيْتِ

كَالْمَلُوكِ نِيرَ الْمَدِينَةِ عَلَى الْغَنَاقِمِ

فَهَمْ مِنْ سَطْوَاتِي خَائِفُونَ وَيَا أَمَلِي الْقَتِيلِ

قَهْمِ

ويا فناء الاسماء الحسنى اسئلك تعفو

عني وتغفر لي فليست بريئا فاغفر لي

ولا بد لي من فاسد ولا مفر لي فاقفر

واستقبلك عترة واتصل اليك مني

التي قد اوبقتني واحاطت في فلكك

منها فرت اليك رب تائب عاك

متعوذ اذ فاعد مستجير فلاحذ

سائلك فلا تخزني معصما فلا تظني

واعيا فلا تزدني خائبا دعوتك

يا رب يسكننا مستكنا شفقا

خائفا وجلا فقير امضطر اليك شكوا

اليك يا اله ضعفتي عن المساء

فيما وعدت اولياءك والجانبه

عما جذرت اعداءك وكثرة همومك ست

عَنِ الْمُنَازِعَةِ

نَفْسِي إِلَهِي لَمْ تَقْضِ خِيَرَتِي وَلَمْ تُهْلِكْ نَفْسِي

بِحُورِي فِي دَعْوِكَ فَجَبَلْتَنِي وَإِنْ كُنْتُ

بَطِيحًا جَبَلْتَنِي تَدْعُونِي وَأَسْأَلُكَ كُلَّ مَا

شِئْتُ فَخَوَّجْتَنِي وَجِئْتُ فَكُنْتُ ضَعِيفًا

عِنْدَكَ سِرًّا فَإِنْ أَدْعُوا سِوَاكَ

وَأَرْجُوا غَيْرَكَ لَيْسَ لِيَنَّكَ تَتَّبِعُ

فَنَشْرِكُ إِلَيْكَ وَتَلْقَى فَرْتَوِكُلْ عَلَيْكَ وَ

وَنَكْفِي

تَخْلُصُ وَرَاعَتْصَمِيكَ وَتَفْرُجُ عَمَّا لَدَيْكَ

إِلَهِي فَلَا تَحْرَمْنِي خَيْرِ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى

لِقَلْبِي سَكْرِي وَاعْفُ عَنِّي مَا تَعَامَلُ مِنْ ذُنُوبِي

إِنْ تُعَذِّبْنَا الظَّالِمِ الْمُفْطِرِ الْمُضِيعِ الْآخِرِ

لِلْقَصْرِ الْمَضِيعِ الْبَغْفَلِ حَظِّهِ

وَإِنْ تَغْفِرْ فَانْتِزِمِ الرَّحِيمِ

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

الْمَضِيعِ

الشَّيْءِ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

الاجحاح على الله تعالى

يا الله الذي لا يخفى عليك شيء في

الأرض ولا في السماء وكيف يخفى

عليك يا الهى ما انت خلقتك كيف لا

تخفى ما انت صنعته او كيف تخفى

عنه ما انت تدبر او كيف

يستطيع ان يهرب منك من الاجوة

كذالك انزقك او كيف تجر منك من لا

مذهب له في غير ملك سبحانك

انخى خلقك لك اعلمهم بك و

انضمهم لك اعلمهم بطاعتك و

امونهم عليك من انت تزرقهم

وهو بعد غيرك سبحانك لا اله الا انت

سلطانك فاشرك بك وكذب سلك

وَلَيْسَ يَسْتَطِيعُ فِرْكُهُ قَضَاءَكَ أَنْ يَبْرُدَ

أَمْرِكَ وَلَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ مَنْ كَذَبَ

بِقُدْرَتِكَ وَلَا يَفُوتُكَ مَنْ عَبَدَ

غَيْبِكَ وَلَا يَعْجُرُ فِي الدُّنْيَا فِرْكُهُ لِقَائِكَ

سُبْحَانَكَ مَا عَظُمَ شَأْنُكَ وَأَقْرَبُ

سُلْطَانِكَ وَأَشَدُّ قُوَّتِكَ وَأَشَدُّ

أَمْرِكَ سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ بِمَا كَمِيعَ خَلْقِكَ

الْمَوْتِ مِنْ وَجْهِكَ وَكَفَرْتُ بِكَ وَكَذَّبْتُ

لِلْمَوْتِ وَكَلَّمْتُكَ يَا رَبِّ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ

وَتَعَالَيْتَ لِإِلَهِ الْآلَاتِ وَخَدَّكَ

لَا شَرِيكَ لَكَ أَمَنْتُ بِكَ وَصَدَّقْتُ

وَسَأَلْتُكَ وَقَبَلْتُ كَهَابَكَ وَكَفَرْتُ

بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ وَبَرَأْتُ مِنْ

عِبَادَتِكَ يَا رَبِّ أَلْهِمْنِي الصُّبْحَ وَأَمْسِي مُشْتَقِلًا

بُرْسِلَكَ

لِعَمَلِي مُعْتَرِفًا بِذُنُوبِي مُقَرَّبًا لِنَجَاتِي يَا اَنَا

بِاسْتِغْنَاءِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلًا عَالِمًا لِكُنُوبِي

وَهَوَايَ اِرْدَانِي وَتَهَوُّوَاتِي حَرَمَتِي

فَاَسْئَلُكَ يَا فَوْلايَ سُؤَالَ رَفِيقِي لِهَيْبَتِي

لَطْوِ الْمَلَأَةِ وَبِدْرُغِ غَاوِلِ السُّكُونِ

بِعُرْوَةِ قَلْبِهِ مَفْتُونٌ بِكَثْرَةِ

التَّعَمُّرِ عَلَيَّ وَفِكْرِهِ فَيْلُ الْمَاهُو صَائِرٌ

الْبَيْتِ سُؤَالَ رَفِيقِي قَدْ غَلَبَ عَلَيَّ اَلْاَمَلُ وَ

فَتَّةُ الْهَوَى وَاسْتَمَكَّتْ مِنْهُ

الدُّنْيَا وَاظَلَهُ الْاَجَلُ سُؤَالَ مَنْ

اَسْتَكْرَزْتُ نُوْبًا وَاَعْتَرَفْتُ بِخَطِيئَتِي

سُؤَالَ مَنْ لَارَبَّ كُنُوبِكَ وَلَا وِلِيَّ

كَدُونِكَ وَلَا مُنْقِذَ لَكَ مِنْكَ وَلَا

مُنْجَا لَكَ مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ اَلْهُي اَسْأَلُكَ

بِحَقِّكَ الْوَالِجِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ

وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ رَسُولَكَ

أَنْ يُسَبِّحَكَ بِحَمْدٍ وَبِحَمْدِكَ الْكَرِيمِ

الَّذِي لَا يَبُلَى وَلَا يَتَغَيَّرُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَفْنَى

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ

تُعِينَنِي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ بَعْدَ رِزْقِكَ وَأَنْ

تُسَلِّمْ نَفْسِي مِنَ الدُّنْيَا بِمَا يَخَافُكَ وَأَنْ

تَتَّيِّنَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ

فَالَيْكَ أَقْرَبُ مِنْكَ أَخَافُ وَبِكَ

اسْتَعِيثُ وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَلَكَ أَدْعُو

وَإِلَيْكَ الْجَاوِبُ أَتُوقِي وَإِيَّاكَ اسْتَعِينُ

وَبِكَ أُوْمِنُ وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ وَعَلَى

جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَتَكَلِّمُ

وَكَانَ مِنْ رِزْقِ عَائِمَةٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ

الثالث
والخروج

في التذلل لله عز وجل

رب ارحمني ذنوبي وانقطعت

مقاتلي فلا حجة لي فانا الاسبير

ببليتي المرنهين بعلي المتردد في

خطيبي المتعبر عن قصدي المنقط

في قدا وقت نفسي موقف الادلاء

المدننين موقف الاشقياء المتجنين

بفعل

وقفت

عليك المستخفين بوعداك سبحانك

اي جورة اجترأت عليك واني

تغيرت بنفسي مولاي

ايحزوني في وجهي ورتب قدمي عند

جملك على جهلي وبلحسانك

على اساءتي فانا المقر بذنبي

المعترف بخطيبي في هذه يدي وانا صلت

استكين بالقول من نفسي احمديتي

وتفاد ايامي واقتراب اجلي

وضغفي فمكنتي وقلة حيلتي

مولاي واحمدي اذا انقطع في الدنيا

اثرى واحمدي من المخلوقين ذكرك

وكنت في المستبين كن قدسي

مولاي واحمدي عند تغير صورتي و

انا بي

حالي اذا ايلي جسمي وتفرقت اعضائي

وتقطعت اوصالي يا غفلتي

عما يراد بي مولاي واحمدي في

حشري ونشري واجعل في ذلك

اليوم مع اوليائك موقفي و

في لعبائك مضدي وفي جوارك

مساكني يا رب العالمين

الرابع
من
المخزون

وَكَانَ مِنْ رُغَائِدِ عَلِيِّ السَّلَامِ فِي

اِسْتِكْشَافِ الْهَمُومِ

يَا فَارِحَ الْهَمِّ وَكَاشِفَ الْغَمِّ

يَا حَمْدَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِمَهُمَا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفِجْ هَمِّي

وَكَشِفْ غَمِّي يَا وَاحِدِيَا أَحَدِيَا

يَا فَرْدُكَ لَمْ يُولِدْ لَمْ يُولَدْ لَمْ يَكُنْ لَمْ يَكُنْ

أَحَدًا عَصَمَنِي وَطَهَّرَنِي وَأَزْهَبَ

بِئَلَيْتِي وَأَقْرَأَنِي الْكُرْبَى

وَالْمَعْرُوبِينَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

وَقُلْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ

مَنْ أَسْتَدْتَّ فَاقْتَهُ وَضَعَفَتْ

قُوَّتُهُ وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ سُؤَالَ

فَلَا يَجِدُ لِفَاقَتِهِ مَغِيثًا وَلَا لَضَعْفِهِ

مُقَوِّيًا وَلَا ذَنْبًا غَا فِرَاعِيكَ يَا

ذَالْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَسْأَلُكَ

عَمَّا تَحْتَجُّ بِهٖ مِنْ عَمَلٍ بِهٖ وَيَقِينَا

تَنْفَعُ بِهٖ مِنْ أَسْتَيْقِنُ بِرِخْوِ الْيَقِينِ

فِي نِقَادِ أَمْرِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

وَإِلَّا مُحَمَّدًا وَقَبْضِ عَلَى الصَّدَقِ

نَفْسِي وَاقْطَعْ مِنَ الدُّنْيَا حَاجَتِي وَاجْعَلْ

يَنْفَعُ مِنْ أَسْتَيْقِنُ

فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتِي شَوْقًا إِلَى الْقَائِدِ

وَهَبْ صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيَّكَ

أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ كِتَابٍ قَدْ خَلَا

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ خَلَا

أَسْأَلُكَ خَوْفَ الْعَابِدِينَ لَكَ وَ

عِبَادَةَ الْخَائِعِينَ لَكَ وَيَقِينِ

الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ وَتَوَكَّلْ

الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكَ اللَّهُ لَجِئْتُ بِغَيْبِي

فِي سَأَلِي مِثْلَ رَغْبَةٍ أَوْلِيَاءِكَ

فِي سَأَلِهِمْ وَرَغْبَتِي مِثْلَ رَغْبَةٍ

أَوْلِيَاءِكَ وَأَسْتَعِينِي فِي مَرْضَانِكَ

عَمَلًا لَا أَتْرُكُ مَعَهُ شَيْئًا مِنْ

دِينِكَ خَائِفًا أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ

اللَّهُ هَذِهِ حَاجَتِي فَأَعْظُرْ فِيهَا

رَغْبَتِي وَأَظْهِرْ فِيهَا عُدْرِي وَلِقْتِي

فِيهَا حُجَّتِي وَعَافِي فِيهَا جِدْرِي

اللَّهُ مِنْ أَصْحَابِ ثِقَةٍ أَوْ رِجَاءٍ

عَيْكَ فَقَدْ أَصْبَحْتُ وَأَنْتَ ثِقَتِي وَ

رِجَائِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا فَأَعْظُرْ

لِي بِتَجْرِيفِ عَاقِبَةٍ وَتُجْحِي مِنْ

مُضَلَّاتِ الْفِتَنِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ

الرحمن وصلى الله على سيدنا

محمد رسول الله المصطفى و

على آل الطاهرين

تمت الصحيفة الكاملة في كل ليلة

الشاجدين امامير العابدین

عليه السلام در تاريخ يوم احد

بیت هفتم شهر محرم الحرام سنه

كتب المذنب المحتاج الى الله الغني

ابن محمد زمان محمد علي كاتب

الشهيد بالقصاب

اصفهان
جاءه



119

